





پوهنتون جوزجان
معاونیت تحقیقات و مجله علمی
آمریت مجله علمی (ژورنال)

مجله علمی-تحقیقی
جوزجان
علمی-خبرنیزه مجله

دوره ۱۸، شماره ۲ (مسلسل ۴۷)، خزان و زمستان ۱۴۰۴

حوزه فعالیت
علوم اجتماعی

مجله علم - تحقیق و پژوهش

دوره ۱۸، شماره ۲ (مسلسل ۴۷)، خزان و زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: پوهنتون جوزجان

ناشر: پوهنتون جوزجان

مدیر مسئول: پوهنمل عبدالکریم احمدی

سرمدیر: پوهنمل دوکتور محمد دانشگر

اعضای هیأت تحریر

پوهنوال نورالله آلتای

پوهنوال عتیق الله نافع

پوهندوی محمد آرش خلیلی

پوهندوی ابوریحان انتظار

پوهندوی عبدالرحیم فرزاد

پوهندوی جمشید احمدی

پوهنمل محمد میرزایی

پوهنمل عبدالوکیل لیوال

پوهنمل محمد عارف انوری

پوهنمل قدرت الله ایوبی

پوهنیار عبدالولی مختاری

معاون تحقیقات و مجله علمی: پوهنوال دوکتور محمد اکرم حکیم

آمر مجله علمی (ژورنال): پوهنمل محمد علم عدیل

مدیر عمومی مجله: یار محمد فیضی

مدیر نشریه مجله علمی: خال محمد نوری

دیزاین: آمریت مجله علمی

تعداد صفحات: ۱۸۴

تیراژ: ۱۰۰ جلد

قطع: وزیری

سال تأسیس: ۱۳۸۷

تمدید جواز: ۱۴۰۲

ناشر: پوهنتون جوزجان

محل چاپ: شیرغان

مسئولیت صحت مطالب مقالات با نویسندگان است.

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای پوهنتون جوزجان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

ایمیل: sj.jawzjanan@gmail.com – sj.jawzjanan@ju.edu.af

وبسایت: <http://jawzjanan.ju.edu.af>

شماره تماس: +۹۳۷۸۱۶۰۰۵۳ / +۹۳۷۶۶۴۱۴۳۴۵

آدرس: جوزجان، شیرغان، پوهنتون جوزجان، آمریت مجله علمی.

راهنمای نویسندگان

رهنمود نگارش و فارمت نگارش مقالات مجله علمی- تحقیقی جوزجانان در وبسایت این مجله (<http://jawzjanan.ju.edu.af>) قابل دسترس است.

مقاله طبق رهنمود مجله ترتیب و فایل ورد آن به همراه تعهدنامه نویسندگان به ایمیل مجله (sj.jawzjanan@ju.edu.af / sj.jawzjanan@gmail.com) ارسال شود.

مقاله ارسالی بعد از بررسی توسط مدیر مسئول، سردبیر، هیأت تحریریه و داوران مربوط؛ تأیید، رد و یا برای اصلاح به نویسنده بازگشت داده می‌شود

مقاله باید قبلاً و یا هم‌زمان برای هیچ مجله دیگری ارسال نشده باشد و همچنین تا زمانی که نتیجه قطعی مقاله در این مجله مشخص نشود؛ به مجله دیگر ارسال نگردد.

مجله در پذیرش، رد، تلخیص و ویرایش مقاله آزاد بوده و مسئولیت مطالب هر مقاله از هر لحاظ به عهده نویسنده می‌باشد.

نام نویسنده/گان همراه با رتبه علمی و وابستگی سازمانی (دیپارتمنت، پوهنځی، پوهنتون یا بست و اداره‌ای که نویسنده در آن مشغول به کار است)، شهر، کشور، ایمیل، اُرکید نمبر (ORCID ID) و شماره تماس، ذیل عنوان مقاله درج شده و نویسنده مسئول نیز مشخص گردد.

گواهی پذیرش (Accept) مقاله بر اساس درخواست نویسنده و پس از اتمام مراحل داوری و تصویب نهایی هیأت تحریریه از طریق آمریت مجله صادر می‌شود.

هر مقاله به صورت دو سو کور یا دو طرف ناشناس (Double-blind peer review) حداقل به وسیله دو (در صورت نیاز سه) داور با تکمیل فورم ارزیابی، مرور می‌شود.

ارجاع به منابع به صورت درون‌متنی به روش APA می‌باشد.

فهرست مطالب

۱.....	اصول و ویژگی های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان	پوهنوال دوکتور سید مبین هاشمی
۱۵.....	بررسی فرصت های شغلی و کارآفرینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ)	پوهندوی ابوریحان انتظار، نامزد پوهنیار غلام سرور عارفی، محمد رسول محمدی، نصیر احمدی فیضی
۲۷.....	تورکمن دیلیندکی سوزجوکلرینگ اولانیلیشی نینگ درنگوی	پوهندوی عبدالرحیم فرزاد
۴۳.....	د ابن خلدون له نظره د حکومتونو د عروج او زوال لاملونه	پوهنمل دوکتور خالدین خاورین، پوهندوی عبداناصر ستانکزی
۶۵.....	بررسی عوامل آلوده گی شهر کابل در فصل زمستان (مطالعه موردی: ۱۳۹۸-۱۴۰۲)	پوهنمل ملا جان رحمانی
۹۵.....	بررسی نقش سیاست در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان	پوهنمل محمد میرزایی، پوهنمل ولی الله امین
115.....	Framing the Onset of Conflict: A Comparative Analysis of CNN and Al Jazeera English Coverage of the Israel–Hamas War (October 7, 2023)	Teaching Assistant Sakhidad Mahdiyar, Senior Teaching Assistant Sabghatullah Ghorzang
۱۲۹.....	بررسی نقش حاصلات انگور در تقویت اقتصاد خانوار دهاقین (مطالعه موردی: ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب)	پوهنیار عبدالمنان ظهیر، نامزد پوهنیار زین الله متین
۱۵۱.....	بررسی گونه های جناس در شعر حیدریو جودی	نامزد پوهنیار صفی الله افضلی، نامزد پوهنیار خدایرحم عطش

اصول و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان

سید مبین هاشمی*

پوهنوال دوکتور، دیپارتمنت جامعه‌شناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون پروان، چاریکار، افغانستان.

<https://orcid.org/0000-0002-0637-9002> - syedmobin12345@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۱۸)

چکیده

اندیشه از ویژگی‌های فطری انسان‌ها به‌شمار رفته و یکی از جمله تفاوت انسان‌ها با سایر موجودات عقل و اندیشه است. براین اساس، دین مقدس اسلام به اندیشه اهمیت ویژه قایل شده است. دانشمندان متقدم مسلمان با استفاده از پیام اسلام به اندیشه و اندیشه اجتماعی اهمیت داده‌اند. آشناسازی بهتر جوانان جهان اسلام و شامل‌سازی بیشتر چنین بحث‌ها در تحقیقات جامعه‌شناسی، به‌حیث یک مسأله در این مقاله مطرح است. در اینجا هدف از دانشمندان متقدم اولین گروهی از دانشمندان مسلمان است که بعد از صحابه (رض) ظهور کرده و نظریه‌پردازی کرده‌اند. هدف از انجام این تحقیق بیان اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان؛ تثبیت اصول و ویژگی اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان است، می‌توان گفت اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان را وحی، وحدت، انسان‌محوری و نظم جهانی تشکیل داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دانشمندان متقدم مسلمان هنگام بیان نظریات‌شان مباحث دینی را اصل قرار داده‌اند؛ به تعقیب آن انسان و کمال آن همچنان بحث‌های تاریخی و فلسفی را مد نظر گرفته و در قسمت علم به کاربردی بودن آن بسیار توجه کرده‌اند. مقاله‌ها از نگاه محتوا با استفاده از روش تحقیق کیفی تدوین شده و از نگاه تکنیک روش مروری، تحلیلی و توصیفی ترجیح داده شده است. در قسمت جمع‌آوری اطلاعات و منابع از روش استنادی؛ یعنی کتابخانه‌ای استفاده صورت گرفته و تا حد امکان منابع دست اول به کار رفته است.

کلمات کلیدی: اندیشه، اندیشه اجتماعی، جهان اسلام، دانشمندان مسلمان.

* ارجاع: هاشمی، سید مبین. (۱۴۰۴). اصول و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان. مجله علمی - تحقیقی جوزجانان، ۱۸ (۲)، ۱-۱۴. <https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2025.85>

Principles and Characteristics of the Social Thought of Early Muslim Scholars

Sayed Modin Hashimi*

Associate Prof. Ph.D. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Parwan University, Charikar, Afghanistan.

syedmobin12345@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0002-0637-9002>

(Received: 02/11/2025 - Accepted: 07/04/2026)

Abstract

Thought is one of the natural Characteristics of the human and one of the differences between humans and other creatures is mind and thought. The holy religion of Islam has given special importance to the thought, which is why early Muslim Scientists using the message of Islam, have given importance to thought and social thought. The lack of the familiarity among most young people and writers in the Islamic world with the principles and nature of social ideas of ancestors in addition to the common thoughts and beliefs that exist in the world regarding the history and origin of formation of the social ideas is a problem for us. Here the term of Early Scholars refers to the first group of Muslim Scholars who emerged and theorized after the companions. The aim of this research is to explore the social thought of early Muslim scholars and to identify the principles and features of their social thinking. Based on our review, no prior academic research has been conducted on this topic by university professors in the country, and on the other hand, understanding this issue is essential and necessary for students, which justifies this study. According to the studies conducted, the foundations of the thought of Muslim scholars are based on revelation, divine unity (tawhid), human-centeredness, and universal order. In presenting their ideas, early Muslim scholars primarily focused on religious discussion. They subsequently addressed the concept of the human being and their perfection, as well as historical and philosophical themes. They also paid special attention to the practical application of knowledge. This article has been written using a qualitative research method and an analytical technique, and the library method was preferred for data collection.

Key Words: Islamic World, Muslim Scholars, Social Thought, Thought.

* . **Citation:** Hashimi, S.M. (2026). Principles and Characteristics of the Social Thought of Early Muslim Scholars. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 1–14.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.85>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

اندیشه و اندیشیدن یکی از خصلت‌های عام انسانی است که او را از دیگر حیوانات متمایز ساخته و بر سایر جانداران برتری می‌بخشد. از آنجا که خداوند جل جلاله انسان را دانش آموخت؛ راه و روش‌های آنرا نیز به او یاد داد و شاید این ویژگی جز خصلت‌ها و خلاقیت انسان بود که چگونه از محیط خود علم آموزد و معلوماتش را افزایش دهد. بلی این در حکمت الهی گنجانیده شده است که اگر چیزی را به موجودی داده است آنرا به نحو کامل (در حد وجودی آن) به او بخشیده است. چنانکه در آیت ۵۰ سورة طه چنین آمده است: ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ ترجمه: گفت (موسی علیه السلام) رب ما آن است که داد هر چیزی را صورتش سپس راه نمودش (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱، ص. ۶۹۶). اگر خداوند انسان را فکرت آموخت؛ راه‌های آنرا نیز به او یاد داد و او را با ابزار آن مجهز ساخت که خلاقیت خود را نشان دهد و از سوی دیگر انسان محیط خود را بسازد و در هستی خود و زندگی‌اش تأمل کند و این تأمل انسان را به‌سوی کشف حقیقت و شناخت خود برساند. یکی از اهداف فلسفه اسلامی نیز شناخت حقیقت و سعادت و رسیدن به آن است. از سوی دیگر الله متعال در قرآن عظیم الشان در جاهای مختلف انسان را به تفکر درباره کائنات و موجودات و پیدایش متوجه می‌سازد. مثلاً در آیت ۱۷ سورة الغاشیه الله متعال چنین فرموده است: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خَلَقَتْ). ترجمه: آیا آنها نگاه نمی‌کنند که شتر چگونه خلق شده است؟ در این آیت الله متعال انسان را در آفرینش شتر دعوت می‌کند. هدف در این جا تفکر در باره قدرت و توانایی الله متعال است. از اینکه تفکر انسان را متوجه قدرت الله متعال و هدف آفرینش و موجودات می‌سازد، از این جهت فیلسوفان، تفکر و اندیشیدن را چنین تعریف کرده‌اند (الفکر حركة من المبادئ و من مبادئ الى المراد)؛ یعنی اندیشه حرکتی است به‌سوی مبدأها و از مبدأها به‌سوی مرادها و اهداف و این حرکت همیشه در جریان است. اصطلاح دانشمندان متقدم مسلمان، به دانشمندان پیشگام علوم اجتماعی همچو ابونصر فارابی، ابوریحان البیرونی، امام ابوحامد غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون ... اطلاق می‌شود که آنها در قسمت رشد و پیشرفت علم در جهان به خصوص در جهان اسلام نقش ارزنده بازی کرده‌اند.

علی الرغم آنکه در جهان اسلام دانشمندان زیادی در گذشته موجود بوده و هر کدام‌شان پیرامون موضوعات مختلف نظر ارایه کرده‌اند؛ اما در جهان اسلام اکثر محققان و جوانان جهان اسلام از اصول و اندیشه آنها بی‌خبر اند. این مورد به حیث یک چالش در علوم اجتماعی باقی

مانده است. کمبود تحقیق پیرامون اصول دانشمندان متقدم مسلمان، عدم آگاهی اکثر مسلمان‌ها از اصول و اندیشه آن‌ها و نیاز مبرم جامعه علمی به اصول و اندیشه دانشمندان متقدم مسلمان ما را وادار ساخت تا پیرامون موضوع تحقیق نماییم.

هدف از انجام این تحقیق، درک مبانی، تثبیت اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی آنها است. دیده شود که اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان بر کدام مبنا استوار بوده، آنها در بیان اندیشه‌های اجتماعی شان کدام اصول را در نظر گرفته اند؟ و اندیشه اجتماعی آنها دارای کدام ویژگی‌ها اند؟

تا جایی که مطالعه و بررسی شد درک این موضوع از سوی محصلان لازم و ضروری بوده و کمک می‌کند که محصلان و جوانان با اصول و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی گذشتگان شان بیشتر آشنا شوند که این مورد بیانگر اهمیت تحقیق هذا می‌باشد. دانشمندان متقدم مسلمان در وقت بیان نظریات شان کدام مبنا و اصول اسلامی را در نظر گرفته اند؟ اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان دارای چی نوع ویژگی‌ها هستند؟ در قسمت انجام تحقیق روش کیفی استفاده گردیده و تحقیق با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است. در قسمت جمع آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای انتخاب گردیده است.

در نتیجه جست‌وجوی مقالات در پرتال‌های افغانستان و ترکیه به دو مقاله ذیل دسترسی پیدا کردیم که بیشتر با موضوع ما نزدیک‌تر بودند:

۱. روحانی و مذهبی (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه در روایت حدیث» نقش امام اعظم رحمه الله علیه را در روایت احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم بررسی نموده است. نتیجه تحقیقات ایشان نشان می‌دهد که امام اعظم رحمه الله علیه در روایت احادیث بسیار حساس بوده و روش خاصی را انتخاب کرده است. حساسیت موصوف در انتخاب احادیث توسط دانشمندان بعد از وی، نقش مهمی را بازی کرده است. تفاوت این تحقیق با مقاله فوق در این است که این مقاله اصول و ویژگی اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان را یک‌جا مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

۲. ابوغده (۱۹۹۵) در تحقیقی تحت عنوان İslam Alimleri'nin Gözüyle Zamanın Kıymetli. Tercüme: Enbiya Yıldırım بررسی نموده است. آن‌طوری که از محتوای مقاله هذا فهمیده می‌شود دانشمندان مسلمان در وقت بیان نظریات شان ویژگی اسلامی را اصل قرار داده اند. نتیجه تحقیق

بالا بیانگر این است که یک رابطه نزدیک بین نظریات دانشمندان مسلمان و ارزش‌های اسلامی دیده می‌شود. در تحقیق حاضر این اصول و ویژگی‌ها از نظریات اجتماعی دانشمندان با جزئیات آن به بحث و بررسی گرفته می‌شود.

در این دو مقاله نویسندگان از اصول کلی بعضی از دانشمندان مسلمان بحث کرده‌اند؛ اما هیچ اشاره‌ای به اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان نکرده‌اند؛ درحالی‌که اثر در این جا کاملاً پیرامون اصول و ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان پرداخته می‌شود.

اصول اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان

بدون شک دانشمندان مسلمان در وقت ارایه اندیشه‌های اجتماعی‌شان از یک سلسله اصول پیروی کرده‌اند که دانستن آن برای نسل امروزی مسلمان‌ها یک امر حتمی و ضروری پنداشته می‌شود. این مورد به خاطری مهم است که نسل کنونی بدانند و بفهمند، گذشتگان‌شان نیز در بیان نظرات‌شان از یک سلسله اصول پیروی کرده که شرح‌شان قرار ذیل است:

الف) وحی

از دید اسلامی، عالی‌ترین شیوه ارتباط با جهان ما فوق وحی است؛ زیرا اسلام دینی است مبتنی بر وحی دانشمندان اسلامی همیشۀ مبداء علم و حکمت را وحی دانسته‌اند. در قرآن مجید که مهم‌ترین مرجع دینی مسلمان‌ها به شمار می‌رود الله متعال در آیات مختلف از وحی بحث کرده است. چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالذِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالأَسْبَاطِ وَعِيسَى - وَأَوَّابٌ وَهُدًى وَهُزُونَ وَسَلَامٌ فَأْتُوا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ (سوره النساء، آیت ۱۶۳). ترجمه: ما وحی فرستادیم به‌سوی تو چنانکه وحی فرستادیم به‌سوی نوح علیه السلام و پیامبرانی که بعد از وی بودند و وحی فرستادیم به‌سوی ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب علیه السلام و بر احفاد آنها و به عیسی علیه السلام، به ایوب علیه السلام، به یونس علیه السلام، به هارون علیه السلام و به سلیمان علیه السلام و دادیم به داود علیه السلام زبور (تفسیر کلبلی، ۱۹۹۱).

در جای دیگری الله متعال چنین فرموده است: ﴿وَأَذِخْهُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِهِ وَيَرْسُوهُ قَالُوا آمَنَّا وَهُمْ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (سوره المائده، آیت ۱۱۱). ترجمه: و چون انداختم در دل خواریون که ایمان آورید به من و به پیامبر صلی الله علیه و سلم من. گفتند ایمان آوردیم و گواه باش به اینکه ما فرمانبردار هستیم. (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱). وحی نقطه اوج عروج انسانی بوده که کمال او در گذر از زمین به سوی خدا به نهایت رسیده است. چنانکه نصر می گوید فلسفه اسلامی مبتنی بر وحی بوده و وحی در تکوین اندیشه اسلامی نقش مهمی را بازی می کند (نصر، ۱۳۷۱، ص. ۱۱). از اینرو، کسی که سلاح وحی را در جنگ خویش دارد دارای یک سلسله امتیاز و برتری دیگر نیز است. از سوی دیگر پیامبر صلی

الله علیه و سلم انسان کمال یافته بوده و می تواند الگو، رهبر و رهنمای بشریت باشد و او سزاوار فرمانروایی بر همه جهانیان است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۳). این امر نیز در اندیشه دانشمندان جهان اسلام به وضوح دیده می شود؛ زیرا وحی اصل و اساس زندگی انسان به خصوص زندگی مسلمان ها را تشکیل می دهد. کار بسیار به جا و معقول است که دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظر از این اصل پیروی کنند. آن طوری که از تفاسیر آیات قرآن کریم فهمیده می شود وحی منبع دانش و تفکر نیز است؛ زیرا اولین پیام الهی که به عبارتی حلت علم و دنیایی را برای انسان ها داشت از طریق وحی به انسان ها رسیده است.

(ب) وحدت

اولین اصل جهان بینی اسلامی توحید است. اصلی که هسته اولیه جهانشناسی اسلام را تشکیل می دهد. طبق این اصل، خالق تمام کاینات یکی بوده و آن هم ذات باری تعالی است و او بر تمام جهان موجودات مبدأ اولی به شمار می آید. اوست که منشأ خلقت و مقصد هستی است. گرچه جهان هستی عالم کثرت است؛ اما کوچک ترین بخش این کثرت رو به سوی وحدت دارد. همه اجزای عالم در عین کثرت حکم شیء واحدی را پیدا می کنند که غرض واحدی نیز دارند. اندیشه وحدت در تفکر و بیان علوم و فنون اسلامی مسلط است (نصر، ۱۳۵۹). این اندیشه در تمام معارف اسلامی جاری و ساری است. هدف تمام علوم و معارف اسلامی نشان دادن وحدت و پیوستگی تمام موجودات است؛ بدانگونه که آدمی با مشاهده وحدت جهان و وحدت الهی رهنمون می شود (وحدت طبیعت، تصور از وحدت الهی است) در حقیقت اصل، اساس و علت وجود اسلام بیان و اشاعه اصل توحید است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۰-۱۱۱). وقتی که موضوع از این قرار است پس دانشمندان جهان اسلام نیز در وقت ارایه نظر و اندیشه های شان این اصل را رعایت کرده و آن را در نظر گرفته و می گیرند. در نوشته و تبصره های دانشمندان مسلمان اصل وحدت به عنوان یک اصل عمل نموده و اساس اندیشه و مفکوره شان را تشکیل می دهد. در هیچ نوشته دانشمندان جهان اسلام، نادیده گرفته شدن اصل وحدت قابل بحث نیست و نباید هم باشد؛ زیرا یگانگی الله متعال ضمن اینکه از طرف همه مسلمان ها منحیث یک اصل ضروری و یک اعتقاد پذیرفته شده و به آن ایمان آورده شده است؛ در بیان اندیشه و نظریات شان نیز این اصل نقش بازی کرده و اندیشه های آنها در محور این اصل شکل گرفته است.

(ج) نظم

چنانکه آشکار و هویدا است از نظر اسلام بین تمام مراتب موجودات، نظم، هماهنگی و تعادل وجود داشته و این نظام موجود دارای انتظام و ارتباط بوده و به سوی هدف معینی رهنمون

است. در میان موجودات از اول الی اخیر یک ترتیب و تنظیم وجود داشته تا اینکه به مرحله وجود برسد (فارابی، ۱۳۵۴، ص. ۲۳۶). نظم بر جهان آفرینش حاکم است و نتیجه اعتقاد به نظم، باور به هدفدار بودن مجموعه نظام است؛ لذا در این مجموعه هر تغییر، تحول و ترقی توأم با تعادل است. تغییرات هدفمند نظام به طور هماهنگ به شکل بطی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، اصول اسلام به شرایط زمانی و مکانی وابسته نبوده و از ثبات ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، فرد مسلمان تاریخ را به صورت منحصر به فرد خواهد دید. فرد مسلمان پیش از آنکه تغییر را نیروی ذاتی تاریخ بداند، علاقمند تحقق بخشیدن به اصول مورد قبول جهان‌بینی خود است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۰-۱۱۱). این امر در وقت ارایه اندیشه و مفکوره دانشمندان جهان اسلام نیز نقش بازی می‌کند. هر دانشمند مسلمان در وقت ارایه نظر، نظم جهانی را در نظر گرفته و معتقد است که این نظام صاحبی دارد که خالق همه موجودات است. این نظم است که نظام هستی را بهتر ساخته است. از سوی دیگر، فکر کردن در باره نظم هستی ما را وادار به تفکر در باره خالق هستی و قدرتش می‌نماید. از سوی دیگر دانشمندان مسلمان با استفاده از این اصل در اندیشه و تفکرات‌شان نیز مسأله نظم را مراعات کرده‌اند.

د) انسان

هرچند بعضی‌ها در شرایط امروزی از انسان‌گرایی و ارزشمند بودن انسان یاد کرده و مثال آن را از کشورهای غیر اسلامی می‌دهند؛ اما حقیقت امر این است که در گذشته نیاکان ما مسلمان‌ها به خصوص دانشمندان جهان اسلام به انسان و حقوق انسانی ارزش زیادی قایل بوده‌اند؛ زیرا در بینش دانشمندان مسلمان، انسان به مثابه یک جهان کوچک است. تمام قوانین حاکم بر جهان هستی بر انسان نیز حاکم است. در بینش اسلامی، انسان از جهت رشد، ترقی، کمال و هماهنگی الگوی کوچکی از نظام هستی می‌باشد. این اندیشه بسیار متفاوت از تفکری است که انسان را الگوی طبیعت می‌داند؛ همان قسمی که در بینش غرب مطرح است. در تفکر اسلامی انسان الگوی نظام هستی است (نصر، ۱۳۵۴، ص. ۲۳۸). آن‌طوری که الله متعال در آیت ۴ سوره التین می‌فرماید: (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) ترجمه: هر آئینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین اندازه (صورتی). (تفسیر کابلی، ۱۹۹۱). برعکس در واقع در تفکر غربی، انسان همواره با طبیعت و ماشین ویا موارد دیگر ساخته شده در صنعت، مقایسه می‌شود؛ در حالی که در تفکر اسلامی ملاک مقایسه انسان جهان هستی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۲، ص. ۲۳۶).

انسان به خاطر برتر بودن و فضیلتش نسبت به سایر موجودات از سایر مخلوقات و اعضای آن استفاده می‌کند. مثلاً از گوشت، شیر و ماست حیوانات حلال، از سایه درختان، از زمین، از آب و... استفاده می‌کند. پس گفته می‌توانیم انسان یک موجود مهم و ارزنده در نظام هستی و دین

مقدس اسلام بوده و دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظر شان، این اصل را در نظر گرفته اند. هیچ دانشمند مسلمانی را دیده نمی‌توانید که نظری ارایه کرده باشد و نظر وی در تضاد با ارزش‌های انسانی باشد. نه تنها در وقت ارایه نظر؛ بلکه در بسیاری موارد اصل قرار دادن انسان یک اصل مهم در نزد دانشمندان مسلمان بوده و است. آنطوری که واضح است در گذشته‌ها دانشمندان جهان اسلام در کشف و رشد بسیاری از علوم مثل ریاضی، فزیک، جغرافیه، طب و... نقش مهمی بازی کرده اند اینکه در این اواخر مسلمان‌ها در پیشرفت و انکشاف بعضی از علوم مثل تولید سلاح‌ها نقش بازی نکرده اند ممکن یکی از علت آن همانا مضر دانسته شدن سلاح و امثال آن باشد. البته یگانه عامل این مورد نیست. بدون شک بعضی عوامل دیگر نیز نقش دارند که آنرا نمی‌توان نادیده گرفت. تا جایی که دیده می‌شود انسان، محور اندیشه دانشمندان جهان اسلام بوده و پیام‌های اسلامی نیز در شکل‌گیری اندیشه‌های اجتماعی در نزد مسلمان‌ها نقش بازی کرده است. به عبارت دیگر دانشمندان مسلمان با در نظرداشتن پیام انسانی اسلام به مسائل اجتماعی توجه کرده اند.

ه) کمال

بحث اصلی بسیاری از حوزه‌های معارف اسلامی بحث «انسان کامل» است. یکی از دغدغه‌های فکری و مشغولیت ذهنی دانشمندان جهان اسلام تبیین انسان کامل است. رشد و ترقی و در نهایت کمال آدمی، از اهداف بلند علم در اسلام است. از همینرو دانشمندان مسلمان زیادی همچو ابوریحان بیرونی، خواجه نصیر الدین طوسی، غزالی، فارابی، امیر علی شیرنوی، سید جمال الدین افغان و... از انسان و انسان کامل بحث کرده اند. از آنجا که هدف رسیدن به کمال، وضعیت مطلوب انسانی است. لذا انسان و کمال او بر همه چیز تقدم دارد. از دید عرفانی اسلام، هر فرد باید خویشتن را از طبیعت فرد خاص خویش جدا کند و خود را به انسان کاملی که در درون او است شبیه سازد؛ تا همان اندازه به اصول جهان معرفت پیدا کند و از حقانیت الهی آگاه شود. از اینجا ارتباط انسان با منشأ هستی و جهان ماوراء استنباط می‌شود. از اینرو است که بعضی از دانشمندان مسلمان خصوصاً فارابی، ابن‌سینا، ابن‌خلدون و... هدف خلقت و حضور در جهان اجتماعی را دستیابی به کمال انسانی گفته اند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۲، ص. ۱۱۳). از سوی دیگر جامعه اسلامی به جامعه‌ای گفته می‌شود که نسبت به سایر جوامع به حد اکثر شگوفایی و کمال رسیده باشد (رجبی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۶). رسیدن به کمال و داشتن ویژگی‌های متفاوت مثبت نسبت به سایر موجودات سبب می‌شود انسان به درجات عالی برسد. بناءً در اندیشه و بیان نظریات دانشمندان جهان اسلام نیز مسأله کمال انسانی نقش مهمی را بازی کرده و می‌کند.

و) روشمندی و قاعده‌مندی

یکی از اصول بیان نظریات اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان روشمندی بودن نظریات شان است. البته که روشمندی به معنی امروزش که در تحقیقات استفاده می‌شود، نبوده؛ بلکه با در نظرداشت و شرایط زمان خود شان در بیان نظریات‌شان یک روش خاص خود را انتخاب کرده‌اند. اندیشه اجتماعی آنها تابع یک سلسله قاعده بوده که مهم‌ترین آن قاعده و اصول دینی است که شرح آن در بالا تذکر رفت.

ز. مشاهده و میدانی بودن معلومات

وقتی که نوشته‌ها و نظریات دانشمندان متقدم مسلمان مطالعه می‌گردد به شکل آشکار دیده می‌شود که نظریات و معلومات آنها برگرفته از مشاهداتی بوده که در جامعه به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم انجام داده‌اند و آنها معلومات و یا به تعبیر علمی داده‌ها و معلومات را از جامعه و میدان به دست آورده‌اند. مثلاً وقتی که ابن خلدون از آسیب‌های زندگی شهری بحث می‌کند و یا البیرونی وقتی که از خصوصیات دین، مردم و فرهنگ هندوستان حرف می‌زند آنها همه معلومات مورد نیاز را از میدان به شکل مشاهده به دست آورده‌اند.

موارد بالا از جمله مهم‌ترین اصول اندیشه دانشمندان مسلمان بوده ممکن تعداد آنها کم و زیاد شود اما باور ما همین است.

ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان

بعد از اینکه اصول اندیشه دانشمندان جهان اسلام را در بالا شرح دادیم حال نوبت آن رسیده که از ویژگی و خصوصیات اندیشه‌های اجتماعی شان که اساس بحث ما را تشکیل می‌دهند بحث کنیم. تا جایی که منابع بیان کرده و قناعت ما حاصل گردیده مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان جهان اسلام از این قرار است:

الف) دینی بودن

در قدم نخست باید گفت اندیشه دانشمندان مسلمان به اندیشه‌ای گفته می‌شود که رابطه بسیار نزدیک با اصول دینی- مذهبی داشته باشد. این رابطه به وسیله دینی است که شخصیت و اندیشه معتقدانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به تعبیر شریعتی که در کتاب اسلام شناسی بیان می‌کند؛ مجموعه بینش جهان‌شناختی اسلام، برای متفکر مسلمان یک هندسه فکری می‌سازد که نمی‌توان به هیچ وجه یک بخش را از بقیه قسمت‌ها جدا دانست. مقایسه اندیشه دانشمندان مسلمان با دانشمندان غرب تفاوت آشکاری را نمایان می‌سازد. به عنوان یک ویژگی مهم، تأکید بر معرفت دینی، اندیشه مسلمانان را از اندیشه غربی‌ها متمایز می‌سازد. از اینرو با جستجوی هر بخش اندیشه دانشمندان مسلمان، به خصوص اندیشه اجتماعی آنها، محقق به

این نتیجه می‌رسد که تفکر اجتماعی آنها بخشی از تفکرات دینی شان است. چون اگر آنها به جامعه می‌اندیشند آنرا از نظام خلقت جدا نمی‌بینند. اساسی‌ترین هدف آنها در هر جامعه، رساندن انسان به کمال مطلوب است. در کل باید گفت که دغدغه اصلی دانشمندان مسلمان بیان کردن همه پدیده‌های هستی بر بنیاد بینش اسلامی است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۶).

زیرا دانشمندان مسلمان در کنار روش تجربی، روش عقلی و وحیانی را نیز معتبر دانسته‌اند و بهره‌گیری از روش وحیانی در نوشته‌های دانشمندان مسلمان به وضوح دیده می‌شود. مثلاً اقتباس‌هایی که ابن خلدون از آیات قرآن کریم و روایات نموده به بیش از دو صد مورد می‌رسد (رجبی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). این مورد یکی از نمونه‌ها است تعداد و نمونه این نوع اقتباس‌ها را می‌توان در اندیشه اکثر دانشمندان مسلمان دید و یا پیدا کرد. حتی اکثر اشعار مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز برگرفته از دیدگاه و متون دینی است از همینرو گفته شده که «مثنوی معنوی مولوی هست قرآن در زبان پهلوی». این امر یک حالت طبیعی و معقول به نظر می‌رسد. زیرا هر اندیشه و مفکوره متأثر از باورهای دینی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. آنطوری که اندیشه و مفکوره‌های دانشمندان غربی متأثر از جهان‌بینی دین عیسوی و یا هر دین دیگری که پیرو آن هستند، می‌باشد متأثر شدن اندیشه دانشمندان مسلمان از جهان‌بینی اسلامی نیز یک امر عادی است. مثلاً وقتی که کارل مارکس می‌گوید «دین افیون توده‌ها است» هدفش دین جامعه خودش است؛ نه دین اسلام و یا دین جامعه دیگری؛ زیرا او با در نظر داشت وضعیت دینی جامعه خود، نظر ارایه کرده است. بناءً می‌توان گفت اولین ویژگی اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان بُعد دینی آن است. به این معنی که اصل و اساس اندیشه دانشمندان جهان اسلام را دیدگاه دینی و یا به عبارت دیگر دیدگاه اسلامی شکل می‌دهد و یا باشد شکل دهد.

ب) فلسفی بودن

محققین تاریخ فلسفه اسلامی به این باور اند که رو آوردن مسلمان‌ها به مسائل و مباحث عقلی از آنجا آغاز شد که دانشمندان مسلمان توانسته‌اند از طریق ترجمه، آثار فلسفی یونان و روم و مباحث فلسفی را فراگیرند و از آن پس خود به طرح و تحلیل آن مباحث از دیدگاه‌های اسلامی بپردازند. هرچند این نظر از طرف بسیاری از پژوهش‌گران مورد تأیید قرار گرفته است اما از دید ما غیر متصرفانه به نظر می‌رسد؛ زیرا این طرز دید اصول عقلی نهفته در دین اسلام و دعوت‌های قرآن و سفارشات پیامبر صلی الله علیه و سلم و شخصیت‌های دینی را در مورد اندیشه و تعقل نادیده می‌گیرد. هرچند از گذشته‌های دور بدینسو مسلمان‌ها به الهیات و قوانین

اجتماعی توجه داشته‌اند؛ اما فلسفه در قرن پنجم میلادی نقش اثرگذارتری را در زندگی اجتماعی بازی کرده است (الفاخوری، ۱۳۵۸، ص. ۳۲۴). از سوی دیگر رواج کامل شیوه بحث و اندیشه فلسفی در میان دانشمندان مسلمان یکی از ویژگی‌های مهمی است که اغلب آن‌ها، مرتبط با فلسفه بوده و با اندیشه‌های فلسفی آشنا بوده‌اند. در این باره حناء الفاخوری چنین می‌نویسد: در آن زمان مانند امروز فلسفه، علم جداگانه نبود که فقط متخصصان به تدریس آن بپردازند؛ بلکه اثر زنده بود که مردم آنرا در نگرش خود به جهانی که در آن می‌زیستند دنبال می‌کردند و به الهیات و قوانین و آراء اجتماعی خود شکل خاص آن را می‌دادند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۶). فارابی نیز در صدد بیان نظام فلسفی جهان بوده و از جامعه و افراد انسانی یاد کرده است (فارابی، ۱۳۵۴، ص. ۳۳۰). بناءً می‌توان گفت دیدگاه‌های فلسفی بر اندیشیده اجتماعی دانشمندان مسلمان اثر گذاشته است اما نمی‌توان گفت دانشمندان مسلمان با فلسفه و مسائل فلسفی بعد از فعالیت ترجمه‌ها آشنا شده و قبل از آن آشنایی نداشته‌اند. زیرا در قرآن عظیم‌الشان آیات متعددی وجود دارد که نمایانگر تشویق مسلمان‌ها به مسائل فلسفی و عقلانی است. همینکه الله متعال در قرآن مجید از تعقل، تفکر، تدبر و... یاد می‌کند خود دلیل آشکار تشویق مسلمان‌ها به سوی عقلگرایی است. از آنجایی که عقل یکی از جمله وسایل مهم فلسفه ورزی است. بناءً می‌توان گفت دین اسلام قبل از فعالیت‌های ترجمه به فلسفه و اندیشیدن اهمیت داده است.

ج) انسان محوری

علوم انسانی مسلمان‌ها خصلت انسانی دارد. به خاطری که دغدغه اصلی دانشمندان مسلمان، انسان و چگونگی رسیدن او به الگوی مطلوب یعنی انسان کامل است. به عنوان ویژگی سوم اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان، می‌توان از انسان محور بودن جامعه یاد کرد. در تبیین‌های اجتماعی جدید، پدیده‌های دیگری غیر از انسان مطرح است مانند: قانون، جامعه و مسائل آن که محور اصلی بحث دانشمندان را تشکیل داده و انسان در لابلای این مباحث گم می‌شود. در اندیشه اسلامی، محور اصلی و اساسی انسان و مسائل مرتبط به او است. به همین دلیل در بسیاری از کتاب‌های اخلاقی و فلسفی که در مورد انسان، ویژگی‌ها و نیازهای او بحث شده است جامعه و مسائل مربوط به زندگی گروهی به اعتبار انسان به عنوان یکی از ویژگی‌های وجود او مورد توجه قرار گرفته‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳-۱، ص. ۱۱۹). هویدا است که انسان‌ها با همکاری یکدیگر به هدف خود می‌رسند. با در نظر داشت همین ویژگی و توانمندی‌های مختلف انسان است که انسان‌ها به کارهای مختلف می‌پردازند؛ بعضی‌ها امور تجارت را پیش می‌برند و گروهی امور اجتماعی و سیاسی را تعقیب می‌کنند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ص. ۶۲). با توجه به توضیحات

بالا می‌توان گفت اندیشه‌های دانشمندان مسلمان انسان محور بوده و دلیل آن اهمیت دادن دین اسلام به انسان است. اینکه در گذشته ویا در شرایط امروزی مسلمانی ویا گروهی از مسلمان‌ها حقوق انسان‌ها را نقض می‌کنند ویا انسان را نادیده می‌گیرند این مورد دلیلی بر این نیست که انسان از دید اسلام کم اهمیت است. این مورد بر می‌گردد به برداشت همان انسان و دیدگاه او.

د) تاریخی بودن

بینش تاریخی در قرن‌های نخستین اسلام در اشکال متعدد مطرح بوده و بعدها در نزد ابن خلدون و تا حدودی در نزد یعقوبی و مسعودی و سایر دانشمندان مسلمان نیز مطرح شده است. تا جایی که مطالعه کردیم این بینش در اصل به وسیله ابن خلدون مطرح گردیده است. او می‌گوید که بینش تاریخی مستلزم نگاهی است به گذشته و بیان می‌کند که جامعه از کجا آمده؟ و چی مسیری را طی کرده است؟ این بینش تا دوران قبل از ابن خلدون از پختگی لازم برخوردار نبود اما پس از ابن خلدون و پس از حمله مغول‌ها، بینش تاریخی در ارتباط با جامعه کمتر به کار رفته است و دانشمندان مسلمان جهت پاسخ به دیدگاه‌های تاریخی مارکسیزم به اندیشه‌های تاریخی رو آورده اند. اندیشمندانی چون: مطهری و شریعتی از جمله صاحب نظران انتقادی این رویکرد هستند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ص. ۱۲۰). آنطوری که هویدا است نادیده گرفتن مسائل تاریخی ضمن اینکه ما را به جایی نمی‌رساند؛ برعکس سبب انتقال معلومات ناقص نیز شده می‌تواند. زیرا معلومات و دانش وقتی مکمل تر و بهتر می‌شود که بستر تاریخی آن نیز در نظر گرفته شود. چنانکه یک مقوله است و گفته می‌شود ملتی که از تاریخ خود آگاه نباشد خود را نمی‌شناسد؛ این مورد نیز به آن می‌ماند. اینکه دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظریات خویش ابعاد تاریخی قضایا را در نظر می‌گیرند عمل سودمندی است. زیرا نادیده گرفتن تاریخ به معنی نادیده گرفتن یک ملت است. برای هر مسلمان لازم و ضروری است که در قدم نخست تاریخ خود و کشورهای اسلامی را بداند بعداً بعد تاریخ قضایا را مطالعه و بررسی کند. ه. واقع گرایی: وقتی که آثار دانشمندان متقدم اسلام مطالعه می‌گردد دیده می‌شود که آنها در وقت بیان نظریات شان پیرامون جامعه در قدم نخست واقعیت‌های جامعه خود را در نظر گرفته اند. از سویی هم از بیان حقیقت و وضعیت جامعه شان چشم‌پوشی نکرده اند. مثلاً وقتی که فارابی از مدینه فاسقه و ضاله بحث می‌کند وضعیت انسان را در جامعه خود ویا اطرافش دیده چنین می‌گوید. بحث ابن خلدون در رابطه به شهر و روستا و تفاوت زندگی شهری و روستایی و ویژگی‌های انسان این دو نوع جامعه نیز برگرفته از وضعیت جامعه خودش است. بناءً واقع گرایی را نیز می‌توان از جمله ویژگی‌های اندیشه اجتماعی این دانشمندان شمرد.

(و) کار بردی بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان مسلمان به استثنای بحث‌های مطرح شده در حوزه فلسفه اجتماعی مسلمان‌ها، کاربردی بودن آن است. از آنجا که دانشمندان مسلمان در حوزه فلسفه اجتماعی کمتر به فکر بررسی مسأله اجتماعی بودند، ثمره تفکرات شان برای جامعه کاربردی نداشته و یا به عبارت دیگر این تفکر در پی حل معضلات و مسائل موجود نبوده؛ بلکه مسائل را به طور کلی برای همه اعصار مطرح کرده و در صدد جواب دادن به آنها برآمده است. بطور مثال: انسان دانش و علم انسانی را مورد مطالعه قرار داده که در همه زمان‌ها و مکان‌ها فرض شده است؛ نه انسان خاصی در جامعه خاص و با مسأله مشخصی. لذا این تفکر اجتماعی برای جوامع و انسان‌های متفاوت که هر کدام دارای مسائل خاص خود هستند جنبه کاربردی ندارد؛ در مقابل، در حوزه مطالعات فرهنگی، گرایش تجربی و کار بردی قابل مشاهده است. زیرا اکثر محققان اجتماعی در راستای جمع‌آوری اطلاعات در فکر اثبات و یا رد دیدگاه‌ها بودند (اخوان الصفا، ۱۴۰۵، ص. ۱۲۰). کاربردی بودن دانش یک بحث بسیار مهم و ارزشمند در مسائل علمی است. دانش وقتی مفید تمام می‌شود که کاربرد داشته باشد. اکثر دانشمندان مسلمان در وقت ارایه نظر و دیدگاه‌های خویش به کاربردی بودن دانش دقت لازم به خرج داده اند. از سوی دیگر علومی که مسلمان‌ها در گذشته و حال با آن سر و کار دارند همه در زندگی مسلمان‌ها کاربرد داشته و دارد. مثلاً علم تفسیر، علم فقه، علم حدیث، علم ریاضی و... همه در زندگی انسان‌ها کاربرد داشته و در قسمت حل مشکلات و مسائل انسان‌ها نقش مهمی را بازی کرده اند. بطور مثال: علم تفسیر در قسمت تفسیر و توضیح آیات قرآن مجید؛ علم فقه در قسمت حل مشکلات فردی، دینی، اقتصادی و اجتماعی مسلمان‌ها؛ علم حدیث در قسمت بیان مسایل دینی و حل مشکلات زندگی دینی، فردی و اجتماعی مسلمان‌ها نقش بازی کرده و هنوز هم می‌کند. بدین معنی که وقتی یک مسلمان با یک مشکل رو به رو شود در قدم نخست به قرآن کریم بعداً به تفسیر آن به تعقیب آن به احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم و علم فقه مراجعه کرده حل مشکل می‌نماید که باید هم چنین باشد. زیرا همین علوم اسلامی است که در حل مشکلات مسلمان‌ها نقش بازی می‌کنند. اگر ما مسلمان‌ها علوم اسلامی را به درستی و آنطوری که لازم است آنرا مطالعه کنیم خواهیم دید که این علوم ضمن اینکه برای ما رهنما هستند رهگشای اکثر مشکلات ما هستند.

آنطوری که در بالا توضیح داده شد، موارد فوق از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌های اجتماعی دانشمندان مسلمان به شمار می‌روند. شاید هم تعداد این ویژگی‌ها را بتوانیم افزایش بدهیم اما تا جایی که مطالعه کردیم و به نتیجه رسیدیم این موارد از جمله مهم‌ترین آنها اند.

نتیجه‌گیری

دانشمندان متقدم مسلمان همچو فارابی، بیرونی، غزالی، طوسی، ابن خلدون و... از جمله متفکرینی بوده که برای اولین بار در جهان اسلام از مسائل اجتماعی یاد کرده‌اند. یافته‌های تحقیق هذا نشان می‌دهد که اندیشه اجتماعی این دانشمندان بر مبنای ارزش‌های اسلامی استوار بوده و اصول اندیشه‌شان را وحی، وحدت و یگانگی الله متعال، نظم موجود در جهان، انسان، کمال انسانی، روشمندی و میدانی بودن معلومات تشکیل داده‌اند. دینی بودن، فلسفی بودن، انسان‌محوری، فلسفی بودن، تاریخی بودن، واقع‌گرایی و کاربردی بودن از جمله ویژگی‌های اندیشه اجتماعی دانشمندان متقدم مسلمان به شمار می‌روند. مبانی و اصول این دانشمندان در بیان اندیشه‌های اجتماعی شان، چراغ راه و رهنما برای دانشمندان مسلمان بعد از خود شان شده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر*. تهران: نشر علم.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان*. تهران: نشر سروش.
- الفاخوری، حنا و الجبر خلیل. (۱۳۵۸). *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*. ترجمه: عبدالمحمد آیتی. تهران: نرمال.
- اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء. (۱۴۰۵). ج. ۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- تفسیر کابلی. (۱۹۹۱). قرآن مجید و تفسیر. جلد اول الی سوم. قطر: طبع علی نفقه عبدالله عبدالغنی و اخوانه.
- رجبی، محمود و دیگران. (۱۳۹۲). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
- روحانی، محمد عثمان و مظهری، عبدالقدوس. (۲۰۲۵). بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه در روایت حدیث. *مجله علمی تحقیقی بین المللی دیوان*، ۶(۲)، ۳۵-۷.
- <https://doi.org/10.69892/diwan.2025.119>
- فارابی، ابو نصر. (۱۳۵۴). *آرای اهل مدینه فاضله*. ترجمه و شرح جعفر سجادی. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر. مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.
- نصر، سید حسین. (۱۳۴۵). *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*. تهران: دهخدا.
- نصر، سید حسین. (۱۳۵۹). *نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- Ebu Ğudde, Abdulfefah. (1995). "İslam Alimlerinin Gözüyle Zaman Kıymeti". Tercüme: Enbiya Yıldırım. İzmir: Işık Yayınları.

بررسی فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ)

ابوریحان انتظار^۱، غلام سرور عارفی^۲، محمد رسول محمدی^۳، نصیر احمد فیضی^۴

*۱. پوهندوی، دیپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون جوزجان، شرغان، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0009-7861-8226-intezaraburairhan@gmail.com>

۲. نامزد پوهنځی، دیپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون جوزجان، شرغان، افغانستان.

۳ و ۴. محصلین صنف چهارم، دیپارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون جوزجان، شرغان، افغانستان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۱۷)

چکیده

بیکاری و فقر در مناطق روستایی افغانستان از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی است که موجب مهاجرت به شهرها و کاهش رفاه می‌شود. این تحقیق با هدف بررسی فرصت‌های کارآفرینی در ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه اقتصاد محلی در قریه قرشیگک، ولسوالی دولت‌آباد ولایت بلخ انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه از ۱۰۰ نفر جمع‌آوری و تحلیل آماری آن‌ها با نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. نتایج نشان داد که فقدان زیرساخت‌ها، محدودیت دسترسی به منابع مالی و ضعف آموزش‌های فنی مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی هستند. در مقابل، اکثریت جوانان تمایل بالایی به راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی و یادگیری مهارت‌های جدید دارند. همچنین، حمایت نهادهای امارتی و محلی، فراهم‌شدن تسهیلات ابتدایی و دسترسی به بازار فروش، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت اقتصاد روستایی ایفا کند. براساس یافته‌ها، توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی می‌تواند به کاهش بیکاری، جلوگیری از مهاجرت و تقویت اقتصاد محلی منجر شود، مشروط بر آن‌که حمایت پایدار دولت و آموزش مهارتی به‌طور هم‌زمان فراهم گردد.

کلمات کلیدی: اشتغال، بیکاری، توسعه اقتصادی، فرصت، کارآفرینی.

*. ارجاع: انتظار، ابوریحان؛ عارفی، غلام سرور؛ محمدی، محمد رسول و فیضی، نصیر احمد. (۱۴۰۴). بررسی فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: قریه قرشیگک ولسوالی دولت‌آباد ولایت بلخ).

Exploring Employment Opportunities and Entrepreneurship in Rural Areas: (A Case Study of Qarshigak Village, Dawlatabad District, Balkh Province)

Aburaihan Intezar^{1*}, Ghulam Sarwar Arifi², Mohammad Rasol Mohammadi³, Nasir Ahmad Faizi⁴

1*. Assistant prof. Department of BBA, Faculty of Economics, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

intezaraburairhan@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0009-7861-8226>

2. Instructor, Department of BBA, Faculty of Economics, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

3 & 4. Fourth-year students, Department of BBA, Faculty of Economics, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

(Received: 30/11/2025 - Accepted: 06/04/2026)

Abstract

Unemployment and poverty in the rural regions of Afghanistan represent critical economic and social challenges, leading to urban migration and diminished welfare. This study aimed to investigate the role of entrepreneurship in creating job opportunities and fostering local economic development in Qarshi Gak village, Dawlatabad district, Balkh province. Data were collected through a questionnaire from 100 respondents, and statistical analysis was conducted using SPSS software. The results indicated that the lack of infrastructure, limited access to financial resources, and weak technical training are the most significant barriers to entrepreneurial development. Conversely, the majority of youth exhibited a high propensity to start personal businesses and acquire new skills. Furthermore, support from Emirati and local institutions, the provision of basic facilities, and access to sales markets can play an effective role in strengthening the rural economy. Based on the findings, the development of entrepreneurship in rural areas can lead to unemployment reduction, migration prevention, and the strengthening of the local economy, provided that sustained government support and skills training are implemented simultaneously.

Keywords: *Economic Development, Employment, Entrepreneurship, Opportunity, Unemployment.*

*. **Citation:** Entizar, A.; Arifi, G.; Mohammadi, M. & Faizi, N. (2026). Exploring Employment Opportunities and Entrepreneurship in Rural Areas: (A Case Study of Qarshigak Village, Dawlatabad District, Balkh Province). *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 15–25.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.86>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

بیکاری و فقر از جمله چالش‌های اساسی در مناطق روستایی افغانستان به‌شمار می‌رود. طبق آمار مرکز ملی احصائیه و معلومات، حدود ۷۱٪ جمعیت افغانستان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، جایی که فرصت‌های شغلی محدود و زیر ساخت‌های اقتصادی ضعیف هستند. این وضعیت منجر به مهاجرت‌های گسترده به شهرها و افزایش فشار بر منابع شهری شده است. کارآفرینی می‌تواند راهکار مؤثر برای کاهش بیکاری و توسعه اقتصادی در مناطق روستایی مطرح شود. پروژه‌های مانند انکشاف صنایع روستایی افغانستان، با حمایت بانک جهانی، نشان داده‌اند که فراهم‌سازی قرضه‌های کوچک و حمایت از تشبثات کوچک می‌تواند به ایجاد هزاران فرصت شغلی منجر شود.

در این تحقیق، قریه قرشیگک در ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. این قریه با وجود ظرفیت‌های بالقوه در زمینه‌های زراعت، مالداري و صنایع دستی، با چالش‌های متعددی در زمینه اشتغال و کارآفرینی مواجه است. هدف این تحقیق، شناسایی موانع موجود و ارائه راهکارهای عملی برای تقویت کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی در این منطقه می‌باشد. ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه پایدار، کاهش فقر جلوگیری از مهاجرت بی رویه به شهرها در کشورهای در حال توسعه از جمله افغانستان می‌باشد. مناطق روستایی که اغلب متکی به فعالیت‌های زراعتی و دامداری هستند، به دلیل محدود بودن منابع، کمبود زیرساخت‌ها، فقدان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نبود سرمایه‌گذاری‌های لازم، با مشکلات عمده‌ای در زمینه اشتغال‌زایی روبه‌رو هستند (world bank, 2022).

این امر سبب شده است تا بخش قابل توجهی از جمعیت روستایی، به ویژه جوانان، برای جست‌جوی فرصت‌های بهتر به شهرها مهاجرت کنند که خود سبب افزایش فشار بر خدمات شهری و افزایش نابرابری‌های اجتماعی می‌گردد (UNDP, 2021).

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که اگر منابع موجود در مناطق روستایی به شیوه علمی و برنامه‌ریزی شده مورد بهره‌برداری قرار گیرد، می‌توان ظرفیت‌های بالقوه را در این مناطق برای اشتغال‌زایی پایدار ایجاد کرد. برای نمونه، بهره‌برداری از منابع طبیعی، توسعه صنایع دستی، گردشگری روستایی، ایجاد مراکز آموزش فنی حرفه‌ای و تکنالوژی نوین زراعتی از جمله

اقداماتی اند که می‌توانند به بهبود وضعیت اشتغال و رفاه اجتماعی در قراء و قصبات افغانستان کمک نمایند (FAO, 2020).

در همین راستا، مطالعه حاضر با تمرکز بر قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ تلاش دارد تا وضعیت کنونی فرصت‌های شغلی در این قریه را بررسی کرده، چالش‌ها و موانع موجود در مسیر اشتغال‌زایی را شناسایی نماید، و نهایتاً راهکارهای مبتنی بر ظرفیت‌های محلی را برای ارتقای سطح اشتغال پیشنهاد کند. قریه قرشیگک به عنوان یک منطقه روستایی با جمعیت قابل توجه، زمین‌های زراعتی حاصل‌خیز، نیروی کار جوان و همچنین مشکلات مزمن در زمینه اشتغال، نمونه مناسب برای بررسی علمی محسوب می‌گردد. با توجه به این‌که برنامه‌های انکشافی در افغانستان غالباً با دیدگاه بالا به پایین (TOP-DOWN) تطبیق می‌گردد، در بسیاری از موارد نیازها و ویژگی‌های خاص هر منطقه نادیده گرفته می‌شود (Agha khan foundaion, 2019).

اکبری (۱۳۹۹)، در تحقیق خود تحت عنوان (تحلیل فرصت‌های اقتصادی در مناطق روستایی شمال افغانستان) انجام داده و نتیجه گرفته است که نبود نهادهای حمایت‌کننده و ضعف در دسترسی به بازار، مهم‌ترین موانع رشد کارآفرینی در روستاها است. در این تحقیق پیشنهاد شده که نهادهای محلی با دولت همکاری کنند تا برنامه‌های کوچک حمایتی پیاده گردد.

حیدری (۱۳۹۹)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش کارآفرینی روستایی در کاهش فقر در ولایت بامیان پرداخته و به این نتیجه رسید که نبود زیرساخت، کمبود آموزش و نبود حمایت‌های مالی از عوامل اصلی ضعف کارآفرینی در قریه‌جات است. در این تحقیق تأکید شده که رشد اقتصادی محلی بدون تمرکز بر مهارت آموزی و سرمایه‌گذاری ممکن نیست.

خلیلی (۱۴۰۰)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش آموزش‌های حرفه‌ای و حمایت ملی در توانمندسازی اقتصادی روستاییان در ولایت تخار پرداخته است. در این تحقیق دریافت که آموزش حرفه‌ای و حمایت مالی نقش کلیدی در توانمندسازی اقتصاد روستاییان دارد و باعث کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی شده می‌تواند.

هاشمی (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «کارآفرینی روستایی و نقش آن در کاهش بیکاری در ولسوالی اندخوی» پرداخته است. تجزیه و تحلیل دیتاها در این تحقیق بر اساس برنامه آماری صورت گرفته و به این نتیجه رسیده که نداشتن سرمایه و ضعف آموزش دو عامل عمده در عدم مؤفقیت طرح‌های کارآفرینی در سطح قریه‌ها و ولسوالی است.

این تحقیق در تلاش است تا با استفاده از دیدگاه مشارکتی، نظریات و تجربیات مردم محل را نیز در تحلیل وضعیت اشتغال در قریه قرشیگک مد نظر قرار داده و به تحلیل جامعی از عوامل مؤثر بر فرصت‌های شغلی در این منطقه دست یابد. ضرورت دیگر این تحقیق، توجه به بُعد اقتصادی و اجتماعی اشتغال در مناطق روستایی است. اشتغال پایدار نه تنها منبع درآمد برای خانواده‌ها فراهم می‌سازد، بلکه بر ابعاد اجتماعی چون کاهش مهاجرت، تقویت نهادهای محلی و کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی نیز اثر گذار است (ILO, 2020).

از این رو تحقیق حاضر در صدد است تا نقش راهبردی اشتغال را به عنوان محرک توسعه در قریه قرشیگک تبیین کرده زمینه را برای پلان‌گذاری‌های علمی‌تر فراهم آورد. همچنین، در پی بررسی نقش ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه کارآفرینی در بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش بیکاری در مناطق روستایی، با تمرکز بر قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ؛ شناسایی عوامل مؤثر بر بیکاری در قریه قرشیگک؛ بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ارتقای ظرفیت کارآفرینی روستایی و در نهایت تحلیل میزان دسترسی روستاییان به منابع مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نیز اهداف این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش کمی (تصادفی) است که در آن داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری و نتایج حاصل گردیده است. در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ها میان ساکنان قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ توزیع شده‌اند. تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده ۱۰۰ عدد بوده که اطلاعات آن‌ها در مدت ۷ روز جمع‌آوری گردیده است. در این تحقیق، کارمندان امارتی، محصلین، کارمندان بخش خصوصی و سایر افراد در پاسخ‌گویی مشارکت داشته‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شده است.

پس، جامعه آماری تحقیق را افراد ساکن قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ تشکیل می‌دهند، واحدهای تحقیق کارمندان امارتی، محصلین، کارمندان بخش خصوصی و دیگر افراد در پاسخ‌گویی سهم گرفته‌اند. تعداد ساکنان قریه قرشیگک چند هزار نفر برآورد می‌گردد. با این حال، به دلیل محدودیت‌های زمانی و دسترسی، از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی (در دسترس) استفاده شده و ۱۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردیده‌اند. دلیل انتخاب این روش، نبود فهرست کامل از جامعه آماری، محدودیت زمانی و سهولت دسترسی به پاسخ‌دهندگان بوده است. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) استفاده شده است.

چگونه ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه کار آفرینی می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصادی قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ مؤثر واقع شود؟ نبود زیربنا (برق، جاده، بازار) چه تأثیری بر سطح بیکاری در قریه دارد؟ نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تقویت روحیه کار آفرینی روستایی چیست؟ در نهایت تا چه حد نبود حمایت مالی از جانب دولت و یا نهادهای بانکی مانع آغاز کسب و کارهای کوچک می‌شود؟ سوالاتی اند که مقاله هذا در پی پاسخ به آنها است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

H₀: ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی تأثیر معناداری بر بهبود وضعیت و اقتصاد قریه قرشیگک ندارد.

H₁: ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی تأثیر معناداری بر بهبود وضعیت و اقتصاد قریه قرشیگک دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. فرضیه اول

H₀: بین نبود زیربنا و نرخ بیکاری در قریه قرشیگک رابطه‌ای وجود ندارد.

H₁: بین نبود زیربنا و نرخ بیکاری در قریه قرشیگک رابطه‌ای وجود دارد.

۲. فرضیه دوم

H₀: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در افزایش سطح کارآفرینی تأثیر ندارد.

H₁: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در افزایش سطح کارآفرینی تأثیر معنادار دارد.

۳. فرضیه سوم

H₀: نبود حمایت مالی از سوی دولت و بانک‌ها مانع کارآفرینی روستایی نیست.

H₁: نبود حمایت مالی از سوی دولت و بانک‌ها یکی از موانع مهم در کارآفرینی روستایی است.

۴. فرضیه چهارم

H₀: مشارکت جوانان در کارآفرینی تأثیری بر رفاه اقتصادی ندارد.

H₁: مشارکت جوانان در کارآفرینی منجر به افزایش رفاه اقتصادی می‌شود.

الف) مبانی نظری تحقیق

کارآفرینی در مفاهیم اقتصادی و اجتماعی به عنوان عامل محرک رشد، نوآوری و اشتغال‌زایی شناخته می‌شود. دانشمندی، کارآفرین را نیروی خلاق تحول اقتصادی می‌داند. براساس دیدگاه‌های اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی منجر به افزایش درآمد، کاهش فقر، جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه و رشد متوازن مناطق می‌گردد.

در افغانستان، بخش عمده جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند که با چالش‌های مانند نبود زیربنا، نبود بازار، نبود سرمایه‌گذاری و بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند. نظریه‌های توسعه پایدار روستایی نیز برای ایجاد فرصت‌های شغلی در محل زیست، تمرکز بر تولید محلی و مشارکت جامعه تأکید دارند. مطابق نظریه نئوکلاسیک‌ها، بازار کار در صورتی کارا عمل می‌کند که عوامل تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه) در مناطق روستایی فعال شوند. از طرفی، نظریه سرمایه اجتماعی تأکید دارد که پیوندهای اجتماعی، اعتماد و همکاری جمعی زمینه ساز توسعه کارآفرینی محلی می‌گردد. نظریه توسعه پایدار روستایی نیز تأکید دارد که شگوفایی مناطق روستایی تنها از طریق ارتقای توانمندی ساکنان، حمایت از تولید محلی و ایجاد زیرساخت‌های اولیه ممکن می‌گردد. در این نظریه، کارآفرینی ابزار کلیدی برای جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، افزایش درآمد خانوار و تقویت اقتصاد محلی شمرده می‌شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سبب ارتقای مهارت‌ها و بهره‌وری نیروی کار شده و راه ورود به بازار کار را تسهیل می‌کند.

سازمان بین‌المللی کار (ILO, 2021)، گزارش داده که بیش از ۷۰٪ از نیروی کار افغانستان در بخش غیررسمی مشغول اند و بسیاری در مناطق روستایی فاقد مهارت‌های لازم برای کارآفرینی هستند. این سازمان در پروژه‌های در ولایت بلخ توانست با آموزش جوانان، درآمد خانوارها را تا ۳۰٪ افزایش دهد.

ب) یافته‌های تحقیق

۱. آزمون کرونباخ

پایایی ابزار که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری نیز تعبیر می‌شود، عبارت است از این که اگر یک وسیله‌ی اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود؛ به عبارت دیگر، ابزار پویا یا معتبر ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری نتایج یکسان برخوردار باشد. برای تعیین پویایی پرسش‌نامه مورد استفاده در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های تحقیق

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
718	6

تبصره: قسمی که در جدول (۱) نشان داده شده است، میانگین آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS24 بدست آمده است که برای تمامی متغیرهای تحقیق ۰.۷۱۸ که بالاتر از (۰/۷) است، که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه است. لازم به ذکر است که طیف ضریب آلفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ است و هر چه این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده‌ی پایاتر بودن گویه‌های پرسش‌نامه است.

۲. آمار توصیفی تحقیق

درآمار توصیفی تحقیق از سن، سطح تحصیلات، حالت مدنی، نوع شغل، پاسخ‌دهندگان پرسش‌های صورت گرفته که قرار ذیل است:

جدول ۲. تفکیک پاسخ‌دهندگان بر اساس سن					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	۲۰-۳۰	82	82.0	82.0	82.0
	۳۱-۴۰	13	13.0	13.0	95.0
	۴۱-۵۰	5	5.0	5.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که به تعداد ۸۲ تن از پاسخ‌دهندگان که ۸۲٪ مجموعه پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند بین سنین ۲۰-۳۰ بوده اند، ۱۳ تن از آنان که ۱۳٪ مجموعه از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند بین سنین ۳۱-۴۰ بوده اند و ۵ تن از آنان که ۵٪ مجموعه از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند بین سنین ۴۱-۵۰ بوده اند.

جدول ۳. تفکیک پاسخ‌دهندگان بر اساس سطح تحصیلات					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	فارغ ۱۲	28	28.0	28.0	28.0

بررسی فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: قریه قرشیگک ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ) / ۱۳

	فارغ ۱۴	14	14.0	14.0	42.0
	لیسانس	54	54.0	54.0	96.0
	ماستر	4	4.0	4.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با توجه به اطلاعات بدست آمده، به تعداد ۲۸ تن از پاسخ ۲۸٪ مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد دوازده‌پاس بوده و ۱۴ تن از آنان که ۱۴٪ مجموعه از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد چهارده‌پاس و ۵۴ تن از آنان که ۵۴٪ مجموعه از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد لیسانس بوده و متباقی آن‌ها ماستر بوده اند.

جدول ۴. تفکیک پاسخ‌دهندگان بر اساس حالت مدنی					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	مجرد	71	71.0	71.0	71.0
	متاهل	29	29.0	29.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با توجه به اطلاعات بدست آمده به تعداد ۷۱ تن از پاسخ‌دهندگان که ۷۱٪ مجموعه پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند مجرد اند و ۲۹ تن از آنان که ۲۹٪ مجموعه از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد متاهل می‌باشند.

جدول ۵. تفکیک پاسخ‌دهندگان بر اساس نوع شغل					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کارمند دولت	10	10.0	10.0	10.0
	کارمند خصوصی	16	16.0	16.0	26.0
	شغل آزاد	45	45.0	45.0	71.0
	بیکار	29	29.0	29.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با توجه به اطلاعات بدست آمده به تعداد ۱۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۰٪ مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد کارمند دولت اند و به تعداد ۱۶ تن از پاسخ‌دهندگان که

۱۶٪ مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد کارمند خصوصی اند و به تعداد ۴۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۴۵٪ مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد شغل آزاد دارند و متبای آن‌ها بیکار بوده اند.

۳. آمار تحلیلی تحقیق

در این بخش به تحلیل یافته‌های تحقیق برای تحلیل فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۶. آیا نبود فرصت های شغلی یکی از دلایل مهاجرت از روستا به شهر ها است؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملا مخالف هستم	۱۰	10.0	10.0	10.0
	مخالف هستم	6	6.0	6.0	16.0
	نظری ندارم	5	5.0	5.0	21.0
	موافق هستم	45	45.0	45.0	66.0
	کاملا موافق هستم	34	34.0	34.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم ۱۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۴۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۳۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۷. آیا آموزش مهارت های فنی میتواند به ایجاد اشتغال در روستاها کمک کد؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملا مخالف هستم	4	4.0	4.0	4.0
	مخالف هستم	9	9.0	9.0	13.0
	نظری ندارم	12	12.0	12.0	25.0
	موافق هستم	40	40.0	40.0	65.0
	کاملا موافق هستم	35	35.0	35.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۴٪ از افراد پاسخ دهنده کاملاً مخالف هستند، ۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۱۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۴۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۳۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۸. آیا نبود پلان‌گذاری دقیق از سوی دولت مانع توسعه و اشتغال در روستاها شده است؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	3	3.0	3.0	3.0
	مخالف هستم	14	14.0	14.0	17.0
	نظری ندارم	13	13.0	13.0	30.0
	موافق هستم	38	38.0	38.0	68.0
	کاملاً موافق هستم	32	32.0	32.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۱۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۱۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۳۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۳۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۹. آیا نبود برق و جاده ها مانع رشد کارآفرینی در روستا ها است؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	7	7.0	7.0	7.0
	مخالف هستم	3	3.0	3.0	10.0
	نظری ندارم	8	8.0	8.0	18.0
	موافق هستم	39	39.0	39.0	57.0
	کاملاً موافق هستم	43	43.0	43.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۷٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۳۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۴۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۱۰. آیا پروژه های زراعتی جدید می تواند اشتغال روستاییان را افزایش دهد؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	2	2.0	2.0	2.0
	مخالف هستم	9	9.0	9.0	11.0
	نظری ندارم	6	6.0	6.0	17.0
	موافق هستم	33	33.0	33.0	50.0
	کاملاً موافق هستم	50	50.0	50.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۳۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۵۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۱۱. آیا کار آفرینی می تواند راه حلی مؤثر برای کاهش بیکاری در روستا ها باشد؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	1	1.0	1.0	1.0
	مخالف هستم	8	8.0	8.0	9.0
	نظری ندارم	15	15.0	15.0	24.0
	موافق هستم	47	47.0	47.0	71.0
	کاملاً موافق هستم	29	29.0	29.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۱٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۱۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۴۷٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۲۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۱۲. آیا جوانان در مناطق روستایی علاقه مند به یادگیری مهارت های جدید هستند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	2	2.0	2.0	2.0
	مخالف هستم	10	10.0	10.0	12.0
	نظری ندارم	18	18.0	18.0	30.0
	موافق هستم	45	45.0	45.0	75.0
	کاملاً موافق هستم	25	25.0	25.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۱۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۱۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۴۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۲۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۱۳. آیا سرمایه گذاران خصوصی علاقه مند به فعالیت در مناطق روستایی نیستند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	2	2.0	2.0	2.0
	مخالف هستم	14	14.0	14.0	16.0
	نظری ندارم	32	32.0	32.0	48.0
	موافق هستم	29	29.0	29.0	77.0
	کاملاً موافق هستم	23	23.0	23.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۱۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان مخالف هستند، ۳۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان نظری ندارند، ۲۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان موافق هستند، ۲۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۱۴. آیا رسانه ها می توانند در ترویج فرهنگ کار آفرینی در روستاها نقش داشته باشند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	کاملاً مخالف هستم	7	7.0	7.0	7.0
	مخالف هستم	9	9.0	9.0	16.0
	نظری ندارم	20	20.0	20.0	36.0
	موافق هستم	40	40.0	40.0	76.0
	کاملاً موافق هستم	24	24.0	24.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می توانیم که ۷٪ از افراد پاسخ دهندگان کاملاً مخالف هستند، ۹٪ از افراد پاسخ دهندگان مخالف هستند، ۲۰٪ از افراد پاسخ دهندگان نظری ندارند، ۴۰٪ از افراد پاسخ دهندگان موافق هستند، ۲۴٪ از افراد پاسخ دهندگان کاملاً موافق هستند.

جدول ۱۵. تا چه اندازه به منابع مالی برای راه اندازی کسب کار دست رسی دارید؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	خیلی کم	21	21.0	21.0	21.0
	کم	32	32.0	32.0	53.0
	هیچ	20	20.0	20.0	73.0
	زیاد	16	16.0	16.0	89.0
	خیلی زیاد	11	11.0	11.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می توانیم که ۲۱٪ از افراد پاسخ دهندگان به گزینه خیلی کم پاسخ داده اند، ۳۲٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه کم را پاسخ داده اند، ۲۰٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه هیچ را پاسخ داده اند، ۱۶٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را انتخاب پاسخ داده اند، ۱۱٪ از افراد پاسخ دهنده گزینه خیلی زیاد را پاسخ داده اند.

جدول ۱۶. تا چه حد مهارت های لازم برای کار آفرینی را در خود احساس می‌کنید؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	خیلی کم	8	8.0	8.0	8.0
	کم	27	27.0	27.0	35.0
	هیچ	8	8.0	8.0	43.0
	زیاد	39	39.0	39.0	82.0
	خیلی زیاد	18	18.0	18.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه خیلی کم پاسخ داده اند، ۲۷٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه کم پاسخ داده اند، ۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه هیچ پاسخ داده اند، ۳۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه زیاد پاسخ داده اند، ۱۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه خیلی زیاد پاسخ داده اند.

جدول ۱۷. چقدر مردم محلی از کسب و کار های جدید حمایت می‌کنند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	خیلی کم	15	15.0	15.0	15.0
	کم	20	20.0	20.0	35.0
	هیچ	18	18.0	18.0	53.0
	زیاد	31	31.0	31.0	84.0
	خیلی زیاد	16	16.0	16.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۱۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه خیلی کم پاسخ داده اند، ۲۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه کم پاسخ داده اند، ۱۸٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه هیچ پاسخ داده اند، ۳۱٪ از پاسخ‌دهندگان به گزینه زیاد پاسخ داده اند، ۱۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان به گزینه خیلی زیاد پاسخ داده اند.

جدول ۱۸. تا چه میزان زنان در فعالیت های اقتصادی در روستا ها مشارکت دارند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	خیلی کم	14	14.0	14.0	14.0
	کم	30	30.0	30.0	44.0
	هیچ	22	22.0	22.0	66.0
	زیاد	21	21.0	21.0	87.0
	خیلی زیاد	13	13.0	13.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می توانیم که ۱۴٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه خیلی کم پاسخ داده اند، ۳۰٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه کم را پاسخ داده اند، ۲۲٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه هیچ را پاسخ داده اند، ۲۱٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را پاسخ داده اند، ۱۳٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه خیلی زیاد را پاسخ داده اند.

جدول ۱۹. تا چه اندازه اداره های دولتی در توسعه اشتغال در روستا نقش دارند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	خیلی کم	9	9.0	9.0	9.0
	کم	35	35.0	35.0	44.0
	هیچ	17	17.0	17.0	61.0
	زیاد	25	25.0	25.0	86.0
	خیلی زیاد	14	14.0	14.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می توانیم که ۹٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه خیلی کم را پاسخ داده اند، ۳۵٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه کم را پاسخ داده اند، ۱۷٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه هیچ را پاسخ داده اند، ۲۵٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را پاسخ داده اند، ۱۴٪ از افراد پاسخ دهندگان گزینه خیلی زیاد را پاسخ داده اند.

جدول ۲۰. چقدر طرح‌های دولتی باعث ایجاد شغل در منطقه شما شده اند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	خیلی کم	16	16.0	16.0	16.0
	کم	35	35.0	35.0	51.0
	هیچ	16	16.0	16.0	67.0
	زیاد	13	13.0	13.0	80.0
	خیلی زیاد	20	20.0	20.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۱۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه خیلی کم را پاسخ داده‌اند، ۳۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه کم را پاسخ داده‌اند، ۱۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه هیچ را پاسخ داده‌اند، ۱۳٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه زیاد را پاسخ داده‌اند، ۲۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه خیلی زیاد را پاسخ داده‌اند.

جدول ۲۱. آیا تا کنون دردوره های آموزشی اشتراک کرده اید؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	بلی	64	64.0	64.0	64.0
	نخیر	12	12.0	12.0	76.0
	نسبتاً	24	24.0	24.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۶۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه بلی را انتخاب نموده‌اند، ۱۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نخیر را انتخاب نموده‌اند، ۲۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نسبتاً را انتخاب نموده‌اند.

جدول ۲۲. آیا در روستای شما فرصت های شغلی جدید در چند سال اخیر ایجاد شده است؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	بلی	26	26.0	26.0	26.0
	نخیر	52	52.0	52.0	78.0
	نسبتاً	22	22.0	22.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۲۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه بلی را انتخاب نموده‌اند، ۵۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نخیر را انتخاب نموده‌اند، ۲۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نسبتاً را انتخاب نموده‌اند.

جدول ۲۳. آیا تمایل دارید در آینده کسب کار شخصی خود را راه اندازی کنید؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	بلی	69	69.0	69.0	69.0
	نخیر	19	19.0	19.0	88.0
	نسبتاً	12	12.0	12.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۶۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه بلی را انتخاب نموده‌اند، ۱۹٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نخیر را پاسخ داده‌اند، ۱۲٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نسبتاً را انتخاب نموده‌اند.

جدول ۲۴. آیا نهاد های محلی از جوانان برای شروع کسب کار حمایت می کنند؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	بلی	31	31.0	31.0	31.0
	نخیر	34	34.0	34.0	65.0
	نسبتاً	35	35.0	35.0	100.0
	Total	100	100.0	100.0	

تبصره: با در نظرداشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۳۱٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه بلی را انتخاب نموده‌اند، ۳۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نخیر را انتخاب نموده‌اند، ۳۵٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نسبتاً را انتخاب نموده‌اند.

جدول ۲۵. آیا در منطقه شما نمونه موفق کار آفرینی وجود دارد؟					
		تعداد	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی متزاید
معتبر	بلی	36	36.0	36.0	36.0
	نخیر	34	34.0	34.0	70.0
	نسبتاً	30	30.0	30.0	100.0

	Total	100	100.0	100.0	
--	-------	-----	-------	-------	--

تبصره: با در نظر داشت جدول فوق گفته می‌توانیم که ۳۶٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه بلی را انتخاب نموده‌اند، ۳۴٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نخیر را انتخاب نموده‌اند، ۳۰٪ از افراد پاسخ‌دهندگان گزینه نسبتاً را انتخاب نموده‌اند.

One-Sample Chi-Square Test Summary	
Total N	100
Test Statistic	67.100 ^a
Degree Of Freedom	4
Asymptotic Sig. (2-sided test)	.000
a. There are 0 cells (0%) with expected values less than 5. The minimum expected value is 20.	

تبصره: نتایج آزمون کای دو تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که مقدار آماری آزمون برابر با ۶۷.۱۰۰ بوده و سطح معنی‌داری (Sig = 0.000) کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد. بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر (H_0) مبنی بر برابر بودن فراوانی‌های مشاهده‌شده با فراوانی‌های مورد انتظار رد و فرضیه بدیل (H_1) تأیید می‌گردد.

این نتیجه بیانگر آن است که بین گزینه‌های پاسخ‌دهی تفاوت معنادار وجود داشته و توزیع پاسخ‌ها به‌صورت یکنواخت نیست. همچنین، با توجه به اینکه حداقل مقدار مورد انتظار ۲۰ بوده و هیچ سلولی کمتر از ۵ نمی‌باشد، اعتبار آزمون تأیید می‌گردد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه صفر رد گردیده است.

نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه در تحقیق هذا تحت عنوان ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی قریه قرشیگک، ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ، بیان‌گر آن است که نبود فرصت‌های کاری در سطح روستا یکی از عوامل اصلی بیکاری، فقر و مهاجرت روستا‌نشینان به شهرها بوده و بر اساس اطلاعات و داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه تحلیل آماری توسط نرم افزار spss اکثر پاسخ‌دهندگان باور داشتند که حمایت دولت از طرح‌های کارآفرینی، آموزش مهارت‌های فنی و فراهم سازی تسهیلات ابتدایی مانند (دسترسی به قرضه، برق، جاده و بازار فروش) نقش حیاتی در تقویت اقتصاد روستایی دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روستاییان، به ویژه جوانان، تمایل و انگیزه بالایی برای راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی دارند؛ اما نبود امکانات، عدم دسترسی به منابع مالی، ضعف زیربنای و نبود حمایت فنی از موانع اصلی به شمار می‌رود. همچنان افراد شرکت کننده تأکید نمودند که مشارکت نهادهای دولتی و غیر دولتی در آموزش مهارت، ایجاد مراکز تولیدی و فراهم سازی بازار فروش محصولات محلی می‌تواند بستر مؤثری برای ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری فراهم سازد. بر مبنای تحلیل‌های به عمل آمده، می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد فرصت‌های شغلی و کار آفرینی در سطح قریه‌جات تنها زمانی مؤثر واقع می‌شود که از یک سو پلان‌گذاری دقیق، منسجم و منطقه محور صورت گیرد و از سوی دیگر حمایت‌های پایدار دولتی، دسترسی به منابع مالی و آموزش مهارتی به صورت هم‌انگ تأمین گردد. در غیر آن بیکاری در مناطق روستایی همچنان به عنوان یک معضل اجتماعی خواهد ملند. در نهایت می‌توان گفت که کار آفرینی در مناطق روستایی نه تنها راه حلی برای کاهش بیکار و جلوگیری از مهاجرت به شهرها است، بل که عامل مؤثر در تقویت اقتصاد محلی و توسعه پایدار محسوب می‌شود. موفقیت این روند نیازمند سیاست‌گذاری هدفمند، حمایت دوام‌دار دولتی، نهادهای سازی فرهنگ کار آفرینی و مشارکت فعال مردم محل است.

نتایج حاصل از پرسش‌نامه نشان می‌دهد که ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه کارآفرینی در قریه قرشیگک می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی داشته باشد. بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقدند کمبود زیربنا مانند برق، جاده و بازار، و نبود پلان‌گذاری دقیق از سوی دولت از موانع اصلی توسعه اشتغال در روستاها است. آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیز به عنوان عاملی مؤثر در تقویت روحیه کارآفرینی روستایی مورد تأکید قرار گرفته و درصد بالایی از افراد با این موضوع موافق هستند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که دسترسی محدود به منابع مالی مانع آغاز کسب‌وکارهای کوچک است و حمایت نهادهای امارتی و محلی در این زمینه ناکافی است. علاقه و انگیزه جوانان برای راه‌اندازی کسب‌وکار و یادگیری مهارت‌های جدید، همراه با نقش نمونه‌های موفق کارآفرینی و مشارکت مردم محلی، از دیگر نکات قابل توجه است. در مجموع، داده‌ها به وضوح پاسخ می‌دهند که توسعه کارآفرینی و فرصت‌های شغلی در روستا تنها در صورتی مؤثر است که آموزش، حمایت مالی و زیرساخت‌ها به طور هماهنگ تأمین شوند و مشارکت فعال جامعه محلی و نهادهای دولتی برقرار باشد.

منابع و مأخذ

- اکبری، ع. (۱۳۹۹). بررسی نقش کارآفرینی در کاهش بیکاری در قریه‌ها. مونوگراف دوره لیسانس، پوهنتون کابل.
- اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۴۰۲). برآورد جمعیت ولسوالی دولت آباد و قریه قرشیگک. کابل. (برای تعیین جمعیت و ساختار اقتصادی قریه قرشیگک)
- بانک جهانی. (۲۰۱۹). توانمند سازی زنان روستایی جهت فقر زدایی از افغانستان. باز یابی شده از [وب سایت بانک جهانی].
- حیدری، ج. (۱۳۹۹). بررسی نقش کارآفرینی روستایی در کاهش فقر ولایت بامیان. مونوگراف دوره کارشناسی، پوهنتون کابل.
- خلیلی، ف. (۱۴۰۰). بررسی نقش آموزش های حرفه ای و حمایت ملی در توانمند سازی اقتصادی روستاییان. مونوگراف دوره کارشناسی، پوهنتون کابل.
- سازمان بین المللی کار. (۲۰۲۱). گزارش جهانی اشتغال روستایی. سازمان بین المللی کار.
- هاشمی، س. (۱۳۹۷). کارآفرینی روستایی و نقش آن در کاهش بیکاری در ولسوالی اندخوی. پایان نامه دوره لسانس، پوهنتون کابل.
- World Bank. (2019). Building and Sustaining Livelihood Through Enterprise Development in Rural Afghanistan. Retrieved from World Bank Website.
- Terasawa, M., & Adubi, A. (2018.June24). Boosting Entrepreneurship in Rural Afghanistan. World Bank Blogs.
- Mudasir, N. (2020). The Role of Entrepreneurship On Employment Generation in Afghanistan: Kandahar Province as Case Study.
- Aha Khan Foundation. (2019). Rural Development and Livelihoods in Northern Afghanistan: A Community-Based Approach. Kabul: AKF Publications.
- FAO. (2020). Employment and Rural Employment IN Afghanistan. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- ILO. (2020). Employment and Decent Work in Rural Areas: Strategies for Inclusive Growth. International Labour Organization.
- UNDP. (2021). Afghanistan Human Development Report 2021: Addressing Inequalities to Build Resilience. United Nations Development Programme.
- World Bank. (2022). Rural Livelihoods and Job Creation in Afghanistan: Policy Options and Lessons Learned. Washington, DC: The World Bank Group.

تورکمن دیلینداکی سوز جوکلرینگ اولانیلیشی نینگ درنگوی

عبدالرحیم فرزاد*

پوهندوی، تورکمن دیلی و ادبیاتی دیپارتمنتی، تعلیم و تربیه فاکولته سی، جوزجان پوهنتونی، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0009-5531-2857-abdulrahimfarzad44@gmail.com>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۲۳)

غیسفا مضمونی

تورکمن دیلینداکی سوز جوکلری، اساسا هم دیلینگ دگیشلی بولومینده سوزلرینگ غورلوشینی، اویتگیشین، گورنوشلرینی و سوزلری بللی بیر توپاره بولمگینگ دوزگونلرینی، قانونه لایقلا رینی اورنمک بولیور. شونلوق بیلن سوزلری شویله توپارلاره بولوپ اورنمک داب بولوپ غالپ دیر. شیله لیک- ده هر دیلینگ اوز دستور- گرامری بار دیر. تورکمن دیلینی هم ادیل بویله کی دبلیرینگکی یالی بللی بیر قاعده و قانونه لایقلا ر اساسیندا درنگه مکلیک یرلیکلی دیر. شونلوقدا تورکمن دیلی نینگ هم سوز جوکلری بولومینده سوزلری شو آشقاداقی یالی توپارلاره بولوپ اورنمک بیلن بولاری: "آت، صفت، ایشلیک، چالیشما، سان، باغلا یچی، اوملوکلر و سوزسونگی کمکچی لری" یالی سوز توپارلارینه بولوپ، اولارینگ هر یسینه دگیشلی مثاللار درنگه لیپ اورنکمکلیک مقصدی گوزاونگونده توتیلدی. بو تحقیق دان هدف و اساسی مساله تورکمن دیلی نینگ سوز جوکلری نینگ ایشله نیلیشی باره سیندا گچمیشلرده ادیلن ایشلری اورنیپ، شو اوردا ایشلاپ علمی تازه لیک لر یوزه چیقارماق، بو بولسه بو اوور بیلن ایش سالیسیون ادم لاره حاس دا فایده لی بولار دیپ امید ادیاریس. بو علمی تحقیقی ایشه دگیشلی علمی ایشلر اونگ هم افغانستان دا، ترکیه و ایران دا دگیشلی عالملار طرفیندان عمومی گورنوشینده ادیلن ایشلر همده کابیر بولکله یین ادیلن ایشلری گوزدن گچیریلدی؛ یونه غینانساق دا اودییه ن گوزه دورتیلیپ دوران ایشلر ادیمه دی؛ اما اونگا غاراماز دان بویله کی کابیر داشاری اولکه لرده اساسا هم تورکمنستان دا اوران غووی ایشلر ادیلدی دیساک یالنگیشماساق گره ک.

اساسی ایش سالیشیلیون سوزلر: ات، ایشلیک، چالیشما، سانلار، سوز، سوز جوک، صفت.

*. فرزاد، عبدالرحیم. (۱۴۰۴). تورکمن دیلینداکی سوز جوکلرینگ اولانیلیشی نینگ درنگوی. مجله علمی-تحقیقی

The Study of Using Word Classes in Turkmen Language

Abdul Rahim FARZAD*

Assistant Prof, Department of Turkmen Language and Literature, Faculty of Education, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

abdurahimfarzad44@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0009-5531-2857>

(Received: 31/01/2026 - Accepted: 12/04/2026)

Abstract

In the Turkmen language, word classes are studied within the framework of linguistic change, focusing on the formation, transformation, structures, and classification of words into specific groups according to certain rules and principles. Therefore, it has become a common practice and custom to classify words into different categories for linguistic analysis. Like other languages, the Turkmen language has its own grammatical system, and it can be examined based on specific grammatical rules and principles. Accordingly, in Turkmen morphology, words can be classified into the following categories: nouns, adjectives, verbs, pronouns, numerals, conjunctions, interjections, modal words, and sentence-final particles. Each category is examined with various examples. The aim of this research is to review previous studies on the use of word classes in Turkmen language and to present new scientific findings in this field, which we hope will be beneficial for researchers and scholars working on this topic. Although some general studies have been conducted on this subject in Afghanistan, Turkey, and Iran that they are regrettably limited. However, in foreign countries, especially in Turkmenistan, extensive research has been carried out.

Keywords: *Adjective, Noun, Pronoun, Numerals, Verb, Word, Word Class.*

*. **Citation:** Farzad, A. (2026). The Study of Using Word Classes in Turkmen Language. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 27–42. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.87>

گیریش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

تورکمن دیل دستوری و یا - دا تورکمن ادبیاتی بویونچه تورکمن دیلینده بیزینگ یورت ده هم علمی ایش لر و فرهنگی فعالیت لر، دویبوندن ادیلماں دوران دال. چونکه دوکتور محمد صالح راسخینگ کابیر ایشلرینده اونی گورمک بولیور. شونونگ یالی هم مرحوم عبدالمجید توران، مرحوم عبدالکریم بهمن یالی کابیر افغانستان تورکمن عالم لاری نینگ ادن ایش لرینی و شو مقاله نینگ یازاری نینگ هم "حاضرکی زمان تورکمن دیلی نینگ گرامری" اتلی کتابینی یادلامان بولماز؛ "گونش" مجله سینده؛ "صحرا"، "گورش"... یالی جریده لرده بولک لهین نشر بولان ایشلری و باشغه - دا کابیر فرهنگی لرینگ و شاعرلارینگ ایش لرینی یادلاماق بولار؛ اما غیناساق ده شو یوقاردا ادی توتولان لاردان باشغه بو وقته چنلی تورکمن دیلی بویونچه اونونگ گرامری، دستوری بویونچه افغانستان تورکمن لرینده یوقاری علمی اهمیتی هیچ حیلی علمی ایش لر ادیلمدی دیساک هم یالنگیشماساق گرک. خود شونونگ اوچین هم افغانستان تورکمن لرینده ایلکیچی لرینگ قطرینده تورکمن دیلی نینگ "تورکمن دیلینده سوز جو کلرینگ اولانیلیشی نینگ درنگوی" عنوانی بیلن بو مقاله نی تیارلاماغه چالیشیلدی (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۱-۲).

مقاله دا تحقیق مسأله سی تورکمن دیلینده سوز جو کلرینگ اولانیلیشی نینگ درنگوی موضوع سی بویونچه، سوز جو کلری یاسایچی غوشولمالار اساسیندا، اتلاردا، صفت لاردا، سانلاردا، چالیشمالاردا ایشلیکلرده و بویله سوز توپارلاری اساسیندا درنگو ادیلیپ، تورکمن دیلینده اولانیلیون سوز جو کلری یوزه چیقارماغه چالیشیلدی. شونلوق بیلن بو تحقیق دان هدف، تورکمن دیلینداکی سوز جو کلرینی دورلی سوز توپارلاری بویونچه یاسایچی غوشولمالار اساسیندا یوزه چیقارماق مقاله نینگ باش مقصدی بولوپدوریور. بو تحقیقینگ اهمیتی هم دیسنگ مهم و اولی دیر. چونکه تورکمن دیلی و ادبیاتی بویونچه عزیز اولکه میز افغانستان دا از هم بولسه بولکله یین ایشلر ادیلدی؛ اما دینگه تورکمن دیلی نینگ سوز جو کلری حقیقیندا ایراتین بیر علمی - تحقیقی بیر ایش ادیلمدی دیسک یالنگیشماساق گرک. چونکه بو ایش اولکه میز تورکمن سوز جو کلری بویونچه ایلکینجی ادیلن درنگو دیر.

تحقیقینگ گچمیشی بو مقاله نی تیارلاماق دا کابیر افغانستانلی دیلشناس عالم لارینگ اولاردان "محمد صالح راسخ یلدرمینگ «تاریخ وفرهنگ تورکمنها» اتلی اثری نینگ، عبدالمجید تورانینگ «نگاهی بتاریخ وفرهنگ تورکمنها»، «کونگل لر صداسی ایکینجی جلدی» یالی

اثرلرینگ دگیشلی بولوملرینده یادلانیپ گچیلپ، کابیر تورکمنی مجله دیر جریده لرده شاعرینگ شعرلری بولکله ین چاپ ادیلیپ ایل- گونه یایراپدیر. شویله- ده غونگشی و داشاری یورتلی و اساسا هم تورکمنستانلی دیشناس عالملارینگ اثرلرینه یوزله نیلیدی. اساسا هم دیشناس عالم نوریاغدی "نارتیوف"، پ. عظیموف، یاز مراد عوضوف، بیکمراد ویسوف، یاز محمد چونگا یوف، دوکتور محمد حسین "یمین" یالی گویچلی دیل شناس لارینگ فکر لریندان و ایش لریندان فایدالانیلیدی. یونه غینانساقدا عزیز اولکامیز افغانستان دا شو یوقاردا ایدیلیپ گچیلن اوجیبسیز ایشلرینگ داشیندا هیچ بیر ایش ادیلمه دی، حتی بو تورکمن دیلینداکی سوزجوکلر حقیندا آیراتین بیر علمی ایش افغانستان دا ادیلمدی دیساک هم یالنگیشماریس چونکه غینانساقدا ایلدشلی میزینگ کویلوک گوتریمی نینگ بو باره دا هیچ حیلی معلوماتلاری یوق دیساک هم یالنگیشماساق گرک. خود شو مسأله نی چوزگودی گوز اونگونه توتولوپ، شویله سوراغلاره جواب گوزله نیپ، بومقاله دافی موضوع علمی تحقیقی اساسدا درنگو ادیلیدی.

بو مقاله نی تیارلاماقدا کتابخانه ای (توصیفی تحقیق گورنوشیندن) اولانیلیدی. شیله- ده بو علمی درنگو ایشینده یوردیمیزداکی و داشاری یورتلرداکی اعتبارلی چشمه لرده اساسا هم عزیز اولکهمیز افغانستان، ایران و تورکمنستان اولکه لرینده نشر ادیلن علمی و تحقیقی کتابلاردان و مجله دیر مقاله لاردان موضوعینگ آچیقلاینیشی اوچین فایده لانیلیدی.

حاضرکی زمان تورکمن دیلینده سوزلر اوزلری نینگ سوزدوزومی بویونچه اصل سوزلر و غوشولمه لار گورنوشینده بولیور.

اصل سوزلر هر دیلینگ مورفولوژی سی نینگ اساسی بوله گیینی اییه لیور. چونکه اصل سوزلر سوزونگ اینگ کیچی بوله گی بولوپ، شوندان کیچی بولکلره بولوپ بولمایان سوزلر دیر. اگرده اصل سوزلری اوندان کیچی بولکلره بولسنگ، معنی انگلادمایارلار. اصل سوزلره شولار دگیشلیدیر: "اوقه، گیل، گیت،".

غوشولمه لار. کمکچی سوزجوکلری یا غوشولمالاری سوزلرینگ دوزومینده کوپ گورمک بولیور. اصلینده غوشولمه لارایکی گورنوشده بولیور:

۱. سوزلرینگ اونگوندن غوشولیان غوشولمه لار. ۲. سوزلرینگ سونگوندن غوشولیان غوشولمه لار.

۲. سوزلرینگ اونگوندن غوشولیان غوشولمالار، تورکمن دیلینده سیرک ئوشگلیون بولسه دا، بو غوشمالار تورکمن دیلینه باشغه دیلردن، اساسا هم فارسچه دیلیندن گچن

غوشولمالار حسابلانیلیار! مثلاً: "با، بی، بد، نا" = با هوش، بادب، بی هوش، بی ادب، بی ایش (بیکار)، بد اخلاق، بد نیت، نادان، ناخوش، نا ساغ .

۳. سوزلرینگ سونگوندن غوشولیان غوشولمالار. تورکمن دیلینده غوشولمالار اساساً هم سوزلرینگ سونگوندن غوشولوپ اولانیلیار. مثال اوچین: "چی، چیلیق" = ایشچی، ایشچی، سواغچی - سواغچیلیق، یا اکرانچیلیق، مالدارچیلیق.

تورکمن دیلینداکی سوزینگ سونگوندان غوشولیون غوشولمالارینگ کوپسی دیین یالی عرب- فارس دیلریندن گچنلری هم بار! مثلاً: "ستان - افغانستان - گلستان، بان - باغبان - پاده بان، باز - دارباز - اتباز، نامه - روحنامه - اوغوزنامه، خانه - کتابخانه - اشخانه، خور - نلنخور - پلوخور، کش - دویه کش - ارابه کش و شونگا منگزشرلر (Nartyvew, 2009, p.3548).

الف) آتلار و اولارینگ گورنوشلری

آتلار؛ انسانلارینگ، حیوانلارینگ، اوسوملوکلرینگ، جانلی و جانسیز طبیعتدا باربولان دورلی ذاتلارینگ ادینی بیلدیریپ، کیم؟، نامه؟، نیرا؟، دیین سوراغلاره جواب بولوپ گلیان سوزلره آتلار دیلیار.

آتلار معنیسی بویونجه بیرناچه توپارلاره بولونیارلر.

خاص آتلار. تاکلیکداکی دوشونجه لرینگ، (ادملارینگ، یر - یورتلرینگ، شهرلرینگ، دریا - دنگیزلرینگ، داغ - چوللرینگ) و بيله شونگه منگز ش دوشونجه لرینگ آتلارینی انگلادیار. مثلاً: "احمد، محمود، عایشه، فاطمه، البورس داغی، هندوکش داغی، گوش جریده سی، خزندنگیزی، آمودریاسی، فردوسی نینگ شاهنامه سی، اندخوی، مزارشریف، کابل و شونگه منگزشرلر خاص آتلاره دگیشلی بولوپدوریار (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۴۸-۵۰).

جنس آتلار. بوحیلی آتلار عمومیلیقده ذاتلارینگ، دوشونجه لرینگ، آتلارینی انگلادیارلار. مثال اوچین: "داش - (همه دورلی داشلاری اوزایچینه ییار)، درخت - (همه دورلی درختلاری اوزایچینه ییار)" و یاده "میوه، کتاب، ادم، حیوان، غوش" یالی سوزلرهم شولار یالی جنس آتلاره دگیشلیدیرلر.

انیق و خیالی آتلار: انیق آتلاردییلنده، انیق و دقیق دوشونجه لری اوز ایچینه الپ، کوپلنچ یاغدایده ال بیلن الپ، گوز بیلن گوریپ بولیان ذاتلارینگ ادینه کونکرت یا انیق آتلار دیلیار؛ مثلاً: میز، چوکی (اوتورغیچ)، کتاب، قلم، کاغذ، داش و شونگه منگزشرلر.

خیالی آتلار (اسم معنی). دییلنده، اولاری ال بیلن توتیپ، گوزبیلن گوریپ بولمان، انگینگده، خیالینگده، گوزاونگونه گتیریلیان دوشونجه لرینگ آتلارینه ایدیلیار. مثلاً: اویقی، دویقی،

سویگی، حرمت، ادب، بخت، ابروی، عقل، پایخاس، جبر و شونگه منگزش آتلا ره اسم معنی یا ابستراکت آتلا ردیلیلار (یمین، ۱۳۸۳، ص. ۷۴-۸۱).

تورکمن دیلینده آتلا غورلوشی بویونچه: "ساده، تیرکش، غیسغالدیلان آتلا" یالی توپارلاره بولونیارلر.

ساده آتلا. بیر سوزدن عمله گلیان آتلا ره ساده آتلا ردیلیلار؛ مثلاً: داغ، دغه، غوم و شونگه منگزشر. بولار هم اصل و یاسامه آتلا ره بولونیارلر. اصل آتلا شوندان ارتیق بولکلره بولوپ بولمایان آتلا ره ایدیلیلار؛ مثلاً: "شمال، اغاچ، سو، یر"، و شونگه منگزشر.

یاسامه آتلا. بو حیلی آتلا دورلی سوز توپارلاریندان یاسالماغی ممکن بولان و بولکلره بولوپ بولیان آتلا ردیر؛ مثلاً: اوتور/غیچ، ایدیم/چی، اوقو/چی، یور/لگه، اوزوم/چیلیک و شونگه منگزشر. غوشمه آتلا. بو حیلی آتلا بیردن کوپ سوزلرینگ بیرلشمگیندن عمله گلیار. بولار آتلا ردن، ات بیلن ایشلیکلردن، سان بیلن صفتلاردن و شونگا منگزشرلردن دوزولیان آتلا ره غوشمه آتلا ردیلیلار؛ مثلاً: "کله باش لیاق، - (کله+باش+لیاق) ویا گونه باقار، گون دوعدی، غاریاغدی، سخی دوردی، بارسه گلمز، بوریجار، اورتا غره، داشتوممک" یالی غوشمه سوزلردن عمله گلن آتلا ره غوشمه آتلا ردیلیلار.

ب) آتلا رینگ یاسالیشی

آتلا مورفولوژیکی یول بیلن یاسالانده، غوشولمالار ارقه لی اشاقداقی یالی سوز توپارلاریندان یاسالیار:

الف) اسملردن، ب) ایشلیکلردن، ج) سس و شکل انگلادیان سوزلردن.
الف) اسملردن آتلا رینگ یاسالشی. تازه دوشونجه لری انگلادماق اوچین، ات معنیللی سوزلری انگلادماغه غاتناشیان غوشولمالاردان مثاللار: "چی، -چی، -لیق، -لیک (اش+چی) -اش+چی+لیق) -اشچیلیق، دمیرچی - دمیر+چی +لیک -دمیرچیلیک" و شونگه منگزشر. و یاده کابیر سوزلره غوشولوپ ات یاسایانلار: "بان -باغ+بان، وان، دان -گل+دان" و شونگه منگزشر (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۵۱).

اسملردن اساسی ات یاسامغه ایشجنگ غاتناشیان: "چی، -چی" غوشولمالاری، کسپ-کاری، غیلیق - خاصیتی انگلادیان آتلا ری یاسایار مثلاً: "سیاستچی، اوقوچی، بالیقچی، یالانچی، گچی".

چی و -لیق، لیک، غوشولمالاریندن عمله گلن -چیلیق، -چیلیک گورنوشینده سوزلره غوشولپ، کسپ-کاری، حال -یاغداپی، کوپلیگی، انگلادیان آتلا ری یاسایارلار. مثلاً: "

معلمچیلیک، خیاطچیلیق، اشچیلیق، دهقانچیلیق، چوپانچیلیق، دمیرچیلیک، غینچیلیق، دوقچولوق، اوباجیلیق.

وینه ده کسپ- کار بیلن باغلانشیقلی و نامه اوچین گرکلیگی انگلادماقده ات یاساماغه ایشجنگ غاتناشیان غوشولمالار: - لوق، - لیک، - لوق، - لوک. "ارچین+ لوق، کونیک+ لیک، ینگ+ لیک، اونگ+ لوک، "یاده صفتلاره غوشلانده: "اق+ لوق، یمان+ لوق، یخشی+ لوق، یاده سانلارده: اون+ لوق، باش+ لیک، تور+ لوک" نتیجه ده بیرزادینگ ادینی یاسایارلار.

(ب) آتارینگ ایشلیکلردن (فعللردن) یاسالیشی.

"-یم، -یم، -اوم، -اوم" یالی غوشولمالار معنیسی بویونچه حرکتینک نتیجه سینی، مقدار- اولچگی انگلادیان آتاری یاسایار: مثلاً: "بیچیم، گوچوم، گییم، ادیم،" یالی سوزلر. یاده: "ما، -مه" غوشولمالاری بولارهرحیلی ایمیتلر و کشته بیلن باغلانشیقلی آتاری یاسایار: "غاتلامه، قورمه، غایناتمه، غایاما".

(ج) اشقاداقی غوشولمالار، سس و شکل معنیلارینی انگلادماقده اولی خدمتی یرینه یتیرارلر:

-یردی، -وتدی، -وردی - (تاق+ یردی)، شاقیردی، دوکردی، تیقیردی (فرزاد، ۱۳۹۴، ص.

۵۳).

-یلدی، -ولدی- یالپیلدی، شاغیلدی، شولدی، خورولدی، گورولدی، گولدی، گوممولدی.

تورکمن دیلینده غوشما آتار دورلی سوز توپارلاریندن عمله گلیپ، بیلرلر. مثلاً:

۱. ات+ آتلاردان: "اتغولاق، گلیاقه، بادامغاباق، دویه دابان" وشونگه منگزشر.

۲. ات+ صفتلاردن: "گوککونیک، اق التین، قره ات، غره غوش، یارق ایت" و شونگه منگزشر.

۳. ات+ ایشلیکلردن (اسم+ فعل): "گونه باقار، اتچاپار، داشدفمل، گوزدانگدی" و شونگه منگزشر.

۴. ات+ سان (اسم+ عدد): "چار یارقل، التی بای، قیرق ایاق، قرق گونلیک، مونگباشی".

صفتلار: بو دوشونجانینگ اچیقلاماسی شيله راک: بیر زادینگ یا دوشونجانینگ حیلینی، خاصیتینی، صفتینی بیر- بیریندن تفاوتلاندیرماق اوچین اولانیلیان اوزباشداق سوز توپاری حسابلانیلیپ، "ناحیلی؟، ننگسی؟، حایسی؟، دیین سوراغلاره جواب بولوپ گلیان سوزلره صفتلار دییلیار؛ مثلاً: "گینگ میدان، بیکداغ، چپرغیز، ذهینلی اوغلان، عقللی آدم، تورشی اوزوم".

صفتلار غورلوشی تایدان ایکی توپاره بولونیارلر:

۱. ساده صفتلار. ۲. غوشمه صفتلار.

ساده صفتلاردییلنده، بیر ذاتلارینگ یادا دوشونجه لرینگ حیلینی، رنگینی، طعامینی، حاتینی، و شونگه منگزشرینی بیر سوزونگ اوستی بیلن انگلادیان صفتلاره ساده صفتلار دییلار.

ساده صفتلاری هم ایکی توپاره بولوپ گوکزمک ممکن:

۱. اصل صفتلار. ۲. یاساما صفتلار

شو دورشونا اصلیندان صفت انگلادیان، سوزیاسایجی غوشولمالارینگ کمگی بیلن یاسالمادیق صفتلارا اصل صفتلاردییلار؛ مثلاً: "سویجی، اجی، اگری، دوغری، آق، گوک، قیزیل، یاشیل، یغشی، یمان".

سوزیاسایجی غوشولمالارینگ اوستی بیلن یاسالان، دورلی سوزتوپارلاریندان عمله گلن صفتلاره یاساما صفتلاردییلار؛ مثلاً: "گینگ میدان، ذهینلی اوغلان، ادبلی غیز، غیزیقلی فلم". غوشمه صفتلاردییلنده، ایکی یادا اوندان کوپ سوزونگ بیرلشمگیندن عمله کلیپ، ذادینگ یا دوشونجانیگ حیلینی، بولوشینی، رنگینی، خاصیتینی و شونگه منگزش علامتلارینی انگلادیون صفتلاره ایدیلیور.

غوشمه صفتلاردییلار؛ مثلاً: "منزل-منزل داغلار، اگرم-بوگرم کوچه لر، قره گوزلی گلین، اق ساچلی انه، اق ساقال بابا، اوزین ساچلی غیز" (یمین، ۱۳۸۳، ص. ۸۴-۸۸).

صفتلارینگ یاسالیشی: تورکمن دیلینده دورلی حیلی غوشمالارینگ اوستی بیلن یاسالان صفتلاری گورمک بولیور:

الف) آتلاردان و بیله کی سوزتوپارلارینداندن دورلی غوشولمالاراقه لی صفتلارینگ یاسالیشی:

۱. -انه - "دیوانه، ترکانه، غریبانه، نورانه، شاعرانه، مردانه".

۲. -سی - "تورکمنی پلو، اقجه یی حلوا، تاریخی شخص، اجتماعی ادم، تورکمن ی گیم".

۳. -جانگ، -جنگ - "قهرجانگ، هوسجنگ، گونجنگ".

۴. -قی، -کی - "اوباداقی ادم، دوینکی واقعه، الرکی اوبا".

۵. -کار: "جوابکارکاتیب، گناه کار ادم، سبیکارکشی".

۶. -لاق، -لک - "بورونلاق، اوتلاق، اتلک، سونگکلک، قرنلاق".

۷. -لی - "ادبلی، سوادلی، غیراتلی، ترتیپلی". و.ش.م.

۸. -سیز - "پیداسیز، سسسیز، دوزسیز، سوادسیز، زهینسیز، سوسیز".

۹. - بی - : "بیناموس، بیمزه، بی غیرت، بی نمازادم".
۱۰. سک - : "هوسک اوغلان، کومورسک اوغری" (Nartyýew, 2009, p. 39-40).
- ب) صفتلارینگ ایشلیکلردن یاسالشی اشقاداقی غوشولمالار ارقالی عمله اشیریلیار:
 ۱. -اغان، -اگن(ه گن) - : "چاپاغان ات، گزه گن عیال، یاتاغان اوغلان، اویره گن ایت".
 ۲. -اق، -اک، -ک - : "اغلاق بابک، غورقاق اوغلان، اورکک اشک، اویرک ایت".
 ۳. -ارمن، -ارمن - : "چاپارمن، الارمن، ادرمن، ایرمن، گبیرمن".و.ش.م.
 ۴. -جانگ، -جنگ - : "اوتانجانگ، کاپنجانگ، غابانجانگ، اونجنگ".
 ۵. -ما، -مه - : "اسماچرا، غوراما کورته، سیلکمه تلپک".
 ۶. -یندی - : "تاپیندی، غالیندی، غرقیندی".
 ۷. -انچ، -ونچ - : "یوقانچ کسل، قورقونچ خبر".
 ۸. -یق، -یک، -وک - : "ییرتیق چوال، دشیک غاپ، دوک منجه".
 ۹. -مزاق، -مزک - : "چاپمزاق ات، اویرمزک ایت، اوسمزک اوت". (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۷۲-۷۳).

سانلار: سانلار قین مسأله لری چوزمکده(حل اتمکده) ریاضی نینگ، الجبرینگ اساسی عنصری حکمونده، خدمت ادیار. ادملار سانلارینگ اوستی بیلن مقداری، اوزینلیغی، اغیرلیغی، وقتی و شونگه منگزشرلی اولچیارلر. شيله لیک بیلن نتیجه ده دیلده هم سانلارینگ خدمتی اولی دیغینی ایتماق بولار.

سانلار سوزجو کلریکی غولوشی بویونچه اشقاداقی یالی توپارلاره بولونیار:

۱. ساده سانلار: "بیر، ایکی و اوچ".
۲. غوشمه سانلار: "التمیش، یتمیش، توقسان"،
۳. دوزملی سانلار: "اونباش، یگریمی التی".
۴. تیرکش سانلار: "یتدی سکگیز، اللی - التمیش" (Nartyýew, 2009, p. 41).

تورکمن دیلینده سانلار معنیسی بویونچه اشقاداقی یالی توپارلاره بولونیارلر:

۱. دوپ سانلار یا مقدارسانلار: "باش، اون، یگریمی و اونوز".
۲. ترتیب سانلار: "باشینجی، اونونجی".
۳. کسرسانلار یا دروپ سانلار: "اوچدن ایکی، تورتدن بیر".

۴. توپارسانلار: "ایکیمیز، اوچویمیز".

۵. تخمینی سانلار: "اون اونباش، اوتوز، قیرق" (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۷۷-۸۰).

چالیشمالار: چالیشمالار بولارهم آتلارینگ، صفتلارینگ، سانلارینگ یرینه چالیشریپ اولانیلورلار.

چالیشما لار معنیلاری بویونچه اشقاداقی یالی توپارلاره بولونیارلر:

۱. ات اچالیشما سی: "من، سن، اول، بیز، سیز، اولار"

۲. گورکزمه اچالیشما سی: "بو، شو، اول شول"

۳. سوراغ اچالیشما سی: "کیم، نامه، نیرا، حاجان"

۴. سان اچالیشما سی: "همه، اهلی، بوتین، باری، کوللی، توتوش، بیرناچه، بیرتوپار، بیراز، کابیر،

بیرانتک، تلیم، انچه، انچه، فلانچه"

۵. نا معلوم اچالیشما سی: "نامه، بیر، فلانی"

۶. غایدیم اچالیشما سی: "اوز"

۷. یوقلوق چالیشماسی: "هیچ"

۸. صفت اچالیشما سی: "هر" (Nartyýew, 2009, p. 42).

ایشلیکلر: بیر یاغدانینگ یا بیر ایشینگ بللی بیر وقتینگ ایچینده یرینه یتیریلماگینه ایشلیک یا فعل دیلیار؛ مثلاً: "کاسه دولدی، داودگلدی، حمید کسلدی" کمال قورقیزیلدی. (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۸۴-۸۵).

ایشلیکلر اوزلرینینگ غورلوشی بویونچه ساده و غوشمه ایشلیکلره بولونیارلر. بیرسوزدن عبارت بولان ایشلیکلره ساده ایشلیکلر دیلیار. ساده ایشلیکلر هم اصل و یاسامه گورنوشده بولیور.

غوشمه ایشلیکلر. غوشمه ایشلیکلر اصلینده تورکمن دیلینده ایشلیکلرینگ سینتکتیک یول بیلن یاسالشینینگ بیر گورنوشیدیر. بو ایشلیکلر ات معنیلر سوزلردن و ایشلیکلرینگ اوزلریندن کومکچی ایشلیکلرینگ غاتناشماغی بیلن عمله گلیار. بولار ساده ایشلیکلره غرانگده چیلشیریملی غیمیلدی- حرکتی انگلادیارلار. شیله لیک بیلن غوشمه ایشلیکلر ایک و اوندان ارتیق سوزلردن دوزولیپ، اولار توتوشلیغینه چیلشیریملی بیر حرکتی، ایشلیک بیلن انگلادیپ بولماجاق غیمیلدینی انگلادیپ گلیارلر؛ مثلاً: "یازیپ الماق، قبول اتمک، غولاق سالماق، خبر برمک".

ايشليک زمانلارى. بولار شولاردان عبارت:

حاضرکى زمان ايشليگى. حاضرکى زمان ايشليگى هم معنيسى بويونچه ايکى توپاره بولونيار: عمومی حاضرکى زمان: "من اوقايارين؛ سن اوقايارسينگ؛ اول اوقايار؛ بيز اوقايارس؛ سيز اوقايارسينگيز؛ اولار اوقايارلار." بو زمانينگ يوقلوق غالبي (فعل منفى) هم "ما، مه" غوشولمه لارى بيلن انگلاديليار. مثلاً: "اول اوقاميار، يازمايار ياده اول گيمه يار".
انيق يادقيق: "اولار کوچه ده دور، رستم صنفده اوتير، ماما اويده ياتير".
اوتن زمان ايشليگى: اوقه- اوقادى؛ من اوقاديم. سن اوقادينگ. اول اوقادى. بيز اوقاديق. سيز اوقادينگيز. اولار اوقاديلار. يوقلوقى "ما، مه" غوشولمه لارى ارقه لى انگلاديليار؛ مثلاً: الديم- الماديم، يازدى- يازمادى، گلدى- گلمدى و شونگه منگزشر.
گلجکزمان ايشليگى. گلجکزمان ايشليگى هم معنى تايدان ايکى توپاره بولونيار: معلوم گلجکزمان ايشليگى: من اوقاجاق، سن اوقاجاق، اول اوقاجاق.
نا معلوم گلجکزمان ايشليگى: من اوقارين، سن اوقارسينگ، اول اوقار؛ بيز اوقارس، سيز (فرزاد، ۱۳۹۴، ص. ۹۴-۹۵).

اوقارسينگيز، اولار اوقارلار. يوقلوقى: من گلرين، سن گلرسينگ، اول گلمز؛ بيز گلمرس، سيز گلرسينگيز، اولار گلمز لر.

ايشليگينگ شرط شکلى: السا، اوقاسا، يازسا، گلسه، گيتسه، قبول اتسه، اليپ بيلسه.
ايشليگينگ بويروق شکلى. مثاللار: "ال+اي+ين، (الايين) ال، ال+سين(السين)، ال+ايالى (الايالى)، ال+اي+ينگ(الايينگ)، ال+سين+لار(السينلار)". و ياده: "سن گل، اول گل+سين، سيز گل+ينگ".

ايشليگينگ بويروق شکلينينگ يوقلوقى "ما، مه" غوشولمه سى ارقه لى يوزه چيقيار؛ مثلاً: اوقايين،- اوقامايين، گل- گلمه، بار- بارما، گلسين- گلمسين.

ايشليگينگ ايسلگ شکلى: هرنا دوستم گلایدی، کاشکی غوی بولایدی، شوييل بير اکين بولایدی؛ من اوقايديم، سن يازايدينگ، اول بيلایدی.

ارزو و خيال غاليلارينينگ ايراتينليقلارى اشاقداقى يالى انگلاديليار:

الف) ارزو شکلى؛ مثلاً: "شودعواده تيزراک بيتسه دى، رخصتى تيزراک غوتارسادى، توى هم بولجاق بولسه بولسادى". مونونگده شخص بيلن اويتگيشى اوتن زمان ايشليگينينگ منگزشدير.
ب) خيال شکلى؛ مثلاً: "من گيت+مکچى، سن گيت+مکچى، اول گيت+مکچى". کوپليگى هم شونونگيالى.

ایشلیگینگ حکمانلیق شکلی: " گیت+ملی، بار+مالی، ایشله+ملی، اوقا+مالی، اورن+ملی، بیل+ملی؛ گیت+ملی+دال، بار+مالی+دال".

اورتاق ایشلیکلر.

اورتاق ایشلیکلرینگ هم ادیل ایشلیکلر یالی اوچ زمانی بار:

او تن زمان اورتاق ایشلیگی. ۲. حاضر کی زمان اورتاق ایشلیگی. ۳. گلجک زمان اورتاق ایشلیگی

(۸: ۱۱۲)

حال ایشلیکلر. حال ایشلیک اساسا سوزلمده احوالات بولوپگلیار. اول "پ،-ایپ،-وپ،-وپ،-پ؛-ا،-ا،-ای،-ای،-بی" غوشولمالارینگ کمگی بیلن یاسالیپ، دورلی معنیلارده اولانیلیارلار؛ مثلا: پ،-ایپ،-ایپ،-اوپ،-اوپ،-پ؛-ال،-یپ،-گل،-یپ،-دور،-وپ،-گور،-وپ،-بار،-لا،-پ،-ایشلا،-پ، "؛-ا،-ا" دور،-ا دور،-ا،-گور،-ا،-گورا، "یورا،-ی،-یورا،-ی، "سورا،-ی،-سورا،-ی".

کم ایشلیکلر: اول گلیان رازق دیر. یا اولارینگ سانی باش دی. ویدا رستم دوین گلیپدیر. ایش آتاری. ایش آتارینی عمله گتیریان غوشولمالار شواشاقداقیلاردان عبارت: -ماق،-مک: "بار،-ماق،-گل،-مک" یاده: -ما،-مه "بار،-ما،-گل،-مه" بولاردان باشغا هم: -یش،-یش،-یش،-وش،-وش،-یش. یالی غوشولمالارهم بار؛ مثلا: "گید+یش،-سات+یش،-توت+یش،-ی" یادا "اس،-اس" بار،-اس+ی(یوق)،-گید+اس+ی(یوق) "گلمک" کمکچی ایشلیگی بیلن هم اولانیلیار؛ مثلا: "منینگ مکتبه گیدسیم گلیار" (Öwezow, 2009, p. 207-223).

حاللارینگ غورلوشی بویونچابولونیشی: اصل حاللار، یاساماحالار. غوشمه-تیرکش حاللار. اصل حاللار. بولاره: ایبر،-گیچ،-دررو،-ایام،-حاضر،-ایلکی،-هنیز (هنوز)،-تیز،-ایندی،-چالت،-همیشه،-یانگی،-مدام،-باسیم،-شوپلله،-دستینه،-هرگز،-اهسته،-بارها،-حالی یالی بیرناچه سوزلردگیشلیدیر؛ مثلاً: سن ایندی ایت! اول دررو تیارلاندی. شوپلله گلدی. یاساماحاللار: شوییلینگ غیشینادوشونریالی دال. اول یازینایشلیار.

شيله لیک- ده تورکمن دیلی نینگ سوزجوکلری بولومینده بو یوقارداقیلاردان باشغه هم اولموکلر: سوزلم ایچینده، سوزلی جینینگ قهرینی، شادلیغینی، غورقوسینی، غینانجینی یوزه چیقارماق اوچین خدمت ادیار. اولار سوزلم ایچینده دورلی حیلی دویغولاری اوران غیسغه، چالت و تحقیق گورنوشده انگلاتماغه اوقیپلیدیر.

اولموکلرایکی توپاره بولونیار: اصل اولموکلر. یاساماولموکلر

اصل اولموکلر: ای،-اهی،-با،-حا،-ا،-حایی،-حای،-حیی،-هوم-م-م.

ياساماولمولوكلر: "ياشا، باغيشلا(ببخشيد)، ارما، الحفوظ، بركللا((بارك الله)، اى والله، آل گرەك

بولسه!

اوملوكلرينگ توبارلاره بولونيشى:

۱. شادليغى انگلاديانلار: "واح - وا، اورا".

۲. خوشامات برمگى انگلاديانلار: "بركلله (بارك الله). تووه لمه".

۳. حيران غالماغى: "به، اى-حاو، باى-با".

۴. اومگى: "باى، باى-باى-او".

۵. غورقماغى: "وا-ا-ا، واى-واى".

۶. غينانجى: "اخ، واخ، واخى".

۷. ييگرنمگى: "توف، اخ".

۸. چاغيرماغى: "اى، ايو، اهاو، هاو".

۹. خوشلاشماغى: "خوش، الله يالقاسين".

۱۰. بويسانجى: "حاح، حا، حا!" (Öwezow, 2009, p. 50)

سس و شكل آنغلاتيونلار: شيله جانلى وجانسيز طبيعتداق دورلى حىلى اويكونمه لرى، سسلرى، شكللرى انگلادىپ، سوزلشيكده انگلادىليان فكره جانلىلىق، چپرچىلىك يالى دورلى اوشگونلىلىكلر بريارلر.

سس انگلادىيان سوزلر جانلى وجانسيز طبيعتداق دورلى حىلى سسلرى بيلديريارلر. مثلاً: تارق-تارق، شبر-شبير، شاقير-شوقور، حاو-حاو، اول غاپىنى شارق-شورق ياپدى. و.ش.م.

شكل انگلادىيان سوزلر توپارى بولسه، كوپلنچ بير بوغونلى بولوپ، مداما دىين يالى، غايتالانىپ اولانىليارلار: "تارپ-تارپ، شاق-شاق، قيرت-قيرت، لاور-لاور، يالدير-يالدير. وياده: "گوو-گوولدى"، "تاپ-تاپبا، شاغ-شاغغه" (ييمين، ۱۳۸۳، ص. ۶۲).

سوز سونگولارى: نارتيوف شيله راک توپارلاره بولوپگور كزيار:

۱. بيله ليك گور كزيانلر: "بيلن، بيله".

۲. غورال گور كزيانلر: "بيلن، بيله، ارقه لى".

۳. وقتگور كزيانلر: "برون، دنكيچ، اونگ، س ونگ، اول".

۴. حقينداليقگور كزيانلر: "حقينده، دوغروسينده".

۵. دنگشديرمگى: "گورا، غراندا".

۶. منگرتمگی: "دی، دین، کبی، یالی، کمین، دک".
۷. اوغری گورکزیانلر: "باقا، غارشی، طرف".
۸. اورون گورکزیانلر: "انگیر سیندا، اوستونده، استیندا".
۹. مقصد گورکزیانلر: "اوتری، اوچین، اوغروندا، دیپ".
۱۰. چاکلیلیگی گورکزیانلر: "یری، باشغا، غایری".
۱۱. اساسلانماگی گورکزیانلر: "بویونچا" (Nartyýew, 2009, p. 52).

باغلا یجیلار

۱. اوغور داشلیغی گورکزیانلر: "و، هم، دا، ده".
 ۲. بولونیشیگی: "کا- کانه- نه، یا- یا".
 ۳. غارشیلیغی: "اما، یونه، ولین".
 ۴. وقتگورکزیانلر: "حاجان، حاجان-دا".
 ۵. سبب گورکزیانلر: "سبی، چونکی".
 ۶. مقصد: "دیپ، اوچین".
 ۷. اییقلاماگی: "که، کیم، دین، دیپ".
 ۸. شرط: "اگر، گر، راست".
 ۹. دوشوندیرمگی: "یعنی" (Nartyýew, 2009, p. 53).
- اونوق بولکلر: تورکمن دیلینده اولانیلیان سوزلرینگ اراسیندا بیرناچه اونوق بولکلر بولوپ، اولار آیری-آیری سوزلره، سوزدوزوملرینه، سوزلملره معنی، مادل، دویغو و بویله کی اووشگونلری بریار.
- اونوق بولکلرانگلادیان معنیسی بویونچه اشاقداقی یالی توپارلاره بولونیارلر:
۱. برکتا بشیرغی: -لا، -له "گل سنگیز+له"، -سانا، -سنه "غوتارسانا، گیتسنه"، -غین، -گین "الغین، گلگین"، -غون، -گون "تورغون، گورگون".
 ۲. سوراغی انگلادیار: -می، میی "باردیمی؟، گلدیمی؟".
 ۳. غاتیرغانماگی: -دا، -دا "بار-دا، گلدا".
 ۴. گویچلندیرمگی: -دا، -ده "سن-ده گلدینگمی؟".
 ۵. نیغتاماغی: -ا "الیپدیرا".

نتیجه

نتیجه ده، غیسغاچه آیدیلاندا شویله نتیجه چیقارماق بولار، تورکمن دیلی نینگ سوزجوکلرینی درنگو اتمک بیلن، تورکمن دیلی نینگ سوزه بای و دورلی گرامری (دستوری) قاعدهلاردا ایشلماگه اوقیبلدی دیغینی یوزه چیقارماق و شویله ده تورکمن ديلينداکي سوزجوکلری ديلينگ مورفولوژی بولومی اورنیلیون مسألله اساسیندا دورلی سوزتوپارلاری نینگ اساساً هم تورکمن ديلينده: "آتار، صفتلار، ایشلیکلر، چالیشمالار، سانلار، باغلاچیلار، اوملوکلر و سوزسونگی کمکچی لری" یالی سوزتوپارلارینه بولوپ، اولارینگ هر یسینه دگیشلی مثاللار درنگه لپ، تورکمن ديلينداکي اولانيليون سوزجوکلری بو تحقیقی مقاله نینگ اوستی بیلن یوزه چیقاریلماغه چالیشیلدی. شویله ده بیرینجیدن، تورکمن ديلينده هم ادیل بویله کی دیل قاعدهلارینا بای اوسن ديللر یالی سوزلره و سوزجوکلره بای و ديلينگ دورلی پوداقلاریندا مثال گورکزیپ بولجاقدیغینی، اکینجیدن هم شو ديل قاعدهلاری بیلن غیزیقلا نیون آدملار اوچین و همده شو اوردا اوقایون یاشلار اوچین مهم واهمیتلی علمی اورنیش بیر ایش دیگینی انیقلاپ نتیجه چیقارماغه چالیشیلدی. شویله- ده بو اووردا ایشلیون، تورکمن دیلی و ادبیاتی بویونچه اوقایان و غیزیقلا نیون آدملارینگ کولمکی و بو ایشلردن فایده لانمالاری اوچین حاس یرلیکلی بیر ایش دیپ نتیجه چیقارماق بولار.

ادبیات لار

ایشانچ، ذکرالله. (۱۳۹۳هـ. ش). حاضرکی /وزبیک تیلی سوزجوکلری. کابل: موسسه انتشارات

تعلیمی.

بهمن، عبدالکریم. (۱۳۸۰ هـ. ش). تورکمن گورنوشی تاریخ دا. پشاور: البیرونی پرنیتینگ پرس.
توران، عبدالمجید. (۱۳۸۹هـ. ش). نگاهی بتاریخ و فرهنگ تورکمنها. پشاور: البیرونی پرنیتینگ

پریس.

راسخ یدلرم، محمد صالح. (۱۳۹۴). تاریخ و فرهنگ تورکمنها. کابل: الازهر.

سناغزنوی، محمد اکبر. (۱۳۸۰ هـ. ش). دستور زبان دری. کابل: میوند.

غتیباش فرزاد، عبدالرحیم. (۱۳۹۴هـ. ش) حاضرکی زمان تورکمن دیلی نینگ گرامری.

مزارشریف: صورتگر چاپخانه سی.

فرزاد، عبدالرحیم. (۱۳۹۵) تورکی دیلر و تورکمن دیلی. مجله علمی- تحقیقی جوزجانان، (۲۰)، ۳۷۰-۳۵۳.

فرزاد، عبدالرحیم. (۱۳۹۸هـ. ش). تورکمن دیلی نینگ لکسیکولوژی سینه بیرغارایش. مجله علمی- تحقیقی جوزجانان، (۲۸)، ۱۰۰-۱۱۵.

یمین، محمد حسین. (۱۳۸۳ هـ. ش). دستور معاصر زبان فارسی دری. کابل: میوند.

یمین، محمد حسین. (۱۳۸۹ هـ. ش). واژه شناسی در زبان پارسی دری. کابل: سعید.

Öwezow, Yazmyrat. (2010). *Türki dilleriň deňeşdirme gramatikasy*. Aşgabat: Bilim ministirligi.

Öwezow, ýazmyrat. (2009). *Häzirki zaman türkmen dili morpologiýa okuw leksiýasy*. Türkmenabat: seýdi inistituti..

Nartyýew, Nurýagdy we Jumaýewa, M. (2009). *Türkmen dili, Dil we ýazuw sözleşiş amalyýeti*. Türkmenabat: seýdi inistituti.

Nartyýew, Nurýagdy. (2010). *Türkmen dili, Giriş we leksika*. Türkmenabat: seýdi inistituti

د ابن خلدون له نظره د حکومتونو د عروج او زوال لاملونه

محمد خالد خاورین^۱، عبدالناصر ستانکزى^۲

*۱. پوهنمل دوکتور، دپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق و علوم سیاسى، پوهنتون پکتیا، گردیز، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0000-0003-3313-2061> - mk.ahmadzai786@gmail.com

۲. پوهندوى، دپارتمنت روابط بين الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسى، پوهنتون پکتیا، گردیز، افغانستان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰)

لنډيز

دا څېړنه د ابن خلدون د حکومتونو د عروج او زوال د دوراني نظريه تحليل کوي چې د داخلي او بهرنيو عواملو په تعامل تمرکز کوي کوم، چې د حکومتونو مسير جوړوي. د ابن خلدون ماډل چې د عصبيه (تولنيز يووالي) او عمران (تمدن) مفکورې په کې رېښې لري، فرض کوي چې حکومتونه لکه د ژوندیو موجوداتو په څير د تأسيس، يووالي او زوال له مرحلو څخه تيریږي. په دې څېړنه کې تاريخي او معاصرو شرايطو چوکاټ پلی شوی چې په ځانگړي ډول ښايي چې څنگه د مشرتابه کيفيت، تولنيز يووالي، اخلاقي ارزښتونه، اقتصادي شرايط او جيوپوليتيکي اغېزې په گډه د حکومت ثبات يا زيان منونکي عوامل دي. موندنې ښيي چې د ابن خلدون د دوراني نظريه د حکومتونو عروج او زوال د يوې پروسې په توگه تشرېح کوي چې په عمده توگه د قوي مشرتابه، تولنيز يووالي (عصبيه) او د نسلونو په تسلسل سره د يووالي تدريجي کمزوري کيدو لخوا پرمخ وړل کېږي. څېړنه دا هم روښانه کوي چې دواړه داخلي عوامل لکه فساد، عيش و عشرت او کمزوري مشري او بهرني فشارونه، لکه اقتصادي بحرانونه، بهرنی لاسوهنه او راڅرگندېدونکې سيالۍ ډلې، د سياسي بې ثباتۍ او حکومت سقوط کې د پام وړ مرسته کوي. چې د ابن خلدون د نظرياتو مطابق د حکومت جوړونې دوراني نظريې اهميت په دوامداره توگه روښانه کوي چې په اوسنی عصر کې د مسلمانانو حکومتونه او د افغانستان حکومت موجودې او مخ کېدونکو ننگونو ته د پوهيدو او حل کولو لپاره اشاره کړې ده.

کلیدي ټکي: اقتصادي شرايط، بهرنی شخړې، جيوپوليتيکي اغېزې، شبکه ايز حکومت، عصبيه.

*. ارجاع: خاورين، محمد خالد و ستانکزى، عبدالناصر. (۱۴۰۴). د ابن خلدون له نظره د حکومتونو د عروج او زوال

لاملونه. مجله علمی - تحقیقی جوزجانان، ۱۸ (۲) ۴۳-۶۳.

<https://doi.org/10.69892/jawzjanaan.2025.90>

The Factors of the Rise and Fall of Governments According to Ibn Khaldun

Mohammad Khalid Khawrin^{1*}, Abdul Naser Stanikzai²

1*. Senior Teaching Assistant, Ph.D. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Paktia University, Gardez, Afghanistan (Corresponding Author).

mk.ahmadzai786@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0003-3313-2061>

2. Assistant Professor. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Paktia University, Gardez, Afghanistan.

(Received: 24/02/2026 - Accepted: 01/03/2026)

Abstract

This study analyzes Ibn Khaldun's cyclical theory of the rise and fall of states, focusing on the interplay of internal and external factors that shape the trajectory of governments. Ibn Khaldun's model, rooted in the concepts of asabiyyah (social cohesion) and umran (civilization) posits that states undergo, phases of establishment, consolidation, and decline, much like living organisms. The research applies this framework to both historical and contemporary contexts, with a particular emphasis on Afghanistan, to illustrate how leadership quality, social unity moral values, economic conditions, and geopolitical influences collectively. The findings show that Ibn Khaldun's determine state stability or vulnerability cyclical theory explains the rise and fall of governments as a process driven mainly by strong leadership, social cohesion (asabiyyah), and the gradual weakening of unity—across generations. The study also highlights that both internal factors—such as corruption, luxury, and weak leadership and external pressures, such as economic crises, foreign interference, and emerging rival groups, contribute significantly to political instability and governmental collapse. The importance of the cyclical theory of government formation, according to Ibn Khaldun's ideas, has been continuously highlighted, which has pointed to the current era of Muslim governments and the Afghan government in understanding and solving the existing and emerging challenges.

Keywords: *Asabiyyah, Economic conditions, External conflicts, Geopolitical implications, Government network.*

*. **Citation:** Khawrin, M. & Stanikzai, A. (2026). The Factors of the Rise and Fall of Governments According to Ibn Khaldun. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*. 18(2), 43–63. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.90>

سريزه

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعن على اعدائهم اجمعين من الان الى قيام يوم الدين. لکه څرنګه چې الله ﷻ فرمایي: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً (النساء ایه ۵۸). ژباړه: مسلمانانو! الله ﷻ تاسې ته حکم کوي چې امانتونه د هغو اهل ته وسپارئ. او کله چې د خلکو په منځ کې یې فیصله کوئ، نو په عدالت سره یې وکړئ. الله ﷻ تاسې ته په دې سره ډیر لوی نصیحت کوي او په باوري ډول الله ﷻ اوریدونکی او لیدونکی دی. د ابن خلدون مقدمه د اقتباسونو او علمي تبصرو له لارې خپرل شوې ده، چې د څوارلسمې میلادي پېړۍ د مسلمان فقیه او لیکوال په توګه د هغه پر ځانګړي لیدلوري تمرکز کوي. دغه څېړنه د هغه د ژوند تجربې هم روښانوي، چې په کې له ګود تيمور (Tamerlane) سره د هغه لیدنه، د تاریخ په اړه د هغه لیدلوری، د تشبیهاتو کارونه او د دود او تاریخي پېښو ترمنځ د توپیر پر اهمیت ټینګار شامل دي. همدارنګه دا موضوعات د ټولنې د بېلابېلو اړخونو په اړه د ابن خلدون نظریات رانغاړي، چې په هغو کې ساینس، هنر، حکومتولي، د تمدن ماهیت او د بدوي او ښاري ټولنو پرتله هم شامله ده. په پای کې اقتباسونه د نبوت، خوښو او د هغه د آثارو د سم درک لپاره د عربي ژبې د اهمیت په اړه د ابن خلدون افکار بیانوي. چې د مقدمې علمي تفسیرونه او بېلابېلې ژباړې هم معرفي او یادې شوې دي (Ibn Khaldūn, ۱۹۶۹).

د ابن خلدون د حکومتونو د دوراني نظریې تحلیل د حکومتونو د عروج او زوال یو دوراني ماډل وړاندې کوي، چې د بېلابېلو پړاوونو؛ لکه د حکومت بنسټ اېښودنه، د ځواک تمرکز او زوال، پر بهیر بحث کوي. د هغه دوراني نظریه دا فرضیه وړاندې کوي چې حکومتونه، د ژوندیو موجوداتو په څېر، د زیږون، ودې، بلوغ او زوال له پړاوونو څخه تېرېږي. د دغو پړاوونو بهیر تر ډېره د ټولنیز یووالي "عصبیه" او د ښاري کېدو د پروسو تر اغېز لاندې رامنځته کېږي (Önder & Ulaşan, ۲۰۱۸; Sulastri, ۲۰۱۹). په دې ماډل په لومړي پړاو کې د یو حکومت جوړول شامل دي چې ډیری وختونه د بدوي ټولنو څخه راپورته کېږي چې مبارزې او سختۍ یې زغملې دي. دا ټولنې چې د قوي "عصبیه" لخوا مشخص شوي، د عیش او آرامۍ په لټه کې د اساسي اړتیاوو د پوره کولو لپاره د حکومتدارۍ جوړښتونه رامنځته کوي (Fajar, ۲۰۱۹). د ځواک تمرکز لکه څنګه چې حکومت وده کوي، د واک تمرکز تجربه کوي چې د ښاري کېدو او د یو پیچلي ټولنیز جوړښت پرمختیا لامل کېږي. دا دوره د سوکالۍ او پرمختیا ځانګړتیا لري چې د قوي مشرتابه او همغږي ټولنیزو اړیکو لخوا پرمخ وړل کېږي (Shahidipak, ۲۰۲۰). په پای کې حکومتونه د ښاري نفوسو کې د کمزوري "عصبیه"، فساد او اخلاقي فساد له امله له زوال سره مخ کېږي. دا دوره د حکومت له ړنګېدو سره پای ته رسېږي چې ډیری وختونه د نویو تمدنونو د راڅرګندېدو سره

تعقيبيري چې دې سره ټولنيز بدلون دوره دوام کوي (Shahidipak, ۲۰۲۰). برعکس، پداسې حال کې چې د ابن خلدون تيوري د دوراني ماډل باندې ټينگار کوي، ځينې پوهان استدلال کوي چې عصري حکومتونه ممکن په بشپړ ډول دې ماډل ته غاړه کېږدي، نوموړی وړاندیز کوي چې ځانگړي تاريخي او کلتوري شرايط کولی شي د حکومت پرمختيا او زوال مختلفې لارې رامنځته کړي.

د حکومتونو د عروج او زوال عوامل د سياسي علومو، تاريخ او ټولنپوهنې له مهمو او بنسټيزو موضوعاتو څخه شمېرل کېږي. که څه هم د حکومتونو د جوړېدو، پياوړتيا او سقوط په اړه بېلابېلې نظريې وړاندې شوې دي، خو د ابن خلدون دوراني نظريه د ټولنيز يووالي "عصبیه"، مشرتابه، اقتصادي و ضعيت او اخلاقي ارزښتونو پر بنسټ د حکومتونو د عروج او زوال يو ځانگړی تحليلي چوکاټ وړاندې کوي. سره له دې، د دغې نظريې علمي ابعاد، د حکومتونو د دوراني بدلونونو په تحليل کې د هغې ارزښت او په معاصرو شرايطو کې يې د تطبيق وړتيا تر اوسه په کافي اندازه نه ده څېړل شوې. له بلې خوا، د اسلامي هېوادونو، په ځانگړي ډول د افغانستان، پرله پسې سياسي بدلونونه او د حکومتونو بې ثباتي دا وړتيا رامنځته کوي چې د ابن خلدون نظريه له معاصر واقعيت سره پرتله او وارزول شي. تر اوسه روښانه نه ده چې د ابن خلدون له نظره کوم داخلي او بهرني عوامل د حکومتونو د ځواکمنتيا او يا هم د زوال اصلي لاملونه دي او دا عوامل تر کومه بريده د نننيو حکومتونو د وضعيت په تحليل کې د کارونې وړ دي. له همدې امله، د دې څېړنې اساسي ستونزه دا ده چې د ابن خلدون د حکومتونو د عروج او زوال دوراني نظريه په علمي او تحليلي ډول وڅېړي، د حکومتونو د ثبات او زوال اغېزمن عوامل روښانه کړي او وښيي چې دغه نظريه د معاصرو اسلامي حکومتونو، په ځانگړي ډول د افغانستان، د سياسي وضعيت د تحليل او د راتلونکو ننگونو د درک لپاره څومره علمي او عملي ارزښت لري.

د حکومت د پرمختگ هغه پړاوونه څېړل، چې ابن خلدون يې بيانوي او د حکومت د بنسټ اېښودنې، د واک د تمرکز او د زوال په پړاوونو کې د هغه د دوراني نظريې تحليل کول. د ابن خلدون له نظره د هغو داخلي عواملو تحليل، لکه مشرتابه، ټولنيز يووالی (عصبیه) او اخلاقي ارزښتونه، چې د حکومت په ثبات يا بې ثباتۍ کې مهم رول لري. د ابن خلدون له نظره د هغو بهرنيو عواملو سپړنه، چې جيوپوليتيکي اغېزې، اقتصادي شرايط او بهرنی شخړې د حکومتونو پر ثبات، دوام او متحرکاتو څه ډول اغېز کوي. د ابن خلدون د دوراني نظريې د معاصرو حکومتدارۍ له ننگونو سره د تړاو ارزونه او دا څېړل چې نوموړې نظريه د بېلابېلو سياسي شرايطو او معاصرو عواملو په رڼا کې د حکومتونو د متحرکاتو په تحليل کې څومره د تطبيق وړتيا لري.

د ابن خلدون د دوراني تيوري کې د حکومتونو د عروج او زوال په اړه مهم پړاوونه کوم دي ؟

د ابن خلدون له نظره داخلي عوامل لکه د مشرتابه کیفیت او ټولنیز یووالی څنگه د یو حکومت اوږد عمر اغېزمنوي؟ د ابن خلدون له نظره کومو بهرنیو عواملو د حکمتونو ثبات اغېزمن کړي دی؟ ابن خلدون تیوري په کومو لارو چارو کې د معاصرو حکومتونو د اوسني سیاسي حالاتو تحلیل لپاره کارول کیدای شي؟

الف) تیرو څېړنو ته کتنه

د حکومت ثبات یا بې ثباتي تر ډېره د هغو داخلي عواملو تر اغېز لاندې وي، چې مهم یې مشرتابه، ټولنیز یووالی (عصیه) او اخلاقي ارزښتونه دي. دغه عوامل په متقابل تعامل سره د حکومت سیاسي بهیر او لیدلوری اغېزمنوي او په ټولنه کې د شخړو د مدیریت او د نظم د ټینګښت پر څرنگوالي مستقیمه اغېزه کوي. له همدې امله، د حکومت د ثبات او بې ثباتۍ د تحلیل لپاره د دغو اغېزمنو عواملو درک او ارزونه بنسټیز اهمیت لري. همدارنګه، د اشرافو د یووالي د ساتنې لپاره اغېزمن مشرتابه اړین دی، ځکه چې د واکمنۍ طبقې یووالی په مستقیم ډول د حکومت پر سیاسي ثبات اغېز کوي (Brown, 1993).

د مشرتابه بېلابېلې طریقې، لکه اخلاقي مشرتابه او بدلون راوړونکی مشرتابه، کولای شي د اخلاقي پرېکړو د نیولو فرهنگ پیاوړی کړي او په نظامي او ملکي بنسټونو کې د ثبات او اغېزمنتیا د زیاتوالي لامل شي (Thomson & Hall, 2011). هغه مشران چې په خپل چلند کې د اخلاقي ارزښتونو بېلګه وي، د ډلو پر متقابل تعامل مثبت اغېز کوي او د ګډو ارزښتونو، اصولو او ټولنیزو نورمونو د رعایت او پیاوړتیا زمینه برابروي. همدارنګه، ټولنیز یووالی (عصیه) د فردي هوساینې او ډله ییز ثبات له مهمو بنسټونو څخه ګڼل کېږي. هر څومره چې د ټولنې د غړو ترمنځ همغږي، متقابل باور او یووالی پیاوړی وي، هماغومره د وګړو د خوښۍ، رضایت او ټولنیز ثبات کچه لوړېږي (Dragolov et al., ۲۰۱۶). ټولنیز یووالی د ګډ هویت، متقابل باور او ګډو موخو د پیاوړتیا له لارې ټولنیزې شخړې راکموي او دا چاره په ځانګړي ډول په متنوع او کثرتي ټولنو کې بنسټیز اهمیت لري. برعکس، د ټولنیز یووالي نشتوالی د ټولنې د وېش او تفرقې لامل ګرځي، چې د حکومت سیاسي ثبات له ګواښ سره مخ کوي؛ ځکه په داسې حالت کې افراد او ډلې د ملی او ټولنیزو ګټو پر ځای خپلو ګوندي، قومي او شخصي-ګټو ته لومړیتوب ورکوي. له بلې خوا، اخلاقي ارزښتونه د مسؤل تابعیت او سیاسي ثبات اساسي بنسټ جوړوي، ځکه چې د ګډو ارزښتونو او موخو تر چتر لاندې بېلابېلې ټولنیزې ډلې سره نږدې کوي. کله چې حکومتولي له اخلاقي ارزښتونو سره همغږي وي، د حکومت مشروعیت او ثبات پیاوړی کېږي خو که د حکومت کړنې له دغو ارزښتونو سره په ټکر کې وي، نو د بې ثباتۍ، ټولنیزو شخړو او د حکومت د مشروعیت د کمزورۍ لامل ګرځي (Rourke, 1957). اخلاقي مشرتابه او پیاوړي اخلاقي

چوکاټونه کولای شي د پرېکړو د نیولو بهیر په سمه توګه رهبري کړي او د ټولنیز یووالي، سیاسي ثبات او اغېزمنې حکومتولۍ د پیاوړتیا لامل شي (Thomson & Hall, 2011). که څه هم دغه داخلي عوامل د حکومت د ثبات لپاره بنسټیز اهمیت لري، خو بهرني فشارونه؛ لکه اقتصادي بحرانونه او جیوپولیتیکي کړکېچونه، هم کولای شي حکومتونه له بې ثباتۍ سره مخ کړي. دا حالت څرګندوي چې د حکومتونو پر سیاسي ثبات د داخلي او بهرنيو عواملو ترمنځ یو پېچلی او متقابل اغېز موجود دی (Dragolov, 2016). چې په لاندې ډول ترې یادونه کوو.

۱. اقتصادي شرایط

اقتصادي ګټې، د وسلو د سوداګرۍ او د انرژۍ د امنیت په ګډون، د دفاعي پالیسۍ د لومړیتوبونو په ټاکلو کې مهم رول لري. حکومتونه ډېری وخت خپلې پالیسۍ له اقتصادي ګټو سره همغږې کوي، چې دا چاره کله ناکله د ځانګړو ډلو، سکتورونو یا آن شخړو ته د لومړیتوب ورکولو لامل ګرځي (Sarjito, 2024). جیوپولیتیکي ننګونې، لکه د سرچینو پر سر شخړې او د انرژۍ د رسونې اړوند ستونزې، د هېوادونو اقتصادي امنیت ته د پام وړ ګواښونه رامنځته کوي. په ځانګړي ډول، هغه هېوادونه چې کوچنۍ او کمزورې اقتصاد لري، لکه اوکراین، د دغو بهرنيو اقتصادي فشارونو پر وړاندې ډېر زیانمنوي (Stavytsky, 2018).

۲. بهرنۍ شخړې

بهرنۍ شخړې کولای شي په مستقیم ډول د یوه هېواد پر داخلي سیاسي او ټولنیزو متحرکاتو اغېز وکړي، لکه څنګه چې د ۱۹۱۷م کال د روسيې د انقلاب په بهیر کې ولیدل شول. همدارنګه، بهرني لوبغاړي د خپلو ملي ګټو د تأمین لپاره کله ناکله په یوه هېواد کې د داخلي بې ثباتۍ او شخړو د رامنځته کېدو ملاتړ کوي، خو هغه هېواد کمزوری کړي؛ لکه څنګه چې د لومړۍ نړیوالې جګړې پر مهال د جرمني او د هغه د متحدینو په سیاستونو کې لیدل کېږي (Shevkunov, ۲۰۲۴). د هېوادونو د عصري کېدو بهیر هم د بهرنيو شخړو تر اغېز لاندې راځي، ځکه دغه شخړې کولای شي د هغوی د پرمختګ بهیر یا خو ورو کړي او یا بې چټک کړي. دا اغېز د بهرني نفوذ له ماهیت او د هېواد له داخلي انعطاف او مقاومت سره تړاو لري. که څه هم بهرني عوامل د حکومتونو پر متحرکاتو د پام وړ اغېز لري، خو داخلي عوامل؛ لکه سیاسي کلتور، اداري وړتیا او د خلکو عامه درک، هم په دې بهیر کې اساسي رول لوبوي. له همدې امله د داخلي او بهرنيو عواملو متقابل اغېز د یوه هېواد د پرمختګ او ثبات عمومي مسیر ټاکي، چې دا چاره د پالیسۍ جوړونې او حکومتولۍ په بهیر کې د دواړو اړخونو د هر اړخیز درک او ارزونې اړتیا څرګندوي (Shevkunov, ۲۰۲۴).

۳. جیوپولیتیک اغیزې

جیوپولیتیکي اغیزې، اقتصادي شرایط او بهرنۍ شخړې د سیاسي پربکړو، د عصري کېدو د بهیرونو او اقتصادي امنیت پر اغېزمنولو سره د حکومتونو متحرکاتو ته د پام وړ بڼه ورکوي. دغه بهرني عوامل له داخلي شرایطو سره په متقابل تعامل کې د حکومتونو د پرمختګ او ثبات لپاره یو پېچلی چاپېریال رامنځته کوي. د دغو عواملو اغیزې په بېلابېلو برخو کې څرګندېږي. چې د دفاعي پالیسۍ جوړونه، د حکومت عصري کېدل او اقتصادي او امنیتي ننگونې یې مهمې بېلګې دي. د حکومتونو پر متحرکاتو د دغو بهرنیو عواملو بېلابېل اړخونه د پام وړ اهمیت لري. د بېلګې په توګه، جیوپولیتیکي عوامل، لکه د زیرځواکونو او نړیوالو سازمانونو نفوذ، د ملي دفاعي پالیسیو په جوړولو کې مهم رول لري. دغه لوبغاړي کولای شي د ډیپلوماتیکو، اقتصادي او یا پوځي لارو چارو له لارې د حکومتونو پر ستراتیژیکو پربکړو فشار راوړي او هغوی اغېزمنې کړي (Sarjito, 2024). د جنوبي قفقاز په څېر سیمو کې جغرافیایي موقعیت او تاریخي میراث جیوپولیتیکي پېچلتیاوې رامنځته کړې دي. چې بهرني لوبغاړي ترې د سیاسي رژیمونو او حکومتي پالیسیو د اغېزمنولو او نفوذ د پراخولو لپاره ګټه پورته کولای شي (Tarkhan Mouravi, ۲۰۱۶).

۴. د حکومت د جوړښت تاریخي پس منظر

د افغانستان حکومت، په ځانګړي ډول له ۲۰۰۱ کال وروسته، له پام وړ بدلونونو سره مخ شوی دی. د حکومت جوړونې په موخه بهرنۍ مداخلې په ډېرو مواردو کې د دې پر ځای چې موجودې ستونزې حل کړي، د هغو د لایاتېدو لامل شوې دي (Nawabi & Kolozi, ۲۰۲۲). د افغانستان د عصري کېدو بهیر ښیي چې بهرنۍ ملاتړ په ډېرو مواردو کې له هغو ځواکونو سره ملګری شوی چې د حاکم نظام مخالف وو او دې وضعیت د متحد حکومت د کمزورۍ او تجزیې زمینه برابره کړې ده (Nawabi & Kolozi, ۲۰۲۲).

۵. سیاسي او حکومتي شبکې

د معاصرو سیاسي نظریو له مخې، د افغانستان د عصري حکومتولۍ ننگونې د سیاسي اړیکو، تاریخي شرایطو او بهرنیو اغېزو د پېچلي متقابل تعامل څرګندونه کوي. دغه نظریه ښیي چې رامنځته شوي سیاسي نظامونه د نویو او ډېری وخت د غیررسمي یا غیرقانوني ځواکونو له لوري کمزوري کېدای شي. د افغانستان د حکومتولۍ د واقعیت د درک لپاره د دغو ننگونو او متقابلو اړیکو تحلیل ځانګړی اهمیت لري. په همدې اساس، د افغانستان حکومتولي تر ډېره د غیررسمي سیاسي شبکو تر اغېز لاندې ده، چې په کې جنگسالاران او د ملاتړ غیررسمي شبکې د حکومتولۍ پر بهیر او دندو د پام وړ نفوذ لري (Sharan, ۲۰۲۲). دغو شبکو یو «شبکه ییز حکومت» رامنځته

کړی، چې په هغه کې سیاسي بهیرونه تر ډېره د فساد او غیرقانوني کړنو تر اغېز لاندې دي او همدغه وضعیت د رسمي دولتي ادارو د کمزورۍ او د هغوی د اغېزمنتیا د راکمېدو لامل ګرځي (Sharan, 2022).

۶. قومي او فرقه ییز تحرکات

د بهرنیو مرستو بهیر قومي او فرقه ییز اختلافونه ژور کړي او د حکومتولۍ پېچلتیا او سیاسي بې ثباتي یې لا زیاته کړې ده (Adelkhah, ۲۰۱۷). د سیاسي اړیکو قومي کېدل د نړیوالو مرستندویانو د سیاستونو له لوري هم پیاوړي شوي، چې د ښې حکومتولۍ له اصولو سره په ټکر کې دي او د بهرنیو مداخلو ماهیت او اغېزې په څرګند ډول منعکسوي (Adelkhah, ۲۰۱۷). برعکس، ځینې څېړونکي په دې باور دي چې هغه ننګونې چې د افغانستان حکومتونه ورسره مخ دي، یوازې د سیاسي ګډوډۍ پایله نه ده، بلکې د هغو ژورو کلتوري او ټولنیزو جوړښتونو څخه هم سرچینه اخلي چې د بدلون پر وړاندې مقاومت کوي. دغه لیدلوری د افغانستان د سیاسي وضعیت د هر اړخیز درک پر اړتیا ټینګار کوي او د حکومتولۍ پر بهیر د داخلي او بهرنیو اغېزمنو عواملو متقابل رول په ګوته کوي (Nawabi & Kolozi, ۲۰۲۲).

ابن خلدون د خپل وخت ټولنیز او سیاسي شرایط په ژوره توګه تحلیل کړي دي. هغه مهال چې د شمالي افریقا او اندلس د حکومتونو بې ثباتۍ، یرغلونو او سیاسي ګډوډیو د هغه د فکري لیدلوري په رامنځته کېدو کې بنسټیز رول درلود. نوموړي د حکومت د جوړښت، ثبات او زوال د تحلیل لپاره دوه اساسي مفاهیم، عصبي (ټولنیز یووالی) او عمران (تمدن او آبادي)، مطرح کړل او څرګنده یې کړه چې عصبي د حکومت د ځواک، ثبات او دوام لپاره حیاتي ارزښت لري، په داسې حال کې چې د عمران پرمختګ د حکومت د ثبات، هوساینې او پرمختیا زمینه برابروي. ابن خلدون ټینګار کوي چې د حکومتونو عروج او زوال تر ډېره د داخلي او سیسټماتیکو عواملو لکه اقتصادي ثبات، سیاسي فساد، اداري وړتیا او ټولنیز یووالي تر اغېز لاندې وي. په عین حال کې د بهرنیو عواملو اغېز هم وی لکه یرغلونو او طبیعي آفتونه. هغه د حکومتونو د دوراني طبیعت په اړه په خپلې نظریې کې څو پړاوونه بیانوي، چې حکومتونه د بنسټ اېښودنې څخه تر زوال پورې ترې تېرېږي او دا بهیر یو طبیعي او تکرارېدونکی بهیر ګڼي. د ابن خلدون نظریات نن هم د معاصرې حکومتولۍ لپاره ځانګړی علمي او عملي ارزښت لري. ځکه هغه اغېزمن مشرتابه، اداري روښتیا او بشپړتیا او ټولنیز یووالی د حکومتونو د ثبات، پايښت او پرمختګ اساسي عوامل ګڼي. له همدې امله د هغه نظریات د معاصرو سیاسي نظامونو د تحلیل او ارزونې لپاره هم د پلي کېدو وړ ګڼل کېږي (Ibn Khaldūn, ۱۹۶۹).

ب) د څېړنې میتود

دا څېړنه د کيفي او توصيفي مېتود پر بنسټ ترسره شوې ده، چې په کې د تاريخي تحليل او پرتله ييزو مطالعاتو څخه ګټه اخيستل شوې، ترڅو د ابن خلدون د دوراني نظريې تحليلي ابعاد او د معاصرو شرايطو سره د هغې د تطبيق ساحه مشخصه او وارزول شي.

۱. د موادو يا ډيټا راټولول

د «مقدمه» تر سرليک لاندې کتاب، چې د عبدالرحمن ابن خلدون له خوا ليکل شوی او محمد زبير شفيقي پښتو ژبې ته ژباړلی، د اکسوس خپرندويې ټولنې له خوا په ۱۳۹۹ هـ.ش. کال په کابل کې چاپ او خپور شوی دی. له ياد اثر څخه د دې څېړنې د مهمې علمي سرچينې په توګه استفاده شوې ده.

د قضیې مطالعه: په دې څېړنه کې تاريخي او معاصرې قضیې څېړل شوې دي، خو د بېلابېلو حکومتونو د عروج او زوال بهير د ابن خلدون د نظرياتو په رڼا کې تحليل شي. د دغو قضیو مطالعه د ابن خلدون د سياسي ليدلوري د تطبيق وړتيا او د هغه د سياسي بصيرت معاصر اهميت څرګندوي.

۲. د ډيټا تحليل

موضوعي تحليل (Thematic Analysis): په دې څېړنه کې د منني معلوماتو او د قضیو د مطالعاتو پر بنسټ هغه اساسي موضوعات او مفاهيم تشخيص او تحليل شوي دي چې د حکومتونو پر متحرکاتو د اغېز لرونکو داخلي او بهرنيو عواملو سره تړاو لري. د دې تحليل موخه د ابن خلدون د نظرياتو د اعتبار، تحليلي ځواک او د معاصرو شرايطو په رڼا کې د هغوی د تطبيق وړتيا ارزول دي. د دغې مېتودولوژۍ په کارولو سره د حکومتونو د متحرکاتو په اړه د ابن خلدون د ليدلوري هر اړخيزه پوهه ترلاسه شوې، چې د سياسي علومو په اکاډميکو بحثونو او د حکومتولۍ په عملي مطالعاتو کې د پام وړ علمي ونډه لري.

ج) پايلې

۱. د لومړۍ څېړنيزې پوښتنې په ځواب کې ويلاى شو چې د ابن خلدون د دوراني نظريې له مخې، د حکومتونو عروج او زوال يو دوراني بهير دی چې حکومتونه يې په طبيعي ډول تعقيبوي. د نوموړي په اند، دغه دوره عموماً د درېيو نسلونو په اوږدو کې بشپړېږي او د انسان د ژوند له پړاوونو سره ورته والی لري. يعنې د رامنځته کېدو، ودې، بلوغ، رکود او په پای کې د زوال مرحلې په کې شاملې دي. د دې دوراني بهير مهم پړاوونه په لاندې ډول دي:

لومړۍ مرحله: د حکومت د بنسټ اېښودنې او رامنځته کېدو پړاو

دا مرحله د داسې ځواکمن مشر د راڅرګندېدو استازیتوب کوي چې د پیاوړې عصبيې (ډله ییز یووالي او ګډ احساس) پر بنسټ راولاړېږي. دغه عصبيې غالباً په قبیلوي یا کلیوالي ټولنو کې رېښې لري. د حکومت بنسټ اېښودونکی د زړورتیا، استقامت، قوي ارادې او د فتحې د روحې څښتن وي. هغه د خپل مشرتابه تر چتر لاندې بېلابېلې ډلې سره متحدوي او یو منسجم ځواک رامنځته کوي چې د ګډو موخو د تحقق لپاره د مبارزې لوړه انگېزه لري.

په دې پړاو کې حکومت د قلمرو، اقتصادي سرچینو او سیاسي اعتبار له پلوه د پراختیا او پرمختیا په حال کې وي. بنسټ اېښودونکی د نوي حکومت بنسټ ږدي، نوی سیاسي نظم رامنځته کوي او د حکومتولۍ لپاره نوې ادارې او قوانین وضع کوي. همدارنګه، فتحې، پراختیا، پرمختیا او د نفوذ زیاتوالی، چې د قوي عصبيې، ګډې ارادې، د بریا غوښتنې او ویاړ ته د رسېدو د انگېزې له مخې پر مخ وړل کېږي، چې د دې مرحلې له مهمو ځانګړتیاوو څخه شمېرل کېږي.

دویمه مرحله: ثبات او د زوال د پیل مرحله

په دې پړاو کې دویم نسل، چې د نسبي ثبات، سوکالۍ او آرامۍ په فضا کې روزل شوی وي، ورو ورو هغه سخت کوشي، زغم او محافظه کار فضیلتونه له لاسه ورکوي چې د حکومت د رامنځته کېدو او پیاوړتیا بنسټ یې اېښی و. دغه نسل له هوسا ژوند، عیش او عشرت سره عادت کېږي او د حکومت د پیاوړتیا اساسي عامل یعنې عصبيې (ټولنیز یووالی)، ته لږه پاملرنه کوي.

په دې مرحله کې د حکومت تمرکز له فتوحاتو، پراختیا، پرمختیا او د سیاسي یووالي له ټینګښت څخه اغېزمنې حکومتولۍ او د موجوده واک د ساتنې پر لور اوږي. واکمنان تر ډېره د خپلې واکمنۍ د دوام او د تېرو بریاوو د ګټو له خوندي کولو سره بوخت وي. په همدې وخت کې د حکومت پوځي ځواک هم ورو ورو کمزوری کېږي، ځکه چې د اصلي ملاتړو او وفادارو ځواکونو پر ځای پر اجيرو سرتېرو او مزدورو ځواکونو تکیه کېږي، چې د حکومت له بنسټیز عصبيې او ګډې ژمنتیا څخه بې برخې وي.

همدارنګه، په دې پړاو کې د داخلي سیاليو او شخړو د زیاتېدو له امله ټولنیز یووالی کمزوری کېږي. واکمنان کله ناکله ځینو ډلو ته پر نورو لومړیتوب ورکوي، چې دا چاره د ټولنې د بېلابېلو قشرونو ترمنځ د بې باورۍ او اختلافاتو د پراخېدو لامل ګرځي. په پایله کې د ګډ هویت، یووالي او ګډو موخو احساس ورو ورو له منځه ځي او د حکومت د زوال بنسټیز عوامل پیاوړې کېږي.

درېمه مرحله: زوال، سقوط او د نوي حکومت راڅرګندېدل

په دې پړاو کې درېيم نسل، چې د عیش، هوساينې او رفاه په فضا کې روزل شوی وي، په بشپړه توګه له هغو سختو شرايطو او ارزښتونو څخه بېل شوی وي چې د دوی نیکونو د حکومت د بنسټ اېښودلو او پياوړتيا لپاره تجربه کړي وو. دغه نسل د حکومت د ساتنې او مدیریت لپاره اړين مهارت، استقامت، ګډه مسئولیت او د ډله ییز کار روحیه له لاسه ورکوي. په همدې دلیل، حکومتي فساد، داخلي سیالی، اداري کمزورتیا او اقتصادي زوال په تدریجي ډول پراخېږي.

په دې مرحله کې د حکومت مالي او اقتصادي سرچینې تر ډېره په عیش او عشرت او غیر ضروري لګښتونو مصرفېږي او د واکمنانو پام د عامه ګټو پر ځای د خپلې واکمنۍ د دوام او د خپلې نږدې کړۍ د شتمنولو پر لور اوړي. د دې وضعیت په پایله کې حکومت د بهرنیو ګواښونو، لکه یرغلونو، بغاوتونو او د نویو سیاسي او پوځي ځواکونو د راڅرګندېدو پر وړاندې کمزوری او زیانمنې کېږي.

په پای کې حکومت د داخلي زوال او بهرنیو فشارونو تر ګډ اغېز لاندې سقوط کوي. له دې وروسته، یو نوی مشر د پیاوړې عصبيې (ټولنیز یووالي) پر بنسټ راڅرګندېږي، کمزوری حکومت له منځه وړي او د نوي حکومت بنسټ ږدي. په دې توګه د حکومت د عروج او زوال دوراني بهیر یو ځل بیا له سره پیلېږي.

د ابن خلدون دوراني نظریه د تاریخ په اوږدو کې د حکومتونو د عروج او زوال لپاره یو منظم او تحلیلي چوکاټ وړاندې کوي. دغه نظریه د حکومت په رامنځته کېدو، ثبات او دوام کې د عصبيې اساسي رول او همدارنګه پر راتلونکو نسلونو د ځواک، هوساينې او عیش و عشرت منفي اغېزې په روښانه ډول بیانوي. که څه هم دا نظریه د ټولو حکومتونو لپاره یو مطلق او حتمي اصل نه ګڼل کېږي، خو د سیاسي عروج او زوال د عواملو د درک لپاره ارزښتناک تحلیلي لیدلوری وړاندې کوي او څرګندوي چې هېڅ حکومت، که هر څومره ځواکمن هم وي، د بدلون او زوال له قانون څخه مستثنا نه دی.

۲. د دویمې څېړنیزې پوښتنې په ځواب کې ویلای شو چې د ابن خلدون له نظره د حکومت دوام، ثبات او اوږدمهاله بقا تر ډېره د اغېزمن مشرتابه او د خلکو د ټولنیز یووالي، چې هغه یې عصبيې (ډله ییز یووالی او ګډ احساس) بولي، پورې تړاو لري. د هغه په اند، هر حکومت عموماً د داسې ځواکمن مشر تر مشرۍ لاندې رامنځته کېږي چې د پیاوړې عصبيې پر مټ بېلابېلې ډلې سره متحدوي. د دغه مشر زړورتیا، استقامت، عدالت، درایت او د اغېزمنې رهبرۍ وړتیا د ډله ییز یووالي د پیاوړتیا او د حکومت د بنسټ اېښودنې اساسي عوامل ګڼل کېږي.

خو د حکومت له پرمختیا او ثبات وروسته، دغه پیاوړی عصیه ورو ورو کمزوری کېږي. هغه سخت کوشي، زغم، قناعت او د ګډه مسؤلیت احساس، چې د حکومت د بنسټ اېښودونکو ځانګړنې وې، په تدریج سره د هوساینې، عیش او عشرت، بې ځایه لګښتونو او د واک د تمرکز فرهنگ ته ځای پرېږدي. په دې توګه حکومت له ساده او منظم ژوند څخه د تعجل، رفاه او د واک د انحصار پر لور حرکت کوي.

دا بدلون د حکومت د بقا او دوام لپاره هم مثبتې او هم منفي پایلې لرلای شي. په لومړیو پړاوونو کې عیش او سوکالي د نفوس د زیاتوالي، د نویو پلویانو د جذب او د حکومت د ظاهري ځواک د پرمختیا لامل ګرځي، خو دا ځواک دوامدار بنسټ نه لري. ځکه چې راتلونکي نسل په هوسا ژوند کې روزل شوی وي او هغه سختی، استقامت او پیاوړی عصیه نه لري چې د حکومت د بنسټ اېښودونکو د بریا اصلي لامل و.

د همدې کمزورۍ له امله حکومت په تدریجي ډول د خپل ثبات د ساتلو لپاره پر بهرنیو ځواکونو او نویو ملاتړو تکیه کوي، چې دا کار د حکومت داخلي یووالی کمزوری کوي. سربېره پر دې، واکمنان کله ناکله پر خپلو اصلي پلویانو د دغو نویو ملاتړو لومړیتوب ورکوي، چې په پایله کې د عصیه بنسټونه لا کمزوري کېږي، د خلکو ترمنځ بې باوري او ناراضیاتي زیاتېږي او د حکومت د زوال زمینه برابريږي.

هغه مشران چې ځان له خپلو خلکو څخه جلا کوي او ټول سیاسي واک په خپلو لاسونو کې متمرکزي، د عصیه (ټولنیز یووالي او ډله ییز احساس) د کمزورۍ لامل ګرځي. دا ډول چلند د خلکو او حکومت ترمنځ د باور فضا زیانمنوي او د دسیسو، کورنیو سیالیو او بغاوتونو د رامنځته کېدو زمینه برابروي. د عصیه کمزورتیا د حکومت پر پوځي ځواک هم مستقیم اغېز کوي، ځکه چې د حکومت اصلي او وفادار ملاتړي په تدریجي ډول د اجیرو سرتېرو او مزدورو ځواکونو په وسیله ځای پر ځای کېږي. دغه ځواکونه د حکومت له بنسټیزو ارزښتونو او موخو سره د پخوانیو ملاتړو په څېر ژمنتیا نه لري، له همدې امله حکومت د داخلي او بهرنیو ګواښونو پر وړاندې ډېر زیان منونکی کېږي.

له اقتصادي پلوه هم حکومتونه له هغو بدلونونو سره مخ کېږي چې په پایله کې یې د زوال زمینه برابريږي. د حکومت د بنسټ اېښودنې په لومړیو پړاوونو کې د مالیاتو ټیټه کچه، د فتوحاتو او اقتصادي پرمختیا سیاستونه د عوایدو د زیاتوالي لامل کېږي. خو د حکومت له پرمختګ او زړېدو سره، د عیش او عشرت لګښتونه، د دربار مصارف او د واکمن د نږدې کړۍ د امتیازاتو زیاتوالی د مالي سرچینو اړتیا ډېروي. د دغو لګښتونو د جبران لپاره حکومت مالیات لوړوي، چې دا چاره

اقتصادي فعالیتونه کمزوري کوي، د تولید او پانګونې کچه راتیټوي او په پایله کې د حکومت اقتصادي او سیاسي بنسټونه لاکمزوري کوي.

ابن خلدون ټینګار کوي چې د حکومتونو ژوند عموماً د عروج او زوال یو دوراني بهیر تعقیبوي او ډېر کم داسې پېښې چې له دریو نسلونو څخه زیات دوام وکړي. د هغه په اند، لومړی نسل د سخت کوشۍ، زغم او پیاوړې عصبي ارزښتونه ساتي. دویم نسل په دغو ځانګړنو کې تدریجي کمزوري تجربه کوي او درېیم نسل دغه ارزښتونه په بشپړه توګه له لاسه ورکوي. چې په پایله کې یې حکومت د زوال او سقوط له پړاو سره مخ کېږي. ابن خلدون دغه دوراني بهیر د انسان د ژوند له پړاوونو سره تشبیه کوي، چې د ودې، بلوغ، رکود او په پای کې د زوال مرحلې په کې شاملې دي.

د ابن خلدون له نظره، د حکومت د واکمنۍ کمزوري کېدل عموماً د هغې له سرحدي سیمو او اطرافو څخه پیلېږي او په تدریجي ډول د حکومت تر مرکزې رسېږي. دغه بهیر هغه مهال لا چټکېږي چې نوي مشران د پیاوړې عصبي پر بنسټ راڅرګند شي او د واکمن حکومت پر وړاندې د سیاسي او پوځي سیالۍ ډګر ته راودانګي. په پایله کې کمزوری حکومت سقوط کوي او پر ځای یې نوی حکومت رامنځته کېږي، چې په دې توګه د حکومتونو د عروج او زوال دوراني بهیر یو ځل بیا له سره پیلېږي.

۳. د درېیمې څېړنې پوښتنې په ځواب کې ویلای شو چې ابن خلدون، د مشرتابه او ټولنیز یووالي (عصبي) په څېر د داخلي عواملو تر څنګ، یو شمېر بهرني عوامل هم یادوي چې د حکومتونو پر ثبات او دوام ژور اغېز لري. د هغه له نظره، دغه بهرني فشارونه د داخلي کمزوریو له پیاوړتیا سره یوځای د حکومتونو د زوال او په پایله کې د هغوی د سقوط زمینه برابروي. له همدې امله د حکومتونو د ثبات او بې ثباتۍ د تحلیل لپاره د دغو بهرنیو عواملو ارزونه هم د داخلي عواملو په څېر ځانګړې اهمیت لري. چې په لاندې توګه ترې یادونه کوو.

د نوې عصبي لرونکو ډلو راڅرګندېدل: ابن خلدون ټینګار کوي چې د پیاوړې عصبي (ډله ییز یووالي) لرونکو نویو ډلو راڅرګندېدل د واکمنو حکومتونو لپاره یو له مهمو بهرنیو ګواښونو څخه ګڼل کېږي. دغه ډلې، چې ډېری وخت په سرحدي او لرې پرتو سیمو کې رامنځته کېږي، د واکمن حکومت پر سیاسي او پوځي ځواک ننگونه کوي او په پای کې د هغه د نسکورېدو لامل ګرځي. د بېلګې په توګه، ابن خلدون یادونه کوي چې د عباسي حکومت له کمزورۍ وروسته، د عربي عصبي پر ځای د ایرانی، ترکي او دیلمي ډلو پر عصبي تکیه د حکومت د کمزورۍ او د نوو سیاسي

ځواکونو د راڅرګندېدو څرګنده بېلګه ده. په پایله کې، همدغه نوې او پیاوړې ډلې د داخلي کمزوریو څخه په ګټې اخیستنې حکومت نسکوروي او د هغه ځای ناستې کېږي.

بهرني پوځي ګواښونه: د ابن خلدون له نظره، ګاونډي هېوادونه او ځواکمنې قبیلې هغه مهال د یوه حکومت پر ضد د برید فرصت مومي چې د هغه پوځي ځواک، عصبيې او داخلي یووالې کمزوری شوی وي. هر څومره چې د حکومت سیاسي واک کمزوری کېږي او د هغه د قلمرو کنټرول محدودېږي، هماغومره د بهرنیو یرغلونو پر وړاندې زیانمنې کېږي. په دې شرایطو کې بهرني ځواکونه هڅه کوي چې د حکومت له کمزورۍ څخه په ګټې اخیستنې خپله سیمه پراخه کړي او یا خپلې سیاسي او پوځي موخې ترلاسه کړي.

اقتصادي عوامل: ابن خلدون اقتصادي بې ثباتي د حکومتونو د زوال له اساسي عواملو څخه ګڼي. د هغه په اند، کله چې واکمنان په مستقیم ډول په سوداګریزو فعالیتونو کې ښکېل شي، دا کار د خلکو اقتصادي فعالیتونو او د حکومت د مالي عوایدو پر بهیر منفي اغېز کوي. همدارنګه کله چې حکومت د عیش او عشرت، د دربار د زیات لګښت، د لوی پوځ د ساتنې او د مالي سرچینو د کمښت له امله له اقتصادي ستونزو سره مخ شي، نو د عوایدو د جبران لپاره مالیات او ګمرکي محصولونه زیاتوي او یا د خپلو چارواکو او شتمنو خلکو له شتمنیو څخه په زور ګټه اخلي. دغه سیاستونه اقتصادي رکود، د خلکو نارضايتي او د حکومت د مشروعیت او سیاسي ځواک کمزوري کېدو ته لاره هواروي.

د لرې پرتو سیمو له لاسه ورکول: د ابن خلدون له نظره، د حکومت د زوال بهیر ډېری وخت د هغه له لرې پرتو او سرحدي سیمو څخه پیلېږي. کله چې مرکزي واک کمزوری شي، دغه سیمې د بېلتون غوښتونکو خوځښتونو، کورنیو بغاوتونو او یا د ګاونډیو قدرتونو د یرغلونو له ګواښ سره مخ کېږي. د هرې سیمې له لاسه ورکول د حکومت اقتصادي سرچینې، بشري ځواک، سیاسي اعتبار او پوځي وړتیا کمزوري کوي، او په پایله کې د پاتې قلمرو اداره او د مرکزي واک ساتنه ورځ تر بلې ستونزمنه کېږي.

ابن خلدون زیاتوي چې د حکومت ثبات او دوام د داخلي او بهرنیو عواملو د پېچلي متقابل تعامل له مخې ټاکل کېږي. که څه هم داخلي عوامل، لکه د مشرتابه کیفیت او د عصبيې (ټولنیز یووالي) ځواک، د حکومت د بقا لپاره بنسټیز اهمیت لري، خو بهرني فشارونه لکه د پیاوړې عصبيې لرونکو نویو سیاسي او ټولنیزو ځواکونو راڅرګندېدل، پوځي ګواښونه، اقتصادي ننګونې او د قلمرو د برخو له لاسه ورکول، د حکومت د کمزورۍ، زوال او په پایله کې د سقوط بهیر ګړندی کوي.

۴. د څلورمې څېړنیزې پوښتنې په ځواب کې ویلای شو چې د ابن خلدون نظریه، که څه هم د څوارلسمې میلادي پېړۍ د شمالي افریقا له تاریخي او ټولنیزو شرایطو څخه سرچینه اخلي، خو د سیاسي تحولاتو او حکومتونو د متحرکاتو د تحلیل لپاره یو اغېزمن نظري چوکاټ وړاندې کوي چې د معاصرو حکومتونو په ارزونه کې هم ترې ګټه اخیستل کېدای شي. د هغه د عصبي (ټولنیز یووالي) مفهوم، د حکومتونو د عروج او زوال دوراني نظریه او د داخلي او بهرنیو عواملو د متقابل اغېز تحلیل، د معاصرو حکومتونو د ننګونو د درک او ارزونې لپاره ارزښتناک علمي بصیرت وړاندې کوي. په همدې اساس، د ابن خلدون د نظریاتو د معاصرو سیاسي شرایطو په تحلیل کې د تطبیق مهمې لارې چارې په لاندې ډول بیانېږي:

۱. د عصبي (ټولنیز یووالي) د رول تحلیل

د ابن خلدون د عصبي (ټولنیز یووالي او ډله ییز احساس) مفهوم د معاصرو سیاسي او ټولنیزو پدیدو د تحلیل لپاره په بېلابېلو برخو وېشل کېدای شي، چې مهمې یې په لاندې ډول دي:

الف - ملت پالنه (ناسیونالېزم) او د هویت سیاست: د ابن خلدون د عصبي مفهوم د معاصرو دولتونو په کچه د ملت پالنې، قومي شخړو او د هویت پر بنسټ د سیاستونو د ودې د تحلیل لپاره ګټور نظري چوکاټ وړاندې کوي. د ګډ ملي، مذهبي او کلتوري هویت پر بنسټ رامنځته شوی پیاوړی ډله ییز احساس کولای شي د ټولنیز بسیج او سیاسي تحرک ځواکمن عامل وي، خو په ورته وخت کې د ټولنیز وېش، قومي تعصب او سیاسي بې ثباتۍ لامل هم ګرځېدلی شي. د بېلګې په توګه، په اروپا کې د ملت پالنې بیا راژوندي کېدل او د نړۍ په ځینو سیمو کې د مذهبي افراطیت وده د عصبي د معاصرو څرګندونو په توګه تحلیل کېدای شي.

ب - سیاسي قطبي کېدل او ټولنیز یووالی: د عصبي مفهوم د ډېرو هېوادونو د سیاسي قطبي کېدو او د ټولنیز یووالي د کمزورۍ د تحلیل لپاره هم ارزښت لري. د ګډو ارزښتونو کمزوري کېدل، اقتصادي نا برابري او د عامه سیاسي بحثونو ټوټه کېدل د یوې باثباته سیاسي ټولنې لپاره اړین ګډ هویت او ګډ هدف زیانمنوي. برعکس اغېزمن او مسؤل مشرتابه، چې د ټولنیز یووالي، ملي همغږۍ او ګډو ارزښتونو د پیاوړتیا لپاره هڅه کوي، کولای شي عصبي پیاوړی او د سیاسي ثبات زمینه برابره کړي.

۲. د سیاسي دورو درک

د ابن خلدون له نظره د سیاسي دورو درک مفهوم په بېلابېلو برخو وېشل کېدای شي، چې مهمې یې په لاندې ډول دي:

الف - د سیاسي غورځنگونو او گوندونو عروج او زوال: د ابن خلدون د حکومتونو د دوراني نظریې پر بنسټ د سیاسي غورځنگونو او گوندونو د رامنځته کېدو، ودې او زوال بهیر هم تحلیل کېدای شي. هغه سیاسي ډلې چې په پیل کې د پیاوړي مشرتابه، گډو موخو او لوړې ټولنیزې همغږۍ له امله بریالۍ کېږي، د وخت په تېرېدو سره د واک د تمرکز، داخلي اختلافاتو او د لومړنیو ارزښتونو د کمزورۍ له امله خپل لومړنی تحرک له لاسه ورکوي. د بېلگې په توګه په ډېرو دیموکراتیکو نظامونو کې د پخوانیو او بنسټیزو سیاسي گوندونو کمزوري کېدل د ابن خلدون د دوراني ماډل له مخې د تحلیل وړ پدیده ده.

ب - د سیاسي نظامونو بدلون: د ابن خلدون نظریات د سیاسي نظامونو د بدلون لکه له استبدادي نظام څخه د خلکو پر رضایت ولاړ نظام ته د لېږد او یا برعکس، د تحلیل لپاره هم کارول کېدای شي. د هغه د نظري چوکاټ له مخې، د پیاوړي عصیبه لرونکو نویو ټولنیزو او سیاسي ځواکونو راڅرګندېدل، د موجودو ادارو کمزوري کېدل او د بهرنیو لوبغاړو نفوذ هغه مهم عوامل دي چې د سیاسي نظامونو د بدلون په بهیر کې اغېزناک رول لوبوي.

۳. د حکومت د ثبات او زیانمنیدو ارزونه

د ابن خلدون له نظره د حکومت د ثبات او زیانمنیدو ارزونې مفهوم په بېلابېلو برخو وېشل کېدای شي، چې مهمې یې په لاندې ډول دي:

الف - اقتصادي نابرابري او ټولنیزې ناکرارۍ: ابن خلدون د حکومتونو په ثبات او دوام کې د اقتصادي عواملو پر اهمیت ټینګار کړی دی. د شتمنو او بې وزلو ترمنځ د واټن زیاتوالی، د بېکارۍ لوړه کچه، اقتصادي رکود او د شتمنۍ ناعادلانه وېش کولای شي ټولنیزې ناخوښۍ او ناکرارۍ رامنځته کړي او د حکومت مشروعیت تر پوښتنې لاندې راولي. د بېلگې په توګه د عربي پسرلي پاڅونونه، چې تر ډېره د اقتصادي نارضايتۍ او ټولنیزو نابرابریو له امله رامنځته شوي وو، ښیي چې اقتصادي ستونزې څنګه د حکومتونو د بې ثباتۍ او سیاسي بدلونونو لامل کېدای شي.

ب - فساد او د عامه باور له منځه تګ: ابن خلدون په خپلو نظریاتو کې د عادلانه حکومتولۍ او د خلکو د باور پر اهمیت ټینګار کوي. د هغه په اند، پراخ اداري فساد، د واک ناوړه استفاده او د حساب ورکونې د اصل نشتوالی د خلکو باور پر دولتي ادارو کمزوری کوي او د سیاسي بې ثباتۍ زمینه برابروي. برعکس هغه حکومتونه چې ښې حکومتولۍ، رویتیا، د قانون حاکمیت او اداري حساب ورکونې ته لومړیتوب ورکوي، کولای شي خپل مشروعیت، ثبات او د خلکو اعتماد لا پیاوړی کړي.

ج - جیوپولیتیکي تحرکات او بهرنۍ اغېزې: ابن خلدون د داخلي عواملو ترڅنګ، د بهرنیو اغېزو اهمیت هم څرګندوي. د هغه له نظره، د حکومتونو ثبات د جیوپولیتیکي سیالو، سیمه ییزو شخړو او د نړیوالو قدرتونو د سیاستونو تر اغېز لاندې هم وي. بهرنۍ مداخلې، اقتصادي بندیزونه، نیابتي جګړې او د ایډیالوژیو خپرېدل کولای شي د یوه حکومت د حاکمیت، سیاسي ثبات او د پربکړې کولو خپلواکي په څرګند ډول اغېزمنه کړي.

سره له دې باید په پام کې ونیول شي چې د ابن خلدون نظریه د معاصر سیاست د تحلیل لپاره یو بشپړ او مطلق ماډل نه ګڼل کېږي، بلکې د سیاسي او ټولنیزو تحولاتو د ارزونې لپاره یو ارزښتناک تحلیلي چوکاټ وړاندې کوي. د هغه نظریات که د معاصرو شرایطو او واقعیتونو له غوښتنو سره تطبیق شي، د حکومتونو د عروج او زوال د عواملو، د سیاسي تحولاتو په رامنځته کېدو کې د عصبي (ټولنیز یووالي) د رول او همدارنګه د حکومتونو پر ثبات او دوام د داخلي او بهرنیو فشارونو د متقابل اغېز په اړه ژوره او هر اړخیزه پوهه برابروي.

(د) مناقشه

د ابن خلدون د دوراني نظریې له مخې، حکومتونه په طبیعي ډول د بنسټ اېښودنې، پیاوړتیا، ثبات او زوال له پرله پسې پړاوونو څخه تېرېږي. دغه بهیر د ځواکمن مشرتابه او پیاوړې عصبي (ټولنیز یووالي) په شتون سره پیلېږي، چې عموماً په قبیلوي ټولنو کې رېښې لري. د حکومت له پرمختیا سره ښاري کېدل، اقتصادي سوکالۍ او تمدني پرمختګ زیاتېږي، خو په همدې وخت کې عصبي په تدریجي ډول کمزوری کېږي، چې په پایله کې یې د عیش او عشرت، اداري فساد، د واک تمرکز او د ټولنیز یووالي د کمزورۍ بهیر پیلېږي. په همدې تړاو، د شاهديک (۲۰۲۰) څېړنه هم د ابن خلدون دغه لیدلوری تأییدوي او څرګندوي چې د حکومت له ودې او پرمختیا سره د سیاسي واک تمرکز رامنځته کېږي، چې د اقتصادي سوکالۍ او تمدني پرمختګ زمینه برابروي. دغه پرمختګ د اغېزمن مشرتابه او پیاوړې عصبي په برکت تحقق مومي. خو له بلې خوا د ښارونو د پرمختیا او تمدني پرمختګ له امله عصبي ورو ورو کمزوری کېږي او په پایله کې د نوي تمدني او سیاسي پړاو د راټوکېدو زمینه برابرېږي. د ابن خلدون له نظره حکومت په تدریجي ډول د داخلي کمزوریو او بهرنیو ګواښونو تر اغېز لاندې راځي، تر هغه چې یوه نوې ډله، چې له پیاوړې عصبي څخه برخمنه وي، راڅرګنده شي، پخوانی حکومت نسکور کړي او د ټولنې نوی سیاسي نظم رامنځته کړي. همدارنګه ځینې معاصرې څېړنې هم څرګندوي چې هغه ټولنې چې له پیاوړې عصبي څخه برخمنې وي، د خپلو بنسټیزو اړتیاوو د پوره کولو، د امنیت د ټینګښت او د سوکالۍ د رامنځته کولو لپاره اغېزمن او منظم حکومتي جوړښتونه رامنځته کوي (Fajar, ۲۰۱۹).

د ابن خلدون له نظره د حکومت د ثبات او دوام لپاره د داخلي عواملو له ډلې اغېزمن، اخلاقي او وې مشتريه بنسټيز اهميت لري. هغه مشران چې د عدالت، صداقت او مسؤليت پالنې ارزښتونه عملي کوي، د اشرافو ترمنځ يووالی، د خلکو باور او سياسي ثبات پياوړی کوي. برعکس د عيش او عشرت پرمختيا، د شخصي گټو لومړيتوب او د عامه هوساينې له اړتياوو څخه غفلت د حکومت د کمزورۍ او زوال بهير گرندی کوي. همدارنگه د عصبيه (ټولنيز يووالي) لوړه کچه د ټولنيزو شخړو په کمولو، د سياسي ثبات په ټينگښت او د حکومت د انعطاف په زياتولو کې مهم رول لري، په داسې حال کې چې د عصبيه کمزوري کېدل د ډلو ټپلو، کورنيو اختلافاتو، اداري کمزورۍ او د حکومتولۍ د اغېزمنتيا د کمېدو لامل گرځي. په همدې تړاو، ځينې معاصرې څېړنې هم څرگندوي چې که څه هم دغه داخلي عوامل د حکومت د ثبات لپاره بنسټيز اهميت لري، خو بهرني فشارونه، لکه اقتصادي بحرانونه، جيوپوليتيکي کړکېچونه او بهرنۍ مداخلې، هم د حکومتونو پر ثبات ژور اغېز کوي. دا وضعيت څرگندوي چې د حکومتونو سياسي ثبات د داخلي او بهرنيو عواملو د يوه بېچلي او متقابل تعامل پايله ده (Dragolov et al., ۲۰۱۶).

اخلاقي حکومتولي، چې د عدالت، روڼتيا، حساب ورکونې او اخلاقي اصولو پر بنسټ ولاړه وي، د حکومت مشروعيت، د خلکو باور او سياسي ثبات پياوړی کوي. برعکس، اداري فساد، د واک ناوړه استفاده او د ټولنيز نظم کمزوري کېدل د حکومت مشروعيت زيانمنوي او د زوال عوامل پياوړي کوي. له بلې خوا بهرني عوامل او جيوپوليتيکي اغېزې، لکه بهرنۍ مداخلې، سيمه ييزې سيالۍ او د نړيوالو قدرتونو رقابتونه، په ځانگړې توگه هغه مهال چې داخلي يووالی کمزوری وي، د حکومتونو د بې ثباتۍ لامل گرځي. د افغانستان معاصر تاريخ د دې حالت څرگنده بېلگه ده، ځکه بهرنيو لوبغاړو په بېلابېلو پړاوونو کې د داخلي شخړو، اقتصادي بحرانونو او د سرچينو پر سر د سياليو په پياوړتيا کې اغېزمن رول لوبولی دی. همدارنگه پر بهرنيو مرستو ډېره تکیه د ځان بسياينې پر ځای د بهرني انحصار او سياسي بې ثباتۍ زمينه برابره کړې ده. سربېره پر دې جگړې، يرغلونه او دوامدارې امنيتي شخړې، په ځانگړې توگه هغه مهال چې له داخلي کمزورۍ سره يوځای شي، د حکومتونو د زوال بهير چټکوي. افغانستان د دغو متقابلو عواملو روښانه بېلگه ده، ځکه دوامدار قبيلوي اختلافات، د مرکزي حکومت کمزوری واک، پرله پسې بهرنۍ مداخلې، د غير رسمي سياسي شبکو او جنگسالارانو نفوذ او قومي وېشونو د يو ګډ ملي هويت او اغېزمنې حکومتولۍ د رامنځته کېدو مخه نيولې ده. دغو عواملو د حکومتونو د کمزورۍ او بې ثباتۍ بهير لا پسې پياوړی کړی دی. په همدې تړاو توماس او هال (۲۰۱۱) په خپله څېړنه کې څرگندوي چې اخلاقي مشتريه او پياوړي اخلاقي چوکاټونه د پرېکړه نيونې بهير اغېزمنوي، د رهبرۍ کيفيت لوړوي او د ټولنيز يووالي او سياسي ثبات د پياوړتيا زمينه برابروي. که څه هم بهرنۍ مرستې په ځينو

مواردو کې د لنډ مهاله ثبات په رامنځته کولو کې مرسته کوي، خو په ډېرو حالاتو کې د داخلي تجزیې، سیاسي انحصار او پر بهرنیو سرچینو د اتکا د زیاتېدو لامل هم ګرځي. په همدې اساس د مسلمانانو د اکثریت هېوادونو سیاسي تجربې تر یوه بریده د ابن خلدون د دوراني نظریې له تحلیل سره سمون لري، ځکه د ټولنیز یووالي کمزورتیا، د عادلانه حکومتولۍ نشتوالی، اداري فساد، او د داخلي ننگونو او بهرنیو فشارونو ګډ اغېز د دغو حکومتونو د کمزورۍ او زوال مهم عوامل بلل کېږي.

د ابن خلدون د نظریې له مخې، د دغو ستونزو د حل لپاره اړینه ده چې پیاوړې، اغېزمنې او انعطاف منونکې ادارې رامنځته شي، عادلانه حکومتولي او ټولنیز یووالی پیاوړي شي او د بهرنیو فشارونو پر وړاندې د حکومت سیاسي او اداري وړتیا لوړه شي، ترڅو حکومتونه وکولای شي خپل ثبات، مشروعیت او دوام تضمین کړي.

پای پایله

د ابن خلدون دوراني نظریه د حکومتونو د جوړښت، ثبات او زوال د عواملو د تحلیل لپاره یو پیاوړی او هر اړخیز نظري چوکاټ وړاندې کوي. نوموړی د عصبیه (ټولنیز یووالي)، اغېزمن مشرتابه، اخلاقي ارزښتونو او بهرنیو اغېزو ترمنځ پر متقابل تعامل ټینګار کوي او باور لري چې د حکومتونو د عروج، ثبات او زوال د بهیر د درک لپاره د دغو عواملو ګډ تحلیل اړین دی. د افغانستان د سیاسي تجربې په رڼا کې، د ابن خلدون دوراني نظریه څرګندوي چې د ټولنیز یووالي کمزورتیا، قومي او سیاسي تفرقه، د مشرتابه نیمګړتیاوې، د واکمنانو عیش او تجمل، بهرنۍ مداخلې او اداري کمزورۍ هغه اساسي عوامل دي چې د اغېزمنې حکومتولۍ له بنسټیزو اصولو سره په ټکر کې واقع کېږي او د حکومتونو د بې ثباتۍ او زوال زمینه برابروي. له همدې امله د حکومت د پایښت او دوام لپاره د پیاوړې ټولنیز یووالي، اغېزمن او اخلاقي مشرتابه، عادلانه او د اصولو پر بنسټ حکومتولۍ، ځواکمنو اداري بنسټونو او دوامدارو اقتصادي پرمختیايي پروګرامونو رامنځته کول بنسټیز اهمیت لري. همدارنګه د حکومتونو سیاسي او اداري وړتیا باید دومره پیاوړې وي چې د بهرنیو فشارونو او جیوپولیتیکي بدلونونو پر وړاندې اغېزمن مقاومت وکړي. د دغو عناصرو تحقق د حکومت د مشروعیت، ثبات او اوږدمهاله پایښت لپاره اساسي تضمین ګڼل کېږي.

وړاندیزونه

۱. د افغانستان حکومت ته سپارښتنه کېږي چې د عصبيه (ټولنيز يووالي) د پياوړتيا، د جامع ملي هویت د ټينګښت او د ګډو ملي ارزښتونو د ودې له لارې د يووالي پر بنسټ يو باثباته او منسجم سياسي نظام رامنځته کړي.
۲. په حکومتي جوړښتونو کې دې د اخلاقي، وړ، مسلکي او عدالت محوره رهبري د ټاکنې لپاره شفاف او قانونمند ميکانيزمونه رامنځته شي. همدارنګه د واک د سوله ييز او قانوني لېږد، حساب ورکونې او اداري شفافيت بنسټونه دې پياوړي شي، ترڅو د حکومت پايښت تضمين او د سياسي بې ثباتۍ مخه ونیول شي.
۳. د دوامدار ثبات، اقتصادي هوساينې او اغېزمنې حکومتولۍ د تحقق لپاره دې د قانون حاکميت، ښې حکومتولۍ، اداري روڼتيا او حساب ورکونې ته لومړيتوب ورکړل شي او د اداري فساد، د واک له ناوړه استفادې او له قانون څخه د سرغړونو د مخنيوي لپاره دې اغېزمن اقدامات ترسره شي.
۴. حکومت دې د داخلي او بهرنيو اړيکو، اقتصادي سرچينو او مالي مدیریت لپاره متوازنه او خپلواکه تګلاره غوره کړي، ترڅو پر بهرنيو مرستو اتکا کمه شي، اقتصادي ځان بسياينه پياوړې شي او د بهرنيو مداخلو او سياسي نفوذ امکانات راکم شي.

اخځليکونه

القران کریم

- Adelkhah, F. (۲۰۱۷). *War and State (Re) Construction in Afghanistan: Conflicts of Tradition or Conflicts of Development?* (A. Brown, Trans.). International, Development Policy | Revue Internationale de Politique de Développement, ۸, Article ۸. <https://doi.org/10.4000/poldev.2226>
- Brown, D. (۱۹۹۳). *The Search for Elite Cohesion*. Contemporary Southeast Asia <https://doi.org/10.1355/CS15-1G.130.111.115>
- Dragolov, G., Ignác, Z. S., Lorenz, J., Delhey, J., Boehnke, K., & Unzicker, K. (۲۰۱۶). *Social Cohesion, Values of Individuals, and Their Well-being*. In G. Dragolov, Z. S. Ignác, J. Lorenz, J. Delhey, K. Boehnke, & K. Unzicker *Social Cohesion in the Western World* pp. ۷۹-۹۲. Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-319-32246-4_7
- Fajar, A. S. M. (۲۰۱۹). *Perspektif Ibnu Khaldun Tentang Perubahan Sosial*. SALAM: Jurnal Sosial Dan Budaya Syar-i, ۶(۱), ۱-۱۲ <https://doi.org/10.15408/sjsbs.v6i1.10460>
- Ibn Khaldūn, A. A. R. bin M. (۱۹۶۹). *The Muqaddimah: An Introduction to History the Classic Islamic History of the World*. Bollingen Series, Princeton University Press

- Nawabi, J., & Kolozi, P. (۲۰۲۲). *Afghanistan: The Making and Unmaking of a Modern State* Journal of Global South Studies, ۳۹(۱), ۱-۳۲
- Önder, M., & Ulaşan, F. (۲۰۱۸). *Ibn Khaldun's Cyclical Theory on The Rise and Fall of Sovereign Powers: The Case of Ottoman Empire*. Adam Akademi .Sosyal Bilimler Dergisi, ۸(۲), ۲۳۱-۲۶۶
<https://doi.org/10.31679/adamakademi.۴۵۳۹۴۴>
- Rourke, F. E. (۱۹۵۷). *The Quest for Political Stability*. Ethics, ۶۷(۴), ۲۸۶-۲۹۳
<https://doi.org/10.1086/۲۹۱۱۲۷>
- Sarjito, A. (۲۰۲۴). *Dinamika Pengaruh Eksternal dalam Pengambilan Keputusan Kebijakan Pertahanan*. Jurnal Ilmu Sosial Dan Humaniora, ۲(۴), ۳۵۹-۳۸۰
- Shahidipak, M. (۲۰۲۰). *Ibn Khaldun as a paradigm for the past and future of sociology and humanity*. Sociology International Journal, ۴(۵), ۱۵۳-۱۵۹
<https://doi.org/10.1۵۴۰۶/sij.۲۰۲۰.۴/۰۰۲۴۰>
- Sharan, T. (۲۰۲۲). *Inside Afghanistan: Political Networks, Informal Order, and State Disruption*. Routledge. <https://doi.org/10.4۳۲۴/۹۷۸۱۳۱۵۱۶۱۶۱۷>
- Shevkunov, G. A. (۲۰۲۴). *The Russian Revolution (۱۹۱۷): External Factors of Influence Public Administration*. E-Journal (Russia), ۱۰۵, ۲۰۲۴, ۸۰-۹۲
<https://doi.org/10.۵۵۹۵۹/MSU۲۰۲۰-۱۳۸۱-۱۰۵-۲۰۲۴-۸۰-۹۲>
- Stavytskyy, A. (۲۰۱۸). *Influence Of Modern Geopolitical Challenges On State'S Economic Security*. Вестник Киевского Национального Университета Имени Тараса Шевченко. Экономика., ۴(۱۹۹), ۴۵-۵۵
- Sulastri, N. (۲۰۱۹). *The Concept of State and Government in Ibn Khaldun's Thoughts*. International Journal of Nusantara Islam, ۷(۲), ۱۴۳-۱۴۹
<https://doi.org/10.1۵۵۵۷۵/ijni.v۷i۲/۵۶۳۴>
- Tarkhan Mouravi, G. (۲۰۱۶). *External Political Actors and Influences in the South Caucasus*. Sociology and Anthropology, ۴(۸), ۶۹۸-۷۰۹
<https://doi.org/10.1۳۱۸۹/sa.۲۰۱۶.۰۴۰۸۰۴>
- Thomson, M. H., & Hall, C. D. (۲۰۱۱). *Social and Leadership Factors Influencing Moral Decision Making in Canadian Military Operations: An Annotated Bibliography* (No. DRDC Toronto CR ۲۰۱۱-۰۹۸). Defence R&D Canada.

بررسی عوامل آلوده‌گی شهر کابل در فصل زمستان (مطالعه موردی: ۱۳۹۸-۱۴۰۲)

ملاجان رحمانی*

پوهنمل، دیپارتمنت جغرافیه، پوهنچی علوم اجتماعی، پوهنتون پروان، چاریکار، افغانستان.

<https://orcid.org/0009-0008-5111-9374> - mullajan.rahmani@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۶)

چکیده

آلوده‌گی هوا از جمله پدیده‌هایی است که با صنعتی شدن دنیای امروزی افزایش یافته است و برای تمامی موجودات زنده و نباتاتی که در معرض هوای آلوده قرار داشته، می‌تواند مضر باشد. شهر کابل با اسکان بیشتر از پنج میلیون انسان پایتخت و مرکز ثقل اداری افغانستان بوده، که با مشکل آلوده‌گی هوا روبرو اند، با فرا رسیدن فصل زمستان این پدیده مخرب دو برابر شده که باعث افزایش آلوده‌گی هوای شهر کابل می‌گردد و مانند یک قاتل خاموش بر شهروندان شهر کابل عمل نموده و سبب مرگ تدریجی شهروندان این شهر می‌گردد. بناءً این مسأله برانگیزه تحقیق در زمینه آلوده‌گی هوای شهر کابل در فصل زمستان افزوده و سبب شده که محقق در این راستا تحقیق نماید و هدف تحقیق مطالعه علل آلوده‌گی هوای شهر کابل در فصل زمستان بوده، اهمیت تحقیق آن است که توسط این گونه پژوهش‌ها دریافت می‌شود تا عوامل آلوده‌گی شهر کابل در فصل زمستان به معرفی گرفته شود، عوامل آن مشخص گردد و اثرات سوء آن مطرح گردد. شیوه پژوهش به شکل کیفی بوده و به گونه تحلیلی و توصیفی بیان شده و جمع آوری منابع آن از کتب، مقالات علمی، استفاده از سایت‌های اینترنتی، جمع آوری منابع از ادارات مربوطه صورت گرفته، نتایج تحقیق این را نشان می‌دهد که عوامل آلوده‌گی شهر کابل در فصل زمستان به دلیل استفاده زغال سنگ، رابر، پلاستیک، چوب و تیرهای کهنه برای گرم ساختن منازل؛ تردد وسایط نقلیه، فعالیت‌های صنعتی، نبود کافی انرژی برق، غیر معیاری بودن زیرساخت‌ها و سایر عوامل باعث آلوده‌گی هوای این شهر شده است.

کلمات کلیدی: آلوده‌گی هوا، شهر کابل، عوامل مؤثر، فصل زمستان، مطالعه.

*. ارجاع: رحمانی، ملاجان. (۱۴۰۴). بررسی عوامل آلوده‌گی شهر کابل در فصل زمستان (مطالعه موردی: ۱۳۹۸-۱۴۰۲). مجله علمی - تحقیقی جوزجانان، ۱۸ (۲)، ۶۵-۹۳. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.91>

Investigating the pollution factors of Kabul city in Winter Season (A Case Study: 1398–1402)

Mullajan Rahmani*

Senior Teaching Assistant, Department of Geography, Faculty of Social Science, Parwan university,
Charikar, Afghanistan.

mullajan.rahmani@gmail.com - <https://orcid.org/0009-0008-5111-9374>

(Received: 17/01/2025 - Accepted: 27/11/2025)

Abstract

Air pollution is one of the phenomena that has increased with the industrialization of today's world and it can be harmful for all living organisms and plants exposed to polluted air. The city of Kabul with more than five million people is the capital and administrative center of gravity of Afghanistan, who are facing the problem of air pollution. With the arrival of the winter season, this destructive phenomenon has doubled, which increases the air pollution of the city of Kabul and is like a silent killer. The citizens of Kabul have acted and it is causing the gradual death of the citizens of this city. Accordingly, this problem added to the motivation of the research in the field of air pollution in Kabul city in the winter season and caused the researcher to conduct research in this direction, and the purpose of this research was to state the causes of air pollution in the city of Kabul in winter season. The importance of this research is that it is received through this type of research to introduce the pollution factors of Kabul city in winter season, identify its factors, and discuss its adverse effects. The research method is qualitative and is expressed analytically and descriptively, and its sources are collected from books, scientific articles, using internet sites, and sources are collected from relevant departments. The results of research show that polluting factors of Kabul city in winter due to the use of coal, rubber, plastic, wood and old tires to heat houses; Traffic of vehicles, industrial activities, lack of electrical energy, non-standard infrastructure, being surrounded by mountains and natural reduction of air conditioning have caused the air pollution of this city, which brings life and financial risks to the citizens of Kabul city.

Keywords: *Air pollution, Impact factors, Kabul city Stady, winter season.*

*. **Citation:** Rahamin, M. (2026). Investigating the pollution factors of Kabul city in winter season (A Case Study: 1398-1402). *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 65–93.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.91>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ
طبیعت زیبا، آب و هوا معتدل و گوارا موهبت الهی است که آن ذات پاک به عالم بشریت و موجودات زنده عنایت فرموده است. ولی همین بشریت است که با تسلط در طبیعت و با کم بها دادن این غنیمت، هوا، آب و محیط زیست را آلوده ساخته و صدمات ناشی از آن را بر پیکر خویش متحمل شده و سپس در صدد احیای آن تلاش می‌ورزد.

آلوده گی هوا یکی از مهمترین معضلات محیط زیستی در زنده گی شهر نشینی بخصوص در کشورهای در حال توسعه است به نحوه که این مشکل یکی از کانون‌های مورد توجه مسئولین شهری و زیست محیطی بوده است. آلوده گی هوا یکی از عوامل مهم زیست محیطی است که سبب افزایش بیماری تنفسی قلبی و غیره گردیده و نیز سبب خسارات جدی به خاک، آب، حیوانات، نباتات و جنگلات در سطح جهانی گردیده و منجر به گرمایش زمین، آفت‌های استراتوسفری و باران‌های اسیدی و غیره می‌شود. از زمان آغاز انقلاب صنعتی در اروپا و رشد سریع صنعت و تکنیک، رونق زنده گی شهری و بلند رفتن سطح درآمد در شهرها، میزان بلند اشتغال زایی سبب توسعه شهرها، افزایش استفاده از وسایط نقلیه و بلند رفتن مصرف مواد سوختی فسیلی fossil fuel که سبب انتشار کاربن و آلوده گی هوا گردیده است، شهر کابل نیز با افزایش نفوس خویش در سال‌های اخیر با توسعه شهری غیر معیاری، افزایش میزان اشتغال زایی، افزایش وسایط نقلیه و استفاده از سوخت‌های فوسیلی کم کیفیت با معضله آلوده گی هوا مواجه شده است، مسأله آلوده گی هوا در شهر کابل از میزان کیفیت زنده گی شهروندان این شهرکاسته، و بر روح، روان و جسم شان تأثیر نموده و سبب امراض عروقی، قلبی، تنفسی برای شهروندان این شهر شده است. این آلوده گی در فصل زمستان به بیشترین حد مجاز آن میرسد. فصل زمستان از ساعات ۵ عصر الی ۷ صبح شاخص کیفیت هوای آن انتروال یا میزان آلوده گی هوا بین ۲۰۰ الی ۳۵۰ بوده، که این میزان آلوده گی هوا بسیار خطر آفرین بوده و قوه دید انسان را دچار ضعف نموده و در این ساعات در فضای باز بدون ماسک و عینک آزار دهنده است و اشخاصی که مشکلات تنفسی و قلبی داشته باشند برای آنها خطر آفرین می‌باشد.

اینکه شهر کابل یکی از شهرهای بزرگ و پایتخت کشور بوده که با داشتن بیشتر از ۵ میلیون نفر بزرگترین شهر پر نفوس کشور بوده، که با معضله آلوده گی آب و هوا گرفتار است، این آلوده گی به صورت بسیار جدی باعث نگرانی شهروندان این شهر شده است، امراض

گوناگون را بوجود آورده است. تراکم نفوس، استفاده از منابع طبیعی سبب آلوده گی هوای شهر کابل شده و با فرا رسیدن فصل زمستان این معضله دو برابر می شود. بر اساس تحقیقات نهاد هواشناسی امریکایی بنام (Air Visual) که در زمستان سال ۱۳۹۸ هـ ش انجام داده بود، کابل را آلوده ترین شهر جهان اعلان کرده بود، که بر اساس آن معلومات ارایه شده ذرات معلق ۴۳۰ ملی مایکرون در هر متر مکعب بوده، در آلوده گی هوای شهر کابل در فصل زمستان سه فکتور بسیار رول داشته که عبارت از:

- پایداری هوا در فصل زمستان که مصرف زغال سنگ، محروقات نفتی کم کیفیت، چوب، رابر، تیرهای کهنه، پلاستیک و غیره می باشد، که همه موارد یاد شده از جمله منابع آلاینده ها به شمار می آید .

- شکل جغرافیایی شهر کابل در بین کوه ها و گاهی ساکت بودن بادهای آن در فصل زمستان که شکل طبیعی شهر طوری عمل نموده که جبهه های هوا از ارتفاع بالای شهر کابل عبور نماید.

- تراکم نفوس و وسایط نقلیه کهنه و فرسوده می باشد. این آلوده گی سبب بروز امراض گوناگون قلبی، تنفسی، روحی و ساری می گردد، در این تحقیق به بررسی عوامل آلوده گی هوای شهر کابل در فصل زمستان پرداخته شده است.

الف) مبانی نظری

۱. چیستی آلوده گی هوا

آلوده گی هوا عبارت از مخلوط شدن هوای تنفسی اتمسفری با گازات مضره، ذرات مایع و ذرات جامد است، که کیفیت هوا را تغییر داده و برای موجودات زنده و محیط زیست تأثیرات ناگوار دارد. یا به عباره دیگر هرگونه تغییر در ویژه گی های فیزیکی و کیمیاوی عناصر تشکیل دهنده هوا را آلوده گی هوا گویند مانند دای اکسایدسلفر، مونواکسایدکاربن، اکسایدهای نایتروجن و غیره (ملکیار، ۱۳۹۶).

البته این گازات مضره و آلاینده ها از طریق سوخت مواد محروقاتی زغال سنگ در داشها، حمام ها، مرکز گرمی شهرک ها و منازل، تاسیسات صنعتی و غیره محلات، در هوا رها شده و سبب آلوده گی هوا و محیط زیست می شود. یا به عباره دیگر آلوده گی هوا ناشی از عواملی است که تأثیر منفی و مستقیم بر سلامت انسانها، جانوران، نباتات و همه موجودات و محیط زیست داشته و عرصه های زندگی را بر آنها تنگ گردانیده و حیات آنها را به نابودی سوق دهد، آلوده گی هوا زمانی اتفاق می افتد که حجم زیاد از ذرات یا مواد مضره از قبیل ذرات جامد معلق

یا سایر مواد مضره دیگر از قبیل گازها و مالیکول‌های بیولوژیکی وارد اتموسفیر کره زمین شود. یا به عباره دیگر، آلوده‌گی هوا مخلوطی از ذرات معلق و گازهای است که غلظت آن به محدوده مضره برای صحت انسان رسیده باشد. آلوده‌گی هوا می‌تواند باعث ایجاد و افزایش بیماری‌ها در انسان گردیده و هم سبب گرمایش کره زمین گردد، انسان به هنگام تنفس، همراه با دریافت اکسیجن هوا، گازها و ذرات مضره را تنفس می‌کند که این امر سبب می‌شود که انواع اختلالات تنفسی بوجود بیاید. هم چنان آلوده‌گی هوا سبب ایجاد حساسیت‌های جلدی، چشمی و بروز سایر بیماری‌های خطرناک در انسان شود. آلوده‌گی هوا بر روی همه پدیده‌های طبیعی و بشری تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم دارد. در نباتات سبب ناباروری جنگلات و گرده افشانی، باعث کاهش بارنده‌گی و گرمایش اقلیم و سبب بی نظمی در همه ابعاد زندگی انسان‌ها، حیوانات و نباتات می‌شود.

آلوده‌گی هوا از منابع مختلف طبیعی و مصنوعی ایجاد می‌شود. آلوده‌گی هوا ناشی از منابع طبیعی حتی قبل از زندگی انسانها بر روی زمین وجود داشته است، اما فعالیت‌های انسان آنرا سرعت بخشیده و مقدار آنرا ازدیاد نموده و به نحوی که در بعضی مواقع میزان آلوده‌گی هوا به اندازه زیاد میشود، هوا سمی شده و حیات موجودات را تهدید میکند. آلوده‌گی هوا از مشکلات مهم همه کشورهاست این مساله با افزایش جمعیت، توسعه شهرها، افزایش وسایط نقلیه و گسترش ترافیک شهری، توسعه سریع اقتصادی، استفاده نامناسب از سیستم‌ها و دستگاه‌های صنعتی، افزایش مصرف انرژی و عدم رعایت مقررات محیط زیست سبب شده است تا آلوده‌گی هوا افزایش یابد (سادات، ۱۳۹۹).

۲. انواع آلوده‌کننده‌های هوا

آلوده‌کننده‌های مختلف می‌تواند در هوا وجود داشته باشند، اما به دلیل مضر بودن آن پنج نوع آلوده‌کننده‌های بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند و هر کدام آنها در ذیل شرح می‌گردد:

۱-۲. کاربن دای اکساید (CO₂)

این گاز به دلیل نقش گاز گلخانه‌ای به عنوان بدترین و اصلی ترین آلاینده شناخته شده است و این گاز تقریباً ۰.۰۳۴ درصد در ترکیب هوای اتموسفیری به شکل طبیعی نیز شامل است و وجود آن برای رشد و زنده‌گی گیاهان و درختان هم ضرور بوده و این گاز قبل از انقلاب صنعتی در اتموسفیر کم بوده و با رشد صنعت، فعالیت‌های انسانی، احتراق محروقات نفتی و زغال‌رود افزایش آن در اتموسفیر زمین در حال افزایش است (فرهمنند، ۱۳۹۹).

۲-۲. کاربن مونو اکساید (CO)

این گاز از نظر خواص فیزیکی یک گاز بی بو و بدون رنگ بوده، اما فوق‌العاده سمی است که نسبت به آکسیجن ۳۰۰ مرتبه خویتر و سریعتر در خون جذب می‌شود. این گاز در نتیجه احتراق مواد کیمیای تشکیل می‌شود و در صورت تنفس این گاز بسیار به سرعت در خون انسان رسیده و در هموگلوبین خون جذب و مخلوط شده و باعث تشکیل کربوسی هموگلوبین (COHB) شده و این عمل باعث شده تا میزان آکسیجن در خون به شدت کاهش یافته، خون سمی گردد. تأثیرات خطرناکی بالای مغز و قلب داشته و در فضای سربسته در کمترین وقت انسان را بی هوش می‌سازد که زغال‌گرفتگی نمونه بارز و خطرناکی این گاز بوده که در بعضی حالات سبب مرگ می‌شود.

۲-۳. اکسایدهای نایتروجنی (NOx)

از میان اکسایدهای نایتروجنی، نایتروجن مونو اکساید (NO) و نایتروجن دای اکساید (NO₂) بیشتر در آلوده‌گی هوا سهم دارد، که این گازها در مقایسه با مونو اکسایدها بیشتر سمی بوده و خطرات جدی را متوجه محیط زیست و انسان‌ها می‌سازد.

۲-۴. اکساید سلفر (SO₂)

بیشترین مواد سوخت نظیر زغال‌سنگ و مواد نفتی دارای مقدار زیاد سلفر می‌باشد و در نتیجه احتراق این مواد سلفر مذکور باعث تشکیل سلفر دای اکساید گردیده و درفضا پخش می‌شود، این گاز در هوا مانند آلوده‌کننده هوا عمل کرده که باعث امراض گوناگون می‌گردد تنفس این گاز منجر به تحریک مجاری تنفسی به خصوص در قسمت گلو و بینی گردیده و انسان را مبتلا به امراض چون برونشیت، آسم و غیره می‌سازد. از طرف دیگر در صعود سلفر دای اکساید به فضا و تعامل آن با بخارات هوا، باران‌های اسیدی ایجاد گردیده، که عمدتاً روی گیاهان اثرات نامطلوبی داشته و باعث از بین رفتن آنها می‌شود و نمونه بارز چنین حوادث را در کشور انگلستان از جمله کشورهای صنعتی تجربه کرده‌اند.

۲-۵. ذرات معلق (PM)

هر ماده به جز آب که در حالت مایع یا جامد وارد اتموسفر زمین گردد دارای اندازه میکروسکوپی یا کوچکتر از آن، اما بزرگتر از اندازه مالیکولی (۲۰۰ نانگستروم) باشد بنام ذرات معلق یاد می‌شود و این ذرات به مراتب مضرتر از سایر آلوده‌کننده هوا می‌باشد، زیرا به ساده‌گی می‌تواند وارد سیستم تنفسی شده و خود را به شش‌ها و حتی داخل سیستم خون شده و انسان را مصاب به امراض قلبی و تنفسی نمایند.

۲-۶. باران‌های اسیدی

یکی از آثار بد و نتایج مضر آلودگی هوا باران‌های اسیدی است و زمانی که مقدار زیاد سلفردای اکساید، نایتروجن اکساید و کاربن مونو اکساید وارد جو زمین شده، همراه با رطوبت موجود در هوا باعث تولید باران‌های اسیدی یا برف اسیدی شده، مقادیر قابل توجهی اسید را با خود دارا می‌باشد اطلاق می‌گردد، باران زمانی اسیدی می‌شود که میزان (PH) آب ناشی از اکساید‌های فوق‌الذکر کمتر از ۵/۶ باشد این مقدار (PH) بیانگر تعامل کیمیای بوجود آمده میان کاربن دای اکساید و حالت محلول آن یعنی (HCO_3) در آب خالص است و باران‌های اسیدی نتایج زیان باری را بر سلامتی انسان، حیوان و گیاهان داشته (سادات، ۱۳۹۹).

۳. منابع آلوده‌گی هوا

تمام فعالیت‌هایی که سبب آلوده‌گی هوا شده و در هوا انتشار نماید، منابع آلوده‌گی هوا می‌باشد و این منابع به انواع و اقسام مختلف در طبیعت وجود دارد و به استثنای آلوده‌گی‌هایی که توسط فعالیت انسان تولید می‌شود منابع طبیعی نیز دارد، که بنام منابع بیو جنتیک یا طبیعی یاد می‌گردد، که این منابع شامل آتشفشان‌ها بوده که باعث پراکنده ساختن ذرات و گازات در هوا شده و باعث می‌شود که میلیون‌ها سال باقی بماند.

الماسک نیز نوعی از منابع طبیعی آلوده‌گی هوا بوده و باعث آتش سوزی‌ها در جنگلات گردیده، هم‌چنان مواد عضوی در طوفان‌های باد باعث پراکنده ساختن گرد و غبار می‌گردد، این آلوده‌گی‌های طبیعی در یک مقطع زمانی می‌تواند بسیار خطرناک و جبران نا پذیر باشد.

آلوده‌گی‌های یاد شده در مجموع نسبت به آلوده‌گی‌هایی که توسط انسان‌ها تولید می‌شود آنقدر خطرناک نبوده. آلوده‌گی که توسط انسان‌ها تولید می‌شود بنام منابع انتروپوجنیتیک یاد می‌شود و توسط فعالیت‌های آنها در طی سال‌ها بوجود آمده و ادامه دارد مانند، ذوب فلزات، صنایع، ترانسپورت و غیره می‌باشد، منابع آلوده‌گی هوا به دو بخش تقسیم گردیده است، منابع طبیعی و مصنوعی.

۳-۱. منابع طبیعی آلودگی هوا

منابع طبیعی آلوده‌گی هوا همان منابع است که در طبیعت بوده و انسان در شکل گیری آن دخالت ندارد یا بدون دخالت انسان‌ها ایجاد می‌شود و شامل موارد ذیل است:

۳-۱-۱. طوفان و گرد و غبار در صحراها. اغلب طوفان‌ها مقادیر زیادی مواد جامد و ذرات را به فضا می‌فرستند، این ذرات علاوه بر آلوده کردن هوا وسیله مناسب برای انتقال میکروب‌هاست و این طوفان‌های با گرد و غبار اکثراً موسمی بوده که در افغانستان نیز از این نوع آلوده‌گی بیشتر در ولایت نیمروز و هرات به مشاهده می‌رسد، در مناطق صنعتی وجود گرد و غبار و ذرات

معلق، اثرات آلوده کننده هوا را تشدید نموده و مواد کیمیای ناشی از فعالیت‌های صنعتی با این ذرات مخلوط شده و ذرات آلوده کننده را که سمیت بیشتر دارند تشکیل می‌دهند.

۳-۲. دود و خاکستر آتش سوزی‌ها در جنگلات؛ آتش سوزی‌ها بیشتر در جنگلات در اثر گرما، فعالیت انسان‌ها و آتشفشان‌ها صورت گرفته و مقدار زیادی مواد آلوده کننده را در هوا منتشر می‌کند.

۳-۱. فعالیت‌های آتشفشانی؛ کوه‌های آتشفشانی در هنگام فعالیت مواد متنوعی در هوا پخش می‌کنند که در یک دوره طولانی در هوا باقی می‌ماند و همچنین دود، خاکستر و ذرات معلق دیگر نیز به فراوانی در فعالیت‌های آتشفشانی دیده می‌شود.

۳-۴. شهاب سنگ‌ها؛ شهاب سنگ‌ها زمانی که در مسیر حرکات خود گاهی نزدیک به زمین می‌شوند و از خود در فضا گازات متنوعی را بجا می‌گذارند که طبق تخمین سالانه بالغ بر ۲۰۰۰ تن می‌باشد و هم چنین در اثر برخورد با زمین نیز مقداری زیادی ذرات گرد و غبار و ذرات معلق در هوا پراکنده می‌کنند.

۳-۵. املاح موجود در جو؛ هنگامی که باد قوی بر سطح دریاها و اقیانوس‌ها می‌وزد و ذرات ریز نمک‌های موجود در قطرات آب را که اکثراً شامل کلرودهای سودیم، کلسیم، مگنیزیم و غیره می‌باشد وارد فضا می‌کنند و به تنهایی یا با سایر آلوده کننده‌ها، اثرات سوء در محیط دارد (قادری، ۱۳۹۷).

۲-۳. منابع مصنوعی آلوده گی هوا

منابع مصنوعی آلوده گی هوا بیشتر توسط فعالیت بشر بوجود آمده و مورد استفاده روزمره آنها قرار می‌گیرد که شامل وسایل نقلیه، صنایع، منابع تجاری و خانگی بوده که سهم آلوده کننده این منابع به مراتب بیشتر از منابع طبیعی است.

وسایل نقلیه از جمله ضروریات اصلی در زندگی انسان‌ها شمرده می‌شود که حتی در بعضی مواقع نسبت به خرید مسکن ترجیح داده می‌شود و مشکلات زیادی را بوجود آورده است که یکی از آنها آلوده گی هوا بوده و در حال حاضر موتورها منبع مهم آلوده گی در شهرها به حساب می‌آیند. اینکه اهمیت صنعت و تکنالوژی به عنوان عامل رشد اقتصادی کشورها کاملاً مشخص است، ولی این پیشرفت‌ها آلوده گی هوا را افزایش داده است و در جوامع عقب مانده و کشورهای جهان سومی از سوخت‌هایی مانند زغال سنگ، چوب، گاز، تیل و نفت استفاده می‌شود و غالباً با احتراق ناقص توأم بوده است که سهم بزرگی در تولید آلودگی هوا و محیط زیست دارد. مواد آلوده کننده به صورت جامد، مایع و گاز در هوا پراکنده می‌شود که از مهمترین عوامل آلوده کننده‌ها عبارت از مونو اکساید کربن، اکساید های گوگرد، هایدروکربن‌ها، ذرات معلق در هوا و

مواد رادیو اکتیف می‌باشد. منابع آلودگی هوا که توسط انسان‌ها بوجود می‌آید به دو دسته طبقه بندی می‌گردد، که عبارت از منابع متحرک Mobile sources و منابع ثابت stationary sources

۳-۳. منابع متحرک

اصطلاحی که بخاطر تشریح انواع مختلف عراده‌جات، ماشین‌آلات و سامان‌آلاتی که باعث تولید و انتشار آلودگی هوا شده و از یک جا به جای دیگر حرکت می‌کنند استفاده می‌شود. تمام وسایطی که در شاهراه‌ها و سرک‌ها در حرکت باشند سبب منابع متحرک آلودگی هوا بوده، که شامل تمام وسایط باربری و مسافربری می‌باشد و از مواد سوخت مختلف مانند پترول، دیزل یا موادهای سوختی دیگری مانند گازها و الکل‌ها فعالیت می‌نمایند، با جود اینکه عراده‌جات امروزی نسبت به عراده‌جات قدیمی در مصرف انرژی و تولید مواد آلوده کننده را حدود ۵۰ درصد کاهش داده و آلودگی کمتری را تولید می‌کنند، با آن هم آلودگی هوا از طریق منابع متحرک در اثر احتراق و بخارات نامناسب در تیل و مواد فوسیلی تولید می‌گردد که از آن استفاده می‌شود، در حالی که در کشورهای مدرن و پیشرفته نه تنها مانند امریکا، جاپان، آلمان با استفاده از تکنالوژی‌های پیش رفته این معضله را تا حد امکان کاهش داده اند و از تکنالوژی‌های بدون ضرر مانند، قطارها، موترهای برقی و میتروها استفاده می‌نمایند و از مواد آلوده کننده هوا در آن خبری نیست (ملکیار، ۱۳۹۶).



شکل (۱-۲). نمایی از منابع متحرک منبع <https://images.app.goo.google>

۳-۴. منابع ثابت

منابع ثابت آلوده‌گی هوا عبارت از آلوده‌گی‌های ساکن و غیر متحرک و تولید کنندگان ثابت مانند فابریکه‌های تولید برق، فابریکه‌های تولید مواد کیمیاوی، تصفیه تیل، فابریکه‌های تولیدی و تسهیلات دیگر صنعتی می‌باشد. منابع ثابت آلوده‌گی هوا باعث تولید خطرناکترین نوع آلوده‌گی شده این آلوده‌گی‌ها معمولاً توسط فعالیت‌های اولیه تولید می‌گردند و در اثر فعالیت احتراق ثابت مواد سوخت مانند زغال سنگ و تیل در فابریکات تولید برق و فضلات فابریکات صنعتی می‌باشد، پروسه‌های صنعتی که شامل تصفیه، تسهیلات تولید مواد کیمیاوی، فعالیت‌های تولید و ذوب مواد می‌باشد، این منابع محل انتشار بیشتر را احتوا می‌کند و محل انتشار آن همان ساحه یا نقطه‌ای است که باعث انتشار آلوده‌گی در وسیله مذکور شده و آلوده کننده‌های هوا در این منابع شامل دود روها، تانک‌های ذخیره، سوراخ و لیک بودن سامان‌آلات، ساحات پروسس فاضلاب‌ها، تسهیلات بارگیری و تخلیه، سیستم‌های تهویه می‌باشد و سیستم تهویه ساحه بازیست که از طریق آن مواد اضافی خصوصاً به شکل گاز به هوا انتشار می‌یابد. پروسه‌های معمول تهویه در فابریکات تولید مواد کیمیاوی عبارت از نل‌های تقطیر و پکه‌های اکسیدیشن می‌باشد و این آلوده‌گی‌ها از طریق تانک‌ها ذخیره نسبت به سوراخ بودن آن و یا لیک بودن دهن آن بوده که نسبت به تغییر درجه بیرون انتشار می‌نماید هم چنان آلوده‌گی‌ها می‌توانند در هنگام تخلیه و پرکاری ذخایر نیز فرار و در هوا انتشار نمایند و تعدادی از آلوده کننده‌ها از آب‌های گندیده فاضلاب زمانی تولید میشود که فاضلاب‌های مذکور دارای مواد کیمیاوی بی ثبات باشند و موادی ثابت به آنها اطلاق میگردد که می‌توانند به بخار تبدیل شوند و یا حالت انتقال از حالت مایع به گاز را داشته باشد، داش‌های خشت از جمله منابع ثابت تولید کننده آلوده‌گی هوا بوده و در تولید آلوده‌گی یک شهر بسیار نقش دارد، در اول باید داش‌های خشت از ساحه شهر دور ساخته شده تا بر هوای شهر آسیب نرساند و در گام دوم مواد مصرف کننده آن رول دارد که مواد استعمال شده تا چه اندازه مواد آلوده کننده تولید می‌کنند و هم چنان فابریکات ذوب آهن و استیشن‌های عمومی مرکز گرمی‌ها نیز یک مثال خوب و برجسته‌ای از منابع ثابت آلوده‌گی هوا به حساب می‌آید (ملکیار، ۱۳۹۶).



شکل (۲-۲) نمایی از منابع ثابت <https://images.app.goo.gl>

۴. شاخص‌های کیفیت هوا

عبارت از شاخصی برای گزارش کیفیت هوای روزانه می‌باشد که بر اساس آن آلوده‌ها و گرد و غبار ذرات معلق (PM-10) محاسبه می‌شود.

۱. کیفیت هوا زمانی خوب گفته می‌شود که شاخص کیفیت هوای آن در انتروال صفر تا ۵۰ در حالت تغییر باشد و در این حالت کیفیت هوا رضایت بخش بوده و هوا از نقطه نظر آلوده‌گی بی‌خطر می‌باشد.

۲. هوایی که از نظر کیفیت به حالت متوسط قرار دارد، اگر شاخص کیفیت آن حدود ۵۰ تا ۱۰۰ باشد در این حالت کیفیت هوا قابل قبول بوده، ولی بعضی آلوده‌گی‌ها در هوا وجود دارد و ممکن باعث ایجاد امراض در افراد گردد.

۳. کیفیت هوا در این حالت برای گروهی از افراد حساس و ناسالم به شمار می‌آید، اگر اندازه شاخص آن ۱۰۱ تا ۱۵۰ قرار داشته باشد.

۴. هوایی از نظر کیفیت ناسالم گفته می‌شود، که اگر (AQI) آن بین ۱۵۱ تا ۲۰۰ در حالت تغییر باشد و افرادی که در مقابل آلوده‌گی حساس هستند بیشتر از دیگران در مقابل خطرات هوای ناسالم قرار می‌گیرند.

۵. هوا زمانی خیلی ناسالم گفته می‌شود که (AQI) آن بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ در تحول باشد و هوای با چنین کیفیت هشدار است برای سلامتی انسان‌ها، در چنین حالت انسان به امراض گوناگون تنفسی و قلبی دچار می‌شود.

هرگاه (AQI) هوا بیشتر از ۳۰۰ باشد نشان دهنده خطرناکی هوا محسوب گردیده و اخطار جدی برای همه افراد تنفس کننده بوده و در این حالت هشدار است برای سلامت انسان‌ها، بیشتر دولت‌ها باید حالت اضطرار را اعلان کند وسایط نقلیه و عراده‌جات را توقف داده، میزان مصرف زغال سنگ را منع نموده و افراد در خانه‌های‌شان توقف داشته باشند (سادات، ۱۳۹۹).

۵. معرفی ولایت کابل

ولایت کابل پایتخت افغانستان است. این ولایت مرکز اداری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور می‌باشد که در نقطه مرکزی کشور موقعیت داشته است. به طرف شمال آن ولایت پروان، طرف شمال شرق آن ولایت کاپیسا، طرف شرق آن ولایت لغمان، طرف جنوب شرق آن ولایت ننگرهار، طرف جنوب آن ولایت لوگر و طرف غرب آن ولایت میدان وردک قرار گرفته است که در میان ۶۹ درجه و ۱۹ دقیقه شرقی و ۳۵ درجه و ۵۳ دقیقه عرض البلد شمالی موقعیت دارد. این موقعیت جغرافیایی به شهر کابل زیبایی طبیعی خاصی بخشیده؛ اما در عین حال چالش‌های جغرافیایی را نیز به همراه داشته است (زمانی، ۱۴۰۲).

مساحت ولایت کابل در حدود ۴۵۲۴ کیلو متر مربع بوده و با نفوس بیشتر از ۶ میلیون نفر بوده، نظر به مساحت آن یکی از شهرهای پرتراکم کشور به حساب می‌آید، تاریخ نویسان قدامت شهر کابل را بیشتر از ۳۵۰۰ سال می‌دانند، دولت‌های توسعه طلب و پادشاهان به خاطر موقعیت استراتژیکی کشور و مرکزیت این ولایت، آنرا به عنوان مرکز اداری و سیاسی (پایتخت) خود گماشته است (هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۵).

مرکز ولایت کابل شهر کابل بوده که یکی از قدیم ترین و مهم ترین شهرهای کشور به حساب می‌رود. دارای مساحت ۱۰۳۰ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن بیشتر از ۵ میلیون نفر می‌رسد که در هر کیلو متر مربع آن در حدود ۵۲۰۰ نفر زندگی می‌کند که پر نفوس ترین شهر افغانستان به شمار رفته و دارای ۲۲ ناحیه اداری می‌باشد، این شهر به عنوان مرکز سیاسی، اداری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان شناخته می‌شود. این شهر یکی از آلوده ترین شهرهای جهان محسوب می‌شود. آلودگی هوا در شهر کابل به دلیل ترکیبی از عوامل طبیعی و انسانی به شدت افزایش یافته است (آزادمنش، ۱۴۰۲، ص. ۲۷-۲۹).

۱-۵. اقلیم ولایت کابل

ولایت کابل با داشتن آب و هوا چهار فصل، دارای اقلیم خشک بوده، طوری که زمستان آن سرد با برف باری‌های کم، تابستان گرم و خشک با باران‌های اندک، فصل بهار معتدل، و فصل خزان ماه‌های میزان و عقرب معتدل و رو به سرد شدن و در ماه قوس سرد می‌شود و در فصل بهار و

خزان باران‌ها در آن به صورت متوسط می‌بارد، و میزان متوسط رطوبت آن در ماه‌های حمل و ثور در حدود ۴۰۰ ملی متر می‌رسد و در زمستان درجه حرارت بین منفی ۱۵ الی ۲۰ درجه سانتی گراد می‌باشد. در حالی‌که در تابستان مثبت ۱۵ الی ۳۸ درجه سانتی گراد می‌رسد. ماه جدی در فصل زمستان سردترین ماه، اوسط درجه حرارت آن منفی ۱۲ درجه سانتی گراد و گرمترین ماه آن ماه اسد بوده که اوسط حرارت آن تا به مثبت ۳۵ درجه سانتی گراد می‌رسد، بنابر دور بودن از سطح بحربادها در آن به ندرت می‌وزد و کتله‌های مرطوب هوا به داخل آن نظر به موقعیتی که دارد بسیار به ندرت وارد آن می‌شود. فصل بهار در این ولایت فصل نمو و انبساط است (انصاری، ۱۳۹۴).

(ب) یافته‌های تحقیق

۱. عوامل آلوده‌گی هوای شهر کابل در فصل زمستان

هوا هنگامی آلوده می‌گردد، که یک ماده خارجی و یا یک عنصر کیمیاوی یا فیزیکی وارد آن گردد. هر چند به صورت عموم عوامل آلوده‌گی هوا به دو بخش تقسیم می‌گردد که عبارت از عوامل طبیعی و انسانی می‌باشد. اما در عصر حاضر آلوده‌گی هوا در کنار سایر آلوده‌گی‌های محیط زیست پدیده‌ای است که بیشتر در اثر فعالیت‌های انسانی بوجود آمده است. شهر کابل محل اسکان بیشتر از ۵ میلیون نفر بوده و پدیده مخرب آلوده‌گی هوا را تجربه می‌کند، با شروع فصل سرما این پدیده مخرب بیشتر از دیگر مواقع برای شهروندان این شهر خطر آفرین می‌گردد، عواملی که باعث آلوده‌گی هوای شهر کابل در فصل زمستان می‌گردد به دو دسته تقسیم می‌گردد، که عبارت از عوامل طبیعی و عوامل انسانی.

۱-۱. عوامل طبیعی

عوامل طبیعی شامل محاط بودن توسط کوه‌ها و کاهش طبیعی تهویه هوا می‌باشد (ملکیار، ۱۳۹۶).

۱-۱-۱. محاط بودن توسط کوه‌ها

ولایت کابل از جمله شهرهای مرکزی کشور بوده که از نگاه موقعیت طبیعی نسبت به شهرهای دیگر افغانستان متمایزتر بوده، شکل جغرافیایی شهر کابل محاصره شده توسط کوه‌های خیرخانه، پغمان و کوه‌های خاک جبار بوده که در بیشتر اوقات کوه‌ها مانع جریان بادهای گردیده و باعث شده تا ذرات معلق که در هوای شهر کابل در فصل زمستان پاشان شده انتقال نیابد و جریان هوای که از بیرون به سمت شهر کابل در حرکت می‌باشد، بیشتر اوقات مانع رسیدن آن به شهر کابل شده و شکل طبیعی شهر کابل باعث تجمع مواد آلوده کننده هوا در فضای این

شهر می‌شود، زیرا عامل دو پدیده مهم (وقوع عملیه thermal inversion) و (بطی بودن جریان هوا در فصل زمستان) بستگی به اوضاع طبیعی شهر کابل دارد، که در فصل زمستان رخ می‌دهد (سادات، ۱۳۹۹)

۱-۲. کاهش طبیعی تهویه هوا

یکی از عوامل اصلی افزایش آلودگی هوا در شهرهای محصور در فصل زمستان می‌باشد. این پدیده به طور خاص در مناطقی که توسط کوه‌ها احاطه شده باشد، بیشتر رخ می‌دهد که در کابل به شکل ذیل صورت می‌گیرد: در شب‌های سرد زمستان، سطح زمین به سرعت گرمای خود را از دست می‌دهد و سرد می‌شود، این سرما به لایه هوای نزدیک به سطح زمین منتقل شده و آن را نیز سرد می‌کند و همان زمان، لایه‌های بالاتر از سطح لایه سرد با جریان‌های هوای گرم، ممکن است گرم بمانند، این وضعیت منجر به تشکیل لایه هوای گرم در بالای لایه هوای سرد شده، لایه هوای گرم به عنوان یک پوش عمل کرده و جلوی حرکت عمودی هوا را می‌گیرد، این امر باعث شده تا هوای سرد در نزدیکی سطح زمین به دام بیفتد و نتواند به لایه‌های بالاتر حرکت نماید و پراکنده می‌شود. با توجه به عدم جریان هوا به سمت بالا، آلاینده‌هایی که از منابع مختلف دود ناشی از سوخت‌های فوسیلی و وسایط نقلیه و سایر منابع منتشر می‌شود، در نزدیکی سطح زمین تجمع می‌یابد. این تجمع باعث کاهش کیفیت هوا و غلظت آلاینده‌ها می‌شود. شرایط جغرافیایی کابل با توجه به قرارگیری در دره و محاط بودن توسط کوه‌ها، جریان هوا تازه به سختی وارد این شهر شده، این شرایط طبیعی به افزایش آلودگی هوا کمک می‌کند و این پدیده در شهر کابل باعث شده، تا میزان آلودگی هوا در این شهر افزایش یابد و این وضعیت می‌تواند تا طلوع آفتاب و گرم شدن هوا ادامه داشته باشد (سلطانی، ۱۳۹۹).

۱-۲. عوامل انسانی

عوامل انسانی شامل تراکم نفوس، فعالیت‌های گرمایشی ساحات مسکونی، وسایط نقلیه، نادر بودن اشجار و فرش نباتی، موجودیت فزینی زباله‌ها، فعالیت‌های صنعتی، نبود کافی انرژی برق، فقر، غیر معیاری بودن زیرساخت‌ها و غیره می‌باشد که بالای هر کدام بحث مفصلی صورت می‌گیرد (ملکیار، ۱۳۹۶).

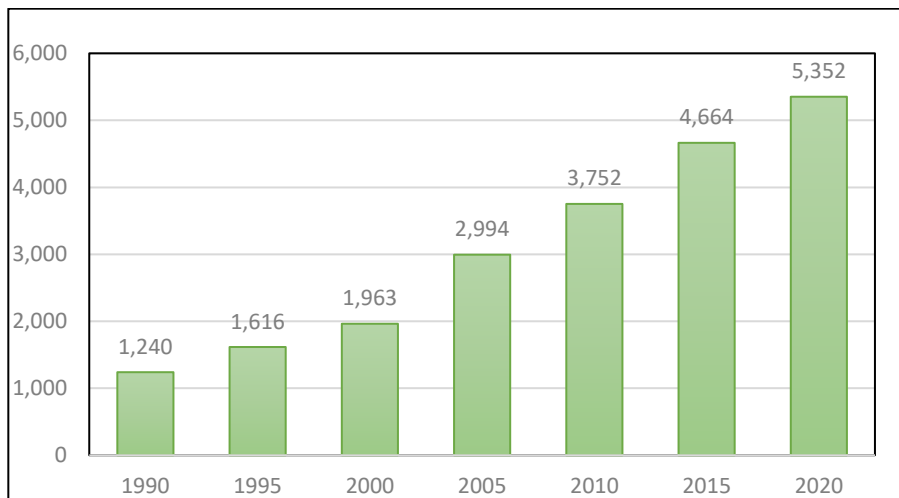
۱-۲-۱. تراکم نفوس

نفوس یکی از اجزای عمده در تخریب محیط زیست و تحفظ آن می‌باشد. خدمات ترانسپورتی، صحتی، شغلی، فعالیت‌های صنعتی و تجارتی و مهاجرت‌های جبری و داوطلبانه، مردم از دهات به شهر کابل آمده که نفوس این شهر نسبت به مساحت و جغرافیای شان چند برابر شده،

موجودیت بیشتر از ۵ میلیون نیروی بشری در یک شهر کوچک نشانه‌ای بارزی از آلوده گی هوا این شهر بوده و بر همان تناسب به تولید و توزیع کالاها، عرضه و تقاضای اجناس مصرفی، تنفیص خدمات شهری و صحتی و بلاخره تقاضا به خدمات ترانسپورتی منظم و پیشرفته بیشتر می‌شود و این امر موجب تولید تنوع شهری شده و مشاغل گوناگون در آن ایجاد می‌گردد و کنترل و بررسی آن بالاتر از عهده ادارات مسوول می‌باشد.

در شهر کابل بیشتر از ۵ میلیون نفر زندگی می‌کند، اگر هر یک از باشندگان شهر کابل روزانه در حدود ۳۰۰ گرم حد اقل مواد اضافی تولید کند، در شهر روزانه به ۱۵۰۰ تن می‌رسد و در مدت یک ماه ۴۵ هزار تن شده و در مدت یک سال به ۵۴۰۰۰۰ تن می‌رسد، که این یک رقم بسیار بزرگی است و با در نظر داشت ارقام فوق مصارف جمع آوری، انتقال و دفن این کثافات نیز سرسام آور خواهد بود و هزینه جمع آوری و انتقال آن نیز خیلی سنگین تمام می‌شود و باعث محاسبات گسترده شده اگر بر ابعاد گسترده آن نظر اندازی گردد، باعث ضربه اقتصادی بزرگی شده به عنوان مثال اگر بخواهیم این مواد را روزانه با استفاده از قوای بشری جمع آوری شود یک کارگر روزانه در حدود ۲۰۰ کیلوگرم کثافت را جمع‌آوری کند جمعاً در حدود ۷۵۰۰ نفر مؤظفین ضرورت است و هزینه کارگران و انتقال آن ضربه شدید اقتصادی در پی خواهد داشت، بعد از سال‌های ۱۳۷۰ه‌ش (۱۹۹۰م) ازدیاد سرسام آور نفوس را شهر کابل تجربه می‌کند، این ازدیاد نفوس معمولاً نسبت مهاجرت‌های دوامدار از دهات به شهر کابل می‌باشد و بر اساس محاسباتی که توسط سازمان ملل صورت گرفته است، نفوس کابل در سال ۲۰۰۵م (۱۳۸۴ه‌ش) حدود سه میلیون نفر تخمین گردیده بود. ازدیاد نفوس در شهر کابل بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۵ سالانه حدود ۱۰ فیصد را نشان داده بود و این رقم در آینده، سالانه به ۵ فیصد باشد، ۲ فیصد مهاجرت داخلی و ۳ فیصد انکشاف طبیعی نفوس پیش‌بینی گردیده بود و قرار راپور اداره مرکزی احصائیه در سال ۱۴۰۱ه‌ش (۲۰۲۲م) نفوس ولایت کابل ۵.۳۸۵.۲۵۶ نفر گزارش داده شده است و شهر کابل ۸۳٪ نفوس را (۴۴۶۹۷۶۲) شامل می‌شود، ازدیاد نفوس شهر کابل طی چند سال اخیر سبب مصرف زیاد مواد سوختی در فصل زمستان شده است، در گراف ذیل ازدیاد نفوس شهر کابل از سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۲۰ طی ۳۰ سال نشان داده شده است (قادری، ۱۳۹۷).

جدول (۲-۴). گراف ازدیاد نفوس شهر کابل در طی ۳۰ سال گذشته



۲-۲-۱. وسایط نقلیه

شهر کابل نسبت به تراکمی که در ۲۲ ناحیه خویش دارد، تقاضای ترانسپورتی وسیع را دارد، تردد وسایط نقلیه بر اساس گزارشات اداره محیط زیست و ارقام موجود، در شهر کابل روزانه ۷۰۰ هزار وسایط نقلیه تردد دارد، که شامل تکسی، موترهای شخصی، دولتی، موسسات، لاری‌های تجاری، باربری، ریکشاه‌ها، موترسایکل‌ها و غیره می‌باشد. این وسایط نقلیه مشمول وسایط کهنه و جدید (مربوط چندین دهه یا مودل سال) است و بسیاری از پره‌جات آنها کهنه بوده که دود و آلوده‌گی بیشتر تولید می‌کنند و نظر به گزارش اداره محیط زیست حدود ۲۵ فیصد آلوده‌گی شهر کابل در فصل زمستان سهم وسایط نقلیه بوده، که در اثر تردد آنها در شهر کابل روزانه به ده‌ها تن ذرات گازات مضره به فضای شهر کابل منتشر می‌شوند؛ متأسفانه برای کنترل و جلوگیری از وسایط نقلیه‌ای که باعث ایجاد آلوده‌گی در شهر کابل شده، تا حال کدام اقدام جدی صورت نگرفته است و برای کنترل و چک تخنیک‌ی آن در سطح کشور کدام سیستم مشخص و ستندرد (مراکز معاینات تخنیک‌ی) وجود ندارد و عدم این مراکز باعث شده است که هر نوع موترهای کهنه، فرسوده، قدیمی و دود زا در این شهر تردد داشته باشد. شهر کابل هنوز هم به ورود عراده‌جات کهنه و موجودیت تعدادی از عراده‌جات که حتی بیشتر از ۵۰ سال عمر دارد تهدید می‌شود و ۸۵ فیصد موترهای شهر کابل بیشتر از ۱۵ سال عمر دارند و تقریباً ۶۰ فیصد آنها باید از چرخه تردد خارج گردد، از طرف دیگر شهر کابل به گفته مسوولان این شهر برای ۳۰ هزار موتر ساخته شده است و گنجایش این همه وسایط نقلیه را به شکل

معیاری ندارد و سبب ازدحام شدید و راه‌بندان شده که مصرف مواد سوختی را افزایش داده و آلوده‌گی بیشتری را تولید می‌کنند، وسایط نقلیه بغیر از فصل زمستان در حدود ۵۰ فیصد آلوده‌گی هوای شهر کابل را تولید می‌کنند و سوخت‌های مصرفی آن هم در بسیاری از نقاط شهر کم کیفیت بوده که دود بیشتر تولید کرده. مشکل دیگری از تولید آلوده‌گی استفاده از گاز LPG و CNG است، که اولی در دمای کمتر از ۱۵ درجه به طور کامل نمی‌سوزد و دومی را میتوان در دمای کمتر از آن استفاده کرد. ادارات دولتی تا حال در زمینه بهتر سازی سیستم ترانسپورت منظم و معیاری برای بهبود بخشیدن وضعیت ترانسپورتهی شهر کابل، کدام اقدام جدی که بتواند از مشکلاتی ترانسپورتهی وسایط نقلیه و آلوده‌گی هوا جلوگیری کند صورت نگرفته است، تا از مشکلاتی شهر کابل بکاهد (اداره محیط زیست؛ وکیلی، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳. فقر

اقتصاد بستر رشد تمام جنبه‌های زندگی بوده و روی همه ابعاد زندگی اثرات مستقیم دارد. مردم شهر کابل به دلیل عدم امکانات و سطح زندگی تحت فقر، در فصل زمستان از ارزانترین مواد گرمایشی استفاده می‌کنند، بطور مثال استفاده از زغال‌سنگ یکی از عمده ترین مواد گرم کننده منازل، شهرک‌ها، حمام‌ها، داش‌ها و غیره برای شهروندان شهر کابل بوده و آن هم متأسفانه از بدترین نوع زغال‌سنگ بدون ستندرد که بیشترین دود را تولید می‌کنند و در بعضی حالات برای بخشی از مردم شهر همین زغال‌سنگ هم میسر نگردیده و از هر چیز دم دست شان مانند پلاستیک، تیرهای کهنه وسایط، پاپوش‌های کهنه و پلاستیکی، کارتن، کاغذ، مبایل سوخته و غیره برای نجات جان خویش از سردی هوا استفاده می‌کنند، از طرف دیگر شهر کابل در فصل زمستان به قلت کمبود برق که یک انرژی پاک و صفا است مواجه می‌گردد و عدم برق زمینه مصرف هر نوع مواد را برای تولید گرما میسر می‌کند. با رسیدن فصل زمستان قیمت گاز هم افزایش یافته و بسیاری از شهروندان شهر کابل توان خرید آنرا ندارند و از مواد جایگزین آن استفاده نموده که آلوده‌گی بیشتر تولید می‌کند (سادات، ۱۳۹۹).

۱-۲-۴. ساحات مسکونی

شهروندان شهر کابل با فرا رسیدن فصل سرمای زمستان برای تسخین و گرم ساختن منازل خویش از زغال‌سنگ استفاده می‌کنند، که در اثر سوخت زغال‌سنگ آلاینده‌ها و آلوده‌گی‌ها تولید شده و در فضا شهر کابل منتشر شده و این آلاینده‌ها بسیار مضر تمام شده. ارزیابی‌هایی که در شهر کابل صورت گرفته نشان می‌دهد تقریباً ۶۴۴۰۰۰ خانواده در شهر کابل زندگی کنند و به طور اوسط تعداد هر خانواده ۷ نفر می‌باشد و این خانواده‌ها در ساحات پلانی، غیر

پلانی، شهرک‌ها و بلند منزل‌ها زندگی می‌کنند، بطور اوسط هر خانواده ۱ متریک تن زغال‌سنگ جهت تسخین و گرم نمودن منازل خویش در فصل زمستان استفاده می‌کنند. مقدار موادی آلوده کننده‌ای که از سوخت هر تن زغال‌سنگ در فصل زمستان به فضای این شهر منتشر می‌شود تأثیرات مستقیم بر میزان کیفیت هوای شهر کابل علی‌الخصوص در فصل زمستان و آلوده شدن هوای این شهر دارد، قرار گزارشات اداره محیط زیست ۳۰٪ آلوده‌گی هوا در شهر کابل در فصل زمستان مربوط به ساحات مسکونی بوده، که از مصرف زغال‌سنگ و توجه نکردن به نکات قابل توجه آن در هنگام سوخت، استفاده از زغال‌سنگ در بسیاری حالات مصرف آن بی‌رویه بوده، در بسیاری از نقاط شهر حتی از ساده‌ترین امکانات فلتر تصفیه دود استفاده نمی‌گردد و همین مصرف بی‌رویه آن منجر به تشدید آلوده‌گی هوا شده است، بی‌توجهی مردم و افراد وارد کننده زغال‌سنگ بر کیفیت ذغالی که برای تسخین و تولید گرما استفاده می‌کنند نیز از دیگر ابعاد این مسأله است که متأسفانه بر این نکات توجه جدی صورت نگرفته که منجر به مشکلات شده، استفاده از زغال‌سنگ و گاز در فصل زمستان جز مواد مصرفی اول مردم شهر کابل برای انجام آشپزی، خبازی، گرم ساختن منازل و پیشبرد کار و بار قرار دارد، نبود برق کافی در شهر کابل بیشتر زمینه مصرف زغال‌سنگ را فراهم نموده و مردم بنابر ارزانی، نبود برق و گرمای بیشتر از آن استفاده می‌نمایند.

مصرف زغال‌سنگ نه تنها موجب آلوده‌گی هوا برای شهروندان شهر کابل در فصل زمستان شده، بلکه گاه‌گاهی سبب مرگ شهروندان نیز می‌گردد. آلوده‌گی که از محروقات زغال‌سنگ به بار می‌آید، خطرناکترین نوع آلوده‌گی بوده و در صورت تنفس بیشتر از چند دقیقه در فضای که اشغال کرده باشد باعث مرگ انسان‌ها نیز می‌شود، بزرگترین منبع تولید آلوده‌گی هوا در شهر کابل در دیگر فصول سال وسایط نقلیه بوده، که از تردد این وسایط تولید می‌گردد، مگر در فصل زمستان بزرگترین منبع تولید آلوده‌گی هوا در شهر کابل مصرف زغال‌سنگ در ساحات مسکونی می‌باشد. بر علاوه زغال‌سنگ از چوب، پلاستیک، مبایل سوخته، کفش‌های کهنه و غیره نیز استفاده می‌گردد که هر کدام آن در آلوده ساختن هوای شهر کابل نقش به سزایی داشته است (اداره محیط زیست، ۱۴۰۲).

۱-۲-۵. فعالیت‌های صنعتی

بر اساس معلومات در شهر کابل نزدیک به ۱۰۰۰ فابریکه در پارک‌های صنعتی وجود دارد که شامل فابریکات ذوب آهن، پروسس مواد غذایی، تولید ادویه و مواد کیمیاوی، ذوب فلزات، منسوجات، مشروبات، پلاستیک، کاغذ و غیره می‌باشد. در سال ۱۳۹۸ تقریباً ۸۳ فیصد این فابریکات از جنراتورهای دیزلی استفاده می‌کردند، بر علاوه استفاده از جنراتورها سیستم

فاضلاب و تنظیم کثافات نیز درین فابریکات بسیار ضعیف بوده و عموماً از روغنیات غیر معیاری استفاده می‌کنند، تولید فضولات در این فابریکه‌ها اعم از جامد، مایع و گاز سرسام آور بوده و سیستم تنظیم فاضلات و کثافات تولید شده هیچ وجود ندارد یا اگر وجود دارد بسیار ضعیف است. بر اساس گزارشات اداره محیط زیست در فصل زمستان حدود ۲۰ فیصد آلوده‌گی در اثر فعالیت‌های صنعتی تولید می‌گردد (ملکیار، ۱۳۹۶).

۶-۲-۱. پائین بودن سطح آگاهی عامه

پائین بودن سطح آگاهی شهروندان یکی از چالش‌های عمده برای حفاظت محیط زیست و جلوگیری از آلوده‌گی هوا می‌باشد. فعالیت‌های بشری در فصل زمستان عموماً برای تولید گرما و پیش برد کار و بار از جمله عواملی بوده که سبب تولید آلوده‌گی هوا شده و عدم آگاهی مردم در قسمت مواد مصرفی در فصل زمستان که کدام اضرار را در بر دارد از جمله چالش‌های بوده، که بر مشکلات زیستی شهر کابل می‌افزاید (اداره محیط زیست، ۱۳۹۸-۱۳۹۹).

۷-۲-۱. نبود کافی انرژی برق

برق در عصر حاضر برای همه ابعاد زندگی از قبیل تنویر، پخت و پز، تکنالوژی، موبایل، کمپیوتر، تلویزون، وسایط نقلیه و گرم ساختن منازل از جمله ضروریات مهم بوده، نبود آن زندگی را دچار عقب مانده‌گی و مشکلات فراوان می‌سازد و یک نیاز همیشگی برای تمامی انسانها می‌باشد که بسیاری از سهولت‌های زندگی توسط همین انرژی بوجود آمده است (سیلاب، ۱۳۹۷). شهر کابل برای تنویر و ضروریات شهروندان آن در ۲۴ ساعت ۶۲۰ الی ۷۰۰ میگاووات برق ضرورت دارد، که در حال حاضر ظرفیت برق کابل ۵۰۰ میگاووات بوده، برقی که در شهر کابل از آن استفاده می‌شود وارداتی بوده و با رسیدن فصل زمستان میزان مصرف انرژی برق افزایش بیشتری به دلیل استفاده شهروندان این شهر بوده، در حال حاضر در شهر کابل در حدود ۶۰۰۰۰۰ مشترک به شبکه برق وصل می‌باشد، تقریباً تمام شهروندان شهر کابل به شبکه برق وصل بوده، ولی به نسبت پایین بودن ظرفیت موجود در شبکه و انتقال برق، روزانه با قطع وقفه‌ای برق روبرو می‌شوند، در فصل سرما این قطع وقفه‌ای افزایش می‌یابد، در بعضی از حالات در اثر برف باری شدید پایه‌های اتصالی برق قطع گردیده و برق شهر کابل قطع می‌شود، کمبود برق در شهر کابل وضعیت هوا را بدتر ساخته است و این مشکل باعث گردیده است تا شهروندان این شهر بخاطر پیشبرد فعالیت‌های روزمره خویش هزاران جنراتور را با استفاده از تیل دیزل با ولتاژهای مختلف

روشن نمایند. کارشناسان محیط زیست معتقد اند که استفاده از جنراتورها سطح آلوده گی هوا را افزایش داده و باعث مشکلات شدید در سلامت و محیط زیست می شود. مرضیه محمدی، کارشناس محیط زیست می گوید: هر لیتر تیل دیزل مصرفی در دستگاه های جنراتور حدود ۲, ۲ لیتر گاز سمی را تولید نموده، که این گاز ترکیبی از انتشارات ذرات جامد، دای اکساید نایتروجن، دای اکساید گوگرد و مونواکساید کربن بوده، که اکثر آلاینده ها را مونو اکساید کربن تشکیل می دهد. استفاده از جنراتورها بدون اینکه باعث تولید آلوده گی هوا می شود، آلوده گی صوتی را نیز به بار آورده و باعث خروج زیادی ارز از کشور برای تهیه مواد سوخت آنها شده. هر چند نهادهای دولتی و محیط زیستی گزارش دقیق از اینکه مقدار مصرف مواد سوختی در زمانی که برق نباشد به چه میزان می رسد ارایه نکرده اند، اما گزارش های میدانی روزنامه افغانستان نشان می دهد که در نبود برق، مصرف تیل حدود ۲۰ فیصد افزایش داشته، نبود برق کافی در فصل زمستان نه تنها موجب فعالیت جنراتورها شده، بلکه باعث مصرف مواد آلوده کننده هوا از قبیل زغال سنگ، چوب، پلاستیک، کاغذ، کارتن و غیره می گردد. نبود برق کافی در شهر کابل سبب شده تا استیشن های برق حرارتی در این شهر اعمار گردد؛ این نوع دستگاه ها در صورتی که فلتر تصفیه دود نداشته باشند، می تواند یکی از اسباب مهم آلوده گی هوا باشد. در شهر کابل دو دستگاه مهم برق حرارتی وجود داشته، که یکی از آنها در بادام باغ و دیگر آن در هودخیل موقعیت دارد. این استیشن ها متشکل از دو جنراتور قوی بوده که هر کدام آن در حدود ۴۵ میگاووات برق را تولید کرده و مصارف آن در حدود ۹۰۰۰ لیتر دیزل در یک ساعت می رسد. بر اساس تخمین هایی که وجود دارد، در صورتی که این دستگاه ها به طور ۲۴ کار نماید، مصارف آن به شمول بعضی عناصر دیگر بخاطر فلتر نمودن تیل به ۲۱۶ تن دیزل می رسد، با در نظر داشت ارقام مصارف ماهانه آن در حدود ۶۴۸۰ تن تیل دیزل بالا می رود، امکان دارد که مقدار گازات مضره ای که از آن آزاد می گردد بالاتر از حد تصور باشد، در صورت قطع برق وارداتی یا مشکلات تکنیکی آن در فصل زمستان از این استیشن ها استفاده صورت می گیرد، برقی که برای تمامی بخش ها در شهر کابل ضرورت است بیشتر از ظرفیت برق مصرفی موجوده در شهر کابل است (اداره محیط زیست؛ وکیلی، ۱۳۹۹).

۱-۲-۸. غیر معیاری بودن زیرساخت‌ها

در اثر جنگ‌های داخلی و نابسامانی‌های سیاسی قسمت زیادی از زیر بناهای شهری مانند سرک‌ها، سیستم فاضلاب، ساحات سبز و تفریحی، ترانسپورت، تأسیسات تجارتي و صنعتی و سایر بخش‌ها صدمه دیده و یا هم کاملاً از بین رفته است. اما بعد از سال ۱۳۸۲ه‌ش با به وجود آمدن حکومت جمهوریت، روند اعمار و بازسازی در شهر کابل تا اندازه‌ی صورت گرفت؛ اینکه از یک سو روند اعمار و ساخت و ساز ساختمان‌ها و جاده‌ها دارای تأثیرات منفی محیط زیستی خود را داشته و از سوی دیگر این روند انکشاف بدون در نظر داشت مسایل محیط زیستی و غیر پلانی به منظور اعمار شهرها، سرک‌ها، ساحات رهايشی، صنعتی و تجارتي صورت گرفته است. در کل ۷۰ فیصد این بازسازی‌ها غیر معیاری بوده، دقت نگری به جغرافیای کابل می‌رساند که این شهر دره‌ایست در بین کوهستانات که ساحات هموار در آن محدود بوده و باید منحیث ساحات سبز حفظ و از اعمار ساختمان‌های دولتی و شخصی جلوگیری گردد. اما متأسفانه که ساحات سبز تحت حملات شدید ساختمان‌ها و امورات تجارتي قرار گرفته و تصور می‌رود تا تطبیق پلان‌های بعدی‌ای که در نظر است شهر کابل فاقد ساحه سبز باشد، با افزایش مهاجرت‌ها از دهات به شهر کابل باعث شد که شهر کابل شاهد اعمار ساختمان و خانه‌های خود سر و غیر مسئول را تجربه نماید، طوری که تمامی تپه‌های اطراف شهر کابل تبدیل به ساحات مسکونی گردیده است.

سیستم سرک‌سازی و پیاده روهای شهر کابل طوری بنا یافته است، که صرف گنجایش تعداد محدودی از وسایط را در یکروز داشته، در حالی که بحران تراکم عراده‌جات بیشتر این میلان را نا خوشایند و غیر قابل تحمل ساخته است. تسخیر پیاده روها توسط دست فروشان، کراچی داران، موجودیت دیوارهای امنیتی در اطراف تعمیرات دولتی، اعمار مجدد قیر ریزی سرک‌ها و ساختمان‌های غیر قانونی در اطراف سرک‌های عمومی و فرعی باعث ازدیاد مشکلات ترافیکی گردیده؛ خامه بودن کوچه‌ها، مشکلات و کندگی سرک‌ها می‌تواند منبع قابل لمس موضوع آلوده‌گی هوا در شهر کابل باشد. بدون در نظر داشت پلان رسمی، ساخت و ساز خود سرانه و غیر مسئول در شهر کابل باعث شده که در طول ۲۰ سال گذشته مشکلات آنرا در یک مقطع زمانی کوتاه شهر کابل تجربه نماید (ملکیار، ۱۳۹۶).

۱-۲-۹. نادر بودن اشجار و فرش نباتی

گرچه همه ساله در اوایل بهار با برگذاری میله دهقان، برنامه غرس نهال‌ها آغاز شده و مردم به غرس نهال تشویق می‌شوند و از جانب ادارات مربوطه وعده‌های برای شادابی و سرسبزی محیط و طبیعت که با ارایه گزارش‌های میلیون‌ها نهال که حتی مسئولین آن ارقام ۳۰ الی ۴۰ میلیون نهال را بیان می‌دارد، مگر معلوم نیست که در کجا غرس کرده؟ و چه شد؟ اگر این تعداد درختان موجود می‌بود، اکنون مردم کابل به این مصیبت دچار نمی‌شدند. درخت یکی از نعمت‌های الهی است که نه تنها برای انسانها میوه و حاصل داده، بلکه برای زندگی انسانها و حیوانات اکسیجن تولید می‌کنند، درختان توسط ریشه، آب را جذب نموده و توسط شعاع آفتاب و عملیه ترکیب ضیایی یک مقدار آب را به اکسیجن و هایدروجن تبدیل نموده، کاربن دای اکساید را از فضا جذب نموده و اکسیجن تولید می‌نمایند و منبع تولید اکسیجن در طبیعت می‌باشد (رسولی، ۲۰۲۰).

قسمی که به نظر میرسد بسیاری از تپه‌های اطراف شهر کابل برهنه و عاری از فرش نباتی و درختان است که در معضله آلوده‌گی هوای این شهر نقش منفی را گذاشته، کاربن‌دای اکسایدی که توسط فعالیت‌های بشری در فضای شهر کابل منتشر می‌شود جذب نشده. کمبود ساحات سبز و درختان در سطح زمین برای جذب ذرات کاربن‌دای اکساید و تبدیل آن به اکسیجن نیز بر این معضله افزوده است و تعداد اندکی درختان همیشه سبز (ناجو، کاج و عکاسی) وجود دارد، که برای جذب کاربن دای اکساید تولید شده در شهر ناکافی بوده، شهر کابل بعد از سال ۱۳۸۲ روند اعمار و بازسازی به شکل پلانی و غیر پلانی را تجربه کرده که در آن کمربند سبز شهری آهسته آهسته تبدیل به ساحات مسکونی گردیده، و سبب شد که ساحات سبز و کشتزارها در شهر کابل کاهش یابد و بی توجه‌ای دولت‌ها و مردم در زمینه حفظ درختان و فرش نباتی از عوامل دیگر کاهش ساحات سبز شهر کابل بوده است، که به اندازه ارزش آن، بر آن توجه صورت نگرفته است (قادری، ۱۳۹۷).

۱-۲-۱۰. موجودیت فزیک زباله‌ها

موجودیت فزیک زباله‌ها در شهر کابل، به خصوص در فصل زمستان تأثیرات متعددی بر آلوده‌گی هوا و محیط زیست داشته، این تأثیرات می‌تواند به افزایش آلوده‌گی هوا، آلوده‌گی

آب، خاک و ایجاد مشکلات صحتی برای ساکنین منجر شده، در فصل زمستان به دلیل کمبود سیستم مناسب مدیریت زباله، بسیاری از مردم زباله‌های خود را می‌سوزاند، این عمل منجر به انتشار گازهای سمی و دودی شده، که کیفیت هوای کابل را به شدت کاهش داده، سوزاندن پلاستیک‌ها، موادهای کیمیایی و زباله‌ها می‌توانند سبب تشکیل گازهای مضره مانند دی اکسین‌ها، فرمالید و بنزین تولید کند و دود ناشی از سوزاندن زباله‌ها می‌تواند حاوی ذرات معلق PM_{2.5} و PM₁₀ شده که برای سلامت انسان بسیار مضر می‌باشد و زباله‌هایی که در سطح شهر انباشته می‌شود و مدیریت نمی‌شوند، این زباله‌ها می‌توانند منبع بوهای نامطبوع و انتشار گازهای گلخانه‌یی میتان شده که کیفیت هوای شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم‌چنان موجودیت فزینی زباله‌ها در سطح شهرکابل، باعث آلوده‌گی خاک و آب گردیده؛ سوزاندن زباله‌ها به ویژه در مناطقی که سیستم گرمایشی مناسبی ندارند، می‌تواند منجر به آلوده‌گی هوای داخل خانه‌ها شده که بر سلامت ساکنان تأثیر منفی می‌گذارد (اداره حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۷).

۳-۱. عوامل متفرقه

۳-۱-۱. **حمام‌ها:** در شهر کابل در حدود ۳۷۸ حمام و سقاوخانه وجود دارد که معمولاً در بین ساحات مسکونی و رهاشی اعمار شده اند. این حمام‌ها و سقابه‌ها اکثراً برای گرم ساختن آب مورد ضرورت خویش از چوب جنگلات، پلاستیک، رابر، تیرهای کهنه، مبایل سوخته و زغال‌سنگ و غیره استفاده می‌نماید. دود و بوی تولید شده از آن باعث اذیت باشندگان مجاور شده و نیز میزان کیفیت هوای شهر کابل را کاهش می‌دهد.

۳-۱-۲. **نانوایی‌ها:** در شهر کابل بر اساس گزارشات اداره محیط زیست ۱۲۳۲ نانوایی وجود دارد که نیازمندی‌های پخت و پز نان خشک شهریان کابل را مرفوع می‌سازد. تعداد زیادی از این نانوایی‌ها از چوب استفاده می‌کردند، اما در این اواخر تعداد زیادی از آنها از گاز استفاده می‌نماید. برخلاف نانوایی‌ها در داش‌های نان پزی از زغال‌سنگ، چوب و گاز استفاده صورت می‌گیرد که میزان تولید آلوده‌گی آن بیشتر بوده، در کل مصرف چوب و زغال سبب تولید آلوده‌گی می‌شود.

۱-۳-۳. قنادی و شیرینی پزی‌ها: در حال حاضر در شهر کابل ۱۱۷ سیلو خورد و شیرینی پزی‌ها فعالیت دارند. اینها معمولاً جهت پیشبرد تولیدات شان از زغال سنگ و چوب استفاده می‌کنند. تعداد لندکی آنها از انرژی گازی استفاده می‌نمایند، دودهای که از این مراجع آزاد می‌گردد به اندازه کافی در آلوده‌گی هوای شهر سهم می‌گیرد.

۱-۳-۴. دستگاه‌های مرکز گرمی: علاوه بر مرکز گرمی‌ها در تعمیرات و مؤسسات حکومتی، فابریکه‌ها و تعمیرات انفرادی، یگانه دستگاه بزرگ مرکز گرمی در مکرویان‌ها بوده که در فصل زمستان فعال می‌باشد. مواد محروقاتی این مرکز گرمی به شکل خام و تصفیه نشده از صفحات شمال کشور وارد می‌گردد، دودی که از این دستگاه آزاد می‌گردد می‌تواند یکی از اسباب آلوده‌گی هوا در شهر کابل باشد، فعالیت این مرکز گرمی‌ها در فصل سرما بیشتر شده.

مواد سوخت بیشتر این مرکز گرمی‌ها همانا زغال سنگ، چوب، گاز، رابر، و غیره بوده، که تمام مواد مصرفی آنها از جمله منابع تولید آلاینده‌ها می‌باشد (اداره حفاظت محیط زیست، ۱۴۰۲).

۲. کیفیت هوای شهر کابل در فصل زمستان

بر اساس شاخص air quality index کیفیت هوا به شش بخش مختلف تقسیم می‌شود که هر دسته نشان دهنده میزان تأثیر آلوده‌گی روی سلامت انسان‌ها می‌باشد.

بر اساس سیستم شاخص کیفیت هوا یا AQI برای اندازه گیری ذرات سمی هوا، کیفیت هوای شهر کابل در فصل زمستان به طور مداوم خطرناک ارزیابی می‌شود. این شاخص از صفر تا ۵۰۰ رده بندی شده است و کیفیت هوای شهر کابل از اندازه ۴۰۰ در طول شب و اوایل صبح عبور می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۸، ص. ۲۳).

جدول دسته بندی کیفیت هوا

خوب	صفر تا ۵۰
متوسط	۵۱ تا ۱۰۰
ناسالم و نامطلوب برای افراد حساس	۱۰۱ تا ۱۵۰
نا سالم	۱۵۱ تا ۲۰۰
بسیار ناسالم	۲۰۱ تا ۳۰۰

خطرناک	۳۰۱ تا ۵۰۰
--------	------------

در سال ۲۰۱۷ نهاد هواشناسی امریکایی بنام air visual در زمینه AQI شهر کابل تحقیق انجام داد. بر اساس نتیجه ای که توسط سازمان هواشناسی امریکایی air visual ارائه شده است نشان میدهد که کیفیت هوا شهر کابل در حدود ۳۵۰ می باشد و این نشان دهنده آن است که کیفیت هوای شهر کابل به درجه خطرناکی رسیده است و با تنفس هوای با این گونه کیفیت، تمامی شهروندان در معرض آغشته شدن امراض تنفسی و قلبی قرار دارند.

یک روکش ذرات سمی در زمستان هوای شهر کابل را می پوشاند که در اثر فعالیت های بشری بوجود می آید. علل اصلی بلند رفتن افزایش آلوده گی هوای شهر کابل، که AQI آنرا به حالت خطرناک می رساند کاهش طبیعی تهویه هوا بوده که مانع صعود هوا به طبقات بالاشده که در نتیجه تمامی آلاینده های موجود در هوای شهر کابل در نزدیک سطح زمین تجمع نموده که در اکثر اوقات حتی داخل خانه ها می گردد که پیامدهای منفی برای شهریان کابل در قبال دارد.

۲-۱. آلاینده های موجود در هوای شهر کابل

اداره ملی حفاظت محیط زیست با همکاری بانک توسعه وی آسیا، چگونگی کیفیت هوای کابل را سنجش کرده که در هوای شهر کابل مقدار ذرات معلق حدود ۱۷۳۶۳ تن می رسد، مقدار کاربن دای اکساید آن ۶۵۰۸۴۶ تن، مقدار سلفردای اکساید آن ۲۴۳۴ تن، مقدار کاربن مونواکساید آن ۹۷۰۶۷ تن و مقدار اکسایدهای نایتروجنی آن ۱۶۱۳۳ تن، که در مجموع این آلاینده ها به ۸۰۰ هزار تن میرسد وجود دارد و بانک توسعه وی آسیا بابت موجودیت آلاینده های یاد شده در فضای شهر کابل را چندین مرتبه بالاتر از معیارهای جهانی وانمود کرده. ذرات معلق آن به اشکال جامد، مایع و گاز می باشند. هرگاه حجم ذرات از ۱۰ میکرون بیشتر باشد، دارای اثرات مانند سرفه از وجود انسان خارج می گردد، اما به طور عمیقی به شش ها نفوذ می کند. این ذرات چندین نوع بوده که شامل PM10 و PM2.5 و... می باشد، ذرات PM10 که قطر کمتر از ۱۰ میکرون را داشته، که گرد و غبار ناشی از دود کارخانه ها، وسایط نقلیه، تبخیر فاضلاب که در هوا متصاعد شده، اما ذرات PM2.5 کوچکتر بوده و قطر آنها 2.5 میکرون بوده که از

سوزاندن سوخت‌های فوسیلی در هوا پخش شده که خیلی زیان‌آور شناخته شده است (سادات، ۱۳۹۹؛ اداره ملی حفاظت محیط زیست).

۲-۲. خطرات ناشی از آلوده‌گی هوا در شهر کابل

آلوده‌گی هوا تأثیر مخربی بالای همه ابعاد زنده‌گی انسانها داشته که از ان جمله میتوان به تأثیرات بالای اقتصاد، صحت، تجارت و زراعت نام برد، آلوده‌گی هوای شهر کابل در فصل زمستان ساحه دید را کاهش داده، تعمیرات و سبزیجات را صدمه میزند، اما بزرگترین ضرر و آسیب آلوده‌گی هوا، ضرر رساندن به صحت انسان‌ها و تشدید فقر است. مضرترین عنصر آلوده‌گی هوا ذرات معلق (pm_{10} و $pm_{2.5}$) در هوای مربوط به سوخت‌های فوسیلی می‌باشند. pm_{10} مرکب از ذرات گرد و غبار و $Pm_{2.5}$ متشکل از ذرات نیم سوخته، مواد عضوی، فضولات و غیره می‌باشد؛ چون ذرات نوع دوم ریزتر بوده، به شش‌های انسان از طریق تنفس داخل شده می‌تواند، بسیار آسیب‌زا بوده، بیشترین صدمه را اشخاص معروض، کهنسالان، اطفال، کسانی که تکالیف سیستم تنفسی، هاضمه، گلو و غیره دارند متحمل می‌شوند (رسولی، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان داده که معروضیت به سلفر دای اکساید و ذرات pm_{10} و $pm_{2.5}$ تأثیر منفی بالای سیستم تنفسی داشته، به انساج شش‌های انسان آسیب رساند. باعث امراض سرطانی و مرگ میر زودتر می‌شود. کلان سالان، اطفال، اشخاص دارای امراض طویل‌المدت شش، انفلونزا و هاضمه به ذرات معلق هوا حساس می‌باشد، با شروع فصل سرما در افغانستان شمار بیماران مبتلا به امراض تنفسی نیز افزایش یافته، با این حال داکتران معتقد اند که آلوده‌گی هوا بر دستگاه قلبی و عروقی و همچون سایر دستگاه‌های داخلی بدن اثرات مخرب دارد، به گونه‌ای که به باور داکتران بیماری‌های قلبی را تا چند برابر افزایش می‌دهد و آلودگی هوا و ذرات ریز کمتر از 2,5 قادر اند با برهم زدن نظم عملکرد قلب موجب بروز ضربان نابجا و ایجاد اختلال در ضربان قلب گردد به باور داکتران آلوده‌گی هوا سبب افزایش احتمال بروز سکتة قلبی تا چهار برابر در افراد می‌شود و این احتمال دست کم تا دو هفته پس از پایان آلوده‌گی هوا به قوت باقی خواهد ماند، این در حالی است که بر اساس گزارش وزارت صحت عامه افغانستان سالانه نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر به دلیل ابتلا به بیماری‌های قلبی جانهای خود را از دست می‌دهند (وکیلی، ۱۳۹۹). آلوده‌گی هوا دارای دو نوع اثرات، حاد و مزمن بر سلامت داشته، که عبارت از:

اثرات حاد: این اثرات مؤقتی بوده، قابل برگشت می‌باشد مانند سوزش چشم، سردرد، گلو درد، حالت تهوع و غیره.

اثرات مزمن: این اثرات مزمن بوده و غیر قابل برگشت می‌باشد (فرهمند، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

آلوده‌گی هوا عبارت از مخلوط از ذرات جامد، مالیکول‌های بیولوژیکی و گازهای موجود در هوا یا جو زمین بوده که برای سلامت انسان‌ها، حیوانات و گیاهان مضر می‌باشد. کابل یکی از شهرهای آلوده جهان به شمار می‌رود، مخصوصاً این آلودگی در فصل زمستان بیشتر می‌گردد که نظر به عوامل ازدیاد و کهنه بودن وسایط نقلیه، فعالیت‌های صنعتی، خامه بوده کوچه‌ها و سرک‌ها، استفاده از جنراتورها، استفاده از زغال سنگ، تیر، رابر، پلاستیک، مبایل و سایر موادهای دودزای دیگر. در فصل زمستان بیشترین اندازه آلوده‌گی را ساحات مسکونی داشته که ۳۰ فیصد آلوده‌گی هوا شهر کابل را تشکیل می‌دهد که استفاده بیش از حد زغال سنگ برای تسخین و گرم کردن خانه‌ها می‌باشد، علاوه بر آن استفاده از چوب، پلاستیک، رابر، تیرهای کهنه، بوت‌های کهنه، مبایل سوخته و غیره می‌باشد. دومین منبع عمده آلوده‌گی هوا در این شهر، تردد وسایط نقلیه بوده، که حدود ۲۵ فیصد سهم دارد. بر اساس گزارشات و ارقام موجود، در شهر کابل روزانه حدود ۷۰۰ هزار وسایط نقلیه تردد دارد و از تیل‌های بی کیفیت و روغنیت غیر ستندرد، برای گشت و گذار خویش استفاده می‌کنند. سومین منبع عمده آلوده‌گی هوا، که در حدود ۲۰ فیصد سهم دارد، فعالیت‌های صنعتی است. بر اساس معلومات و گزارشات در شهر کابل بیشتر از ۱۰۰۰ فابریکه در پارک‌های صنعتی وجود دارد که شامل فابریکات ذوب آهن، پروسس مواد غذایی، تولید ادویه و مواد کیمیاوی، ذوب فلزات، منسوجات، مشروبات، پلاستیک، کاغذ و غیره می‌باشد و تمامی آنها در مجاورت ساحات مسکونی و رهائشی فعالیت می‌نمایند. چهارمین منبع عمده آلوده‌گی هوای شهر کابل، که حدود ۱۵ فیصد در آن سهم دارد، موجودیت سرک‌ها، کوچه و جاده‌های خامه، و آب‌های ناشی از بارنده‌گی‌ها بوده که ذرات گرد و خاک که از سرک‌ها، کوچه‌های خامه به فضا شهر پخش شده و عمده ترین منبع ذرات معلق (PM_{2.5} PM₁₁₀) بوده سرازیر شدن آبهای ناشی از بارندگی و فاضلاب‌ها توأم با مواد فاضله انسانی از خانه‌های رهائشی واقع در کوه‌ها ایام بارنده‌گی و متعاقب آن، به تشدید این چالش‌ها می‌افزاید. پنجمین منبع عمده

آلودگی هوا که ۱۰ فیصد در آلودگی هوا در شهر کابل در فصل زمستان سهم دارد عبارت از فعالیت‌های مانند، جنراتورها، انتشارات ناشی از احتراق حمام‌ها، سقابه‌ها، خبازی‌ها، قنادی‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها و استفاده از مواد سوخت کم کیفیت و نامناسب می‌باشد. نادر بودن اشجار و کاهش طبیعی تهویه هوا در فصل زمستان باعث شده، که آلاینده‌های تولید شده بیشتر در فضای شهر کابل باقی بمانند. از سوی دیگر شهر کابل در فصل زمستان بیشتر به نبود کافی انرژی برق مواجه بوده که زمینه فعالیت جنراتورها را افزایش داده و مشکلاتی اقتصادی بیشتری به بار می‌آورد. موارد فوق از جمله عواملی‌اند که در آلودگی هوای شهر کابل در فصل زمستان نقش داشته‌اند.

منابع و مآخذ

- اداره ملی حفاظت محیط زیست. (۱۳۹۷). گزارش و طرح مدیریت آلودگی هوا در شهر کابل.
- اداره ملی حفاظت محیط زیست، ریاست کنترل و تفتیش. (۱۳۹۸-۱۳۹۹). معلومات مختصر مقایسوی وضعیت آلودگی هوای شهر کابل.
- اداره ملی حفاظت محیط زیست. (۱۴۰۰). تدابیر مقدماتی جدی جهت تحقق اهداف پلان عملی به منظور جلوگیری، کاهش و مدیریت آلودگی هوای شهر کابل در فصل زمستان.
- اداره ملی حفاظت محیط زیست. (۱۴۰۲). ارقام مقایسوی کیفیت هوا شهر کابل در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ م.ش.
- اداره ملی حفاظت محیط زیست. (۱۳۹۱). گزارش وضعیت محیط زیست.
- اداره ملی حفاظت محیط زیست. (۱۳۹۹). گزارش سروی و نظارت منابع آلودگی هوا در شهر کابل.
- اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۴۰۰). سالنامه احصائیوی سال ۱۴۰۰
- آزادمنش، محمد اسرافیل. (۱۴۰۲). علل آلودگی هوای شهر کابل. کنفرانس علمی دوم برای ترفیع به رتبه علمی پوهنملی، پوهنتون پروان.
- انصاری، سلطان محمد. (۱۳۹۴). دانستنی‌های پیرامون جغرافیای عمومی افغانستان. کابل: سرور سعادت.
- رسولی، محمد عارف. (۲۰۲۰). آلودگی هوا در شهر کابل، اضرار و مدیریت آن، افغان جرمن آنالین <http://www.afghan-german.com> <http://www.afghan-german.de>
- زمانی، ادیس. (۱۴۰۲). بررسی موقعیت استراتژیکی ولایت کابل، پایان نامه دوره لیسانس، دیپارتمنت جغرافیه، پوهنحی علوم اجتماعی پوهنتون پروان.
- سادات، سید اکرم. (۱۳۹۹). افزایش آلودگی هوای کابل و زنگ خطر مرگ تدریجی. کابل: کنده‌گل.

سیلاب، صدام حسین. (۱۳۹۷). چگونگی تأثیرات محیط زیست شهر کابل. پایان نامه دوره لیسانس، دیپارتمنت جغرافیه، پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون پروان.

قادری، پرویز. (۱۳۹۷). آلوده‌گی هوا و پیامدهای آن. مجله علمی و تحقیقی پوهنتون بغلان، ۶ (...)-۷۶-۹۳.

سلطانی، لطف علی. (۲۰۲۰). کابوس زمستان کابل روزنامه اطلاعات روز.

فرهمند، محمود. (۱۳۹۹). آلوده‌گی هوا، اثرات و راه‌های مبارزه با آن.

ملکیار، غلام محمد. (۱۳۹۶). آلوده‌گی هوا و تدابیر کاهش آن در شهرهای افغانستان. کابل: عبدالله راشد.

ملکیار، غلام محمد. (۱۳۹۶). راهبردهای انکشاف اقتصادی تحفظ محیط زیست در افغانستان. کابل: عبدالله راشد.

وکیلی، عطالله. (۱۳۹۹). آلوده‌گی هوا و راه‌های حل آن در شهرهای بزرگ، کابل. پایان نامه دوره لیسانس، پوهنتون البیرونی.

هاشمی، حشمت الله. (۱۳۹۸). وضعیت آلوده‌گی هوای شهر کابل. کابل: نور.

بررسی نقش سیاست در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان

محمد میرزایی^۱، ولی الله امین^۲

۱. پوهنمل، دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0005-5412-4409> - mohammadmerzayi1987@gmail.com

۲. پوهنمل، دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین الملل، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۱)

چکیده

سیاست به عنوان یکی از بنیادی ترین عوامل تعیین کننده در شکل دهی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، نقش محوری را در توسعه یا عقب ماندگی کشورها ایفا می کند. افغانستان به دلیل تجربه چندین دهه بی ثباتی سیاسی، جنگ های داخلی، مداخلات خارجی و ضعف نهادهای حکومتی، نمونه ای برجسته از تأثیر عمیق سیاست بر اقتصاد و رفاه اجتماعی به شمار می رود. در طول تاریخ معاصر، افغانستان صحنه تحولات شدید سیاسی از کودتا، جنگ های داخلی، مداخلات خارجی و تغییر رژیم ها بوده که همه اینها مستقیماً بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته اند. از این رو، دستیابی به توسعه پایدار در افغانستان مستلزم ایجاد ثبات سیاسی، تقویت نهادهای دولتی، مبارزه با فساد و تدوین سیاست های اقتصادی کارآمد و بلندمدت است. هدف این تحقیق بررسی نقش سیاست در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که بی ثباتی سیاسی و تغییرات مکرر در ساختار قدرت، موجب کاهش سرمایه گذاری، افزایش بیکاری، گسترش فقر و وابستگی شدید اقتصاد به کمک های خارجی شده است. این وضعیت تأثیرات منفی قابل توجهی بر شاخص های رفاه اجتماعی، از جمله دسترسی به خدمات صحتی، آموزشی، مسکن و امنیت اجتماعی داشته است. این تحقیق با استفاده از روش کیفی (تحلیلی - توصیفی) صورت گرفته و شیوه جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای بوده است.

کلمات کلیدی: افغانستان، اقتصاد، جامعه، رفاه، سیاست، نقش.

۱. ارجاع: میرزایی، محمد و امین، ولی الله. (۱۴۰۴). بررسی نقش سیاست در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان.

مجله علمی-تحقیقی جوزجانان، ۱۸ (۲)، ۹۳-۱۱۳. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.92>

Examining the Role of Politics in the Economy and Social Welfare of Afghanistan

Mohammad Merzaie^{*1}, Waliullah Amin²

1*. Senior Teaching Assistant, Department of Political science and International Relations, Faculty of law and political science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

mohammadmerzayi1987@gmail.com – <https://orcid.org/0009-0005-5412-4409>

2. Senior Teaching Assistant, Department of Political science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan.

(Received: 17/10/2025 - Accepted: 21/04/2026)

Abstract

Politics, as one of the most fundamental determinants in shaping economic and social structures, plays a pivotal role in either the advancement or the stagnation of nations. Afghanistan, owing to decades of political instability, civil wars, foreign interventions, and weak state institutions, stands as a prominent example of the profound impact of politics on the economy and social welfare. Throughout its contemporary history, Afghanistan has witnessed intense political upheavals—including coups, internal conflicts, external interference, and regime changes—all of which have directly affected the everyday lives of its people. Accordingly, achieving sustainable development in Afghanistan necessitates the establishment of political stability, the strengthening of state institutions, the fight against corruption, and the formulation of effective, long-term economic policies. The present study aims to examine the role of politics in Afghanistan's economy and social welfare. The findings indicate that political instability and frequent shifts in the structure of power have led to reduced investment, rising unemployment, the expansion of poverty, and a heavy dependence of the economy on foreign aid. This situation has had significant adverse effects on key social welfare indicators, including access to healthcare, education, housing, and social security. The study adopts a qualitative (analytical–descriptive) approach, with data collected through library-based research methods.

Keywords: Afghanistan, Economy, Prosperity, Politics, Role, Society.

*. **Citation:** Merzaie, M. & Amin, W. (2026). Examining the Role of Politics in the Economy and Social Welfare of Afghanistan. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 95–113.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.92>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

تفکر سیاسی به شکل منظم از یونان باستان آغاز می‌شود؛ اما سیاست به‌عنوان یک رشته علمی تاحدی نو است و طی صدسال گذشته رشد یافته است. در گذشته، سیاست و تفکر سیاسی کار زمامداران، سیاستمداران، فیلسوفان و حقوق‌دانان بود، مردم عادی چون در امور عمومی نقشی نداشتند. به همین جهت به سیاست و نظریه‌پردازی سیاسی هم چندان علاقه نداشتند و به آن نمی‌پرداختند، اما با گسترش تعلیم و تربیت که منجر به افزایش آگاهی سیاسی مردم شد. زمینه را برای سیاسی شدن و شرکت مردم در امور عمومی و سیاسی مساعد ساخت. شکل‌گیری حکومت‌های مردمی، افکار عامه، نهادهای سیاسی، اجتماعات و گردهم‌آیی‌های عمومی، ظهور پدیده ناسیونالیسم و انقلابات سیاسی و اجتماعی نشانه‌های سیاسی شدن مردم است. مردم در پرتو دانش سیاسی از حکومت و حاکمان توقعات و انتظارات منطقی و قانونی در ذهن خود پیدا می‌کنند و این امر دولت مردان را به سمت پاسخگو بودن و مسئولیت‌پذیری در برابر قانون و افکار عمومی هدایت می‌کند. از طرف دیگر علم سیاست کمک به توسعه و تحکیم حکومت‌های مردمی می‌نماید. با ارتقای آگاهی علم سیاست شیوه‌های استبدادی حکومت از مقبولیت می‌افتد.

در افغانستان، سیاست همواره به‌عنوان عامل محوری در تعیین جهت‌گیری‌های اقتصادی و سطح رفاه اجتماعی عمل کرده است؛ به‌گونه‌ای که از دوره دولت‌سازی اولیه در عصر احمدشاه درانی تا تلاش‌های اصلاحی امان‌الله خان، سپس دوره ثبات نسبی در زمان محمد ظاهر شاه و در ادامه تحولات بحرانی ناشی از کودتای ثور ۱۳۵۷ و تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، همواره کیفیت ساختار قدرت و میزان ثبات سیاسی، تعیین‌کننده ظرفیت دولت در بسیج منابع، تنظیم بازارها و ارائه خدمات عمومی بوده است؛ در نتیجه، هرگاه نظم سیاسی نسبی برقرار بوده، نشانه‌هایی از رشد اقتصادی و بهبود محدود رفاه اجتماعی مشاهده شده، و در مقابل، در دوره‌های بی‌ثباتی و منازعه، فرسایش نهادهای اقتصادی، گسترش فقر و کاهش دسترسی به خدمات اساسی به‌عنوان پیامدهای مستقیم سلطه سیاست بر اقتصاد آشکار شده است. در افغانستان رابطه میان سیاست، اقتصاد و رفاه اجتماعی، در چارچوب رهیافت‌های نوین اقتصاد سیاسی و نظریه‌های حکمرانی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال بنیادین‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در علوم سیاسی مطرح است. در این چارچوب، سیاست نه صرفاً به‌عنوان عرصه‌ای برای کسب و توزیع قدرت، بلکه به مثابه مجموعه‌ای از نهادها، قواعد رسمی و

غیررسمی و سازوکارهای تصمیم‌گیری تلقی می‌شود که ساختار انگیزشی کنشگران اقتصادی را شکل داده و مسیر تخصیص منابع را تعیین می‌کند. از این منظر، کیفیت حکمرانی و ظرفیت نهادهای دولتی، متغیرهای کلیدی در تبیین عملکرد اقتصادی و سطح رفاه اجتماعی به‌شمار می‌آیند. در حوزه رفاه اجتماعی، سیاست‌گذاری عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین حداقل‌های معیشتی، کاهش فقر و ارتقای سرمایه انسانی دارد. با این حال، در افغانستان، نبود یک نظام رفاه اجتماعی نهادمند و پایدار، موجب شده است که بخش قابل توجهی از جمعیت از دسترسی مؤثر به خدمات اساسی مانند آموزش، صحت و حمایت‌های اجتماعی محروم بمانند. این وضعیت تا حد زیادی ناشی از محدودیت منابع مالی، ضعف ظرفیت اجرایی و نیز اولویت یافتن ملاحظات سیاسی و امنیتی بر اهداف توسعه‌ای در فرآیند سیاست‌گذاری است. پس سوال که در اینجا مطرح می‌شود این است که سیاست چه نقشی در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان داشته است. با توجه به اینکه در افغانستان سیاست در طول تاریخ نقش مهمی در زندگی مردم داشته، و عامل ثبات و بی‌ثباتی در رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی بوده است، از این خاطر پرداختن به این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. از این جهت هدف این تحقیق بررسی نقش سیاست در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی و تغییرات مکرر در ساختار قدرت، موجب کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بیکاری، گسترش فقر و وابستگی شدید اقتصاد به کمک‌های خارجی شده است. این وضعیت تأثیرات منفی قابل توجهی بر شاخص‌های رفاه اجتماعی، از جمله دسترسی به خدمات صحتی، آموزشی، مسکن و امنیت اجتماعی داشته است. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش کیفی (تحلیلی - توصیفی) بوده که برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌ای کتابخانه‌ای کار گرفته شده است. این تحقیق شامل بیان مفهوم و ماهیت سیاست، تعریف سیاست و جامعه، ارتباط سیاست و جامعه، نقش سیاست در جامعه افغانستان و نتیجه‌گیری می‌باشد.

در رابطه به سوابق تحقیقات انجام یافته پیرامون نقش سیاست در اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان، می‌توان چنین طرح کرد که پیشینه موجود را در دو بخش قابل تفحص و بررسی می‌دانم. نخست در بخش مربوطه به تعاریفات و نظریات سیاسی در این حوزه محققان متعدد مسلمان و غیر مسلمان در باره مفهوم، ماهیت و رابطه آن با اقتصاد و رفاه اجتماعی کتب و مقالات زیادی تحریر داشته‌اند. اما عمدتاً به سیاست‌های مادی پرداخته‌اند، و بجز دانشمندان اسلامی کمترین رقم دانشمندان غیر مسلمان به سیاست‌های معنوی و ارزش‌های اسلامی در مفهوم و ماهیت سیاست اعتنا داشته‌اند. ثانیاً در بخش مربوط به نقش سیاست در اقتصاد و

رفاه اجتماعی در افغانستان تاکنون تحقیق جامع و کامل صورت نگرفته است، هر چند قلم بدستان افغانی از پیامدهای سیاستگذاری‌های داخلی و خارجی بر افغانستان از منظر دید خود پرداخته اند. مگر غالباً آیدیولوژی و باورهای شخصی نویسندگان داخلی بر تأثیر سیاست بر اقتصاد و رفاه اجتماعی افغانستان بیشتر مورد توجه و اعتنا قرار گرفته است. کمتر به حقانیت موضوع و تأثیر ناگوار سیاست‌های ناموفق داخلی و خارجی توجه شده است. در این تحقیق حتی المقدور تلاش می‌شود که به رغم تحقیقات گذشته اعم از نویسندگان داخلی و خارجی به سیمای واقعی نقش سیاست و پیامدهای مثبت و منفی سیاست با توجه به ازمینه‌های مختلف تاریخی تبیین و توضیح گردد تا فهم شایسته از موضوع اخذ و به خور جامعه علمی قرار داده شود.

الف) مفهوم و ماهیت سیاست

سیاست به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در حوزه علوم سیاسی، همواره در مرکز توجه اندیشمندان و نظریه پردازان قرار داشته است. این مفهوم نه تنها به ساختار و عملکرد دولت‌ها مربوط می‌شود، بلکه با تمامی ابعاد زندگی اجتماعی انسان، از جمله اقتصاد، فرهنگ، امنیت و رفاه اجتماعی، پیوندی عمیق دارد. به همین دلیل، درک دقیق مفهوم و ماهیت سیاست، پیش شرط اساسی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در هر جامعه به شمار می‌رود. در گذشته، سیاست و تفکر سیاسی کار زمامداران، سیاستمداران، فیلسوفان و حقوق دانان بود، اما با گسترش علم و دانش و آگاهی مردم، انحصار علم سیاست به پایان رسید و سیاست کاری همگانی شد. گسترش تعلیم و تربیه به رشد فزاینده‌ای آگاهی سیاسی توده‌های مردم انجامید و از این راه مردم روز به روز بیشتر در جریان‌های سیاسی شرکت کردند. دیگر هیچ سیاستمدار یا متفکری نمی‌توانست به مردم بی توجه باشد. افکار عمومی اهمیت زیادی یافت و بنابراین نه تنها حکومت‌ها بلکه گروه‌های سازمان یافته و نهادهای سیاسی کوشش‌های زیادی کردند تا بر آن تأثیر بگذارند. اجتماعات و تظاهرات گسترده، مشخصه جریان‌های سیاسی شد، امروزه گفته می‌شود که همه اقتدار سیاسی به مردم تعلق دارد و قدرت سیاسی هم باید در راستای منافع توده‌ها عمل کند. نظریه‌ای سیاسی در واقع به سنجش و ارزیابی نهادهای گوناگون سیاسی می‌پردازد تا دریابد آیا این نهادها قادراند منافع مردم را تأمین کنند یا نه. امروزه پرداختن به نظریه‌ای سیاسی دیگر کاری برای اوقات فراغت عده‌ای فارغ از غم نان نیست، بلکه کار همه کسانی است که به آن علاقه دارند و می‌خواهند به نظریه پردازی سیاسی بپردازند تا جریان‌های سیاسی را تبیین کنند. چون سیاست همه ابعاد زندگی بشری را فرا گرفته و در تمامی وجوه زندگی انسان‌ها جلوه گر است. قبل از هرگونه بحث در مورد سیاست

لازم است تا از آن تعریف مشخص ارائه داده شود، تا برای درک مفاهیم بعدی کمک کند. طوریکه به همه هویدا است، کلمه سیاست مانند: سایر مفاهیم علوم اجتماعی، دارای تعریف مشخص و قابل قبول همه دانشمندان نیست. این امر ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها، آراء و نظریات نظریه پردازان علوم اجتماعی است. با آن هم می‌کوشم تا با توجه به نظریات دانشمندان سیاست، تعاریفی که تا حدی مورد قبول تعداد از دانشمندان قرار دارد، ارائه نمایم.

(ب) تعریف سیاست و جامعه

در زبان دری کلمه سیاست معانی مختلفی به خود گرفته است که شامل ذکاوت، تنبیه کردن، تدبیر، برنامه و اداره امور یک شرکت، یک جامعه و یا یک مملکت می‌شود. در تاریخ اندیشه‌های سیاسی، تاکنون سیاست مترادف دولت، اداره امور همگانی و قدرت قرار داده شده است. علم سیاست علم یتیمی بود که سال‌ها در دامن تاریخ پرورش یافت. در اوایل تنها آن قسمت که مربوط شخصیت‌های بزرگ سیاسی یا حوادث سیاسی، قراردادهای و جنگ‌ها می‌شد مورد مطالعه تاریخ قرار می‌گرفت. بعدها به مرور زمان همه رشته‌های علوم انسانی از اقتصاد و جغرافیا تا جامعه شناسی و مردم شناسی را در بر گرفت. اگر با دید خوش‌بینانه نگاه کنیم گفته می‌توانیم که سیاست چهاراهی است که در آن تمامی علوم انسانی به تلاقی می‌رسند. در عمل نیز سیاست ماهیت گسترده و مبهم دارد. هر چیز از یک بازی فوتبال تا یک سخنرانی می‌تواند در یک لحظه سیاسی و در لحظه‌ای دیگر غیر سیاسی باشد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۲۷).

از نظر یونانی‌ها سیاست دانش مربوط به امور یک شهر بود، اما در یونان، شهر و دولت از هم جدایی ناپذیر بودند. یونانی‌ها در جاهای زندگی می‌کردند که ما امروز آنها را "شهر-دولت" می‌نامیم. هر شهر-دولت، یک شهر، حومه و اراضی اطراف آنرا در بر می‌گرفت. تاریخ اندیشه سیاسی نشان می‌دهد که تعریف سیاست با تغییر شرایط اجتماعی و فکری انسان‌ها تکامل یافته است. ارسطو، فیلسوف مشهور یونانی، سیاست را هنر اداره شهر و تحقق خیر عمومی می‌دانست. از دیدگاه او، سیاست تنها به فعالیت‌های حکومت محدود نمی‌شود، بلکه شامل تمامی فعالیت‌هایی است که منجر به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد نظم اجتماعی می‌شود (پیتر، ۱۳۷۸، ص. ۵۶).

سیاست در معانی عام، هر گونه راهبرد و روش و مشی برای اداره یا انجام هر امری از امور، چه شخصی چه اجتماعی، سیاست گفته می‌شود، چنانکه از سیاست اقتصادی، سیاست نظامی، سیاست مالی، سیاست آموزشی و غیره آنها سخن می‌گوییم. به معنای خاص، هر امریکه

مربوط به دولت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد، از معقوله امور سیاسی است. بنابراین، هر گاه از سیاست به معنای خاص، سخن می‌گوییم، همواره با دولت، یا سازمان قدرت در جامعه که نگهبان نظم موجود یا پیش برنده آن است، سروکار داریم. امور سیاسی شامل مسایل مربوط به ساخت دولت، ترتیب امور در کشور، رهبری طبقات، مسایل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزب‌ها و گروه‌های با نفوذ و غیره است (آشوری، ۱۳۷۳، ص. ۲۱۲). سیاست به معنی طرح کلی مطالب برای اقدام، یا برنامه و نظر و عمل سیاسی. اکثر دولت‌ها، سازمان‌ها و یا افراد، در هر امری، دارای برنامه و نظر و روش اجرایی مشخص و ویژه‌ای هستند، همه از آن بنام سیاست یا خط مشی یاد می‌شود. مثل اگر دولت یا فردی بگوید که فرهنگ باید با توجه به شرایط یک کشور اصلاح شود، سیاست و خط مشی فرهنگی دولت یا فرد تشریح شده است (علی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۴).

سیاست عموماً به مفهوم عمل اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه است. پس در سیاست عمل، عامل و موضوع عمل وجود دارد. عامل عمل اخذ و اجرای تصمیمات به عنوان سیاست، نیازمند قدرت و توجیه قدرت یعنی اقتدار، مشروعیت و ایدئولوژی است. قدرت نیز دارای منابع گوناگون است. سیاست به عنوان اخذ و اجرای تصمیم با همه مسایل اجتماعی سروکار پیدا می‌کند از این رو می‌توان از سیاست اقتصادی، فرهنگی، تحقیقی و مالی دولت‌ها سخن گفت: به عبارت دیگر محتوای تصمیمات محدود نیست. شیوه اخذ تصمیم و اجرای آن از حیث جوهر سیاست به عنوان تصمیم‌گیری اهمیت ندارد. بلکه ملاک تنوع در سیاست یعنی اساس تقسیم‌بندی انواع نظام‌های سیاسی است. طبعاً شیوه تصمیم‌گیری در حکومت‌های مردمی و دیکتاتوری‌ها متفاوت است. اجرای تصمیمات نیازمند قدرت و نهادهای اجبار آمیز است. قدرت اجبار، نفوذ، فشار و غیره ابزارها و دستمایه‌های سیاست است. بدون قدرت، سیاست و حکومت یعنی اخذ و اجرای تصمیمات ممکن نیست. همچنین موضوعات عمل سیاست یعنی مردم به دلیل اجبار و قدرت و اقتدار و مشروعیت نهفته در تصمیمات، از آنها اطاعت می‌کنند. نهادهای سیاسی، مجاری اخذ و اجرای تصمیم‌ها و اعمال سیاسی هستند. از آنجا که موضوع عمل سیاست، جامعه است سیاست فعالیت گروهی است. سیاست همواره نیازمند دو یا چند بازیگر است و به عنوان فعالیتی دسته جمعی و اجتماعی در درون واحدهای اجتماعی خاصی، چون قبیله، شهر، دولت — شهر — دولت ملی و کشور ظهور می‌یابد (بشریه، ۱۳۷۴، ص. ۲۸۶). سیاست عبارت است از هر نوع تدبیر و تلاش و فعالیت و تعمق و تفکر و اقدام فردی و جمعی در جهت کسب قدرت و به عهده گرفتن اداره امور کشور به

نحوی که جامعه و افراد آن در مسیر تحقق آمال و خواسته‌های خویش قرار گیرند (مقتدر، ۱۳۵۸، ص. ۱۳۱).

در مورد جامعه هم مانند اکثر کلمه‌های علوم اجتماعی، تعریف واحد و قابل قبول همه دانشمندان وجود ندارد. دلیل این امر بر می‌گردد به تفاوت آرا و نظریات دانشمندان در مورد جامعه. در این جا سعی بر آن دارم تا تعریفی را ذکر نمایم که نسبت به سایر تعاریف بین دانشمندان توافق نظر در مورد آن وجود داشته باشد. جامعه‌شناسی در واقع مطالعه رفتار انسان در زمینه‌های اجتماعی است. جامعه را می‌توان گروه بندی متمایز و بهم پیوسته‌ای از افراد انسانی تعریف کرد که در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کند و رفتارشان با عادات، هنجارها و اعتقادات مشترک فراوانی مشخص می‌شود که آن را از گروه بندی‌های انسانی دیگر که عادات، هنجارها و اعتقادات آشکارا متفاوتی دارند متمایز می‌کنند (علی، ۱۳۸۴، ص. ۸۸).

جامعه که معادل آن به انگلیسی Society است طبق تعریف دکتر امیر حسین آریان پور، گروهی وسیع شامل سازمان‌های متعدد و مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک است که طی زمانی دراز از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشد. جامعه که وابسته محلی معین و از جوامع دیگر، کما بیش بی‌نیاز باشد. مارسل موس جامعه‌شناس فرانسوی جامعه را چنین تعریف کرده است: جامعه عبارت است از گروهی از انسان‌های که به شکل مداوم در یک سرزمین زندگی می‌کنند و شماری از زیرگروه‌ها و چندین نسل را دربر می‌گیرند (مدنی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۶).

ج) ارتباط سیاست و جامعه

ارتباط میان جامعه و سیاست، رابطه‌ای عمیق، متقابل و تفکیک‌ناپذیر است که در چارچوب علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به‌صورت گسترده مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از افراد با ارزش‌ها، هنجارها، باورها و منافع مشترک، بستر شکل‌گیری سیاست را فراهم می‌سازد؛ در واقع، نیازها، مطالبات و خواسته‌های اجتماعی است که جهت‌گیری‌های سیاسی، سیاست‌گذاری‌ها و ساختارهای قدرت را تعیین می‌کند. از سوی دیگر، سیاست نیز با وضع قوانین، توزیع قدرت و مدیریت منابع، تأثیر مستقیم بر ساختار و کارکرد جامعه دارد و می‌تواند موجب ثبات، توسعه یا حتی نابرابری و تنش در جامعه گردد. این رابطه دوسویه به این معناست که هیچ نظام سیاسی بدون پشتوانه اجتماعی پایدار نمی‌ماند و هیچ جامعه‌ای نیز بدون ساختار سیاسی منظم قادر به حفظ نظم و انسجام خود نیست. به‌عنوان مثال، مشارکت

سیاسی مردم مانند انتخابات، احزاب و نهادهای مدنی نشان‌دهنده تأثیر جامعه بر سیاست است، در حالی که تصمیمات دولت در حوزه‌هایی چون اقتصاد، آموزش و عدالت اجتماعی، بیانگر تأثیر سیاست بر جامعه می‌باشد. در جوامعی که این تعامل به صورت متوازن و پاسخ‌گو برقرار باشد، زمینه برای توسعه، عدالت و ثبات فراهم می‌شود؛ اما در صورتی که میان جامعه و سیاست شکاف ایجاد گردد، بی‌اعتمادی، نارضایتی و بحران‌های اجتماعی و سیاسی به وجود می‌آید.

برای علمای جامعه‌شناسی سیاست هم به عنوان یکی از شعبه‌های از علوم اجتماعی مطرح است. روش‌های مطالعه در شناسایی جامعه در علم سیاست هم بکار می‌رود. رفتار سیاسی افراد و گروه‌ها در جامعه شناسی بخشی از رفتار گروهی است. از طریق جامعه شناسی می‌توان فعالیت‌های سیاسی افراد و گروه‌ها را تجزیه و تحلیل نمود. سیاست یکی از انواع روابط اجتماعی است که به دلیل توسعه، جنبه‌ای استقلالی پیدا کرده است ولی در هر صورت روش تحقیق در علم سیاست جدا از روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی نیست. جامعه شناسی که با سیاست بیگانه باشد جامعه شناسی نیست و سیاست‌مداری که از اصول جامعه شناسی اطلاع نداشته باشد نمی‌تواند پدیده‌های سیاسی را کاملاً درک کند. همان طوری که در بالا ذکر گردید کلمه جامعه شناسی توسط اگست کنت مطرح شد و جانشین اصطلاحات دیگری که تا آن تاریخ بکار می‌رفت مثل فزیک اجتماعی گردید. بسیاری معتقدند که علم سیاست رشته‌ای از جامعه‌شناسی است که بعضی چیزهایی که به فن حکومت کردن یا دولت و رهبری روابط آن با سایر دولت‌ها است مطالعه می‌کند (مدنی، ۱۳۸۸، ص. ۴۷).

علم سیاست و جامعه شناسی دو رشته مستقل، اما به هم پیوسته و جدا ناپذیر علوم اجتماعی هستند و به تفاوت‌ها و نیز به پیوندهای اصلی آن به اجمال می‌توان اشاره کرد. عرصه جامعه شناسی از عرصه علم سیاست وسیع تر است. جامعه شناسی علم عام و فراگیر جامعه است و دولت که از نظر سیاست شناس آن چنان اهمیت دارد، مهم‌ترین نهادی است که از بطن جامعه بیرون آمده است. از آنجایی که جامعه شناسی و پیدایش و ماهیت همه نهادها اجتماعی سر و کار دارد، رهیافت آن به مطالعه دولت عام است. از سوی دیگر، علم سیاست از قدرت و اقتدار در جامعه بررسی گسترده به عمل می‌آورند. جامعه شناسی، به شکل‌های سازمان یافته و نیز اولیه و اصلی جامعه و جنبه‌های سیاسی و غیر سیاسی

اجتماعی انسان می‌پردازد، درحالی‌که علم سیاست بطور مستقیم به هیچ یک از این چیزها توجه ندارد بلکه یافته‌های جامعه‌شناسی درمورد منشا تحول جامعه و نیز منشا قدرت سیاسی و اقتدار را می‌پذیرد. از سوی دیگر، جامعه‌شناسی واقعیت‌های مربوط به سازمان و فعالیت‌های دولت را از علم سیاست عاریت می‌گیرد.

بنیان بسیاری از دانش‌های انسانی و اجتماعی امروزی در حکمت نظری و حکمت عملی، یا همان علم سیاست کلاسیک، که یک دانش چند رشته‌ای بوده، می‌باشد. این دانش در طول تاریخ دچار انشقاق در قالب رشته‌های مختلف شده است. در حال حاضر نیز مهم‌ترین مباحث این است که «خوشبختی چیست و چگونه حاصل می‌شود». در این مورد، هر مکتب فکری رأی خاصی دارد. تعریف خوشبختی برمی‌گردد به تعریفی که از زندگی داریم. تأثیرگذارترین متفکران در حال حاضر فیلسوفان اخلاق هستند یا متفکرانی که مطالعات خود را به این سمت سوق داده‌اند. «آمارتیا سن» برنده جایزه نوبل اقتصاد و متفکر برجسته در حوزه توسعه انسان، که از توسعه انسان سخن گفته نه از «توسعه انسانی»؛ او معتقد است که موضوع توسعه، خود انسان است و بنابراین توسعه، همانا «توسعه انسان» است. موضوع علم و فلسفه سیاست، که درست آن علم مدنی یا فلسفه مدنی، همان‌طور که فارابی گفته، می‌باشد. از کلمه «مدنی» استفاده کرده‌ام که نکته مهمی را در همین رابطه مطرح کنم و آن هم اغتشاش مفهومی و ابهامات نظری در مورد چیزی که آن را «علم سیاست» می‌نامند؛ است. البته این خود مصداقی از فهم نادرست از علوم انسانی و اجتماعی به‌طور کلی است (راش، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۴).

هیچ کدام از متفکران سیاسی با وجود تفاوت‌هایی که باهم دارند، موضوع و دغدغه کارشان حکومت و شکل آن نبوده و در نهایت به نوعی نظام تصمیم‌گیری می‌رسند. شهروندی یعنی «موجودی مدنی». «وند» در کلمه شهروند، مفهوم اتصال و تعلق و پیوند را می‌رساند. شهروند یعنی متعلق به جایی بودن. از نظر ارسطو، موجودی به‌عنوان انسان که غیرشهروند باشد وجود ندارد؛ چون خارج از شهر هیچ موجودی نمی‌تواند همچون انسان زندگی کند. انسان همین که در یک خانواده به دنیا می‌آید و به وسیله زبان با افراد خانواده ارتباط برقرار می‌کند، به عالمی که پیش از وی بوده وارد می‌شود. سپس هویت او شکل می‌گیرد. این‌طور نیست که انسان در ابتدا یک هویتی داشته باشد و بعد از آن در عالم وارد شود. هایدگر نیز از کلمه «بودن با» حرف می‌زند. یعنی ما نمی‌توانیم بگوییم «من هستم» بلکه ما همواره با چیزی هستیم و «با دیگران

هستیم در عالم زندگی» و با چیزهایی که پیرامون مان هستند و ارتباطهایی که داریم؛ در جهان وجود داریم (زریاب، ۱۳۷۳، ص. ۳۱).

در نتیجه، می‌توان گفت که جامعه و سیاست در یک رابطه پویا و وابسته به هم قرار دارند؛ جامعه منشأ مشروعیت و جهت‌دهنده سیاست است، و سیاست ابزار تنظیم، هدایت و سازمان‌دهی جامعه محسوب می‌شود.

د) نقش سیاست در جامعه افغانستان

سیاست یکی از عناصر بنیادی در شکل‌گیری، اداره و هدایت هر جامعه است. از تعیین ساختار قدرت تا نحوه توزیع منابع، از تضمین امنیت تا شکل‌گیری ارزش‌ها و قوانین اجتماعی، سیاست نقش مستقیم و غیرقابل انکار دارد. سیاست در افغانستان یکی از پرچالش‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی می‌باشد. در طول تاریخ معاصر، افغانستان صحنه تحولات شدید سیاسی از کودتا، جنگ‌های داخلی، مداخلات خارجی و تغییر رژیم‌ها بوده که همه اینها مستقیماً بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته‌اند. سیاست در افغانستان عرصه‌ی تعیین‌کننده برای سرنوشت مردم است، تأثیر سیاست را می‌توان در تمام وجوه زندگی مانند حقوق، آزادی، معیشت، فرهنگ و اقتصاد مشاهده کرد. هرچند سیاست می‌تواند فرصت‌های برای پیشرفت و عدالت فراهم کند، اما موانع زیادی بر سر راه آن قرار دارد. تحولات سیاسی از گذشته تا کنون نشان داده‌است که هر تغییری در حکومت، مستقیماً بر حقوق، اقتصاد، فرهنگ و امنیت مردم تأثیر می‌گذارد. سیاست در افغانستان باید بر پایه عدالت و شفافیت استوار باشد و از ابزاری برای قدرت به ابزاری برای خدمت به مردم تبدیل شود. در افغانستان سیاست همیشه با ساختار اجتماعی پیوند عمیقی داشته‌است (جاوید، ۱۳۹۰، ص. ۷۵). سیاست در هر جامعه با در نظر داشت فرهنگ، انگاره‌ها، شرایط و محیط داخلی آن جامعه معنا می‌یابد. بناً بدون فهم موارد فوق نمی‌توان درک درستی از سیاست در جامعه داشت. بنابراین، سیاستی را که غربی‌ها آفریده‌اند، با سیاست و حکومت که در کشور ما وجود دارد، جوهراً متفاوت است، زیرا انگاره‌ها، باور و فرهنگ کشور ما با کشورهای غربی فرق دارد.

۱- ارتباط سیاست با رفاه اجتماعی در افغانستان: ارتباط سیاست اجتماعی با رفاه اجتماعی ارتباطی دوسویه و از لحاظ منطقی سوری رابطه عموم و خصوص من وجه است به این مفهوم که اگر چه جهت‌گیری سیاست‌های اجتماعی باید به تقویت رفاه اجتماعی منجر شود، اما اتخاذ این سیاست‌ها در برخی مواقع همچون سیاست اجتماعی در چارچوب سیاست‌های تعدیل اقتصادی

و خصوصی سازی می تواند جهت بر عکس داشته باشد و در کنار آن، برخی سیاست های غیر مرتبط با سیاست اجتماعی، مانند سیاست خارجی یا سیاست دفاعی می تواند به افزایش یا کاهش رفاه اجتماعی منجر شود که مورد فوق در قالب سیاست های اجتماعی جای نمی گیرد. اما وجه اشتراک این دو را می توان در همزاد بودن و هم جهتی آنها دانست که وجه غالب هر دو به شمار می آید. امری که پس از تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و رنسانس در صحنه اجتماعی سیاسی پدیدار گردیده است. سیاست اجتماعی هم به مثابه یک رشته علمی و هم به عنوان یک ابزار برنامه اجرایی عمدتاً وجه بین رشته ای دارد. سیاست اجتماعی و رفاه اجتماعی از مبانی ایجابی مشترکی برخوردارند. سیاست اجتماعی، ابزار پیوند برنامه هایی مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در راستای ارتقاء توانمندی جامعه از جنبه هایی مختلف به شمار می رود (قنادان، ۱۳۸۲، ص. ۴۵).

سیاست اجتماعی مفهومی است که ارتباط دارد به تدبیر و اقدامات در جامعه، اما رفاه اجتماعی مفهومی است که ارتباط دارد به وضعیت تامین اجتماعی و حمایت اجتماعی در جامعه. رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی هر کدام به نوعی مشتمل بر دو مفهوم تامین اجتماعی و حمایت اجتماعی است. این دو اصطلاح، در این اینجا از دو جنبه دارای اهمیت است: نخست چگونگی روند تاریخی پیدایش مفهوم رفاه و سیاست اجتماعی؛ که حمایت و تامین اجتماعی از پایه های مهم این روند تاریخی به شمار می روند و دوم نقش اساسی این دو در ارتقای رفاه اجتماعی و تعیین سیاست اجتماعی در هر مقطع رابطه این دو با رفاه اجتماعی، رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ به عبارتی تمامی فعالیت ها در عرصه ای یاد شده در حیطه رفاه اجتماعی قرار می گیرد، اما رفاه اجتماعی فراتر از حیطه کارکردی این دو قرار دارد. نقش مردم و گروه های مختلف جامعه در زندگی سیاسی بیشتر در دوره های انقلاب و تحول اجتماعی محصور بوده است، مثلاً در طی قرن بیستم دهقانان در کشورهای مانند روسیه، چین، مکزیک، ویتنام، الجزایر، و کوبا نقش عمده در جنبش های انقلابی ایفا کردند و این جنبش ها زیر سایه سیاست قد علم نموده است ورنه قبل از قرن بیستم دهقانان علاقه در امور سیاسی نداشتند و به زندگی عادی خود مشغول بوده و امرار معاش می نمودند. این سیاست بود که دهقانان را دور هم جمع نمود و منجر شد که جنبش های انقلابی تشکیل شود. در بسیاری از کشورها سیاست باعث شد که دهقانان دست به گسترش روابط سرمایه داری بزنند و همچنین کوشش های سیاسی بود که رفته رفته به شورش های دهقانی انجامید (بخشایی، ۱۳۷۶، ص. ۲۰۶).

سیاست اجتماعی کلمه است که به نحو بارزتر و ملموس‌تری با تحولات اقتصادی ارتباط دارد. تنیدگی این ارتباط به گونه‌ای است که بسیاری آن را بیشتر مفهومی اقتصادی می‌دانند تا مفهومی اجتماعی. نخستین بار نیز در پی بحران ۱۹۲۹ و در برنامه موسوم معروف به نیودیل که جهت رویارویی با رکود اقتصادی طراحی گردیده بود در ایالات متحده امریکا به کار برده شد؛ گرچه در سال‌های پیش از آن در آلمان و انگلستان و فرانسه، برنامه‌هایی مرتبط با بیمه‌هایی اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی به آنجا به شکل مختلف تعریف و اجرا شده بود. سیستم‌های تامین اجتماعی در پی ایجاد تحولات شغلی و به تبع آن رشد قابل توجه طبقه کارگر وابسته به دستمزد بر مبنای مشارکت کارفرما، دولت و نیروی کار شکل گرفت و همچنان ادامه دارد. هدف این سیستم‌ها در وهله نخست تضمین و جبران برخی از خسارات وارده بر کارگران و تامین برخی از هزینه‌های درمانی آنان است. حیطه فعالیت تامین اجتماعی، اساساً محدوده نیروی کار فعال و موجود جامعه است و از نظر مفهومی نیز ناظر بر نوعی توزیع مناسب درآمد بین گروه‌های مختلف با توجه به خطر پذیری توزیع آن در طی زمان است.

ارتباط سیاست با رفاه اجتماعی در افغانستان بسیار نزدیک و تعیین‌کننده است، زیرا سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی مستقیماً بر نحوه توزیع منابع، دسترسی به خدمات عمومی و سطح زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. در حکومت قبلی افغانستان، بی‌ثباتی سیاسی، ضعف نهادهای حکومتی باعث شده بود که دولت در تأمین خدمات اساسی مانند آموزش، صحت و اشتغال با چالش‌های جدی مواجه باشد. این وضعیت منجر به گسترش فقر، افزایش بیکاری و کاهش سطح رفاه اجتماعی شده بود. از طرف دیگر سیاست می‌تواند نقش مثبت و سازنده‌ای نیز در بهبود رفاه اجتماعی ایفا کند، به شرط آن‌که مبتنی بر اصول عدالت، پاسخگویی و برنامه‌ریزی علمی باشد. در دوره‌هایی که ثبات نسبی سیاسی برقرار بوده و دولت توانسته است روابط مؤثری با جامعه جهانی برقرار کند، سطح کمک‌های بین‌المللی افزایش یافته و سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی بهبود یافته است. این امر به ارتقای سطح رفاه عمومی، کاهش فقر و بهبود شاخص‌های توسعه انسانی کمک کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که کیفیت سیاست‌گذاری و نحوه اعمال قدرت سیاسی، نقش اساسی در تعیین وضعیت رفاه اجتماعی در افغانستان دارد و هرگونه اصلاح در این حوزه، مستلزم تقویت نهادهای سیاسی و بهبود حکومتمداری خوب است (صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۰).

سیاست در تمام حوزه‌های زندگی مردم افغانستان تأثیرات عمیق دارد، تنها مختص در حوزه حکومتمداری نبوده بلکه در تمام ابعاد زندگی مردم افغانستان نقش اساسی و کلیدی

دارد، به‌ویژه در بخش تعلیم و تربیه رول اساسی را بازی می‌کند. سیاست تعیین می‌کند که در کدام بخش جامعه تحصیل نیاز است و کدام رشته باید تدریس شود و محتوای آن باید چه باشد. همچنان سیاست در بخش امنیت نیز نقش برجسته و تأثیرگذار دارد و استراتژی‌های امنیتی باید بر مبنی سیاست‌های کشور تعیین و تبیین شود. سیاست در افغانستان فقط در سطح نخبگان باقی نمی‌ماند، بلکه مستقیماً بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. تصمیمات سیاسی باعث جنگ یا صلح می‌شود درگیرهای مداوم، مهاجرت داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد آموزش، آب، برق و حمل نقل، همه وابسته به سیاست‌های دولت هستند. در افغانستان، سیاست نه تنها تعیین‌کننده سرنوشت کشور، بلکه عامل اصلی ثبات یا بحران در همه ابعاد زندگی است. اصلاحات سیاسی واقعی، شفافیت و عدالت اجتماعی می‌تواند زمینه ساز جامعه‌ای متعادل و باثبات باشند بدون اصلاح سیاست، توسعه پایدار ممکن نخواهد بود.

۲- ارتباط سیاست با اقتصاد در افغانستان: ارتباط سیاست و اقتصاد در افغانستان از جمله موضوعات اساسی در تحلیل‌های علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی به‌شمار می‌رود، زیرا این دو حوزه در بستر تاریخی و اجتماعی این کشور به‌گونه‌ای عمیق و متقابل بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. افغانستان طی دهه‌های اخیر شاهد بی‌ثباتی‌های سیاسی گسترده، جنگ‌های داخلی، تغییر نظام‌های حکومتی و مداخلات خارجی بوده است؛ عواملی که به‌صورت مستقیم ساختار اقتصادی کشور را تضعیف کرده‌اند. به‌گونه‌ای که بی‌ثباتی سیاسی موجب کاهش سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه، تخریب زیرساخت‌ها و رکود فعالیت‌های اقتصادی شده است (احمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۳).

سیاست همواره در تقسیم منابع، فرصت‌ها و دسترسی به خدمات عمومی نقش داشته است. در جوامع مثل افغانستان که ساختار قومی، مذهبی و زبانی متنوع دارد، سیاست می‌تواند عامل انسجام یا تفرقه باشد. سیاست اگر درست مدیریت نشود، باعث بی‌اعتمادی میان گروه‌های اجتماعی شده و سبب بی‌ثباتی سیاسی در جامعه خواهد شد. سیاست‌گذاران تصمیم می‌گیرند که منابع (اقتصادی، طبیعی، آموزشی و...) چگونه تخصیص یابند. اگر سیاست‌ها عادلانه و شفاف باشند، رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد؛ اما در شرایط فساد و تبعیض، سیاست می‌تواند عامل نابرابری و بی‌عدالتی شود. از سوی دیگر، دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به اقتصاد دارد، اما در زمان حکومت قبلی که در افغانستان ضعف مدیریت، نبود برنامه‌ریزی مؤثر و گسترش فساد اداری وجود داشت، منابع ملی به‌صورت کارآمد مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. همچنین، وابستگی شدید اقتصاد افغانستان به کمک‌های خارجی، بیانگر ضعف در سیاست‌های اقتصادی داخلی و عدم خودکفایی اقتصادی است.

(کریمی، ۱۳۹۵، ص. ۶۱). در عین حال، رابطه سیاست و اقتصاد در افغانستان یک‌سویه نیست، بلکه وضعیت اقتصادی نیز به‌طور جدی بر ثبات سیاسی تأثیر می‌گذارد (رحیمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۹).

سیاست در افغانستان نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت اقتصادی کشور دارد. تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، کمک‌های بین‌المللی، روابط با همسایگان و سیاست‌های مالی، همه در رشد یا رکود اقتصادی کشور تأثیر گذارند. امروز در افغانستان سیاست و اقتصاد باهم گره خورده است، یعنی سیاست و اقتصاد دو جزء مهم و اساسی منافع کشور به حساب می‌آید، بنابراین نیاز است افغانستان در شرایط کنونی برای تحکیم روابط سیاسی خود به منافع اقتصادی بیشتر توجه کند که این می‌تواند در برقراری روابط نیک و دوستانه میان کشورهای منطقه و افغانستان اثر مثبتی را داشته باشد، از جانب دیگر، در برقراری روابط تجارتي و اقتصادی خویش تلاش نماید با کشورهای دیگر روابط نیک و دوستانه برقرار نماید، زیرا برقراری روابط نیک با سایر کشورها باعث می‌گردد تا کشورهای منطقه نیز به هدف تأمین منافع اقتصادی خویش به ایجاد صلح و ثبات در افغانستان همکاری نمایند و بیشتر تلاش می‌ورزند با افغانستان در تمامی عرصه‌ها همکاری‌های مستمر را داشته باشند. افغانستان می‌تواند از موقعیت خویش به عنوان یک نقطه‌ی حائل در اتصال کشورها آسیای میانه با کشورهای جنوب شرق آسیا استفاده نماید و در ترانزیت اموال تجارتی میان کشورهای منطقه نقش تسهیل‌کننده را بازی کند. این موضوع می‌تواند به اقتصاد افغانستان موثر واقع شود. افزون براین، برقراری روابط تجاری و اقتصادی افغانستان با کشورهای منطقه و فرامنطقه می‌تواند زمینه را برای سرمایه‌گذاری در افغانستان بیشتر فراهم سازد.

برقراری روابط تجاری و اقتصادی میان افغانستان با کشورهای منطقه و فرامنطقه امکان دسترسی تولیدکنندگان داخلی، سرمایه‌گذاران و تجاران را به بازارهای کشورهای منطقه و فرامنطقه مساعد می‌سازد، در نتیجه آنها خواهند توانست با صدور تولیدات خویش به کشورهای مختلف مفاد بیشتری را بدست آورند و این امر در کاهش نرخ بیکاری و پائین آمدن گراف فقر نقش بارزی می‌تواند داشته باشد، بیشتر شدن میزان عرضه و تقاضا در بازارهای داخلی و خارجی روی افزایش میزان داخلی نیز اثر گذار است که باعث بالا رفتن سطح عواید داخلی می‌گردد، و بالا رفتن سطح عواید به دولت کمک می‌کند روی برنامه‌های ملی و زیربنایی؛ مانند احداث بند برق، بندهای آب، اعمار شاهراه‌ها و جاده‌های فرعی و اصلی در ولایات مختلف کار کند و در ایجاد ثبات اقتصادی کشور نقش مثبتی را بازی کند، افزون براین، افزایش میزان تولید و عرضه کالا روی گردش پول در داخل کشور اثر مثبتی می‌تواند داشته باشد و بستر مناسب را برای کسب درآمد مستقیم و غیر مستقیم برای بسیاری از افراد در نقاط مختلف کشور فراهم سازد، و

همین گونه، گردش پول ملی می تواند در نگهداشتین ارزش آن در برابر پول سایر کشورها زمینه را برای ظرفیت سازی مساعد می سازد و باعث آن می گردد تا بسیاری از افراد کارگر ساده به افراد ماهر و با ظرفیت تبدیل شوند و با تداوم کار در کارخانه های تولیدی تجارب زیادی را کسب نمایند. این موضوع زمینه اعزام نیروی کار ماهر و با ظرفیت را به سایر کشورها مساعد می سازد، در نتیجه دیده خواهد شد بسیاری از افراد خواهند توانست با کار کردن در کارخانه های تولیدی داخلی و خارجی مزد بهتر را بدست آورند و بتوانند با آن مخارج زندگی خود را تأمین نمایند.

اگر افغانستان بتواند تولیدات خود را افزایش بدهد می توانیم به یک کشور صنعتی و تولیدی تبدیل شویم و در صورتی که میزان فعالیت های اقتصادی ما بر اساس عرضه و تقاضا مطابقت داده نشود، طبیعی است که فعالیت های اقتصادی بی اثر خواهد بود، بنابراین در تولید کالا باید نیازمندی ها در داخل و خارج از کشور در نظر گرفته شود، در این صورت است که افزایش سطح تولید می تواند تأثیر مثبتی را در پی داشته باشد، به باور آگاهان امور در صورتی که نظام کنونی بتواند روابط تجاری و اقتصادی را با کشورهای منطقه و فرامنطقه گسترش دهد، این می تواند بستر مناسب را برای سرمایه گذاری در داخل کشور را فراهم سازد. به ویژه زمانی افغانستان بتواند در ترانزیت کالا میان کشورهای منطقه و فرامنطقه نقش فعالی را بازی کند، از این ناحیه مفاد خوبی را بدست خواهد آورد، این زمانی امکان پذیر است که افغانستان در روابط خود با کشورهای منطقه بویژه همسایگان خود از یک دیپلوماسی مؤثر و کارا کار گیرد تا بتواند توجه کشورهای منطقه را به این مسئله جلب کند، همین گونه میکانزه شدن زراعت نیز می تواند در افزایش میزان محصولات زراعتی اثر گذار باشد و به این ترتیب افغانستان خواهد توانست در زمینه تولید محصولات زراعتی به خود کفایی دست یابد و محصولات خود را به سایر کشورها به ویژه کشورهای منطقه صادر نماید. این می تواند زمینه کار را برای بسیاری از افراد در نقاط مختلف کشور فراهم سازد.

در مجموع، می توان گفت که سیاست و اقتصاد در افغانستان رابطه پیچیده، متقابل و تعیین کننده دارند؛ به گونه ای که بی ثباتی سیاسی موجب تضعیف اقتصاد شده و مشکلات اقتصادی نیز به نوبه خود بی ثباتی سیاسی را تشدید کرده اند. بنابراین، تحقق توسعه پایدار در افغانستان مستلزم ایجاد ثبات سیاسی، تقویت نهادهای دولتی، مبارزه با فساد و تدوین سیاست های اقتصادی کارآمد می باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به سوال مطرح شده که سیاست چه نقشی در اقتصاد و رفاه اجتماعی در افغانستان داشته می‌توان نتیجه گرفت که سیاست نه تنها به عنوان یک حوزه حکومتی، بلکه به عنوان عاملی بنیادین در شکل‌دهی به تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه عمل می‌کند. تجربه تاریخی افغانستان نیز گواه آن است که تحولات سیاسی همواره تأثیرات مستقیم و عمیقی بر ساختارهای اقتصادی، سطح رفاه عمومی و کیفیت زندگی شهروندان داشته است. در طول چند دهه اخیر، سیاست در افغانستان عمدتاً تحت تأثیر بی‌ثباتی، منازعات داخلی، مداخلات خارجی و ضعف نهادهای حکومتی قرار داشته است. این وضعیت باعث شده که دولت نتواند به صورت مؤثر وظایف اساسی خود مانند تأمین امنیت، اجرای عدالت و ارائه خدمات عمومی رایج‌درستی انجام دهد. در نتیجه، پیامدهایی چون گسترش فقر، بیکاری، مهاجرت گسترده در جامعه به وجود آمده است. با توجه به تنوعی قومی و زبانی سیاست می‌تواند ابزار همگرایی و عدالت باشد یا برعکس، عامل تفرقه و شکاف اجتماعی، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه سیاست بر مبنای عدالت، برابری و مشارکت همگانی استوار بوده، انسجام اجتماعی تقویت شده و هرگاه رویکردهای انحصاری حاکم بوده، اختلافات عمیق‌تر گردیده است. از طرف دیگر سیاست نقش تعیین‌کننده در ثبات یا بی‌کشور داشته است. دوره‌های نظام سیاسی بر پایه مشارکت و انسجام ملی عمل کرده، زمینه رشد نسبی و امید اجتماعی فراهم شده است، اما در زمان‌های که رقابت‌های قدرت، مداخلات خارجی و ضعف نهادهای دولتی غالب بوده، کشور با بحران، جنگ و ناامنی روبه‌رو شده است. بنأ کیفیت سیاست مستقیماً با سطح امنیت و رفاه اجتماعی پیوند دارد. سیاست در افغانستان تأثیر مستقیم و عمیق بر وضعیت اقتصادی مردم داشته و دارد. ساختار قدرت، نوع نظام سیاسی، ثبات یا بی‌ثباتی حکومت و نحوه تعامل با جهان، همگی بر معیشت روزمره شهروندان اثر می‌گذارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میان ثبات سیاسی و رشد اقتصادی رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. در دوره‌هایی که کشور از ثبات نسبی سیاسی و امنیت برخوردار بوده، زمینه برای سرمایه‌گذاری، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم فراهم شده است. در مقابل، بی‌ثباتی سیاسی، جنگ و ناامنی موجب کاهش سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه، افزایش بیکاری و تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی شده و در نهایت سطح رفاه اجتماعی را به طور چشمگیری کاهش داده است. از سوی دیگر، نوع سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، نحوه مدیریت منابع، و چگونگی تعامل با جامعه جهانی از جمله عواملی هستند که به طور مستقیم بر وضعیت اقتصادی افغانستان تأثیر می‌گذارند. وابستگی نسبی اقتصاد کشور به کمک‌های

خارجی و شرایط سیاسی بین‌المللی نیز اهمیت سیاست خارجی را در تعیین مسیر رشد اقتصادی دوچندان می‌سازد. در این میان، ضعف نهادهای حکومتی، فساد اداری و نبود برنامه‌ریزی مؤثر از چالش‌های اساسی در مسیر توسعه اقتصادی و تحقق رفاه اجتماعی به‌شمار می‌روند. همچنین، رفاه اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه، به‌شدت تحت تأثیر تصمیمات و رویکردهای سیاسی قرار دارد. سیاست‌های مرتبط با آموزش، صحت، اشتغال و توزیع عادلانه منابع می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی مردم ایفا کنند. در صورتی که این سیاست‌ها مبتنی بر عدالت، شفافیت و کارآمدی باشند، زمینه برای توسعه پایدار و انسجام اجتماعی فراهم خواهد شد. در نتیجه، می‌توان گفت که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ارتقای سطح رفاه اجتماعی در افغانستان، مستلزم ایجاد ثبات سیاسی، تقویت نهادهای دولتی، مبارزه با فساد، بهبود مدیریت اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های فراگیر و عادلانه است. بدون اصلاحات اساسی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی، دستیابی به توسعه واقعی و پایدار با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود. از این‌رو، سیاست‌گذاری آگاهانه و مسئولانه می‌تواند به‌عنوان کلید اصلی عبور از بحران‌ها و حرکت به‌سوی آینده‌ای باثبات و مرفه برای جامعه افغانستان تلقی گردد. سیاست در افغانستان هم‌زمان می‌تواند نقش مخرب و سازنده داشته باشد؛ به این معنا که در صورت ضعف و بی‌ثباتی، به تشدید بحران‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود، اما در صورت تقویت نهادهای سیاسی، حاکمیت قانون و مشارکت مردمی، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه، ثبات و بهبود کیفیت زندگی شهروندان گردد. بنابراین، آینده جامعه افغانستان تا حد زیادی به چگونگی تحول و کارآمدی نظام سیاسی آن وابسته است. بناً می‌توان گفت که بی‌ثباتی سیاسی و تغییرات مکرر در ساختار قدرت، موجب کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بیکاری، گسترش فقر و وابستگی شدید اقتصاد به کمک‌های خارجی شده است. این وضعیت تأثیرات منفی قابل توجهی بر شاخص‌های رفاه اجتماعی، از جمله دسترسی به خدمات صحتی، آموزشی، مسکن و امنیت اجتماعی داشته است.

در فرجام برای نویسندگان و محققان پیشنهاد می‌گردد که تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام دهند و تمرکز خود را بر تحلیل علمی رابطه میان ثبات سیاسی و شاخص‌های اقتصادی با استفاده از روش‌های کمی و کیفی، تأثیر بی‌ثباتی سیاسی، ضعف نهادهای حکومتی و سطح حکمرانی خوب را بر رشد اقتصادی، توزیع عادلانه منابع و کاهش فقر نمایند. همچنین، مطالعه کارایی سیاست‌های عمومی و برنامه‌های رفاهی در بهبود وضعیت معیشتی مردم، به‌ویژه در مناطق محروم، می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی و مبتنی بر شواهد کمک کند. از سوی دیگر، انجام تحقیقات مقایسه‌ای با کشورهای دارای شرایط مشابه و توجه به نقش عوامل بیرونی

مانند مداخلات بین‌المللی، برای درک بهتر ساختار اقتصادیسیاسی افغانستان ضروری است. استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای و تمرکز بر تولید داده‌های بومی و معتبر، می‌تواند به غنای ادبیات علمی در این حوزه بیفزاید و زمینه را برای سیاست‌گذاری مؤثرتر در راستای ارتقای رفاه اجتماعی فراهم سازد.

منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- احمدی، محمد. (۱۳۹۷). *اقتصاد افغانستان و چالش‌های توسعه*. کابل: سعید.
- بخشایی اردستانی، احمد. (۱۳۷۶). *اصول علم سیاست*. تهران: آوای نور.
- بشریه، حسین. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نی.
- پیتر، کیویستر. (۱۳۷۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نی.
- جاوید، عبدالرحمن. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان*. کابل: سپیده.
- راش، مایکل. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- رحیمی، فریدون. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان*. کابل: امیری.
- رویش، ویلفرد. (۱۳۸۸). *سیاست به مثابه علم*. ترجمه: داکتر ملک یحیی، تهران: سمت.
- زریاب، عباس. (۱۳۷۳). *ویل دورانت*. تهران: علمی و فرهنگی.
- صادقی، علی. (۱۴۰۰). *اقتصاد سیاسی افغانستان*. تهران: نشر دانشگاهی.
- علی، هادی. (۱۳۸۴). *جامعه‌مدنی و سیستم سیاسی اسلام*. ترجمه: عرفانی زمردی، تهران: احسان.
- قنادان، منصور. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*. تهران: آوای نور.
- کریمی، عبدالحمید. (۱۳۹۵). *وابستگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه*. مشهد: فردوسی.
- مدنی، جلال الدین. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: سمت.
- مقتدر، هوشنگ. (۱۳۵۸). *مباحث پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: سمت.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۹۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: سمت.

Framing the Onset of Conflict: A Comparative Analysis of CNN and Al Jazeera English Coverage of the Israel– Hamas War (October 7, 2023)

Sakhidad Mahdiyar^{1*}, Sabghatullah Ghorzang²

1*. Teaching Assistant, Ph.D Student, Department of Journalism, Faculti of Social Sciences, Jawzjan University, Sheberghan, Afghanistan (Corresponding Author).

Sakhi.mahdiyar@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0003-0356-0014>

2. Senior Teaching Assistant, Ph.D student, Department of Journalism, Faculti of Journalism, Kandahar University, Kandahar, Afghanistan.

sabghatullahghorzang7@gmail.com – <https://orcid.org/0000-0001-7478-0327>

(Received: 26/12/2025 - Accepted: 14/05/2026)

Abstract

During war and conflict, news media not only report events but also create initial interpretive frameworks that guide public understanding. This study examines the formation of these frameworks during the first three days of coverage (October 8–10, 2023) following the outbreak. We conducted a comparative quantitative content analysis of 60 news articles from CNN and Al Jazeera English (AJE), focusing on source selection, news tone, and depth of coverage. These dimensions are examined as observable framing mechanisms that shape early interpretations of the conflict. The results indicate apparent differences in framing strategies, despite a shared commitment to linguistic neutrality. CNN relied primarily on official US and government sources and provided brief, episodic coverage that framed the war primarily as a geopolitical crisis managed by diplomatic actors. AJE, in contrast, provided greater coverage and drew on a broader range of sources, including independent experts and victims of the war, to construct a thematic framework focused on the human consequences and historical context. This study argues that in the early stages of war, structural choices such as source selection and scope are crucial framing mechanisms that shape public opinion before the complexity of war is fully understood.

Keywords: *Al Jazeera English, CNN, Israel– Hamas conflict, Media framing, Public opinion, War journalism.*

*. **Citation:** Mahdiyar. S & Ghorzang. S .(2026). Framing the Onset of Conflict: A Comparative Analysis of CNN and Al Jazeera English Coverage of the Israel– Hamas War (October 7, 2023). *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*, 18(2), 115–127. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.93>

چارچوب بندی آغاز منازعه: تحلیل تطبیقی پوشش خبری سی‌ان‌ان و الجزیره انگلیسی از جنگ اسرائیل و حماس (۷ اکتبر ۲۰۲۳)

سخیداد مهدی‌یار^{۱*}، صبغت الله غورزنگ^۲

۱. پوهنیار محصل دوکتورا، دیپارتمنت ژورنالیزم، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون جوزجان، شیرغان، افغانستان (نویسنده مسئول). Sakhi.mahdiyar@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0003-0356-0014>
۲. پوهنمل محصل دوکتورا، دیپارتمنت ژورنالیزم، پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون قندهار، قندهار، افغانستان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴)

چکیده

در زمان جنگ و درگیری، رسانه‌های خبری تنها رویدادها را گزارش نمی‌کنند، آنها چارچوب‌های تفسیری اولیه‌ای را می‌سازند که درک افکار عمومی را جهت می‌دهد. این مطالعه به بررسی شکل‌گیری این چارچوب‌ها در سه روز نخست پوشش خبری (۸ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳) پس از آغاز درگیری پرداخته است. ما از یک تحلیل محتوای کمی مقایسه‌ای روی ۶۰ مقاله خبری از شبکه‌های سی‌ان‌ان و الجزیره انگلیسی استفاده کردیم و تمرکز خود را بر گزینش منابع، لحن خبر و عمق پوشش رسانه‌ای قرار دادیم. این ابعاد به عنوان سازوکارهای مشهود در چارچوب‌بندی (فرامتن‌سازی) بررسی شده‌اند که تفسیر اولیه از جنگ را شکل می‌دهند. یافته‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های آشکار در راهبردهای قاب‌بندی است، هرچند که هر دو شبکه به بی‌طرفی زبانی تعهد داشتند. سی‌ان‌ان عمدتاً بر منابع رسمی ایالات متحده و منابع دولتی اتکا داشت و پوششی گذرا و رویدادمحور (اپیزودیک) ارائه داد که جنگ را بیشتر به عنوان یک بحران ژئوپلیتیک تحت مدیریت بازیگران دیپلماتیک بازنمایی می‌کرد. در مقابل، الجزیره انگلیسی پوشش گسترده‌تری فراهم کرد و با بهره‌گیری از طیف وسیع‌تری از منابع، از جمله کارشناسان مستقل و قربانیان جنگ، یک چارچوب موضوعی (تماتیک) با تمرکز بر پیامدهای انسانی و بافت تاریخی رویداد ساخت. این پژوهش استدلال می‌کند که در مراحل اولیه جنگ، انتخاب‌های ساختاری مانند گزینش منابع و دامنه پوشش خبری، سازوکارهای حیاتی در قاب‌بندی هستند که افکار عمومی را، پیش از آنکه پیچیدگی‌های جنگ به طور کامل درک شود، شکل می‌دهند.

کلمات کلیدی: روزنامه‌نگاری جنگ، چارچوب‌بندی رسانه‌ای، منازعه اسرائیل و حماس، افکار عمومی، الجزیره انگلیسی، سی‌ان‌ان.

*. ارجاع: مهدی‌یار، سخیداد و غورزنگ، صبغت الله. (۱۴۰۴). چارچوب‌بندی آغاز منازعه: تحلیل تطبیقی پوشش خبری سی‌ان‌ان و الجزیره انگلیسی از جنگ اسرائیل و حماس (۷ اکتبر ۲۰۲۳). *مجله علمی-تحقیقی جوزجانان*، ۱۸(۲)، ۱۱۵-۱۲۷.

Introduction

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

When a violent conflict begins, the initial scarcity of information creates a gap that news media rush to fill. It is in these first hours and days that the most durable public narratives are forged. Scholars of political communication have long established that these early frames do not simply organize information; they define the very boundaries of legitimate interpretation for audiences (Entman, 1993; Scheufele, 1999). In the context of the latest Israel–Hamas war beginning on October 7, 2023, the global media landscape became an immediate battleground for meaning. Psychological research on the priming effect suggests that the criteria audiences use to judge political actors are set almost immediately (Higgins et al., 1985; Iyengar & Kinder, 2010). Once an interpretive frame such as unprovoked terror or resistance against occupation is established in the public mind, it becomes cognitively resilient, often resisting contradictory evidence that emerges later (Tversky & Kahneman, 1974). Therefore, analyzing the immediacy of coverage is not just about journalistic speed; it is about understanding the formation of public perception.

The contemporary media environment intensifies the significance of early coverage. The rapid circulation of news through digital platforms and social media amplifies initial narratives, allowing early frames to spread widely and solidify quickly across transnational audiences. As multiple news organizations compete to define what is happening in real time, divergent political, cultural, and ideological orientations often result in sharply contrasting representations of the same event. Consequently, understanding media coverage in the immediate aftermath of conflict is essential for assessing how public meaning is constructed rather than merely reported. The Israel–Hamas war that began with the Hamas attack on October 7, 2023, represents a salient case for examining these dynamics. The conflict rapidly escalated into a major international crisis, drawing intense global media attention and provoking polarized public reactions across different regions. Within this highly charged context, international news organizations played an important role in framing the conflict for their audiences from its very first moments.

This study focuses on the first three full days following the outbreak, because of their formative psychological and communicative significance. While audiences may continue to follow news about a conflict for weeks or months, research suggests that the earliest exposure often establishes the dominant interpretive schema through which later information is processed (Entman, 2004). Thus, examining media framing during this initial period provides critical insight into how enduring perceptions of the war may have been shaped.

To explore these processes, we conducted a comparative content analysis of news coverage published on the English-language websites of CNN and Al Jazeera English (AJE). CNN, as one of the most influential Western news organizations, plays a central role in shaping public opinion among American and broader Western audiences. Al Jazeera English, while rooted in the Global South, also addresses a global, English-speaking readership and has become a significant counterpoint to

Western-dominated news narratives. By comparing these two outlets, this study seeks to illuminate how different media systems frame the same conflict during its most consequential early phase, focusing on source selection, news tone, framing strategies, and depth of coverage.

Research Questions

Building on framing theory (Goffman, 1974), this study examines how early media coverage contributes to the construction of meaning in the initial phase of armed conflict. In this study, we try to answer the following research questions:

- RQ1:** What differences can be observed in the selection and use of news sources between CNN and AJE during the initial phase of the conflict?
- RQ2:** To what extent did the tone of coverage differ between CNN and AJE in terms of neutrality or partiality?
- RQ3:** What differences exist in the depth and scope of coverage between CNN and AJE as reflected in word count and narrative elaboration?

Literature and Theoretical Framework

Research on war journalism and media coverage of armed conflict has long emphasized the role of news framing in shaping public understanding of violence, responsibility, and legitimacy (Bishop & Fedorocsko, 2020; Nygren et al., 2018). Within communication studies, framing theory has provided a foundational lens for examining how media select, emphasize, and organize certain aspects of reality while marginalizing others (Entman, 1993). Closely connected to this perspective, agenda-setting and priming research demonstrates that media influence not only what audiences think about, but also how they evaluate political actors and events, particularly during periods of crisis and uncertainty (Iyengar & Kinder, 2010; McCombs & Shaw, 1972). A substantial body of empirical research has applied these theoretical frameworks to the study of war and conflict reporting, frequently through comparative content analysis. News media operating in different political, cultural, and ideological contexts tend to construct divergent narratives of the same conflict, particularly with respect to source selection, attribution of responsibility, and the prominence of humanitarian consequences.

Fornaciari (2012), for example, conducted a content analysis of Al Jazeera English and the BBC's coverage of the Egyptian revolution in early 2011. Focusing on five dominant frames (attribution of responsibility, conflict, human interest, economic consequences, and morality) the study found that while both outlets emphasized conflict-related frames, they differed in narrative emphasis. AJE devoted greater attention to mutual condemnation among political actors, whereas the BBC placed more focus on outcomes and the identification of winners and losers (Fornaciari, 2012). These findings illustrate how even broadly similar news organizations can produce distinct versions of reality through framing choices, particularly during moments of political upheaval. Similarly, Dimitrova and Connolly-Ahern (2007) examined online news coverage of the Iraq War across coalition countries and the Arab world. Their comparative framing analysis revealed that Arab media outlets predominantly emphasized military conflict and war violence, while coalition-country media focused more heavily on reconstruction and

post-war governance. The authors suggest that these differences reflect not only journalistic norms but also prevailing public opinion and political alignments within each media system. This study underscores the importance of contextual factors in shaping how wars are narrated, especially in their early and most volatile phases.

Comparative research has also explored distinctions between war journalism and peace journalism across different regions. Lee et al. (2006), analyzing coverage of the Iraq War and Asian conflicts across eight Asian newspapers, found that hard news reporting was largely dominated by war journalism frames, whereas editorials and opinion pieces more frequently employed peace journalism perspectives. Notably, their findings indicate that foreign-sourced news content relied more heavily on war frames than locally produced stories, highlighting the role of source origin in framing conflict narratives.

Source selection itself has been identified as a critical mechanism through which media framing operates. Ryan's (2004) analysis of U.S. newspaper editorials during the early stages of the War on Terror revealed a strong reliance on official government sources and a largely unidimensional framing of the conflict. Editorial narratives frequently implied that military retaliation was both necessary and inevitable, while moral and humanitarian consequences received limited attention (Ryan, 2004). This pattern demonstrates how early media framing can narrow the range of interpretive possibilities available to audiences at the outset of a conflict.

More recent scholarship has further emphasized differences between mainstream and alternative media in their framing of war. Alitavoli (2020), comparing opinion articles on "cnn.com" and "antiwar.com" during the Syrian conflict, found that CNN predominantly framed Bashar al-Assad as a villain and highlighted strategic dilemmas facing U.S. leadership, whereas antiwar.com advanced a more cohesive anti-intervention narrative by invoking the failures of previous wars and identifying actors who stood to benefit from continued military engagement (Alitavoli, 2020). This contrast illustrates how framing strategies vary not only across national contexts but also across media types and institutional orientations. Recent studies in the field of war reporting show that media narratives are deeply divided over geopolitics, as news organizations do not simply reflect developments on the battlefield but actively frame them through ideological prisms (Qiu et al., 2025; Rudakova, 2024).

Taken together, these studies demonstrate that media coverage of war is shaped by a complex interplay of framing practices, source selection, journalistic norms, and broader political and cultural contexts. However, while existing research has extensively examined differences in war framing across media systems, relatively little attention has been paid to the *immediate post-outbreak phase* of conflict, the critical period during which public perceptions are first formed and initial interpretive frames become cognitively entrenched. Building on this literature, the present study addresses this gap by focusing explicitly on the earliest days of the Israel–Hamas war in October 2023. By examining how CNN and AJE framed the conflict during this formative period, the study contributes to a deeper understanding of how early media narratives may shape enduring public interpretations of war.

This study operationalizes framing theory through three observable and measurable dimensions: source selection, news tone, and depth of coverage. First,

source selection is treated as a mechanism of authority and attribution framing, as the inclusion or exclusion of particular actors (e.g., government officials, experts, or affected individuals) implicitly assigns credibility and shapes interpretations of responsibility and legitimacy within the conflict. Second, news tone is conceptualized as evaluative framing, reflecting how media texts subtly signal alignment, neutrality, or partiality toward the actors involved, even within the constraints of professional journalistic objectivity. Third, depth of coverage, measured through article length and narrative elaboration, is linked to the distinction between episodic and thematic framing. Shorter, event-driven reports tend to promote episodic framing by focusing on discrete incidents, whereas more extensive and context-rich coverage facilitates thematic framing by situating events within broader historical, political, and humanitarian contexts. Together, these dimensions provide a structured framework for empirically examining how early-stage war narratives are constructed and communicated.

Methodology

This study adopts a quantitative content analysis approach (Riffe et al., 2024) to examine how the Israel–Hamas war was framed by international news media during the earliest stage of the conflict. Content analysis is particularly well suited for this research as it allows for the systematic, replicable, and objective examination of manifest and latent meanings in media texts, making it a widely used method in studies of war journalism and news framing (Krippendorff, 2019). Although the conflict began on October 7, 2023, this study focuses on coverage from October 8 to 10 in order to ensure consistency and completeness in the dataset. The first day of the conflict was characterized by highly fragmented and rapidly evolving information flows, with many news reports published in incomplete or continuously updated formats (e.g., live blogs and breaking news alerts). In contrast, the subsequent three days represent the first full news cycles in which relatively stable, fully developed articles became available across both outlets. Focusing on this period allows for a more systematic and comparable analysis of framing practices, minimizing inconsistencies caused by real-time reporting dynamics on the day of the outbreak. Although this time frame is limited, prior research in communication and political psychology suggests that early media exposure plays a disproportionate role in shaping durable public perceptions during periods of crisis (Entman, 2004; Iyengar & Kinder, 2010). Accordingly, this period is treated as a theoretically meaningful window for analysis.

Sampling

The study examines news articles published on the English-language websites of CNN and AJE. These two outlets were selected due to their global reach, international influence, and distinct institutional and geopolitical orientations. CNN represents one of the most prominent Western news organizations with substantial influence on American and Western audiences, while AJE addresses a global English-speaking audience and often provides alternative perspectives to Western-dominated news narratives. The data corpus comprises news articles related to the Israel–Hamas conflict published on the English-language websites of CNN and Al Jazeera English

(AJE) between October 8 and 10, 2023. Articles were retrieved using a structured search strategy combining keywords such as “Israel,” “Hamas,” “Gaza,” and “war,” applied within the internal search functions of each website. To ensure topical relevance and comparability, only articles published within the primary news sections were included.

The initial sampling frame consisted of all relevant articles published within this timeframe. From this data, a stratified random sampling procedure was employed to ensure equal representation across days and outlets. Specifically, 10 articles per day were randomly selected from each outlet, resulting in a total sample of 60 articles (30 from CNN and 30 from AJE). Randomization was conducted using a random number generator in Microsoft Excel to minimize selection bias and ensure replicability. While a sample size of 60 articles might appear limited for a general corpus analysis, it provides the necessary data for a micro-analysis of the critical 72-hour window. Only straight news reports were included in the sample. Opinion pieces, editorials, live blogs, videos, pictures and analytical commentaries were excluded in order to maintain consistency and focus on routine news framing practices.

Unit of Analysis

The primary unit of analysis in this study is the individual news article. Each article was coded in its entirety, including headlines and body text, as these elements collectively contribute to framing effects and audience interpretation. Drawing on established framing research (Dimitrova & Connolly-Ahern, 2007), the coding scheme was designed to capture key dimensions relevant to early-stage war coverage. The following variables were coded:

News Sources: The sources of information were categorized into: Media, War-affected individuals, Palestinian officials, Israeli officials, United States officials, Other official authorities, and Experts.

News tone: The articles were classified into three distinct categories: Neutral, Favorable toward Israel, and Favorable toward Hamas. In addition, articles were coded for the presence or absence of humanitarian emphasis, including references to civilian casualties, human suffering, destruction of infrastructure, and economic consequences.

Depth of Coverage: Depth of coverage is operationalized using article word count as a proxy for narrative elaboration. While word count does not fully capture all dimensions of framing depth, it provides a measurable indicator of the extent to which coverage moves beyond brief event reporting toward more detailed contextualization. Word count serves as an indicator of narrative elaboration and informational density, particularly relevant in the context of early conflict reporting where space allocation reflects editorial priorities. It should be clarified that the depth of coverage in this study was not assessed solely through word count. The concept also involved broader indicators related to narrative elaboration and contextualization. However, because aspects such as source selection and narrative detail were already addressed through separate analytical categories and research questions, the depth of coverage category specifically emphasized measurable indicators, such as article length and the extent of textual development, to avoid analytical overlap.

Coding Procedure

Following Neuendorf (2017) and Riffe et al. (2024), this study operationalized news tone, source selection, and depth of coverage through systematic quantitative coding categories. To ensure consistency and replicability, explicit decision rules were developed for each variable prior to analysis. A ‘source’ was defined as any explicitly cited or quoted individual, institution, or document providing information or interpretation within the article. Sources were categorized based on their institutional affiliation and role. ‘Officials’ included representatives of governments or formal political institutions, whereas ‘experts’ referred to academics, analysts, or independent specialists not directly affiliated with government bodies.

News tone was coded based on evaluative framing cues present in the text. Articles were classified as ‘neutral’ when they presented information without explicit evaluative language or asymmetrical attribution. Articles were coded as ‘favorable’ toward one party when they contained consistent positive or legitimizing language for that actor or disproportionately emphasized their perspective. Humanitarian emphasis was coded as present when the article included at least two references to civilian casualties, human suffering, infrastructural destruction, or economic consequences. This threshold was established to distinguish between incidental mention and sustained thematic emphasis. These coding rules were applied systematically across all articles to ensure analytical consistency.

Reliability and Data Analysis

Given the collaborative nature of this study, both authors were involved in developing the coding scheme and conducting the coding process. Comparative analysis focused on variations in source selection, tone, framing, and depth of coverage across the two outlets. Coding categories and decision rules were discussed and refined jointly prior to and during the analysis to ensure conceptual clarity and consistency. Throughout the coding phase, ambiguous cases were resolved through discussion and consensus between the authors, contributing to a shared understanding of category boundaries.

Findings

Source

The analysis reveals a striking disparity in who was granted a platform to speak during the initial 72 hours of the conflict. Both networks relied on official accounts to establish credibility, but the composition of these officials differed significantly. As shown in the data, CNN’s sourcing reflected a deeply state-centric orientation. In the sample of 30 articles, American officials were the dominant external voice, cited 14 times, nearly double the frequency found in Al Jazeera English (8 citations). This heavy reliance on U.S. perspectives effectively framed the conflict through the lens of Western diplomatic and strategic interests from the outset. Furthermore, CNN’s coverage was notably limited regarding non-state actors; the network did not cite a single independent expert in the sampled articles and included victim perspectives in only 10% of reports (3 citations total). In contrast, Al Jazeera English (AJE) constructed a far more diverse sourcing narrative. AJE utilized a significantly higher

volume of sources overall (averaging four per report compared to CNN's lower density) and moved beyond official narratives. AJE integrated 12 citations from experts and academics, a category entirely absent in the CNN sample, allowing for historical and political contextualization beyond the immediate violence. Additionally, AJE amplified the voices of those on the ground, citing war victims 16 times in a total of 30 news articles, approximately five times more than CNN. This suggests that while CNN prioritized the geopolitical dimension (what governments say), AJE focused on humanitarian and contextual aspects (what people experience and experts analyze). See figure 1 and figure 2 for more details.

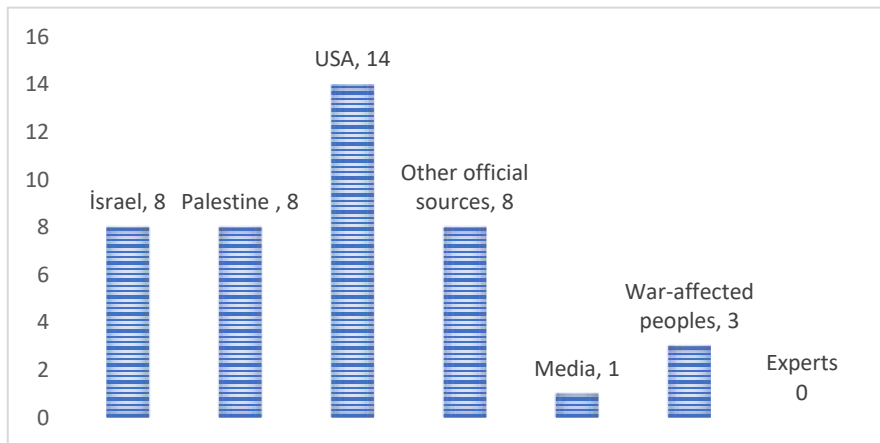


Figure 1. CNN sources

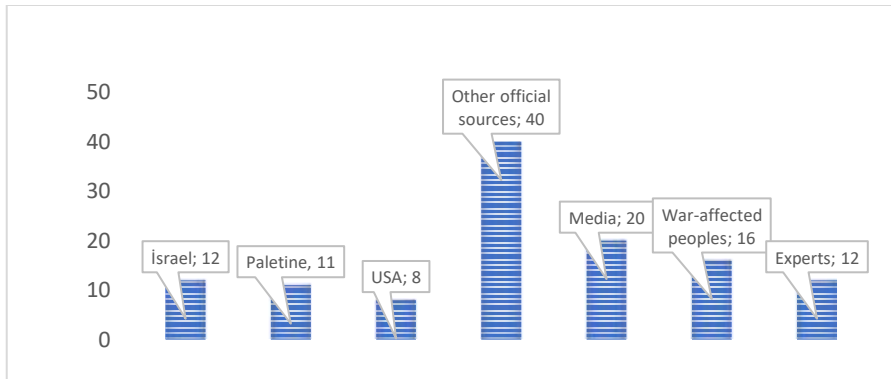


Figure 2. Al Jazeera English sources

News Tone

Linguistically, both outlets adhered to the professional norms of objective journalism. The vast majority of articles in both samples employed a neutral tone, with overt bias appearing only sporadically (one instance in CNN favoring Israel; four in AJE favoring Palestine). However, this linguistic neutrality masked a deeper divergence

in thematic emphasis. The data indicates that neutrality did not equate to detached observation for AJE. The network demonstrated a significantly sharper focus on the humanitarian consequences of the war. Approximately 36% of AJE's coverage centered explicitly on human rights, casualty counts, infrastructural damage, and economic fallout. In comparison, CNN addressed these humanitarian themes in only 20% of its reports. This suggests that AJE's framing strategy was to immediately foreground the *cost* of the conflict, whereas CNN's framing kept the focus tighter on the *events* of the conflict.

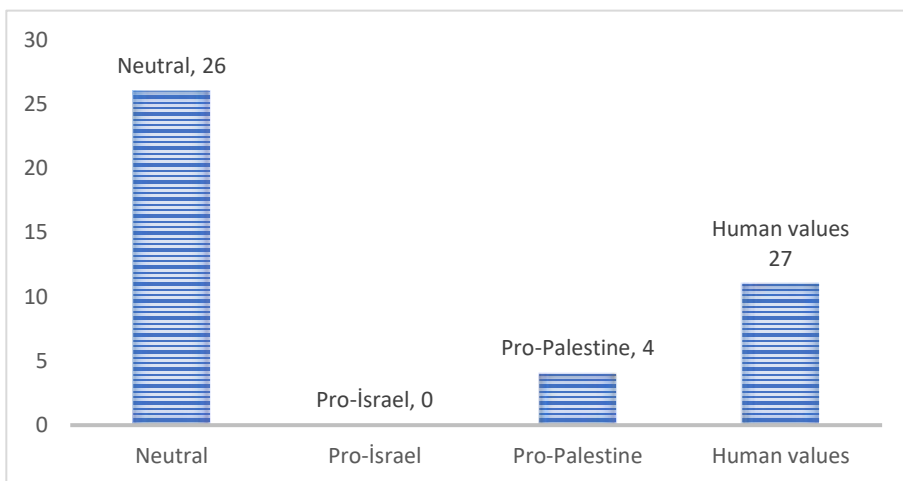


Figure 3. Al Jazeera English news tone

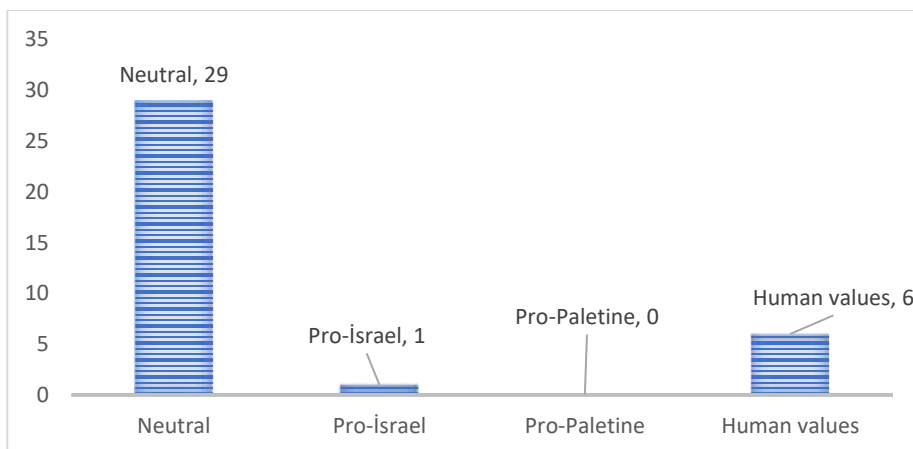


Figure 4. CNN News tone

Word Count

Perhaps the most quantifiable indicator of the differing editorial priorities lies in the depth of coverage. Although both networks covered the same three-day period, the

informational density provided to audiences varied drastically. AJE published a total of 17,682 words across the 30 sampled articles, averaging approximately 600 words per report. Conversely, CNN's total volume was less than half that figure, at 7,529 words, with an average article length of just over 250 words. This stark difference implies two distinct communicative functions: CNN's shorter reports functioned primarily as breaking news updates; rapid, episodic, and concise. AJE, on the other hand, utilized its lengthier format to provide thematic framing, likely offering the background, context, and nuance necessary to understand a complex historical conflict, rather than merely reporting on the latest exchange of fire.

Discussion

This study sought to capture the onset of war narratives, examining how CNN and AJE framed the Israel–Hamas conflict before standard media scripts fully hardened. The findings confirm that even in the first 72 hours, distinct editorial patterns emerged, challenging the notion of a uniform global information flow.

RQ1: *What differences can be observed in the selection and use of news sources between CNN and AJE during the initial phase of the conflict?*

The most significant divergence lay in the constructed narrative of sources. CNN's heavy reliance on American officials aligns with Ryan's (2004) observations on the "indexing" of Western media, where news coverage tends to strictly follow the parameters of elite political debate. By prioritizing U.S. and official state voices, CNN effectively framed the conflict as a geopolitical crisis requiring management, rather than a lived human catastrophe. This sourcing bias creates a hierarchy of credibility, where state actors are presented as the primary definers of truth. In contrast, AJE's inclusion of victims and experts suggests a deliberate emphasis on an alternative narrative. By broadening the source pool, AJE did not just report the news; it broadened the range of represented perspectives, validating the experiences of those suffering the violence (Lee et al., 2006).

RQ2: *To what extent did the tone of coverage differ between CNN and AJE in terms of neutrality or partiality?*

Our analysis indicates that while both CNN and AJE adhered to professional standards of linguistic neutrality, this objectivity did not result in uniform narratives. Consistent with Entman's (1993) definition of framing as selection and salience, the divergence was structural rather than stylistic. While CNN achieved neutrality by focusing on diplomatic protocols, AJE did so by documenting humanitarian impacts. This suggests that in early conflict reporting, neutrality is not a fixed variable but a flexible framework that allows distinct media systems to prioritize different aspects of reality such as humanitarian versus geopolitical, while retaining journalistic credibility.

RQ3: *What differences exist in the depth and scope of coverage between CNN and AJE as reflected in word count and narrative elaboration?*

The main difference in narrative depth indicates a fundamental difference in the assumed role of the journalist. CNN's brevity served the function of an alert system, prioritizing speed and factual updates, which tends to favor *episodic framing*. As Iyengar & Kinder (2010) notes, episodic coverage discourages audiences from assigning societal or historical responsibility, focusing instead on immediate acts.

Conversely, AJE's long-form approach allowed for thematic framing, providing the context necessary to understand the structural roots of the violence. This depth is crucial because, as Entman (2004) argues, framing involves selecting certain aspects of reality and making them more salient. AJE selected context and consequence, CNN selected event and reaction.

Conclusion

This study analyzed the coverage of the Israel–Hamas war in its immediate aftermath, showing that public narratives began taking shape during the initial period of uncertainty. By examining the first 72 hours of reporting on CNN and Al Jazeera English, the research illustrates how distinct media systems emphasized different aspects of the conflict. While both networks adhered to professional standards of linguistic objectivity, their framing strategies differed fundamentally. CNN employed a state-centric approach, prioritizing U.S. official sources to frame the conflict primarily as a geopolitical crisis. Al Jazeera English adopted a thematic approach, utilizing broader sourcing including victims and experts to highlight humanitarian and historical dimensions.

The findings suggest that neutrality is not a uniform standard but a variable practice shaped by institutional priorities. Although this study focused on a micro-analysis of the outbreak, these early editorial choices are critical as they likely establish the initial frameworks for public interpretation. The divergence in coverage may indicate that global audiences are somehow witnessing two different versions of reality. Future research should expand this inquiry by incorporating audience reception studies to measure how deeply these initial frames influence public opinion as the conflict continues to evolve.

References

- Alitavoli, R. (2020). Framing the news on the Syrian War: A comparative study of antiwar.com and cnn.com editorials. *Media, War and Conflict*, 13(4), 487–505. <https://doi.org/10.1177/1750635219850326>
- Bishop, R., & Fedorcsko, M. (2020). A Good Fooling: Journalism's Narrative of Surprise Military Homecomings. *Media, War and Conflict*, 13(3), 300–317. <https://doi.org/10.1177/1750635219828760>
- Dimitrova, D. V., & Connolly-Ahern, C. (2007). A tale of two wars: Framing analysis of online news sites in coalition countries and the Arab World during the Iraq War. *Howard Journal of Communications*, 18(2), 153–168. <https://doi.org/10.1080/10646170701309973>
- Entman, R. M. (1993). Framing: Towards Clarification of a Fractured Paradigm Framing. *Journal of Communication*, 43(4), 51–58.
- Entman, R. M. (2004). *Projections of power: Framing news, public opinion, and US foreign policy*. University of Chicago Press.
- Fornaciari, F. (2012). Framing the Egyptian revolution: A content analysis of al Jazeera English and the BBC. *Journal of Arab and Muslim Media Research*, 4(2–3), 223–235. https://doi.org/10.1386/jammr.4.2-3.223_1
- Goffman, E. (1974). *Frame Analysis: An Essay on the Organization of Experience*. Harvard University Press.
- Higgins, E. T., Bargh, J. A., & Lombardi, W. J. (1985). Nature of priming effects on categorization. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 11(1), 59–69.
- Iyengar, S., & Kinder, D. R. (2010). *News That Matters: Television and American Opinion*.

- University of Chicago Press.
- Krippendorff, K. (2019). *Content analysis: An introduction to its methodology* (4th ed.). SAGE Publication.
- Lee, S. T., Maslog, C. C., & Kim, H. S. (2006). Asian conflicts and the Iraq war: A comparative framing analysis. *International Communication Gazette*, 68(5–6), 499–518. <https://doi.org/10.1177/1748048506068727>
- McCombs, M. E., & Shaw, D. L. (1972). The Agenda-Setting Function of Mass Media. *Public Opinion Quarterly*, 36(2), 176–187. <https://doi.org/10.1086/267990>
- Neuendorf, K. A. (2017). *The Content Analysis Guidebook* (2nd ed.). SAGE Publications.
- Nygren, G., Glowacki, M., Hök, J., Kiria, I., Orlova, D., & Taradai, D. (2018). Journalism in the Crossfire: Media coverage of the war in Ukraine in 2014. *Journalism Studies*, 19(7), 1059–1078. <https://doi.org/10.1080/1461670X.2016.1251332>
- Qiu, X., Yu, W., Huang, Y., & Yang, J. (2025). Emotional Geopolitics of War: Disparities in Russia–Ukraine War Coverage Between CGTN and VOA. *Journalism and Media* 2025, Vol. 6, Page 208, 6(4), 208. <https://doi.org/10.3390/JOURNALMEDIA6040208>
- Riffe, D., Lacy, S., Watson, B. R., & Jennette, L. (2024). *Analyzing Media Messages: Using Quantitative Content Analysis in Research* (5th ed.). Routledge.
- Rudakova, A. (2024). News Framing of the Ukrainian-Russian War: A Comparative Analysis of Russian and American News Media [University of Arkansas]. In *ScholarWorks*. <https://scholarworks.uark.edu/etd/5230>
- Ryan, M. (2004). Framing the war against terrorism. *GAZETTE: The International Journal for Communication Studies*, 66(5), 363–382. <https://doi.org/10.1177/0016549204045918>
- Scheufele, D. A. (1999). Framing as a theory of media effects. *Journal of Communication*, 49(1), 103–122. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.1999.tb02784.x>
- Tversky, A., & Kahneman, D. (1974). Judgment under uncertainty: Heuristics and biases. *Science*, 185(4157), 1124–1131. <https://doi.org/10.1126/science.185.4157.1124>

بررسی نقش حاصلات انگور در تقویت اقتصاد خانوار دهاقین (مطالعه موردی: ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب)

عبدالمنان ظهیر^۱، زین الله متین^۲

*۱. پوهنیار، دیپارتمنت انجیری مواد غذایی، پوهنځی انجیری صنایع کیمیاوی، پوهنتون جوزجان، شبرغان، جوزجان (نویسنده مسئول). ustadmanan2018@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0003-3086-2172>

۲. نامزد پوهنیار، دیپارتمنت انجیری مواد غذایی، پوهنځی انجیری صنایع کیمیاوی، پوهنتون جوزجان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۳۱)

چکیده

زراعت و باغداری به عنوان یکی از ارکان مهم اقتصاد افغانستان، نقش اساسی در بهبود وضعیت معیشتی خانواده‌های دهاقین ایفا می‌کند. این تحقیق با استفاده از مطالعه موردی در ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب انجام شده است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد پیمایشی می‌باشد. هدف اصلی این تحقیق، سنجش تأثیر حاصلات انگور بر وضعیت اقتصادی خانواده‌های زراعت‌پیشه است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده گردیده و تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه در میان باشندگان ولسوالی شیرین تگاب توزیع شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ و به کارگیری مدل رگرسیون لجستیک مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان متغیر مستقل (حاصلات انگور) و متغیر وابسته (اقتصاد خانواده‌های دهاقین) رابطه مثبت و معنادار آماری وجود دارد؛ به گونه‌ای که ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۶۹۳ به دست آمده است. این نتایج بیانگر آن است که تولید و فروش انگور تأثیر قابل توجهی بر بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های دهاقین در منطقه مورد مطالعه دارد. بر بنیاد یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که نهادهای ذی‌ربط با فراهم‌سازی تسهیلات زراعتی، ارائه آموزش‌های فنی، بهبود زیرساخت‌های نگهداری و پروسس محصولات، و تسهیل دسترسی به بازارهای فروش، از باغداری در مناطق روستایی، به‌ویژه ولسوالی شیرین تگاب، حمایت نمایند تا سطح درآمد و رفاه اقتصادی خانواده‌های دهاقین به گونه پایدار ارتقا یابد.

کلمات کلیدی: اقتصاد، انگور، باغداری، خانواده، زراعت، شیرین تگاب.

*. ارجاع: ظهیر، عبدالمنان و متین، زین الله. (۱۴۰۴). بررسی نقش حاصلات انگور در تقویت اقتصاد خانوار دهاقین (مطالعه موردی: ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب). مجله علمی - تحقیقی جوزجانان، ۱۸ (۲) ۱۲۹-۱۴۹.

Investigating the Rule of Grape Production in Strengthening the Economy of Farmer's Families (A Case Study: Shirin Tagab District, Faryab Province)

Abdul Manan Zahir^{1*}, Zainullah Matin²

1*. Teaching Assistant, Department of Food Engineering, Faculty of Industrial Chemical Engineering, Jawzjan University, Sheberghan, Jawzjan (Corresponding Author).

ustadmanan2018@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0003-3086-2172>

2 Instructor, Department of Food Engineering, Faculty of Industrial Chemical Engineering, Jawzjan University, Sheberghan, Jawzjan

(Received: 11/03/2026 - Accepted: 20/04/2026)

Abstract

Agriculture and horticulture, as key pillars of Afghanistan's economy, play a significant role in improving the livelihoods of farmers' families. This study, entitled "Investigating the Role of Grape Production in Strengthening the Economy of Farmers' Families," was conducted as a case study in Shirin Tagab District of Faryab Province. The main objective of this research is to assess the impact of grape production on the economic status of farming households. The significance of this study lies in its potential to provide evidence-based insights for policymakers and supporting institutions to promote agricultural development and enhance farmers' livelihoods. Data were collected using a survey method, and 100 questionnaires were distributed among residents of Shirin Tagab District, Faryab Province. The collected data were analyzed using SPSS (version 24) and a logistic regression model. The findings reveal a positive and statistically significant relationship between the independent variable (grape production) and the dependent variable (household economy), with a coefficient of determination (R^2) of 0.693. These results indicate that grape production has a substantial impact on improving the economic conditions of farmers' families in the study area. Based on the findings, it is recommended that the government and relevant institutions support horticulture and grape production in rural areas—particularly in Shirin Tagab District—through the provision of agricultural inputs, technical training, and improved access to markets. Such measures can contribute to the sustainable improvement of farmers' income and overall economic well-being.

Keywords: Agriculture, Grape Production, Horticulture, Household Economy, Shirin Tagab.

*. **Citation:** ZAHIR, A. & Matin, Z. (2026). Investigating the Rule of Grape Production in Strengthening the Economy of Farmer's Families (A Case Study: Shirin Tagab District, Faryab Province). *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*. 18(2), 129–149. <https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.94>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

زراعت در افغانستان نه تنها به عنوان یک منبع اشتغال و درآمد، بلکه به عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی شناخته می شود. اکثریت باشندگان مناطق روستایی، به ویژه در ولایت های شمالی مانند فاریاب، معیشت خویش را از طریق فعالیت های زراعتی تأمین می کنند. یکی از مهم ترین بخش های زراعت، باغداری و تولید انگور می باشد که به دلیل داشتن ارزش غذایی، تجاری و صادراتی، نقش مهمی در تقویت اقتصاد خانواده ها دارد.

در مناطق روستایی افغانستان، از جمله ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب، تولید انگور افزون بر تأمین بخشی از نیازهای غذایی خانواده ها، یکی از منابع مهم درآمد و معیشت دهاقین به شمار می رود. افغانستان به دلیل شرایط اقلیمی مناسب و سابقه طولانی در باغداری، ظرفیت قابل توجهی برای توسعه تولید، فرآوری و بازاریابی محصولات باغی به ویژه انگور دارد. با این حال، چالش هایی مانند ضعف زیرساخت های زنجیره ارزش، محدودیت دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی، کمبود تأسیسات پروسس و ذخیره سازی، و وابستگی به واسطه ها، مانع بهره برداری کامل از ظرفیت های اقتصادی این بخش شده است. توسعه زیرساخت ها، بهبود نظام بازاریابی و تقویت زنجیره ارزش می تواند نقش مهمی در افزایش درآمد دهاقین و توسعه اقتصادی مناطق روستایی ایفا نماید (لودین و ناصری، ۱۴۰۴، ص ۶۳).

در این میان، تحقیق هایی که بتوانند تأثیر مستقیم تولید انگور بر وضعیت اقتصادی خانواده های دهاقین را تحلیل نمایند، می توانند نقش مهمی در سیاست گذاری و برنامه ریزی سکتور زراعت و انکشاف دهات ایفا کنند. این تحقیق نیز با هدف بررسی نقش حاصلات انگور در تقویت اقتصاد خانواده های دهاقین ولسوالی شیرین تگاب انجام یافته و تلاش شده است تا با استفاده از ابزار پرسش نامه و تحلیل آماری توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴، روابط میان متغیر مستقل (تولید انگور) و متغیر وابسته (اقتصاد خانواده های دهاقین) مورد بررسی قرار گیرد. مطالعه که توسط احمد خسرو (۲۰۱۵) تحت عنوان تولیدات انگور در افغانستان صورت گرفته بیان میکند که توسعه صنعت انگور افغانستان مستلزم اصلاح انواع انگور، استفاده از روش های نوین تولید، تقویت برنامه های مدیریت تلفیقی آفات و بیماری ها و بهبود شیوه های بسته بندی، نگهداری و پروسس محصول بوده؛ همچنان افزایش عملکرد در واحد سطح، گسترش زیرساخت ها و امکانات بازاریابی، ایجاد هماهنگی و همکاری مؤثر میان دهقانان، تاجران، نهادهای دولتی و بخش خصوصی، و برگزاری برنامه های آموزشی و ترویجی برای باغداران از

مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه پایدار این بخش به شمار می‌روند. علاوه بر این، دسترسی به تکنالوژی‌های نوین زراعتی، انتقال دانش مسلکی و بهره‌گیری از ابتکارات علمی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای کیفیت و کمیت تولید، افزایش ارزش افزوده، بهبود توان رقابتی انگور و کشمش افغانستان و گسترش حضور این محصولات در بازارهای داخلی و بین‌المللی ایفا کند.

این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که حاصلات انگور تاجه حد بر اقتصاد خانواده‌های دهاقین در ولسوالی شیرن تگاب تأثیر دارد؟ هم چنین، تأثیر خاص حاصلات انگور بر اقتصاد خانواده‌ها به عنوان پرسش‌های فرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس از فرضیه اصلی تحقیق به نظر می‌رسد که حاصلات انگور تأثیر معنادار و مثبتی بر اقتصاد خانواده‌ها داشته باشد. اهداف این تحقیق را می‌توان «سنجش نقش حاصلات انگور بر اقتصاد خانواده‌های دهاقین» به عنوان هدف اصلی و «تحلیل تأثیر جداگانه حاصلات انگور» به عنوان اهداف فرعی شمار کرد.

هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش حاصلات انگور در تقویت اقتصاد خانوار دهاقین ولسوالی شیرین تگاب می‌باشد. انگور به‌عنوان یکی از محصولات مهم باغداری در افغانستان، بخصوص در ولایت فاریاب ولسوالی شیرین تگاب، دارای ارزش اقتصادی بالا بوده و می‌تواند از طریق ایجاد درآمد نقدی، افزایش فرصت‌های شغلی و توسعه فعالیت‌های زنجیره ارزش، تأثیر قابل توجهی بر بهبود وضعیت معیشتی خانوار دهات داشته باشد. مطالعه‌ای که توسط عاطف و همکاران (۲۰۱۸) درباره روند تولید و وضعیت صادرات کشمش در افغانستان انجام شده بیانگر آنست که تولید انگور، مساحت کشت و میزان حاصل‌دهی آن در افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. بر اساس یافته‌های تحقیق آنان، ولایت قندهار بزرگ‌ترین تولیدکننده انگور کشور محسوب می‌شود. همچنان با وجود آن‌که مقدار صادرات کشمش افزایش اندکی داشته؛ ارزش صادرات آن رشد چشمگیری را نشان می‌دهد. این مطالعه همچنان بیان می‌کند که افغانستان از جمله تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم کشمش در جهان به شمار رفته و هندوستان مهم‌ترین بازار صادراتی کشمش افغانستان می‌باشد.

هدف دیگر، بررسی نقش بازاررسانی محصولات انگور در بهبود وضعیت اقتصادی دهاقین است. دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی و کاهش واسطه‌ها از عوامل کلیدی در افزایش سودآوری محصولات زراعتی محسوب می‌شود در صورتی که زنجیره بازاریابی به‌درستی مدیریت گردد، سهم تولیدکنندگان از قیمت نهایی افزایش یافته و درآمد آنان بهبود می‌یابد.

(FAO, 2019). ایجاد ارتباط مؤثر میان تولیدکنندگان و بازارها، تقویت زنجیره‌های ارزش و بهبود دسترسی به بازار، از مهم‌ترین راهکارهای توسعه پایدار سیستم‌های زراعتی و افزایش عواید روستایی به‌شمار می‌رود (FAO, 2022). همچنین این تحقیق به شناسایی چالش‌های موجود در تولید و فروش انگور، از جمله کمبود زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، نبود سردخانه‌ها و محدودیت دسترسی به بازارهای بزرگ می‌پردازد. این عوامل از مهم‌ترین موانع توسعه بخش باغداری محسوب می‌شوند و با افزایش ضایعات پس از برداشت، کاهش کیفیت محصولات و محدود شدن فرصت‌های بازاریابی، بر درآمد و بهره‌وری اقتصادی دهاقین تأثیر منفی می‌گذارند (تی آر تی فارسی، ۱۴۰۲).

پناهی و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی تأثیر صادرات محصولات زراعتی بر رشد اقتصادی ولایت اردبیل در دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ دریافتند که در کوتاه‌مدت، صادرات محصولات زراعتی و تعداد شاغلان بخش زراعت تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته همچنان در بلندمدت، صادرات محصولات زراعتی، تسهیلات بانکی، اشتغال در بخش زراعت و نرخ تورم نیز اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته‌اند. بر این اساس آنان پیشنهاد نمودند که با افزایش حمایت‌های بانکی از دهاقین و رفع موانع صادرات محصولات زراعتی، زمینه رشد بیشتر اقتصاد خانواده‌های دهاقین فراهم شود.

همچنان نتایج این تحقیق می‌تواند در بهبود سیاست‌های زراعتی، توسعه زنجیره ارزش محصولات باغداری و تقویت بازاریابی مؤثر واقع شود. ضعف در زنجیره تولید و بازاریابی یکی از چالش‌های اساسی در بخش باغداری افغانستان است که باعث کاهش سودآوری دهاقین می‌گردد. بنابراین، شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی می‌تواند نقش مهمی در افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری محصولات باغداری داشته باشد (Safi, 2018, p. 167).

در مجموع، اهمیت این تحقیق در آن است که می‌تواند رابطه میان تولید انگور و بهبود اقتصاد خانواده‌های روستایی را به‌صورت علمی تحلیل کرده و زمینه‌ساز توسعه پایدار، کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی در مناطق روستایی افغانستان گردد. بنابراین این سوالات مطرح می‌شود که حاصلات انگور تا چه اندازه بر اقتصاد خانواده دهاقین ولسوالی شیرین تگاب تأثیر دارد؟ تولید انگور چه تأثیری بر افزایش درآمد خانواده دهاقین دارد؟ عوامل بازاریابی تا چه حد بر سودآوری تولید انگور اثرگذار است؟ کدام چالش‌ها در مسیر تولید و فروش انگور وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

مطالعات جدید در حوزه اقتصاد زراعتی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقای ارزش افزوده و بهره‌وری این بخش به‌شمار می‌رود. در

این راستا، خسروی و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی درباره تأثیر مخارج تحقیق و توسعه بر ارزش افزوده بخش زراعتی ایران طی دوره ۱۹۷۱ تا ۲۰۲۱، با استفاده از مدل اقتصادسنجی ARDL نشان دادند که هزینه‌های تحقیق و توسعه در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد ارزش افزوده این بخش است. نتایج این مطالعه نشان داد که با افزایش یک فیصدی مخارج تحقیق و توسعه، ارزش افزوده بخش زراعتی در کوتاه‌مدت حدود ۰.۴۵ فیصد و در بلندمدت حدود ۰.۵ فیصد افزایش می‌یابد. افزون بر این، موجودی سرمایه و نیروی کار نیز اثر مثبت و معناداری بر رشد این بخش داشته‌اند که بیانگر نقش کلیدی نوآوری، تکنالوژی و تحقیق در توسعه پایدار زراعت است.

تحقیق که توسط سیرت و همکاران (۱۴۰۳) صورت گرفته؛ محصول انگور را از نگاه اقتصادی درولسوالی فیروز نخجیر ولایت سمنگان بررسی نموده‌اند؛ ایشان بیان میکنند که آبیاری مناسب، استفاده از کود و مدیریت صحیح تولید، موجب افزایش رشد انگور می‌شود؛ در حالی که کمبود امکانات، ضعف میکانیزه سازی، نبود سردخانه‌های معیاری و مصارف بالای تولید، بهره‌وری و سودآوری را کاهش می‌دهند. بنابراین، توسعه زیرساخت‌ها، آموزش باغداران، بهبود مدیریت پس از برداشت و حمایت از تولیدکنندگان، برای افزایش تولید، صادرات و درآمد باغداران ضروری است.

یونسی و همکاران (۲۰۲۳)، در تحقیقی تحت عنوان «رشد و بی‌ثباتی مساحت کشت، تولید و حاصل‌دهی انگور در افغانستان» انجام داده‌اند؛ توضیح میدهند که طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۰، تولید انگور در ولایت‌های قندهار و غزنی افزایش یافته است. این افزایش در ولایت قندهار عمدتاً ناشی از گسترش مساحت کشت انگور و در ولایت غزنی ناشی از افزایش حاصل‌دهی انگور بوده است. در مقابل، تولید انگور در ولایت‌های کابل، پروان و زابل به دلیل خشکسالی، مشکلات اقتصادی دهاقین، ناامنی و تبدیل باغ‌های انگور به سایر محصولات زراعتی کاهش یافته و با بی‌ثباتی قابل توجهی همراه بوده است. تحقیق آنان همچنان نشان داد که حاصل‌دهی انگور در افغانستان در مقایسه با بسیاری از کشورهای تولیدکننده پایین بوده و برای افزایش تولید و توسعه صادرات، بهبود ارقام انگور، روش‌های تولید، مدیریت آفات و بیماری‌ها، بسته‌بندی و پروسس این محصول ضروری است.

منابع اصلی رشد در بخش زراعتی بیش از هر چیز جهت پرکردن سرمایه فیزیکی و بهبود بهره‌وری نیروی کار وابسته است. در این راستا، وانگ و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیقی درمورد عوامل تعیین‌کننده رشد تولید زراعتی بالای اقتصاد در حال توسعه نشان دادند که افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های زراعتی، میکانیزه‌سازی تولید و بهبود مهارت نیروی کار، نقش

اساسی در ارتقای رشد بخش زراعتی دارد. یافته‌های مطالعه آنان تأکید می‌کند که ترکیب سرمایه‌گذاری فیزیکی و توسعه سرمایه انسانی، به عنوان دو عامل مکمل، می‌تواند رشد پایدار در بخش زراعتی را تقویت کند.

کشت انگور یکی از منابع مهم درآمد برای دهاقین بوده و نقش مؤثری در بهبود امنیت غذایی و افزایش رفاه خانواده‌ها دارد. بناءً دسترسی محدود به بازار، مانع اصلی توسعه این بخش و بهره‌برداری کامل از ظرفیت تولید انگور محسوب می‌شود. محققان تأکید کرده‌اند که سرمایه‌گذاری در صنایع پروسس انگور، تقویت ارتباط با بازارها، ارائه حمایت‌های فنی و توسعه اتحادیه تولیدکنندگان می‌تواند به افزایش بهره‌وری، توسعه بازار، کاهش فقر روستایی و بهبود امنیت غذایی کمک کند (Lwelamira et al., 2015, p. 77).

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی بوده و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. در این راستا، برای استخراج ادبیات موضوع و مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌های میدانی از روش پیمایشی استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق را باشندگان ولسوالی شیرین تگاب و محصلان ولسوالی شیرین تگاب در پوهنتون جوزجان، تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام شده و حجم نمونه شامل ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شده است که پرسشنامه‌ها در میان آنان توزیع گردید.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسشنامه بود. این پرسشنامه که در سه بخش اطلاعات دیموگرافی، پرسش‌های دوگزینه‌ای و پرسش‌های پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) طراحی شده بود، به عنوان ابزار استاندارد و مناسب برای دستیابی سریع به نظرات پاسخ‌دهندگان در نظر گرفته شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰.۷۱۲ به دست آمد و پایایی مطلوب ابزار تحقیق را تأیید نمود.

داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ و به کارگیری مدل رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش آمار توصیفی، داده‌ها در قالب جداول توزیع فراوانی ارائه شده‌اند.

الف) مبانی نظری

۱. زراعت

زراعت یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در افغانستان محسوب می‌شود که نقش اساسی در تأمین امنیت غذایی، اشتغال‌زایی و معیشت جوامع دهات دارد (World Bank, 2024).

مطالعات علمی نشان می‌دهد که سیستم زراعت در افغانستان به شدت وابسته به شرایط اقلیمی، به‌ویژه میزان بارندگی و تغییرات آب و هوا می‌باشد (صافی، ۱۴۰۳، ص. ۳۴۰). تغییرات اقلیمی، به‌خصوص خشکسالی و نوسانات بارش، تأثیر مستقیم بر کاهش یا افزایش عملکرد محصولات زراعتی دارد. تحقیقات انجام‌شده در مناطق مختلف افغانستان نشان داده است که کاهش بارندگی و افزایش حرارت منجر به کاهش قابل توجه تولیدات زراعتی و افزایش آسیب‌پذیری اقتصادی دهاقین می‌گردد. در مقابل، توزیع مناسب بارش و شرایط اقلیمی مساعد می‌تولند موجب بهبود عملکرد محصولات و افزایش تولیدات زراعتی گردد (Sarwary et al., 2023, p. 10).

۲. ساحات زراعتی

اراضی زراعتی از مهم‌ترین منابع طبیعی و اقتصادی افغانستان به شمار رفته و نقش اساسی در تولید محصولات زراعتی، تأمین امنیت غذایی و معیشت مردم دهات دارد. بررسی تغییرات کاربری اراضی در حوزه آبریز کابل طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که مساحت زمین‌های زراعتی، علفزارها، پهنه‌های آبی و مناطق مسکونی افزایش یافته، در حالی که جنگل‌ها، اراضی بایر و مناطق پوشیده از برف و یخ کاهش یافته‌اند؛ قسمی که بیشترین کاهش مربوط به جنگل‌ها بوده؛ گسترش اراضی زراعتی تحت تأثیر عواملی مانند دشت‌های کم‌ارتفاع، مناسب بودن شیب زمین، عمق بیشتر خاک، سرمایه‌گذاری دولت در بخش زراعت و نزدیکی به شهرها قرار داشته، در حالی که رشد جمعیت، فاصله از جاده‌ها و منابع آب، قرار گرفتن در مناطق تپه‌ای و دشت‌های مرتفع و بعضی شرایط اقلیمی، این روند را محدود کرده‌اند. از این لحاظ حفاظت از جنگلات، مدیریت پایدار منابع آب، توسعه شبکه‌های آبیاری و جاده‌ها، اجرای برنامه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش زراعت، از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار زراعت و تقویت امنیت غذایی در افغانستان به شمار می‌روند (Najmuddin et al., 2018, pp. 14-15).

سکتور باغداری در افغانستان یکی از مهم‌ترین بخش‌های زراعتی کشور بوده و شامل محصولات متنوعی مانند انگور، زردآلو، سیب، شفتالو، انار، آلو، ناک، گیلان، بادام، چهارمغز و پسته می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد که افغانستان از تنوع قابل توجه محصولات باغداری

برخوردار بوده و انگور، زردآلو، سیب، بادام و انار از مهم‌ترین محصولات باغداری کشور محسوب می‌شوند که نقش مهمی در اقتصاد زراعتی افغانستان دارند (Maykhan et al., 2020, pp. 1-4).

افغانستان در دهه‌های گذشته یکی از صادرکنندگان مهم میوه‌جات خشک در بازارهای منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شد، به‌ویژه محصولات مانند کشمش، زردآلوی خشک، بادام و سایر خشکبار که سهم قابل توجهی در صادرات زراعتی کشور داشتند. گزارش‌های جدید نشان می‌دهد که صادرات خشکبار افغانستان شامل بادام، کشمش، انجیر و زردآلوی خشک همچنان بخش مهمی از صادرات زراعتی کشور را تشکیل می‌دهد، هرچند سهم آن در بازار جهانی نسبت به گذشته تغییر یافته است. به نوعی که محصولات خشکبار افغانستان در سال‌های اخیر همچنان به بازارهای بین‌المللی صادر می‌شوند و نقش مهمی در اقتصاد زراعتی و تجاری کشور دارند (Xinhua News Agency, 2025).

بررسی‌های اخیر در حوزه اقتصاد زراعت افغانستان نشان می‌دهد که این کشور با وجود ظرفیت‌های بالای تولید در بخش باغداری، همچنان وابسته به واردات سبزیجات و میوه‌جات از کشورهای همسایه می‌باشد؛ امری که منجر به خروج ارز و تضعیف تولید داخلی می‌گردد. گزارش‌های بین‌المللی تأکید می‌کنند که افغانستان از نظر شرایط اقلیمی، خاک حاصلخیز و منابع آبی، ظرفیت قابل توجهی جهت تولید محصولات باغداری و زراعتی دارد و می‌تواند بخش بزرگی از نیازهای داخلی خود را در داخل کشور تأمین نماید. با این حال، محدودیت در زیرساخت‌های بازاریابی و زنجیره ارزش باعث افزایش وابستگی به واردات شده است. در مقابل، مطالعات نشان می‌دهد که توسعه باغداری و زراعت در افغانستان می‌تواند نقش مهمی در افزایش تولید داخلی، کاهش واردات و بهبود امنیت غذایی داشته باشد (FAO, 2024).

ژنگ و همکاران (۲۰۲۴)، در تحقیق شان بیان می‌کنند که انتقال و گردش زمین‌های دهات به شکل اجاره دادن زمین، اجاره گرفتن زمین، واگذاری حق استفاده از زمین در برابر دریافت اجاره یا سهم از محصول، می‌تواند با افزایش میکانیزه‌سازی، توسعه زراعت در مقیاس بزرگ و بهبود سیاست‌های حمایتی، موجب رشد تولیدات زراعتی، افزایش درآمد دهقانان و تنوع‌بخشی به اقتصاد خانواده قراء و قصبات شود. با این حال، اجرای این سیاست‌ها نیازمند توجه جدی به عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، ثبات اقتصادی و حفظ جوامع و فرهنگ‌های روستایی بوده؛ در مجموع، موفقیت سیاست‌های انتقال زمین وابسته به ایجاد توازن میان رشد اقتصادی و حفظ پایداری اجتماعی و محیطی می‌باشد بناء انتقال و گردش زمین های دهات در افغانستان نیز جهت ارتقای محصولات زراعتی به خصوص انگور، مروج ساخته شود.

ب) یافته‌ها و نتایج تحقیق

در اینجا اعداد و ارقام بدست آمده از تحقیق مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفته اند که جامعه آماری تحقیق را زنان و مردان افراد جامعه و محصلان ولسوالی شیرین تگاب که در پوهنتون جوجان مصروف فراگیری دروس هستند تشکیل میدهند و تحقیق بنده به اساس روش تحقیق ساحوی یا میدانی در نظر گرفته شده که از طریق توزیع پرسشنامه معلومات بدست آمده اند و نمونه گیری به شکل تصادفی صورت گرفته است. سپس اطلاعات بدست آمده با استفاده از برنامه آماری SPSS 24 تجزیه و تحلیل گردیده اند.

۱. آزمون کرونباخ

پایایی ابزار که از آن به اعتبار، دقت و اعتمادپذیری نیز تعبیر میشود، عبارت است از اینکه اگر یک وسیله ی اندازه گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان یا مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود؛ به عبارت دیگر، ابزار پایا یا معتبر ابزاری است که از خاصیت تکرار پذیری نتایج یکسان برخوردار باشد.

برای تعیین پایایی پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های تحقیق

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
0.72	5

قسمی که در جدول (۱-۴) نشان داده شده است، میانگین آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 24 بدست آمده است که برای تمامی متغیرهای ۰.۷۱۲ تحقیق بالاتر از (۰/۷) است، که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است. لازم به ذکر است که طیف ضریب آلفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ است و هر چه این ضریب به یک نزدیکتر باشد، نشان دهنده پایاتر بودن گویه‌های پرسشنامه است.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

جمع آوری، تلخیص، تنظیم و ارائه اطلاعات به صورت روشن و قابل درک و در صورت لزوم تعیین روابط موجود بین اطلاعات جمع آوری شده این بخش از آمار را که بیشتر به مشخص

کردن داده ها، تنظیم و ارائه ی آنها به صورت جدول بندی یا ترسیمی، محاسبه ی آماره ها و تعیین ارتباط بین اطلاعات می پردازد، آمار توصیفی می نامند.

۱-۲. بخش اول بیوگرافی پاسخ دهندگان

۱-۱-۲. آمار توصیفی

جمع آوری، تلخیص، تنظیم و ارائه اطلاعات به صورت روشن و قابل درک و در صورت لزوم تعیین روابط موجود بین اطلاعات جمع آوری شده این بخش از آمار را که بیشتر به مشخص کردن داده ها، تنظیم و ارائه ی آنها به صورت جدول بندی یا ترسیمی، محاسبه آماره ها و تعیین ارتباط بین اطلاعات می پردازد، آمار توصیفی می نامند.

جدول ۲. جنسیت پاسخ دهندگان

تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی	
۰.۷۵	۰.۷۵	۰.۷۵	۷۵	مرد
۰.۲۵	۰.۲۵	۰.۲۵	۲۵	زن
۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰	مجموعه

با توجه به جدول بالا به تعداد ۷۵ تن از پاسخ دهندگان مرد می باشند که ۷۵ فیصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند و ۲۵ تن از پاسخ دهندگان زن می باشند که ۲۵ فیصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند.

جدول ۳. حالت مدنی پاسخ دهندگان

تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی	
۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۳۴	۳۴	مجرد
۰.۶۶	۰.۶۶	۰.۶۶	۶۶	متاهل
۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰	مجموعه

نظربه جدول ۳ به تعداد ۳۴ تن از پاسخ دهندگان که ۳۴ فیصد مجموع پاسخ دهندگان را تشکیل می دهند مجرد بوده و ۶۶ تن از آنها متاهل می باشند که ۶۶ فیصد مجموع پاسخ دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشند، تشکیل می دهند، می باشند.

جدول ۴. سن پاسخ دهندگان

تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی	
۰.۴	۰.۴	۰.۴	۴	کمتر از ۲۵
				متغیر

۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۳۴	۳۴	۲۵ الی ۳۰
۰.۲۸	۰.۲۸	۰.۲۸	۲۸	۳۰ الی ۳۵
۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۳۴	۳۴	بیشتر از ۳۵
۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰	مجموعه

طبق جدول فوق سن ۴ تن از پاسخ‌دهندگان که ۴ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند کمتر از ۲۵ می باشد و ۳۴ تن از پاسخ‌دهندگان که ۳۴ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند سن شان در بین ۲۵ الی ۳۰ می‌باشد و سن ۲۸ تن از پاسخ‌دهندگان که ۲۸ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند سن شان بین ۳۰ الی ۳۵ می‌باشد و سن ۳۴ تن از پاسخ‌دهندگان بیشتر از ۳۵ سال می‌باشد که ۳۴ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می‌باشد، تشکیل می‌دهند.

جدول ۵. سطح تحصیل پاسخ‌دهندگان

تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی	
۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶	۱۶	بیسواد
۰.۱۷	۰.۱۷	۰.۱۷	۱۷	خواندن و نوشتن
۰.۵۸	۰.۵۸	۰.۵۸	۵۸	جریان مکتب
۰.۹	۰.۹	۰.۹	۹	محصلان
۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰	مجموعه

با توجه به جدول فوق ۱۶ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۶ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می دهند بیسواد بوده و ۱۷ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۷ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می دهند توانایی خواندن و نوشتن را داشته و ۵۸ تن از پاسخ‌دهندگان که ۵۸ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می دهند متعلم مکتب بوده و ۹ تن از پاسخ‌دهندگان که ۹ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می باشد محصلان می‌باشند.

جدول ۶. آیا حاصلات میوه جات بالای اقتصاد خانواده‌ها تأثیر گذار است؟

تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی	
۰.۵	۰.۵	۰.۵	۵	نخیر
۰.۹۵	۰.۹۵	۰.۹۵	۹۵	بلی
۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰	مجموعه

با توجه به جدول فوق به تعداد ۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۵ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به تأثیرگذاری حاصلات میوه جات بالای اقتصاد خانواده‌ها معتقد نیستند و ۹۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۹۵ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می‌باشد، تشکیل می‌دهند.

جدول ۷. آیا حاصلات انگور بالای اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است؟

		فریکونسی	فیصدی	معتبر فیصدی	تجمعی فیصدی
متغیر	نخیر	۹	۰.۹	۰.۹	۰.۹
	بلی	۹۱	۰.۹۱	۰.۹۱	۰.۹۱
	مجموعه	۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰

نظربه جدول بالا به تعداد ۹ تن از پاسخ‌دهندگان که ۹ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به تأثیرگذاری حاصلات انگور بالای اقتصاد خانواده‌ها معتقد نیستند که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می‌باشد و ۹۱ تن از پاسخ‌دهندگان که ۹۱ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به تأثیر گذاری حاصلات انگور بالای اقتصاد خانواده‌ها معتقد هستند.

جدول ۸. چه نوع حمایت‌ها می‌تواند تولید و درآمد از انگور را در ولسوالی شیرین تگاب بهتر سازد؟

		فریکونسی	فیصدی	معتبر فیصدی	تجمعی فیصدی
متغیر	قرضه های زراعتی	۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰
	فراهم سازی سردخانه ها	۸۰	۰.۸۰	۰.۸۰	۰.۸۰
	دسترسی به بازار	۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰
	مجموعه	۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰

طبق جدول بالا به تعداد ۱۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به پرسش چه نوع حمایت‌ها می‌تواند تولید و درآمد از انگور را در ولسوالی شیرین تگاب بهتر سازد؟ گزینه قرضه‌های زراعتی را انتخاب نمودند و ۸۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۸۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. گزینه فراهم‌سازی سردخانه‌ها را انتخاب کردند و ۱۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان تشکیل می‌دهند. گزینه دسترسی به بازار را انتخاب کردند، تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می‌باشد.

جدول ۹. مهمترین مشکلات شما در تولید انگور کدامها اند؟

	تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی
متغیر	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰	۱۰
	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰	۱۰
	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰

مطابق جدول ۹ به تعداد ۷۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۷۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به پرسش مهمترین مشکلات شما در تولید انگور کدامها اند؟ گزینه امراض و آفات را انتخاب نمودند و ۳۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۳۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شوند که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می‌گردد به گزینه کمبود کود و ادویه معتقد هستند.

جدول ۱۰. محصولات انگور خود را بیشتر به کدام شکل به بازار عرضه می‌کنید؟

	تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی
متغیر	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰	۱۰
	۰.۷۰	۰.۷۰	۰.۷۰	۷۰
	۰.۷۰	۰.۷۰	۰.۲۰	۲۰
	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰

با درنظر داشت جدول فوق به تعداد ۱۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به پرسش محصولات انگور خود را بیشتر به کدام شکل به بازار عرضه می‌کنید؟ گزینه انگور تازه را انتخاب کردند، ۷۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۷۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را گزینه کشمش را انتخاب کردند و ۲۰ تن از پاسخ‌دهندگان که تعداد مجموعی شان ۱۰۰ تن می‌باشند به گزینه فروش عمده معتقد هستند.

جدول ۱۱. مساحت باغ انگور شما تقریباً چند جریب است؟

	تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکونسی
متغیر	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۱۰	۱۰
	۰.۴۰	۰.۴۰	۰.۴۰	۴۰
	۰.۵۰	۰.۵۰	۰.۵۰	۵۰
	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰

نظربه جدول ۱۱ به تعداد ۱۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به پرسش مساحت باغ انگور شما تقریباً چند جریب است؟ به گزینه نخست متغیر جدول معتقد هستند، ۴۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۴۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به گزینه دوم متغیر جدول معتقد می‌باشند و ۴۰ تن از پاسخ‌دهندگان که نصف مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به گزینه سوم متغیر جدول معتقد هستند.

جدول ۱۲. آیا در باغداری انگور برای اعضای خانواده یا کارگران محل زمینه کار فراهم می‌شود؟

	تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکوئسی
متغیر	۰.۲۵	۰.۲۵	۰.۲۵	۲۵
	۰.۴۰	۰.۴۰	۰.۴۰	۴۰
	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۵	۳۵
	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰

مطابق به جدول ۱۲ به تعداد ۲۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۲۵ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شوند به پرسش آیا در باغداری انگور برای اعضای خانواده یا کارگران محل زمینه کار فراهم می‌شود؟ گزینه اول متغیر را انتخاب کردند، به تعداد ۴۰ تن از پاسخ‌دهندگان که شامل ۴۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان می‌باشند. گزینه دوم متغیر جدول را انتخاب نمودند و ۳۵ تن از پاسخ‌دهندگان که شامل ۳۵ فیصد از پاسخ‌دهندگان هستند که به صورت مجموعی ۱۰۰ تن می‌باشند به گزینه سوم متغیر جدول معتقد هستند.

جدول ۱۳. مدیریت منابع بشری در افزایش ظرفیت کاری کارمندان موثر است؟

	تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکوئسی
متغیر	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۸
	۰.۱۵	۰.۱۵	۰.۱۵	۱۵
	۰.۱۳	۰.۱۳	۰.۱۳	۱۳
	۰.۲۹	۰.۲۹	۰.۲۹	۲۹
	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۵	۳۵
	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰

مطابق جدول ۱۳ که موثریت مدیریت منابع بشری درافزایش ظرفیت کاری و کارمندان را نشان می‌دهند به تعداد ۸ تن از پاسخ‌دهندگان که شامل ۸ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان می‌شوند. گزینه نخست متغیر جدول را انتخاب کردند که به مدیریت منابع بشری در بهبود

فعالیت‌های کاری مؤثر اصلاً باورمند نیستند و ۱۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۵ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به مدیریت منابع بشری در بهبود فعالیت‌های کاری مؤثر خیلی کم باورمند هستند و ۱۳ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۳ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به مدیریت منابع بشری در بهبود فعالیت‌های کاری مؤثر کمی باورمند بوده و ۲۹ تن دیگر از پاسخ‌دهندگان که ۲۹ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد به مدیریت منابع بشری در بهبود فعالیت‌های کاری مؤثر زیاده‌تر باورمند هستند و ۳۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۳۵ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به کم مدیریت منابع بشری در بهبود فعالیت‌های کاری مؤثر خیلی زیاد باورمند هستند.

جدول ۱۴. تا چه حد حمایت دولت از بخش زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیر دارد؟

		فریکونسی	فیصدی	معتبر فیصدی	تجمعی فیصدی
متغیر	کاملاً موافقم	۳۵	۰.۳۵	۰.۳۵	۰.۳۵
	موافقم	۳۳	۰.۳۳	۰.۳۳	۰.۳۳
	نظری ندارم	۴	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴
	مخالفم	۱۲	۰.۱۲	۰.۱۲	۰.۱۲
	کاملاً مخالفم	۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶
	مجموعه	۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰

باتوجه به یافته‌های محتویات جدول شماره (۱۴) به تعداد ۳۵ تن از پاسخ‌دهندگان که ۳۵ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، درباره اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیر گذار است، کاملاً موافق اند و ۳۳ تن پاسخ‌دهندگان که ۳۳ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، درباره اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است، موافق اند و ۴ تن از پاسخ‌دهندگان که ۴ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. در این مورد نظری ندارند و ۱۲ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۲ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، درباره اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است، مخالف اند و ۱۶ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۶ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است، کاملاً مخالف اند.

جدول ۱۵. مدیریت منابع بشری از بخش‌های مهم یک اداره است؟

	تجمعی فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی	فریکوئنسی
کاملاً موافقم	۰.۳۹	۰.۳۹	۰.۳۹	۳۹
موافقم	۰.۷۹	۰.۴۰	۰.۴۰	۴۰
نظری ندارم	۰.۸۶	۰.۰۷	۰.۰۷	۷
مخالفم	۰.۹۶	۰.۱۰	۰.۱۹	۱۰
کاملاً مخالفم	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۴	۴
مجموعه	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۰.۱۰۰	۱۰۰

باتوجه به یافته‌های بالا به تعداد ۳۹ تن از پاسخ‌دهندگان که ۳۹ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، درباره اینکه مدیریت منابع بشری از بخش‌های مهم یک اداره است؟ کاملاً موافق اند و ۴۰ تن پاسخ‌دهندگان که ۴۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، درباره اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است، موافق اند و ۷ تن از پاسخ‌دهندگان که ۷ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. در این مورد نظری ندارند و ۱۰ تن از پاسخ‌دهندگان که ۱۰ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، درباره اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است، مخالف اند و ۴ تن از پاسخ‌دهندگان که ۴ فیصد مجموع پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند به اینکه حمایت دولت از زراعت به اقتصاد خانواده‌ها تأثیرگذار است، کاملاً مخالف اند.

۵. آمار تحلیلی

۵-۱. ضریب تعیین

جدول زیر نتایج مربوط به سه آماره لوگاریتم درست‌نمایی و ضریب تعیین کاکس و نل (Cox & Snell) و ضریب تعیین نیجل کرک (Nagelkerke) را نشان می‌دهد. این ضرایب تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند که در رگرسیون لجستیک استفاده می‌شوند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر دو آماره کاس و نل و نیجل کرک به ترتیب ۰.۱۵ و ۰.۶۹ می‌باشد. این ضرایب نشان می‌دهند که متغیرهای مستقل این تحقیق توانسته اند بین ۱۵ تا ۶۹ فیصد از تغییرات پاسخ‌دهندگان را تبیین کنند.

جدول ۱۶. Model Summary

Step	Log likelihood ^۲ -	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
۱	۳۰۱.۱۲a	۱۵۱.	۶۹۳.

۲-۵. متغیرهای تأثیرگذار

طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی داری (Sig) متغیرهای فعالیت ادارات، فعالیت ادارات دولتی و آموزش و پرورش منابع انسانی مقدار Sig مقادیر شان کمتر از ۰.۰۵Sig می باشد. لذا این متغیرها تأثیر معنی داری در برتری رقابت اداره بین ادارت دولتی دارند که فرضیات تحقیق ۱H مربوطه تأیید می شود.

Exp(B): نرخ بخت پیشگویی شده است و هنگامی که مقدار کمتر از ۱ می گیرد، می توان گفت بخت عدم تأیید به تأیید بیشتر است.

جدول ۱۷. Variables in the Equation

	B	S.E.	Wald	Df	Sig.	Exp(B)
آیا حاصلات انگور بالای اقتصاد خانواده ها تأثیر گذار است؟	۸۶۴.۳	۱۵۸.۱	۱۴۱.۱۱	۱	۰.۱-	۶۶۷.۴۷
چه نوع حمایت ها میتواند تولید و درآمد از انگور را در ولسوالی شیرین تگاب بهتر سازد؟	۹۸۹.۲	۰.۷۲.۱	۷۶۶.۷	۱	۰.۵-	۸۵۷.۱۹
آیا در باغداری لنگور برای اعضای خانواده یا کارگران محل زمینه کار فراهم میشود؟	۶۰۶.۳	۱۹۷.۱	۰.۸۳.۹	۱	۰.۳-	۸۱۸.۳۶
Constant	۶۲۷.۳	۱۲۶.۴	۷۷۳.۹	۱	۳۹-	۰.۲۷.۳۲

در این تحقیق ابتدا یک مدل مفهومی برای کارآفرینی پیشنهاد و پس از تأیید اعتبار مدل اولیه، فرضیات تحقیق با توجه به مدل ساخته شده که بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده توسط برنامه SPSS 24 V فرضیات مورد آزمایش قرار گرفتند.

این تحقیق از انتخاب عنوان آغاز گردیده، به ترتیب دیزاین پرسشنامه، توزیع پرسشنامه برای ۱۰۰ تن از باشندگان ولسوالی شیرین تگاب و محصلان ولسوالی شیرین تگاب که در پوهنتون جوجانان مصروف فراگیری تحصیل شان هستند؛ به طور تصادفی ساده، جمع آوری پرسشنامه ها، وارد کردن آنها در برنامه SPSS 24 V و تجزیه و تحلیل اطلاعات با توجه به مدل رگرسیون لجستیک صورت گرفته که نهایتاً با دریافت یافته های تحقیق و تبصره آنها ختم شد.

طبق خروجی رگرسیون لجستیک مقادیر معنی داری (Sig) متغیرهای حاصلات انگور، سیب و لمار که مقدار Sig شان کمتر از ۰.۰۵ می باشند. لذا این متغیرها تأثیر معنی داری بالای اقتصاد خانواده ها دارند، که فرضیات تحقیق ۱H مربوطه تأیید می شود؛ ولی بقیه متغیرها تأثیر

معنی‌داری بر متغیر وابسته (اقتصاد خانواده‌ها) ندارند. لذا فرضیه H_1 و ادعای تحقیق رد می‌شود.

آزمون تحلیل رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که اقتصاد خانواده‌های دهاقین به عنوان متغیر وابسته و از بین عوامل تأثیرگذار متغیرهای حاصلات انگور به عنوان متغیرهای مستقل شناسایی شدند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، نخست یک مدل مفهومی به منظور بررسی نقش حاصلات انگور در تقویت اقتصاد خانواده‌های دهاقین طراحی گردید. پس از تأیید اعتبار مدل، فرضیات تحقیق بر مبنای آن و با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده مورد آزمون قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ و به کارگیری مدل رگرسیون لجستیک انجام شد.

روند اجرای تحقیق از انتخاب موضوع آغاز گردید و با طراحی پرسش‌نامه، توزیع آن میان ۱۰۰ تن از باشندگان ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب و شماری از محصلین ولسوالی شیرین تگاب که در پوهنتون جوزجان مصروف تحصیل اند به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، جمع‌آوری داده‌ها، ورود اطلاعات به نرم‌افزار SPSS 24 و در نهایت تحلیل آماری ادامه یافت و با تفسیر یافته‌ها به پایان رسید. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند تأثیر حاصلات انگور بر اقتصاد خانواده‌ها، نوع حمایت‌های مورد نیاز برای بهبود تولید و افزایش درآمد از انگور، و نیز ایجاد فرصت‌های کاری در بخش باغداری انگور برای اعضای خانواده و کارگران محلی، دارای سطح معناداری (Sig) کمتر از ۰/۰۵ (Sig) می‌باشند. این امر بیانگر آن است که این عوامل تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود اقتصاد خانواده‌های دهاقین در ولسوالی شیرین تگاب دارند و در نتیجه، فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنان، یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده از توان تبیین مناسبی برخوردار است؛ به گونه‌ای که میزان مشخص‌سازی آن ۸۵ فیصد و دقت پیش‌بینی آن حدود ۸۱ فیصد برآورد شده است که بیانگر اعتبار قابل قبول مدل در تحلیل داده‌ها می‌باشد.

در مجموع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه باغداری انگور می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خانواده‌های دهاقین ایفا نماید و به عنوان یک منبع پایدار عایداتی در مناطق روستایی مطرح گردد.

منابع و مأخذ

- تی آر تی فارسی. (۱۴۰۲، ۲۳ سنبله). تیکا در افغانستان سردخانه‌ای با ظرفیت ۳۰۰ تن احداث کرد. <https://www.trtfarsi.com/article/707392484959>
- خسروی، تانیا و همکاران. (۱۴۰۳، ۱۹ دسامبر). بررسی تأثیر مخارج تحقیق و توسعه بر ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی در ایران. دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات نوین در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، آمستردام، هلند.
- سیرت، عبدالغفار و رضایی، حبیب‌الله. (۱۴۰۳). بررسی اقتصادی محصول انگور (مطالعه موردی: ولسوالی فیروزنجیر ولایت سمنگان). مجله علمی-تحقیقی سمنگان، ۲(۲)، ۱۳-۲۴. <https://doi.org/10.64226/sarj.v2i02.61>
- صافی، عبدالغیاث و صافی، ل. (۱۴۰۳). دافغانستان پر کرنیزو پیداوارو د اورشتونو اغیزی. ژورنال علوم طبیعی- پوهنتون کابل، ۷(شماره فوق العاده کنفرانس بین‌المللی انقلاط سبز برای خود کفایی افغانستان)، ۳۲۳-۳۴۲. <https://jns.edu.af/jns/article/view/106>
- لودین، میرویس و ناصری، ایاز خان. (۱۴۰۴). تحلیل روایتی فرصت‌ها و چالش‌های زنجیره ارزش انگور در افغانستان: از تولید تا صادرات. علم او فن مجله علمی-خبرنیزه، ۶(۳)، ۱-۶. <https://esrj.edu.af/esrj/article/download/54/88/324>
- Atif, R., Noori, N., & Nagaraja, G. N. (2018). An overview of production and export trade performance of raisins in Afghanistan. *Environment and Ecology*, 36(4A), 1221-1225.
- DeWitt, J. D., Boston, K. M., Alessi, M. A., & Chirico, P. G. (2022). Quantifying and visualizing 32 years of agricultural land use change in Kabul, Afghanistan. *Journal of Maps*, 18(2), 352-361. <https://doi.org/10.1080/17445647.2022.2063079>
- FAO. (2019). Developing sustainable value chains for small-scale producers. Food and Agriculture Organization of the United Nations. <https://www.fao.org/3/ca5717en/ca5717en.pdf>
- FAO. (2022). Sustainable agribusiness and agrifood value chain development. Food and Agriculture Organization of the United Nations. <https://www.fao.org/agrifood-economics/areas-of-work/smart/sustainable-agribusiness-agrifood-value-chain/en/>
- Food and Agriculture Organization (FAO). (2024). Afghanistan agricultural production assessment and food security report. FAO. <https://www.fao.org>
- Khasrow, A. (2015). Grapes production in Afghanistan. *Discourse Afghanistan*. <http://discourseafghanistan.com/grapes-production-in-afghanistan>
- Lwelamira, J., Safari, J., & Wambura, P. (2015). Grapevine farming and its contribution to household income and welfare among smallholder farmers in Dodoma Urban District, Tanzania. *American Journal of Agriculture and Forestry*, 3(3), 73-79. <https://doi.org/10.11648/j.ajaf.20150303.12>
- Maykhan, H., Troshin, L. P., Kravchenko, R. V., Hilmand, M., & Wafa, S. (2020). Gardening of Afghanistan. *Colloquium-Journal*, 17(69), 22-28. <https://cyberleninka.ru/article/n/gardening-of-afghanistan.pdf>

- Najmuddin, O., Deng, X., & Bhattacharya, R. (2018). The dynamics of land use/cover and the statistical assessment of cropland change drivers in the Kabul River Basin, Afghanistan. *Sustainability*, 10(2), 423. <https://doi.org/10.3390/su10020423>
- Panahi, K., Dizaji, M., & Ketabforoush Badri, A. (2018). The role of the agricultural sector in achieving economic development. *Noble International Journal of Economics and Financial Research*, 3(11), 124–132. <https://www.napublisher.org/pdf-files/NIJEFR-162-124-132.pdf>
- Sarwary, M., Samiappan, S., Khan, G. D., & Moahid, M. (2023). Climate change and cereal crops productivity in Afghanistan: Evidence based on panel regression model. *Sustainability*, 15(14), 10963. <https://doi.org/10.3390/su151410963>
- Wang, L., Chen, X., & Liu, Y. (2024). Determinants of agricultural productivity growth in developing economies: Evidence from panel data analysis. *Agriculture*, 14(3), 412. <https://doi.org/10.3390/agriculture14030412>
- World Bank. (2024). Revitalizing Agriculture for Growth, Jobs, and Food Security in Afghanistan. <https://www.worldbank.org/fa/country/afghanistan/publication/revitalizing-agriculture-for-growth-jobs-and-food-security-in-afghanistan>
- Xinhua News Agency. (2025, May 3). Afghanistan exports 466,000 tons of fruits and dried fruits in one year. <https://english.news.cn/20250503/2621c726d36c4601955a28f22bfa62b0/c.html>
- Younisi, H., Farid, Z., & Joya, K. (2023). Growth and instability in area, production and productivity of grape crop in Afghanistan. *Journal for Research in Applied Sciences and Biotechnology*, 2(2), 170–175. <https://doi.org/10.55544/jrasb.2.2.25>
- Zhang, W., Zhao, S., Wang, J., Xia, X., & Jin, H. (2024). Rural land circulation and peasant household income growth: Empirical research based on structural decomposition. *Sustainability*, 16(16), 6717. <https://doi.org/10.3390/su16166717>

بررسی گونه‌های جناس در شعر حیدری وجودی

صفی الله افضلی^۱، خدایرحم عطش^۲

۱. نامزد پوهنیا، دیپارتمت زبان و ادبیات فارسی دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون البیرونی، کاپیسا، افغانستان (نویسنده مسئول).

<https://orcid.org/0009-0007-5872-3227> - afzalisafulah6@gmail.com

۲. نامزد پوهنیا، دیپارتمت زبان و ادبیات فارسی دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون نیمروز، زرنج، افغانستان.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۸)

چکیده

جناس، یکی از مهم‌ترین آرایه‌های بلاغی است که در شعر فارسی دری کاربرد گسترده دارد و باعث زیبایی و لذت بخشی کلام می‌شود. حیدری وجودی از برجسته‌ترین شاعران معاصر است که در آراستن کلام خویش به گونه هنرمندانه از ظرفیت‌های جناس بهره گرفته است. هدف این پژوهش، شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌های جناس در شعر حیدری وجودی و نشان دادن نقش آن در غنای هنری و زیبایی‌شناختی شعر اوست. این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر روش کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حیدری وجودی از گونه‌های مختلف جناس در سروده‌هایش استفاده کرده و آثار وی سرشار از ترفندهای بدیعی، به‌خصوص جناس است. این ترفندها می‌تواند نقش مؤثر در توانمندسازی آثار ادبی، به ویژه در عرصه علوم بلاغی، زیبایی‌شناسی و ایجاد کثرت در عین وحدت در شعر فارسی دری داشته باشد و از عناصر مهم در فرایند زیبایی‌شناسی شعر به شمار می‌روند. بنابراین، بررسی جناس در شعر حیدری-وجودی می‌تواند زمینه‌ساز شناخت دقیق‌تر ظرفیت‌های بلاغی و ادبی در شعر معاصر فارسی دری باشد.

کلمات کلیدی: ترفندهای لفظی، جناس، حیدری وجودی، زیبایی‌شناسی.

^۱. ارجاع: افضلی، صفی الله و عطش، خدایرحم. (۱۴۰۴). بررسی گونه‌های جناس در شعر حیدری وجودی. مجله

An Examination of Types of Paronomasia (Jinas) in the Poetry of Haidari Wujudi

Safiullah Afzali^{1*}, Khudairahm Atash²

1*. Instructor, Department of Dari Persian Language and Literature, Faculty of Education, Alberoni University (Corresponding Author).

afzalisafiullah6@gmail.com – <https://orcid.org/0009-0007-5872-3227>

2. Instructor, Department of Dari Persian Language and Literature, Faculty of Education, Nimroz University, Nimroz, Afghanistan.

(Received: 06/12/2025 - Accepted: 28/03/2026)

Abstract

Paronomasia, or jinas, is one of the most significant rhetorical devices in Dari Persian poetry, widely conducted to enhance the beauty and aesthetic pleasure of poetic language. Haidari Wujudi, one of the prominent contemporary poets, has artistically drawn upon the capacities of paronomasia to embellish his poetic expression. The aim of this study is to identify, classify, and analyze the various types of paronomasia in Wujudi's poetry and to demonstrate their role in enriching the artistic and aesthetic dimensions of his work. This research was conducted using a descriptive-analytical approach and a library-based methodology. The findings indicate that Wujudi has employed diverse forms of paronomasia throughout his poems, and his works are abundant in rhetorical devices, particularly jinas. These techniques play a significant role in strengthening literary expression—especially within the fields of rhetoric and aesthetics—and in creating diversity within unity in Dari Persian poetry. They are considered essential elements in the aesthetic formation of poetic discourse. Therefore, examining paronomasia in Wujudi's poetry can provide a more precise understanding of the rhetorical and literary potentials embedded in contemporary Dari Persian poetry.

Keywords: *Aesthetics, Haidari Wujudi, Paronomasia (Jinas), Verbal devices.*

*. **Citation:** Afzali, S. & Atash, Kh. (2026). An Examination of Types of Paronomasia (Jinas) in the Poetry of Haidari Wujudi. *Scientific-Research Journal of Jawzjanan*. 18(2), 151–164.
<https://doi.org/10.69892/jawzjanan.2025.96>

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ

یکی از شاخه‌های مهم و اساسی که همواره در مطالعات ادبی مورد توجه است، دانش‌های بلاغی (معانی، بیان و بدیع) می‌باشد. در میان این شاخه‌ها، علم بدیع به بررسی آرایه‌های لفظی و معنوی شعر می‌پردازد و نقش مهمی در زیباسازی و هنری‌سازی کلام دارد. یکی از مهم‌ترین صنایع بدیعی، "جناس" است که در آهنگین‌سازی کلام و افزایش تأثیر هنری آن نقش اساسی دارد و باعث ترغیب مخاطب به خوانش و تأمل بیشتر در شعر و متن می‌شود. کاربرد گسترده این ترفند هنری در شعر فارسی‌دري، به ویژه در ادب غنایی و عرفانی، نشان دهنده اهمیت آن در آفرینش ادبی است، از این رو، شاعران و اهل ادب از این ترفند ادبی در اشعار خود بیشتر بهره گرفته‌اند. باوجود اهمیت جناس در دانش بلاغی، بررسی مستقل آن در شعر بیشتر شاعران معاصر صورت نگرفته است، یکی از این شاعران، حیدری وجودی است که به عنوان شاعر عارف، در اشعارش از آرایه‌های لفظی و معنوی بهره فراوان گرفته است. بنابراین، گونه‌های جناس و چگونگی کاربرد آن در شعر او تاکنون به گونه مستقل بررسی نشده است. مسأله اصلی این تحقیق، تحلیل، شرح و بررسی انواع جناس در شعر حیدری وجودی و نقش آن در دانش هنری اوست.

در ارتباط به شخصیت و شعر حیدری وجودی تحقیقاتی انجام شده که هر کدام از زوایای خاصی به شعر و اندیشه‌های او پرداخته‌اند، از جمله آروین پور، رون و قافله‌باشی (۱۴۰۱) به بررسی زندگی، سبک شعری و برخی ویژگی‌های محتوایی شعر او پرداخته‌اند؛ قویم (۱۴۰۰) در مدخل مربوط به حیدری وجودی، ضمن معرفی اجمالی زندگی و آثار او، به برخی ویژگی‌های زبانی و فکری شعرش اشاره کرده است؛ رادپور، بشیری و مستعلی پارسا (۱۴۰۱) تقابل عقل و عشق را در شعر او بررسی کرده‌اند؛ شفقت و فضلی (۱۴۰۴) به تحلیل مضامین اخلاقی در شعر او پرداخته‌اند؛ اما با این همه پژوهش‌ها، در مورد جناس و کاربرد آن در شعر حیدری وجودی تاکنون پرداخته نشده است و این خلای تحقیقی ضرورت این پژوهش را آشکار می‌سازد. اهمیت این تحقیق آن است که شناخت دقیق ترفندهای بدیعی، به خصوص جناس، می‌تواند به درک عمیق‌تر ساختار هنری و لایه‌های معنایی شعر حیدری وجودی بینجامد. عدم پرداختن به این ترفندها، سبب نادیده ماندن بخشی از هنر شاعری او در نتیجه کمرنگ شدن جایگاهش در شعر و ادبیات معاصر خواهد شد. هدف این تحقیق، بررسی جناس و گونه‌های آن در شعر حیدری وجودی و شرح کارکردهای هنری آن است. سؤال اصلی تحقیق این است که حیدری وجودی چگونه و به کدام پیمانه در آراستن کلامش از ترفند جناس بهره گرفته است. بر

اساس تحقیقات مقدماتی، دیده می‌شود که جناس در شعر حیدری از جایگاه خاصی برخوردار بوده‌است و درصد کاربرد جناس غیر تام نسبت به جناس تام در شعر وی بیشتر می‌باشد. این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس روش کتاب‌خانه‌یی انجام شده‌است. ساختار این مقاله شامل مقدمه، معرفی و اهمیت جناس، زندگی‌نامه شاعر، شناسایی جناس و انواع آن در شعر حیدری وجودی همراه با شواهد شعری و در پایان نتیجه‌گیری و فهرست منابع است.

الف) نگاهی به زندگی حیدری وجودی

غلام حیدر متخلص و مشهور به حیدری وجودی در سال ۱۳۱۸ هـ.خ در دهکده کوت بازارک ولایت پنجشیر چشم به جهان هستی گشود. در کودکی، پس از گذارندن درس‌های مکتب، در همانجا قرآن و علوم فقهی را فراگرفت، در کنار آن، اشعار شاعران بزرگ زبان فارسی را نیز مطالعه می‌کرد (قویم، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۵). او در سال ۱۳۴۳ هـ.خ به کابل آمد و به وزارت معارف کشور مصروف خدمت شد و با شخصیت‌هایی چون صوفی‌عشقری، شایق جمال، عبدالحمید اسیر، خال محمد خسته، ملک‌الشعراء عبدالحق بیتاب و ... معرفی شد و از اندوخته‌های‌شان بهره برد. از او ۱۴ اثر به شمول دیوانش در کابل به چاپ رسیده است (شفقت و فضلی، ۱۴۰۴، ص. ۷۴). حیدری وجودی، حدود ۲۰ سال در بخش جراید و مجلات کتابخانه عامه کابل خدمت کرد و در آنجا به تحلیل و شرح مثنوی معنوی مولانای بلخی و غزلیات بیدل پرداخت و در سرودن شعر، پیروی سبک عراقی و هندی به‌ویژه مولانا و بیدل بود. وجودی سرانجام در سال ۱۳۹۹ به عمر ۸۱ سالگی در اثر بیماری کرونا در کابل درگذشت (آروین‌پور، رون، قافله‌باشی، ۱۴۰۱، ص. ۷۵).

ب) مبانی نظری جناس

یکی از ترفندهای علم بدیع، جناس و گونه‌های آن است که در شعر کلاسیک و معاصر فارسی‌دری کاربرد فراوان داشته است. در این ترفند ادبی واژگان از دید ریخت و ساختار آوایی، نمای بیرونی و همانندی، پیوند نزدیک دارند. پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات فارسی به این باورند که روش تجنيس در اصطلاح علم بدیع، عبارت از آوردن دو لفظ در کلام است که در ظاهر به یکدیگر هم‌مانند و در معنی متفاوت باشند (امیدی، ۱۴۰۰، ص. ۴۲). یا جناس هر نوع اشتراک در هم‌خوان‌ها و واژه‌های کلام است (تاج‌بخش و سعیدی نیا، ۱۳۹۲، ص. ۹۴). جناس در زبان فارسی و عربی کاربردی همسان و گاه نزدیک به هم دارد. اما قدامت این ترفند ادبی در ادبیات عربی نسبت به ادبیات فارسی قدمت بیشتری در حدود سه قرن دارد، چون بدیع، فرآورده فرهنگ و ادبیات اسلامی در سایه شیوه‌های بی‌مانند سخنوری قرآن کریم است که

نقش مهمی در گسترش و نفوذ زیبایی‌شناسی قرآن در فراسوی مرزهای طبیعی داشته است و ادبیات فارسی نیز تحت تأثیر این عناصر زیبایی‌شناسی قرآن بوده که در اشعار بیشتر شاعران کلاسیک و معاصر کاربرد فراوان داشته است (به‌رقم و ارشی، ۱۴۰۳، ص. ۱۱۱).

ج) اهمیت هنری جناس

یکی از مهم‌ترین اهمیت علوم بلاغی، درک عمیق‌تر متون دینی، به ویژه قرآن، حدیث و متون ادبی است. هم‌چنان بهبود مهارت سخنرانی، نویسندگی و آفرینش آثار ادبی اثرگذار در جامعه فرهنگی است. از نظر دینی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناسی و غیره، شیوه بیان و چگونه بیان مطلب نسبت به مقتضای حال مخاطب، از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است، از این‌رو شاعران و نویسندگان در آثار شان برای زیباسازی و دلنشین‌ساختن مفهوم، از این ترفندها به نحوی استفاده کرده‌اند که باعث ماندگاری کلام شان شده‌است. چون این ترفند ادبی، باعث زیبایی کلام و موسیقایی آن می‌شود. هم‌چنان معنا با این گونه کلام، بهتر انتقال داده می‌شود و سخن در قلب و ذهن خوانند، تأثیر بیشتر می‌گذارد. شاعران زبردست زبان و ادبیات فارسی، جهت آراستن کلام‌شان به پیمانه وسیع از این ترفند در شعر خود استفاده کرده‌اند. دلیل زیبایی جناس عبارت از تداعی معانی، کشف ابهام میان دو واژه متجانس است که در عین یکی بودن، متفاوتند و غرابت واژه‌های متجانس، سبب برجستگی لفظی و معنوی آن می‌شود. زیبایی جناس و جنبه هنری آن ناشی از دو چیز است: دریافت تشابه آوایی دو واژه و کشف تفاوت معنایی در عین تشابه آوایی (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵، ص. ۲۴).

د) جناس و گونه‌های آن در شعر حیدری جودی

صاحب‌نظران، جناس را به دو بخش تقسیم‌بندی کرده‌اند که عبارتند از جناس تام و غیر تام.

۱. جناس تام

جناس تام موافقت دو لفظ است در انواع حروف، اعداد، هیئت و ترتیب آن‌ها و اگر هر دو لفظ از یک نوع از انواع کلمه باشند؛ یعنی هر دو اسم یا فعل یا دو حرف باشند، آن را جناس مماثل می‌نامند، خواه موافق باشند در افراد و جمعیت و خواه مخالف باشند در افراد و جمعیت و اگر مخالف باشند در اسمیت و فعلیت و حرفیت، آن را جناس مستوفی گویند (امیدی و جلوداریان، ۱۴۰۰، ص. ۴۹). جناس تام در عربی و فارسی به واژه‌ی گفته می‌شود که از لحاظ نوشتاری و گفتاری، کاربرد یکسان داشته، اما از نگاه معنا متفاوت باشند. از آن جایی که تعداد جناس تام نسبت به جناس غیر تام، در زبان، کاربرد محدود دارد، استفاده این ترفند بدیعی و زیبا در شعر حیدری جودی نیز کاربرد کمتر دارد:

عید است، ندانم به نگارم چه نگارم شوری که جنون مایه شعر است ندانم

(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۹)

در این بیت، وجودی واژه "نگارم" را یک بار به معنای معشوقه‌اش به کار برده و بار دوم به معنای نوشتن به کار برده که از نظر لفظی و شکلی یکسان است، اما در معنا باهم متفاوت اند. پایه‌های جناس در تلفظ همسان و در معنا تفاوت دارند. این گونه جناس را که موسیقایی‌ترین نوع آن است و در ادبیات فارسی کاربرد فراوان دارد که به نام جناس تام یاد می‌شود. جناس تام بر موسیقی درونی مصرع یا جمله می‌افزاید. مثال دیگر:

سوختم بی تو شب و روز تپیدم آخر خویش را هم سبق ماهی و ماهی کردم
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۲۹)

در بیت فوق ماهی اول به معنای یک حیوان که در آب زندگی می‌کند و ماهی دوم به معنای ماه است. همان‌طور واژگان چنگ در بیت زیر نمونه دیگر از این نوع جناس می‌باشد:

ای عشق تو نایی فراسوی زمانی در چنگ تو من همچو نی و چنگ و ربابم
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۱۴)

در بیت بالا واژه چنگ نخست به معنای پنجه و چنگ دوم یکی از آلات موسیقی است که در حقیقت جناس تام را تشکیل داده اند و باعث زیبایی آفرینی در این بیت شده‌است.

ای عشق! به صد رنگ مرا در دادی خاکستر من به باد سر، سر دادی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۱)

گل کرده‌است شش جهت از بیسویی تو هرسوکه چشم باز شود سوی، سوی توست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۹)

در ابیات بالا واژه سر نخست به معنای قسمت از بدن و سر دوم به معنای رها کردن است. و واژه سوی اول به معنای جهت و مسیر و سوی دوم به معنای طرفدار است که به صورت مکرر آمده اند و باعث زیبایی در کلام شده‌اند.

۲. جناس غیر تام یا ناقص

هرگاه در کلام واژه‌های متجانس از نظر لفظی و خطی تفاوت داشته باشند، جناس غیر تام است. جناس غیر تام گونه‌های متفاوت دارد که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود:

۳. جناس زاید

جناس زاید آن است که کلمه متجانس از دیگری به حرفی زیادت باشد. یا جناس زاید آن است که یکی از دو واژه متجانس یک یا چند حرف در آغاز یا میان یا پایان بیش از دیگری داشته باشد که سه نوع است، زاید در آغاز، زاید در وسط و زاید در آخر. به عبارت دیگر، هرگاه

در جناس غیر تام واژه‌های متجانس نسبت به دیگری حرف بیشتر داشته باشد، جناس زاید است (اسلامی، ۱۴۰۱، ص. ۳۲۴).

۱-۳. جناس زاید در آغاز:

برای خوبی اشعار خود شام و سحر
زموی زروی تو من آب و تاب می‌خواهم
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۳)

در بیت بالا واژه‌های آب و تاب در مصرع دوم به کار رفته است که واژه تاب در آغاز یک واج اضافه نسبت به واژه آب دارد. مثال‌های دیگر:

به بحری که آفاق در وی گم است
دلیم آشنا با شنا ساخته
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۴۴)

از دوری یار و ماتم ده و دیار
مردم همه‌گی به خون نشسته، چه کنم
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۴)

از نام تو عطر صد چمن می‌آید
عطری که نه در زبان من می‌آید
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۸)

ای روی تو آیینۀ انوار وجود
وی موی تو شیرازۀ دیوان شهود
بروی تو رمزی است ز اسرار سجود
ای چشم تو دریاچه هر بود و نبود
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۹)

به درگاهت فتاده عذر خواهی
ز تو خواهد نگاه گاه گاهی
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۳۲)

یک عمر به کوی نامرادی
بی یار و دیار گریه کردم
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۲۸)

۲-۳. جناس زاید در میان واژه‌ها:

اسیر دام زور و زر به زنده‌گی نمی‌شوم
به مرگ فخر می‌کنم دم وطن نمی‌خورم
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۵۲)

در بیت فوق بین واژه‌های زور و زر جناس وجود دارد که واژه زور در وسط یک حرف اضافه نسبت به زر دارد. نمونه‌های دیگر:

آن لحظه ز هر چه هست آزاد شوم
کاندر دل من یکی شود ناز و نیاز
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵۸)

ای نام مبارک تو زیب دل من
رام و رم جان توست تاب و تب من
(حیدری و جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵۸)

بی جان تو ای جان جهان نتوان زیست	بی جسم تو ای روحروان نتوان زیست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۰)	
ای آن که مرا جان و جهان و جانی	گرمی دل و روشنی ایمانی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۵)	
رفیق و رهبر آواره گانی	تو یار و یاور بی چاره گانی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۳۳)	
اکنون که خزان شده بهارم	در هجر تو ریخت برگ و بارم
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۰۴)	
من ماهی حضور تو دریاچه های نور	دوری مکن که تاب و تب انتظارم نیست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۱)	
هنوز آتش بیداد زور و زر باقی ست	هنوز سیر دراین ورطه خطر باقی ست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۴)	
هنوز عشق غیور تو را بهایی نیست	هنوز در دل ایام شور و شر باقی ست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۴)	

۳-۳. جناس زاید در پایان واژه ها:

رها کرده از بند بندم چونی	محبت مرا با نوا ساخته
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۴۴)	
در بیت فوق میان واژه های بند و بندم جناس وجود دارد که در اخیر واژه بندم یک حرف اضافه نسبت به واژه بند دارد. نمونه های دیگر از جناس زاید در پایان واژه ها:	
تو گوهر پاک پاک جان جانی	من موج ز خود رفته دریای توام
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵۹)	
با توی تو من با همگانم همه جا	اما بی تو در همگان نتوان زیست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۰)	
دستمال تو گرمی روانت دارد	عطر تن پاک مهربانت دارد
می بویم بر سینه خود می نهمش	در سینه که عکس جان جانت دارد
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۶)	
به درگاہت فتاده عذرخواهی	ز تو خواهد نگاه گاه گاهی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۳۲)	

باشد که به من کنی نگاهی ای نور دو دیده! گاه گاهی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۰۴)

زان‌گه که به چشم غیر، غیرش دیدم حق می‌داند، حال چسان است مرا
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۷۵)

۴. جناس اختلاف حرف

جناس اختلاف حرف به جناسی گفته می‌توانیم که واژه‌های متجانس در آغاز، وسط و یا
اخیر یکی از حروفشان از هم‌دیگر فرق داشته باشد (گرکانی، ۱۳۷۷، ص. ۲۰۷) که انواع
مختلف دارد:

۱-۴. اختلاف در حرف آغازین:

ای خاک پاک حضرت سلطان انبیا ای آن که هست در دل تو خانه خدا
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۲۹)

در بیت فوق واژه‌های خاک و پاک در آغاز در یک حرف با هم تفاوت دارند و در حروف
دیگر مشابه هستند. نمونه‌های دیگر:

برای خوبی اشعار خود شام و سحر ز موی ز روی تو من آب‌وتاب می‌خواهم
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۳)

ای بسته به تار تار مویت دل من شد آینه‌دار رنگ و بویت دل من
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵۷)

گر ساحة عرش و فرش گیرد دل ما باشد خط عجز در جبین من و تو
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۳)

ای دل به هزار حيله رامم کردی پابند به صد دانه و دامم کردی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۵)

دروازه شهر مهر و کینم بر بند لب از کم و بیش و کفر و دینم بر بند
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۵)

دردا که شکست پیکر لاغر من جز درد و غمت نماند در ساغر من
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۷۳)

چشمی که باز شد به تماشای باغ دل رخشنده نیست کوکب سیمین چو داغ دل
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۲۹۴)

۲-۴. اختلاف در حرف وسط:

جز دردوغم از عشق توام حاصل نیست بین من و تو چیز دیگر حایل نیست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵۹)

در بیت بالا میان واژه‌های حاصل و حایل جناس وجود دارد که در حرف وسطی باهم
اختلاف دارند. همان‌طور ابیات زیر نیز دارای جناس اختلاف حرف در وسط می‌باشند:

ای عشق! دل و دیده من روشن دار کز لطف خدا صاحب روغن شده‌ای
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۴)

نیش و نوش هجر و وصال آخر مقبول دل طالب و مطلوبم کرد
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۴)

میخورد خاروگل این باغ از یک ریشه آب در گلستان معانی فرق نور و نار نیست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۱)

شعر ما شور داری کاروان نعره شاد مقام زنده‌گی
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۵۱)

در شهر با حلاوت کابل نوشته‌ام بس روزگارها خط و کاکل نوشته‌ام
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۲)

زیر وبم تو تو زیر و زبر ساخت وجودم دل می‌برد آهنگ رسایی که تو داری
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۴۸۶)

۳-۴. اختلاف حرف در اخیر:

عشق اگر بیپرده گردد در تجلیگاه حسن از چراغ داغ روشن سینه را سینا کنم
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۷)

به هر زمینی که نباشد وفاق دیده و دل بحکم عشق نشانی زملک وملت نیست
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۸)

در سنگر مبارزه با لشکر فراق با سینه فراخ و جبین گشاده‌ام
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۳)

با جان و دل به انجمن خلوتم بیا ای مظهر سرود و سرور محبتم
(حیدری وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۱۴)

۵. جناس مکرر

جناس مکرر آن است که دو واژه متجانس در آخر سجع‌ها یا با قافیه کنار هم بیایند. در حقیقت جناس مکرر، جناس خاصی نیست، بلکه همان جناس تام است که مکرر می‌آید. اگر دو واژه همگون در آخر قرینه‌های مسجع یا بیت‌ها در پهلوی هم بیایند، جناس مکرر را می‌سازند (اشراقی، ۱۳۹۵، ص. ۵۱). مثال:

گل کرده‌است شش جهت از بیسویی تو هر سو که چشم باز شود سوی، سوی توست
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۹)

در بیت فوق واژه سوی اول به معنای جهت و مسیر است و واژه سوی دوم به معنای طرفدار است که به صورت مکرر آمده و باعث زیبایی در کلام شده است. مثال دیگر:

امروز به رنگ رنگ زردت نازم اشک جان سوز و آه سردت نازم
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۷۹)

۶. جناس خط

در جناس خط، واژه‌های متجانس از نظر خطی یکسان‌اند و تنها از نظر نقطه‌گذاری باهم اختلاف دارند، مانند نارنج و تاریخ که از نظر خط، یکی‌اند و از نظر نقطه تفاوت دارند (امیدی و جلوداریان، ۱۴۰۰، ص. ۵۴). مثال:

نمرود روزگار که خصم خلیل بود جاهل ز مکر و حکمت رب جلیل بود
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۶۳۷)

در بیت فوق واژه‌های خلیل و جلیل که واژه‌هایی متجانس هستند، در خط یکسان، اما در نقطه باهم اختلاف دارند که جناس خطی را تشکیل داده و باعث زیبایی کلام شده‌اند. مثال‌های دیگر:

قربان شوم ترا، همه ممنون خوی توست جاری حرارت نگه مهر جوی توست
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۹)

به چشم باز، تو را ای بهار ناز! ندید گلی ز گلشن حسنت به صد نیاز نچیدم
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۱)

یاد باد آن که دلم محو تماشای تو بود دیده‌ام آیینۀ آینه‌داران تو بود
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۲)

من بیشتر از پیش، تو را می‌جویم بیرون ز کم و بیش، تو را می‌جویم
(حیدری جودی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵۹)

ز بی‌ثباتی لیل و نهار خسته شدم ز زرد و سبز و خزان و بهار خسته شدم
(حیدری‌وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۳۲)

۷. جناس لفظ یا حرکی

جناس حرکی یا لفظی، یکسانی دو یا چند واژه در هم‌خوان‌ها و اختلاف آن‌ها در واکه‌های کوتاه است. تکرار هم‌خوان‌ها موسیقی درونی مصرع‌ها را پدید می‌آورد (اشراقی، ۱۳۹۵، ص. ۵۶). دو کلمه متجانس که از نظر لفظ یکسان باشند، جناس لفظی یا حرکی‌اند، ولی در حرکات تفاوت دارند. این نوع جناس بدون توجه به خط در حقیقت جناس تام است، اما از نظر حرکات باهم تفاوت دارند و از نظر دیداری جناس تام نیستند (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵، ص. ۲۹). مثال:

بُود به خلوت آیینۀ تو پرتو مهرم من از نگاه تو این راز سر به مهر شدم
(حیدری‌وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۳۴۱)

در این بیت واژه‌های مهر و مهر باهم جناس را تشکیل داده‌اند. مهر به معنای محبت و مهر به معنای تاپه است. این کلمه‌ها از لحاظ خط و شکل یکسان هستند، اما در تلفظ و حرکات باهم فرق دارند که جناس لفظی یا حرکی یاد می‌شود. مثال‌های دیگر:

زیر و بم تو زیر و زبر ساخت وجودم دل می‌برد آهنگ رسایی که تو داری
(حیدری‌وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۴۸۶)

در این بیت واژه "زیر" دو بار به کار رفته است که در خط و شکل یکسان هستند، اما در تلفظ متفاوت‌اند.

۸. جناس مرکب

جناس مرکب آن است که یکی از دو جزء متجانس یا هر دو، واژه‌های مرکب باشند یا از دو واژه تشکیل شده باشند. جناس مرکب در حقیقت جناس تام است، منتها از نظر دستوری و گاه جدا یا پیوسته نوشتن، متفاوت است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵، ص. ۲۷).

یاد باد آن‌که دلم محو تماشای تو بود دیده‌ام آیینۀ آیینۀ‌داران تو بود
(حیدری‌وجودی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۲)

در این بیت مولانا حیدری‌وجودی، واژه آیینه را یک‌بار به‌صورت ساده به معنی متعارف آن استفاده کرده و بار دیگر به شیوه ترکیبی "آیینۀ‌داران" به معنی تماشاچیان یا مشتاقان استفاده کرده‌است.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی جناس در شعر حیدری وجودی، شاعر و عارف معاصر زبان و ادبیات فارسی انجام شده است که در پی پاسخ به این پرسش بود که شاعر چگونه و تا چه میزان از جناس و انواع آن در آرایش و زینت کلام خویش بهره گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شعر حیدری وجودی، سرشار از انواع جناس که می‌توان آن را عنصر مهم و برجسته در ساختار هنری و بلاغی دیوانش به شمار آورد. در شعر او، بیش‌ترین کاربرد را جناس غیر تام دارد و به صورت مشخص‌تر جناس زاید و جناس اختلاف حرف، کاربرد بیشتر و گسترده‌تری نسبت به دیگر انواع دارند. جناس تام و مرکب نسبت به گونه‌های دیگر، کاربرد و بسامد کمتری دارند، اما در موارد استعمال، نقش برجسته‌تری در ایجاد موسیقی درونی کلام و تأکید معنایی ایفا می‌کنند. هم‌چنان کاربرد جناس در شعر حیدری وجودی تنها جنبه آرایشی و لفظی ندارد، بلکه این ترفند با ساختار معنایی و عرفانی شعر او نیز پیوند دارد. بهره‌گیری آگاهانه از آرایه جناس، باعث آهنگینی درونی کلام و افزایش جذابیت هنری و ایجاد هماهنگی میان لفظ و معنا در شعر او شده است.

از تحقیقات حاضر به این نتیجه می‌رسیم که حیدری وجودی به جهت زیباسازی کلامش به صورت گسترده از ترفند جناس استفاده کرده است و بسامد جناس غیر تام در کلامش بیشتر است. بررسی جناس در شعر حیدری وجودی نه تنها به شناخت دقیق‌تر سبک فردی او می‌انجامد، بلکه می‌تواند در تحلیل دگرگونی‌های بلاغی شعر معاصر فارسی نیز نقش داشته باشد و جایگاه او را در سنت بلاغت (زیبایی‌شناسی) ادب عرفانی معاصر روشن‌تر سازد.

منابع و مآخذ

- آروین پور، تاج‌الدین؛ رون، مهسا و قافله‌باشی، سید اسماعیل. (۱۴۰۱). تجلی مضمون عشق در شعر عرفانی معاصر افغانستان با تکیه بر اشعار مجنون‌شاه کابلی، مستان‌شاه کابلی و حیدری وجودی. فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۴(۳۰)، ۷۱-۱۰۲.
- <https://doi.org/10.22051/jml.2022.41571.2396>
- اسلامی، اسماعیل. (۱۴۰۱). زیبایی‌شناسی جناس در دیوان شاب‌الظریف. فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، ۱۳(۵۳)، ۳۱۵-۳۴۰.
- <https://www.magiran.com/p2558278>
- اشراقی، سید علی محمد. (۱۳۹۵). زیبایی‌شناسی شعر دری بدیع. کابل: سعید.
- امیدی، ایوب و جلوداریان، امید. (۱۴۰۰). بررسی زیبایی‌شناسی جناس در لیلی و مجنون نظامی گنجوی. مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، ۱۲(۲۵)، ۳۹-۶۸.
- <https://doi.org/10.22075/jlrs.2020.19270.1627>

به‌رقم، نعمت‌الله و ارشی، صادق. (۱۴۰۳). جلوه‌ سوویه‌های جناس در بدیع فارسی و عربی. نشریه

علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۹(۲)، ۱۰۹-۱۲۲.

<https://doi.org/10.30473/prl.2025.74132.2156>

حیدری‌وجودی، غلام‌حیدر. (۱۳۹۹). دیوان حیدری‌وجودی. کابل: عازم.

تاج‌بخش، اسماعیل و سعیدی‌نیا، احسان. (۱۳۹۲). جناس در غزل شهریار. فصل‌نامه تخصصی

سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار/ادب)، ۶(۱)، ۹۳-۱۰۸.

https://bahareadab.com/article_id/412

شفقت، شفیق‌الله و افضل، بلال‌احمد. (۱۴۰۴). بررسی مضامین اخلاقی و اجتماعی در اشعار حیدری-

وجودی، دوفصل‌نامه علمی-تحقیقی عینک، ۲(۴)، ۷۳-۹۶.

قویم، عبدالقیوم. (۱۴۰۰). مروری بر ادبیات معاصر دری. بخش نخست. کابل: سعید.

گرکانی، حاج‌محمدحسین شمس‌العلماء. (۱۳۷۷). بدع/البدایع (جامع‌ترین کتاب در علم بدیع فارسی).

به‌اهتمام حسین جعفری با مقدمه دکتر جلیل تجلیل. تبریز: احرار.

وحیدیان کامیار، دکتر تقی. (۱۳۸۵). بدیع/از دیدگاه زیبایی‌شناسی. تهران: سمت.